سینما در ویدئو

راهنمای فیلم‌های مجاز ویدئو در ایران





بخش اول: معرفی فیلم

- شناسنامه ● داستان ● بررسی ● بیوگرافی
- نقد تازه‌ترین فیلمها از منتقدان سرشناس دنیا

بخش دوم: گفتگو

- با مسئولان نهادهای ناظر بر امور ویدئو
- با دست‌درکاران تکثیر و توزیع نوارهای ویدئو

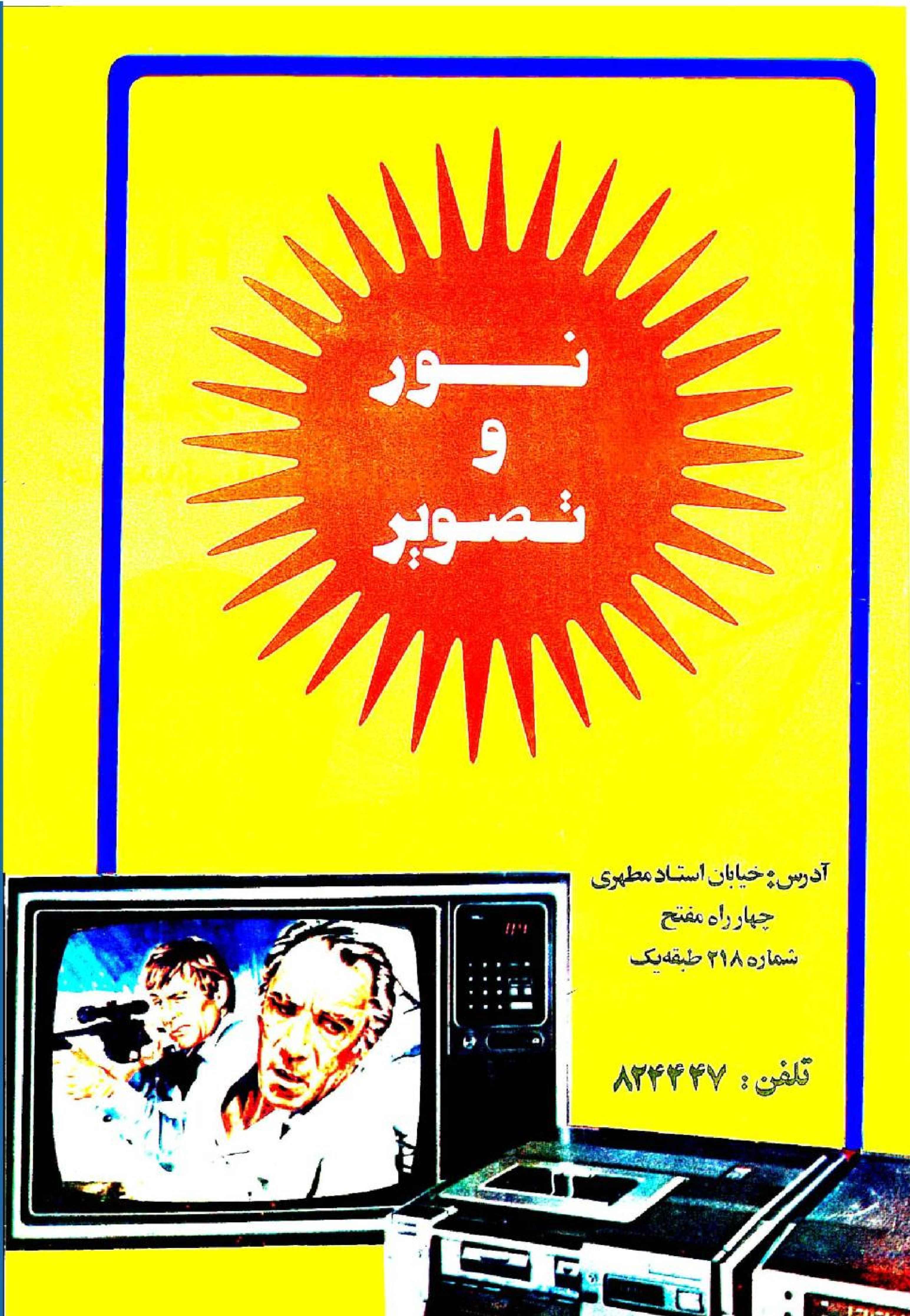
بخش سوم: مباحث تکنیکی

- تاریخچه پیدایش ویدئو ● آخرین تحولات تکنیکی
- نکاتی دربارهٔ تعمیر و نگهداری ● ترجمه کاتالوگ دستگاهها و دوربین‌های ویدئو

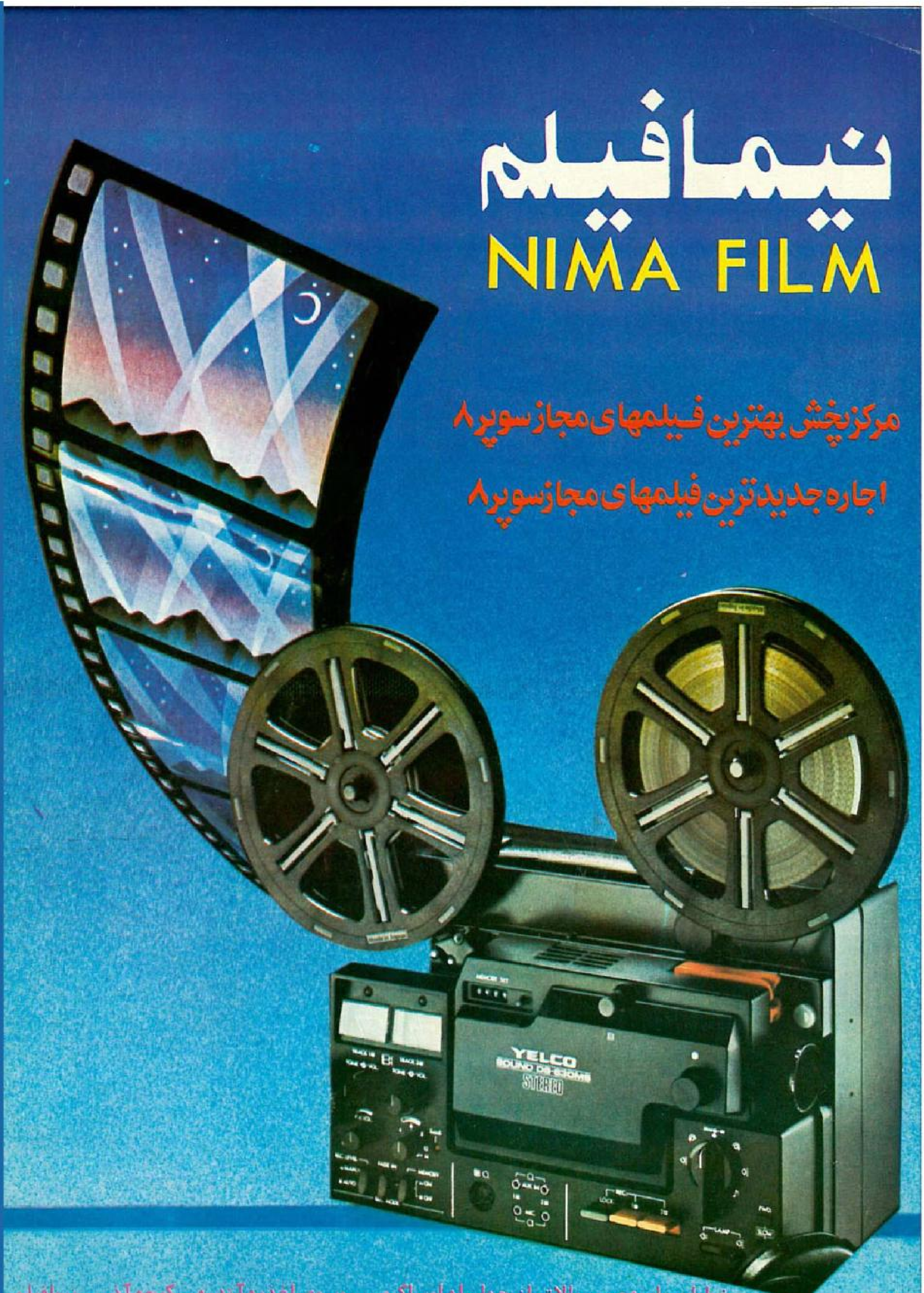
بخش چهارم: نشانی و تلفن

- ویدئو کلوب‌ها ● تعمیرکاران تلویزیون و ویدئو
- فیلمبرداران سوپر هشت و تصویربرداران ویدئو ● و . . .





نور
و
تصویر
آدرس: خیابان استاد مطهری
چهار راه مفتح
شماره ۲۱۸ طبقه یک
تلفن: ۸۲۴۴۴۷


نیما فیلم
NIMA FILM
مرکز پخش بهترین فیلمهای مجاز سوپر ۸
اجاره جدیدترین فیلمهای مجاز سوپر ۸
YELCO
STEREO
خیابان ولی عصر ـ بالاتر از چهارراه امیراکرم ـ روبروی اغذیه آندره ـ کوچه آذر ـ نیما فیلم
تلفن: ۶۴۱۰۳۹ Tel : 641039

□ سینما در ویدئو

□ راهنمای فیلمهای مجاز ویدئو

□ کتاب اول (۱۵۲ صفحه) ـ تیرماه ۱۳۶۱

□ خدمات چاپ و انتشار: فربد (شماره ثبت ۳۰۶۴۲)

□ آتلیه (سینما در ویدئو) : تلفن ۸۹۸۲۴۹

□ فیلم و زینک: لیتوگرافی امیر

□ چاپ، رنگین

□ مرکز پخش: نجات‌الهی «ویلای شمالی» بالاتر از سپند ، شماره ۵۲ ـ طبقه چهارم تلفن: ۸۹۸۲۴۹

□ قیمت ۲۵ تومان

● ... به‌عهده تئاترها و سینماها است ، اینها می‌توانند نیروی ما را تقویت و تربیت کنند و خدمتشان ارزشمند است .

امام خمینی

● ... میخواهیم هنر در این جامعه باشد ، زیرا هنر مکمل وجود انسان و جامعه است . می‌خواهیم هنر باشد تا زبان هنر برای گفتن و چشم هنر برای دیدن بسته نباشد

حجت‌الاسلام خامنه‌ای
رئیس‌جمهور

● ... هنر را از انحصار سرگرمی و زندان اشراف نجات دهید و در خدمت توده‌های محروم و اصلاح منحرفان درآورید .

حجت‌الاسلام رفسنجانی
رئیس مجلس شورای اسلامی

● ما اجازه نخواهیم داد شاخه‌های مختلف هنر بخشکد ... ضوابط فقهی اسلام نه تنها هنر را نابود نمی‌کند بلکه‌میدان وسیعتری دراختیار هنر و هنرمندان می‌گذارد

حجت‌الاسلام معادیخواه
وزیر ارشاد اسلامی

مقدمه

کتابی که پیش رو دارید ، برمبنای ضرورت‌هائی که برخواهیم شمرد ، چاپ و نشر یافته است : ویدئو و شاخه‌های مربوط به آن ، در جامعه‌ی امروزی ما ، می‌تواند به عنوان ابزاری سازنده در جهت ایجاد فرهنگ سالم سینمائی تماشاگر و رشد دهنده‌ی شناخت او از "سینما" ــ در مفهوم اصیل و ناب ــ آن کارساز باشد . همه‌ی مسئولان مربوطه نیز ، در این نکته همصدا هستند . و بر این اعتقاد پا می‌فشارند که : فعالیت هنری ، در چهارچوب مقررات تعیین‌شده و در جهت اعتلای هنر سینما و شناخت درست آن بدور از هرگونه کجروی و انحراف ، نه تنها مورد تائید است که جای تشویق هم دارد . با چنین مقدمه‌ای ، کتاب حاضر ، با نیت این که در حد امکانات ، شناخت درستی از درونمایه‌ی فیلمهای مجاز و سابقه‌ی فیلمسازی و نوع نگرش کارگردانان این فیلم‌ها به دست دهد . انتشار یافته است . بررسی‌های کوتاهی که ازین فیلم‌ها به عمل آمده مبتنی بر دستیابی به ارزشهای هنری سینماست . همچنین تعیین این که آیا فیلم درنیل به منظور خود ــ ایجاد هیجان ، برانگیختن عاطفه و القاء پیام . . . ــ توفیق سینمائی یافته است یا نه . این نکته را اضافه کنیم و بگذریم : در بررسی تمام فیلمهائی که حامل پیام‌هائی جدی در ارتباط با اجتماع هستند ، نکته بینانه و دقیق برخورد کرده‌ایم .

■

در بخش نخست ، حدود ۱۰۰ فیلم مجاز ــ براساس لیست منتشر شده‌ی اتحادیه ــ را معرفی و بررسی کرده‌ایم . به اضافه‌ی بیوگرافی کارگردانان فیلم‌ها کااین خود میتواند مرجعی باشد برای آنانکه سینما را به طور جدی دنبال می‌کنند . به جز معدودی ، نام اصلی فیلم‌ها را ــ به لاتین ــ آورده‌ایم تا تغییرات چند باره‌ی نام فیلمها در اینجا ، خللی در شناخت نام اصلی آنها ایجاد نکند . در کتاب‌های بعدی ، به همین تعداد فیلم و به همین شیوه عمل خواهد شد .

■

پای گفتگوی دست‌اندرکاران ، بخش دوم کتاب را تشکیل می‌دهد . با ذکر این نکته که قصد آن داشتیم تا با مسئولان وزارت ارشاد اسلامی نیز ــ مشخصا آقای مهدی کلهر ــ در این زمینه ، گفتگو کنیم که محظور سفر ایشان پیش آمد و ممکن نشد .

■

بخش سوم ، برای آنانکه تحولات تازه‌ی ویدئو را دنبال می‌کنند و نیز خواستار راهنمائی‌هائی جهت حفظ و نگهداری ویدئو هستند ، نتیجه‌بخش خواهد بود . از این طریق با رعایت راهنمائی‌هائی که نوشته شده ، به راحتی میتوان از خرابی این دستگاه جلوگیری کرد .

■

نکته‌ای که درباره‌ی بخش آخر باید گفت این که : درقسمت اول نشانی‌ها و تلفن‌هائی که‌به‌چاپ رسیده برخی فاقد تلفن و بعضی دیگر فاقد نام هستند ، این کمبود متوجه‌ی لیست‌هائی‌ست که از سوی اتحادیه‌ها در اختیار کتاب گذاشتند . بخش‌های بعدی آدرس‌ها و تلفن‌ها میماند تا بعد .

میماند خستگی تلاشی چند ماهه بر دوش نویسندگان ، تدوین‌کنندگان ، طراحان و همه‌ی آنهائی که به نیت ایجاد فضای سالم سینمائی در این "گام" همقدم شدند تا شاید سهمی در بوجود آوردن فرهنگ و شناخت سینما داشته باشند ، باشد که در پناه چنین فرهنگی ، ارزشهای راستین هنر سینما بارور شود .

فهرست

بخش اول: معرفی فیلم



علامت ها:

■ داستان

□ درباره فیلم

• دربارهٔ کارگردان

اعداد داخل پرانتز ، جلوی نام برخی کارگردانها در شناسنامهٔ برخی فیلمها ، ارجاع به صفحاتی است که دربارهٔ آن کارگردان نوشته شده است .

فیلمهای معرفی شده (به ترتیب حروف الفبا)

فیلمهای ایرانی

● آخر زمان Apocalypse Now

کارگردان : فرانسیس فورد کاپولا
فیلمنامه: کاپولا ـ جان میلیوس
فیلمبردار: ویتوریو استورارو
بازیگران: مارلون براندو ـ رابرت دووال ـ مارتین شین، فرد فورست ـ آلبرت هال

در زمان جنگ ویتنام و حضور نظامی آمریکا دراین کشور، به ملوانان یک قایق گشتی آمریکائی ماموریت داده‌می‌شود که یک افسر اطلاعاتی را از طریق رودخانه‌به کامبوج برسانند تا او با "سرهنگ کورتز"، ملاقات کنـد. سرهنگ کورتز، یک شخصیت اسرارآمیز و جنایتکار اسـت که دهکده‌های زیادی را نابود و عده‌ای زیادی را قتل‌عام کرده است. در جریان این سفر، برخوردهائی میان این افسر اطلاعاتی و چند تن ازملوانان قایق رخ می‌دهد، در حالیکه کشتار ویتنامی‌ها، در متن این حوادث، همچنان ادامه دارد. .

در میان فیلمهائی که پس از پایان جنگ ویتنام در بارهٔ این جنگ (له و علیه آن) ساخته شده، این فیلم مشهورترین و بحث‌انگیزترین آنها بوده است. این‌بحث انگیزی، نه بخاطر محتوای آن، که فیلمهای دیگر هم یا آمریکا را محکوم و یا از آن پشتیبانی کرده‌اند؛ بلکه به دلیل ساخت بهت‌انگیز و ابعاد اعجاب‌آورتکنیکی آن است. " آخر زمان" براساس کتاب "قلب تاریکی" اثر "جوزف کنراد" ساخته شده و پنجاه میلیون دلار هزینه داشته‌است. کاپولا، برای فیلمش، یک جنگ واقعی می‌سازد


پشت صحنه فیلم: دووال و کاپولا

او بهیچ وجه از ماکت و حقه‌های سینمائی استفاده‌نکرده و همه چیز، بمباران و گلوله‌باران و انفجار و تمامی ابعاد جنگ را بطور واقعی، در مقابل دوربین ساخته است. از این جهت، "آخر زمان" یک تجربهٔ تازهٔ و شگفت‌انگیز در سینماست. به‌علاوه که بازیهای خوب و فیلمبرداری فوق‌العاده‌ای نیز دارد.

●

"فرانسیس فوردکاپولا" ـ متولد ۱۹۳۹ در شهـر دیترویت از ایالت میشیگان امریکا ـ از ردهٔ فیلمسازان نسل تازهٔ آمریکاست که در اندک مدتی از شهرت واعتبار فراوانی برخوردار شده است. فرانسیس در ۹ سالگی بـه بیماری فلج مبتلا شد و به همین جهت پاهایش کوتاه‌ماند نخستین ذوق‌آزمائی او در زمینهٔ نمایش، تئاتر عروسکی بود. در فاصلهٔ سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ در مدرسهٔ سینمائی لوس‌آنجلس تحصیل کرد. پس‌از آن به دعوت "راجر کورمن" فیلمساز آمریکائی، دستیار او شد.

نخستین فیلمی که کاپولا ساخت، "دیمنتیا ۱۳" (۱۹۶۲) بود و در ۲۷سالگی، فیلم دومش" تو حالا پسر بزرگی هستی" (۱۹۶۷) را ساخت که یک میلیون دلار صرف آن شد و مورد توجه قرار گرفت. فیلم‌های بعدی کاپولا، یک موزیکال به نام "رنگین‌کمان فینیان" (۱۹۶۷) و " مردم بارانی" (۱۹۶۹) بودند. سرانجام، با "پدر خوانده" (۱۹۷۱) به شهرتی فراوان رسید و فیلمش چند جایزه اسکار گرفت. "مکالمه" (۱۹۷۴) جایزهٔ نخست جشنوارهٔ کان را ربود و "پدر خواندهٔ دوم" (۱۹۷۴) موفقیت‌اولین پدرخوانده را تکرار کرد.

کاپولا، فیلمسازی ثروتمند است که فیلمهایش را خود تهیه می‌کند. موفقیت دو«پدرخوانده»نیز به کمکـش آمد و او یک‌کمپانی‌فیلمسازی بناگذاشت تا بتواندراحت‌تر فیلمهایش را تهیه کند و به فیلمسازان دیگر نیز کمک‌کند. کاپولا علاوه بر فیلمهائی که ساخته، فیلمنامهٔ چند فیلم را هم نوشته: از جمله "آمریکن گرافیتی" (ساختهٔ جورج لوکاس) که برای آن کاندید جایزهٔ اسکار شد و همچنین فیلمنامهٔ "گتسبی بزرگ" (ساخته جک کلیتـون) و "ژنرال پاتون" (ساخته فرانکلین شافنر). کاپولا " آخر زمان" رادر سال ۱۹۷۸ ساخت.

●بولت BULLITT

کارگردان: پیتر ییتز

موسیقی: لالوشیفرین

بازیگران: استیو مک‌کوئین– ژاکلین بیسه– رابرت‌وان – رابرت دووال

■

ستوان‌فرانک ،کارآگاه‌خوشنام وموردا‌حترام همکارانش به وسیلهٔ رئیسش مامور حفاظت از کسی می‌شود که قرار است در آغازهفته جهت‌شهادت علیه‌سندیکای‌تبهکاران بعنوان شاهد دردادگاه حاضر شود . اما چند ساعت پس از سپرده شدن این ماموریت به فرانک ، هنگامی که او با همسرش درخانه است ، مطلع می‌شود که "جانی‌راس" – مرد شاهد– کشته شده است . فرانک مسئول مرگ راس شناخته میشود وباید در کارنامه‌اش، این بی‌لیاقتی را با امضای خود صحه بگذارد اما او پی برده است که‌راس پیش از مرگ ، با زنی ملاقات کرده . برای یافتن سر نخ ، بسراغ زن میرود وبا جسدش روبرومی‌شود .ستوان فرانک اینک قدم در ماجرای هول انگیزی گذاشته است . . .

◘

"بولت" یکی ازمشخص‌ترین آثار پلیسی ۲۰سال‌اخیر است‌که‌سازنده‌اش رانیزبه‌شهرت‌رساند .هیجان ودلهره‌ ای که حوادث‌پی‌درپی‌فیلم ایجادمیکند ،یک‌آن تماشاگر را رهانمی‌کند ،علاوه‌برآن ،کارآگاه فیلم وآدمهای دیگر ، مانند آدمهای مکانیکی نیستند بلکه توجه فیلمساز به شخصیت‌های‌فیلم ،آن را ازاین حیث نیز متمایز می کند فیلم بولت دارای یکی ازدرخشانترین صحنه‌های تعقیب با اتومبیل است‌که اکنون‌مشخصهٔ‌کار پیترییتز ونام‌بردن از او ، تداعی کنندهٔ این فصل درخشان شده است .

●

"پیتر ییتز– Peter Yates "متولد ۱۹۲۹ در آلدرشات انگلستان ،کارش را ازمراحل پائین سینما آغاز کرده است اماپیش ازروی‌آوردن به‌سینما ،درکار تئاتر هم به‌عنوان کارگردان و کمک کارگردان فعالیت داشته است. ازجمله‌کارهای او در آغاز کار سینمائی ، دستیاری کارول رید ، فیلمساز مشهور انگلیسی بود . در هالیوود ، او در فاصلهٔ‌فیلمها ، به تهیهٔ صحنه‌های حادثه‌ای و تعقیب با اتومبیل‌می‌پرداخت وبااینکار ،تجربه‌های‌تکنیکی‌باارزشی اندوخت . درسال ۱۹۶۲ نخستین فیلمش " تعطیلات تابستان " را ساخت ودوسال بعد ، "پاندول یکطرفه" را کارگردانی‌کرد . "دستبرد" را در سال ۱۹۶۷ ساخت و سال بعد "بولت" غوغا آفرید و او را بعنوان کارگردانی توانا در خلق حادثه وهیجان شناساند . فیلمهای بعدی اوعبارتند از: جان ومری (۱۹۶۹) – جنگ خصوصی‌مورفی (۱۹۷۲)،(این فیلم دردوسال گذشته دوبار از تلویزیون پخش شده است) –سرقت الماس(۱۹۷۲) – دوستان ادی کویل(۱۹۷۳) – بخاطر پیت (۱۹۷۴) – ژرفنا (۱۹۷۶) – سرایدار (۱۹۸۱) .



●شمال ازشمال غربی
North By Northwest

کارگردان: آلفرد هیچکاک
فیلمنامه: ارنست لهمان
بازیگران: کاری گرانت ــ اوامری سنت

■

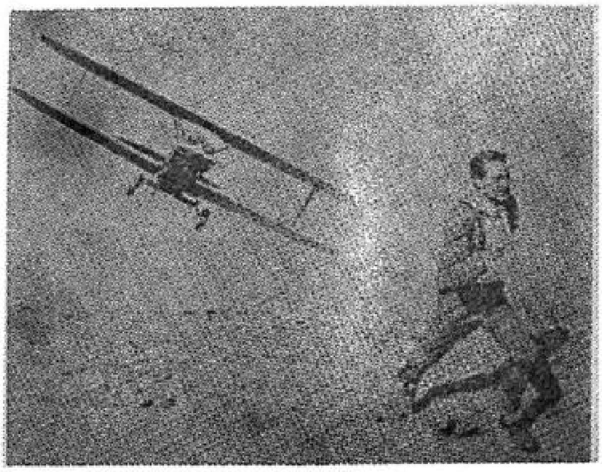
"راجرتورنهیل" بطوراتفاقی، بجای یک مامور دولتی بنام "کاپلان"، به‌اشتباه ربوده‌می‌شود وتاپای مرگ پیش میرود. وی سپس بدون اینکه خودبخواهد، بعنوان قاتل یک دیپلمات سازمان ملل متحد نمایانده می‌شود واز سر ناچاری می‌گریزد. آنگاه برای رهائی از این‌مخمصه، در صدد یافتن کاپلان واقعی برمی‌آید. تورنهیل که تحت تعقیب است، به شیکاگو می‌گریزد. درکمال ناامیدی، به او گفته‌میشودکه کاپلان اورا دربیرون شهر ملاقات‌خواهد کرد. تورنهیل به محل تعیین شده می‌رود اما در آنجا می‌بیندکه یک هواپیمای‌کوچک باسرعت به‌طرف او می ــ آید و...

◘

"شمال ازشمال‌غربی" مثل‌بسیاری‌ازفیلمهای هیچکاک درباره‌ٔ هویت اشتباهی است. فردی‌که بیگناه متهم‌می ــ شود و باید خود را ازمهلکه برهاند. دلهره و اضطرابی که فیلمهای هیچکاک در بیننده ایجاد می‌کندــ و دراین فیلم نمود بارز خودرا داردــ دلهره‌ای درونی‌است که در سرتاسر فیلم گسترده است. او با هر حادثه و هر حرکتی، ضربه‌ای بر تماشاگر می‌زند و او را احاطه میکند. شمال از شمال غربی، از التهابی نفس‌گیر آکنده است و فصل تعقیب با هواپیما اوج این التهاب است.

●

"آلفردهیچکاک"، درهنگامه‌ای‌که بازیگران سینمابیش از فیلمسازان شهرت ومحبوبیت داشتند ودارند، یکی از معدود کارگردانهاــ وبه‌جرات‌میتوان‌گفت تنهاکارگردانی ــ است‌که شهرت واعتباری بیش ازبازیگران سینماداشته است. و این را میتوان یک استثناء در عالم سینما دانست. او را استاد هم لقب داده‌اند! هیچکاک در سال ۱۸۹۹ درلندن متولد شد.



درسال **۱۹۲۲** ساختن فیلم "شماره‌ٔ ۱۳" را آغازکرد اما این فیلم ناتمام‌ماند. درسال۱۹۲۵، نخستین فیلمش "باغ‌لذت" را ساخت. دیگر فیلمهای مشهور هیچکاک عبارتند از: مستاجر (۱۹۲۶)ــ رینگ (۱۹۲۷)ــ جنایت (۱۹۳۰)ــ مردیکه زیاد می‌دانست (۱۹۳۴و۱۹۵۵ــ این فیلم را هیچکاک دوبار ساخته، واین هم یک استثناء است)ــ سی‌ونه‌پله (۱۹۳۵)ــ طلسم‌شده(۱۹۴۵)ــ پرونده پارادین (۱۹۴۷)ــ طناب(۱۹۴۸)ــ پنجره‌ٔعقبی(۱۹۵۴) ــ مردعوضی (۱۹۵۷)ــ سرگیجه (۱۹۵۸)ــ شمال‌ازشمال غربی (۱۹۵۹)ــ پرندگان (۱۹۶۳)ــ مارنی (۱۹۶۴) ــ پرده‌ٔپاره (۱۹۶۶)ــ توپاز (۱۹۶۹)ــ جنون (۱۹۷۲)ــ توطئه‌ٔ خانوادگی (۱۹۷۶).

هیچکاک در سال ۱۹۸۰ پس از یک زندگی پربار درــ گذشت. فرانسواتروفو فیلمسازمعروف‌که زمانی منتقدفیلم بوده واز مریدان هیچکاک است‌معتقد است: "... امروز دیگر کسی نمانده که لازم باشد درباره‌ٔ هیچکاک متقاعد شود... او یک واقعیت تثبیت شده است".

●سی‌بل
Sybil

کارگردان: دانیل پتری
بازیگران: جوان وودوارد ــ سالی فیلد

■

دختر جوانی‌که‌دوره‌ٔ تربیت‌معلم را میگذراند، دچار بیماری چندشخصیتی میشود: دخترآموزگاری که در هارلم زندگی میکند، دختری علاقمند به هنر، اما بدون اعتماد



به‌نفس، دختری بالهجهٔ فرانسوی و تیپ بورژواها، و . . .

یک زن روانکاو برای ریشه‌یابی بیماری او، ومعالجه‌اش، به‌کمک دخترجوان می‌آید. روانکاو میکوشد ازطریق گفتگو با وی وپیگیری گفته‌های او، سبب بیماری را پیداکند. در این جستجو، که با کندوکاو در گذشتهٔ دختر همراه‌است، سررشتهٔ بیماری روانی دختر، به دورهٔ کودکی و وجود مادرش می‌رسد. پس از این کشف، کوشش برای معالجهٔ بیمار ادامه می‌یابد.

▣

فیلم به دلیل موضوعش و همچنین نوع آن (ترسناک) ساختمان‌وفرمی پر پیچ و خم دارد که بتواند تا پایان، تماشاگر را در التهاب و انتظار نگه دارد: با بازگشت به گذشته (فلاش‌بک) های‌فراوان ودوباره پیوندبه زمان پی‌جوئی بیماری و معالجه، یک مسیر دائمی رفت و برگشت ازآغاز تا پایان‌فیلم وجوددارد و در انتها نیز با گفتاری توضیح‌دهنده، فیلم به سرانجام میرسد.

فیلمساز، البته میکوشدپیامهای اجتماعی واخلاقی نیز بدهد، اما به دلیل شکل کارش، روشن است که‌دلهره و هیجان و ترساندن تماشاگر، هدف اولش است.

●

"دانیل پتری" – متولد ۱۹۲۰– یک فیلمساز و بازیگر باسابقهٔ سینما و تئاتر است. پس از مدتی بازیگری، با کارگردانی فیلم تلویزیونی "شاهزاده وگدا" فیلمسازی را آغازکرد و بطور مداوم، در سینما و تلویزیون به فعالیت پرداخت. حاصل‌سالها تجربه‌اندوزی پتری، بافت تکنیکی محکم اوست‌که درفیلم "سی‌بل" نیز میتوان‌مشاهده‌کرد.

عمده فیلمهای دانیل پتری عبارتند از: بوتهٔ تمشک (درایران: تمشک وحشی) – فرار از سرنوشت – ساعات از دست رفته – عروسک – جاسوسی با دماغ‌سرد – اسلحه و کشیش – موش و گربه (درایران: وقتی که شهر میخوابد) بتسی – سی‌بل.

● گذرگاه کاساندرا
The Cassandra Crossing

کارگردان: ژرژ پان کوزماتوس
موسیقی: جری گلداسمیت
بازیگران: برت لنکستر – ریچار هریس – سوفیا لورن – اواگاردنر – مارتین شین

■

دو جوان درساختمان مرکزی بهداشت جهانی درژنو، به یک ویروس مرگبارآلوده می‌شوند. یکی از آنها میمیرد و دیگری که سوار بر یک قطار مسافربری شده است، همهٔ مسافران را درمعرض‌خطر ابتلا به این ویروس قرارمیدهد. قطار، همچنانکه به پیش‌می‌رود، درقرنطینه قرار می‌گیرد، از سوئی کوشش می‌شود تا کسانی که به سرعت مبتلا به بیماری شده‌انددرمان شوند و ازسوی دیگرتلاش بر این است تا جوان آلوده به ویروس، دستگیر شود. درحالیکه قطار، با سرعت، به سوی یک پل متروک و لرزان در "کاساندرا" می‌رود . . .

▣

گذرگاه کاساندرا، فیلمی پرهیجان و دلهره‌آور است. شیوه‌های هیجان‌سازی فیلمساز نیز به سبب پختگی بیان و تکنیک‌محکم آن، ازنوع هیجانهای کاذب وآبکی‌نیست. او ازهر وسیلهٔ هیجان‌ساز، درحد کمال سود می‌برد و آنگاه آنرا به‌کناری می‌گذارد و وسیلهٔ دیگری را به این منظور جستجو می‌کند و خوب هم می‌یابد. فیلمبرداری خوب، موسیقی خوب، بازیهای خوب، مونتاژ خوب و همهٔ عوامل پدیدآورندهٔ گذرگاه کاساندرا، درحدیست که می‌توان آن را در زمرهٔ بهترین فیلمهای حادثه ای هیجان‌آور قرار داد.

به رغم آنکه در اغلب فیلم‌های حادثه ای تماشاگر پایان هر ماجرا را حدس می‌زند ،گذرگاه کاساندرا پایانی غیرمنتظره ومیخکوب‌کننده دارد .

●

"ژرژپان‌کوزماتوس" فیلمساز جوانیست‌که با همان‌چند فیلم اولش، پا درجای پای بزرگان سینما گذاشت .اودر سال ۱۹۴۳ در جزیرهٔ "کرفو" یٔ یونان متولد شد . در شش سالگی خانواده‌اش به مصر مهاجرت کرد . درجوانی برای تحصیل حقوق‌قضائی به‌لندن رفت ،اما سر از سینما درآورد . او پس از مدتها مطالعهٔ سینما بطور تئوری ، با چند فیلمساز بزرگ به عنوان دستیار همکاری کرد . با اتوپرمینجر در فیلم "اکسدوس" ، با مایکل کاکویانیس در "زوربای یونانی" وچند فیلمساز دیگر.

نخستین فیلم او "بسترگناه" (۱۹۷۰) پختگی‌یک‌فیلم‌ـ سازکهنه‌کار را نشان‌می‌داد و کشتار دررم (۱۹۷۲) جهش دیگری‌برای‌کوزماتوس‌بود .فیلم بعدی‌وی "گذرگاه‌کاساندرا" (۱۹۷۷) نام‌اورابعنوان یک‌کارگردان استخواندار وخوش تکنیک درجهان بلندآوازه کرد . آخرین فیلم وی "فرار ازآتن" (۱۹۷۸) نام‌دارد که در ایران دوبله شده است اما هنوزبه نمایش در نیامده است .

●بوفالوبیل
Buffalo Bill And The Indians

کارگردان : رابرت‌آلتمن

بازیگران : پل‌نیومن‌ـ برت لنکسترـ جرالدین‌چاپلین‌ـ کوین مک‌کارتی

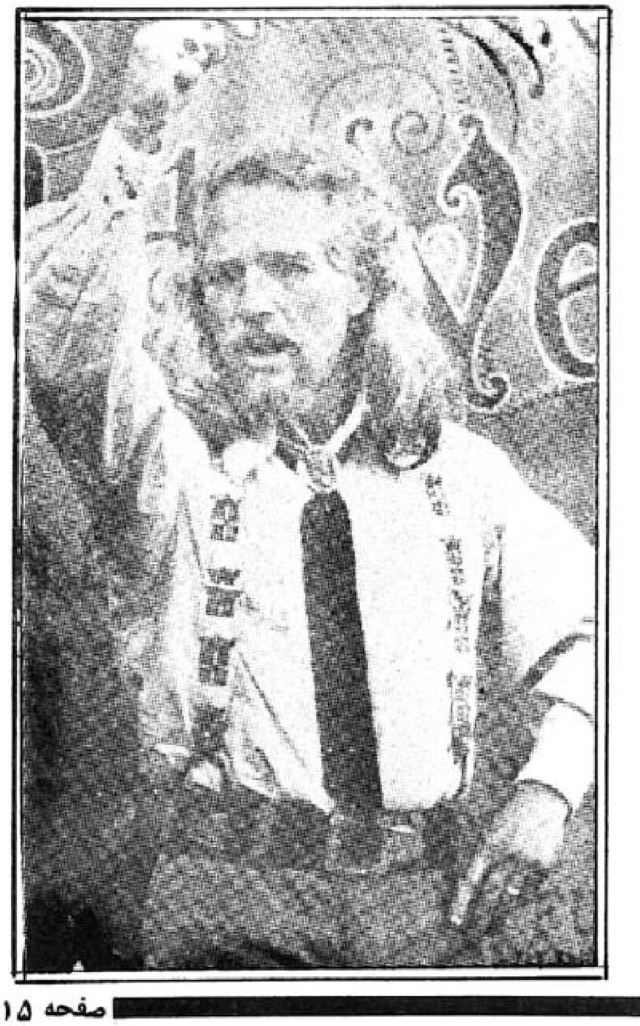
■

"ویلیام‌کودی" معروف به "بوفالوبیل" یکی از مردان محبوب و افسانه‌ای غرب آمریکا ، در سال ۱۸۸۵ تصمیم میگیرد پس ازسالها زندگی پر شر وشور و ماجراجوئی ـ های فراوان ، یک‌دستهٔ بزرگ نمایش براه‌اندازد وزندگی آرامی درپیش‌گیرد .اردوگاه‌بزرگ نمایشگران بوفالو بیل تشکیل شده‌بود ازیک زن تیرانداز ،دومکزیکی شلاق کش، سوارکاران بی‌باک و کابویهای همه فن حریف که دهها نوازنده وسرخپوست وگاوچران آنها را همراهی‌میکردند . "سیتینگ بول" رئیس یکی از قبائل سرخپوست نیز به دستهٔ بوفالوبیل‌پیوسته‌بودوبانمایشهایش‌چنان‌محبوبیتی بدست آورده‌بود که درتصور هیچکس‌نمی‌گنجید . شهرت گروه بوفالوبیل باعث میشودکه رئیس جمهور وقت آمریکا و همسرش نیز به تماشای برنامه‌های آنها بروند .درآنجا بوفالوبیل در می‌یابد که سیتینگ بول همکاری با او را برای رسیدن چنین روزی و رودرروشدن با رئیس جمهور پذیرفته است . . .

■

رابرت‌آلتمن ، سازندهٔ فیلم ، دربارهٔ "بوفالو بیل" می‌گوید :

"بوفالوبیل یک‌نمونه کامل ازنخستین قهرمان ساخت امریکاست . نسبت به او ، من نزدیکی بسیاری احساس می‌کنم و به گمان من ، او آدم‌خالص و پاکی بود . قصد داشتم به مردان اسطوره‌ای ، نگاه صادقانه‌ای بیندازم و ببینم آنها چگونه هستند .ما همه دوست داریم فکرکنیم که "کودی" مردی شجاع ویک‌شکارچی بزرگ بوفالوبوده، اما کودی ،شخصیت غمگینی است و به گمان من ، درست



شخصیت "ویلی لومان" درنمایشنامهٔ "مرگ فروشنده" است".

•

"رابرت‌آلتمن" یکی از فیلمسازان با ارزش سینمای آمریکاست که هر فیلمش بحث بسیار برانگیخته است.

در سال ۱۹۲۵

در کانزاس ایالت میسوری متولد شده. در جنگ جهانی دوم، خلبان‌بود وپس ازجنگ به‌ساختن یک سری‌فیلمهای مستند صنعتی پرداخته است. آلتمن که فیلمنامهٔ اغلب آثارش را خودش می‌نویسد، مدتی نیز در تلویزیون، کار فیلمسازی کرده است. یکی از معروفترین فیلمهای او به نام "مش" (M.A.S.H) یک اثر طنزآلود و ضد جنگ بودکه درایران نیز به‌نمایش درآمده است. عمده فیلم‌های رابرت آلتمن عبارتنداز: داستان‌جیمزدین(۱۹۵۷)، آن روزسرد در پارک (۱۹۶۹) — مش (۱۹۷۰) — مک کیب و خانم میلر (۱۹۷۱) — خداحافظی طولانی (۱۹۷۲) — دزدانی مثل ما — کالیفرنیا نصف به نصف (۱۹۷۴) — سه زن — نشویل (۱۹۷۵) — بوفالوبیل وسرخپوستان (۱۹۷۶)، پوپیه (۱۹۸۰)

• روزشغال

The Day of Jackel

کارگردان: فرد زینه‌مان

فیلمنامه: کنت راس — براساس نوولی ازفردریک‌فورسایت

بازیگران: ادوارد فاکس — اریک پورتر — اولگا ژرژ پیکو — سیریل کیوزاک و...

■

زمان وقوع حوادث، سال ۱۹۶۳ و محل آن، پاریس است. ارتش سری فرانسه، یک نفر را برای ترور ژنرال دوگل، رئیس جمهور وقت فرانسه استخدام می‌کند و نام رمز "شغال" را برای او برمی‌گزینند. فیلم، شرح کوشش "شغال" برای کشتن ژنرال دوگل است.

□

با آنکه فیلم با پس‌زمینهٔ تاریخی‌اش مجال تحلیل نیز داشته است، اما آنچه درنگاه اول به چشم میخورد، هیجان و تحرک فوق‌العادهٔ فیلم است که با توجه به



پیشینهٔ پربار سازنده‌اش، در این زمینه، توفیق بدست می‌آورد.

•

فرد زینه‌مان (متولد ۱۹۰۷ دروین) ازفیلمسازان‌مشهور پس ازجنگ‌جهانی‌دوم درآمریکاست. در پاریس و برلین سینما را آموخت وسپس‌به‌هالیوود رفت. در سال ۱۹۳۰، در فیلم "درجبههٔ غرب خبری نیست" به عنوان سیاهی لشکر شرکت کرد و سپس از زمینه‌های منشی‌گری صحنه و کارگردانی فیلمهای کوتاه، تجربه اندوخت و در سال ۱۹۴۲ نخستین فیلم بلندش را ساخت. در حالیکه در آن زمان احساسات ضد آلمانی در اوج خود بود، او با جسارت تمام، فیلم "هفتمین صلیب" (۱۹۴۲) را در ستایش "آلمانیهای خوب" ساخت وخشم عمومی راعلیه خود برانگیخت. هر چند که هدف او، نگاهی بود به آدمها، بعنوان افرادی مستقل. فیلمهای بعدی زینه‌مان عبارتند از: جستجو (۱۹۴۸) — مردان (۱۹۵۰) — ترزا (۱۹۵۱) و وسترن مشهور ماجرای نیمروز (۱۹۵۲)

فردزینه‌مان درسال۱۹۵۳ بخاطرکارگردانی "از اینجا تا ابدیت" برندهٔ جایزهٔ اسکار شد. سایر فیلمهای‌مشهور او عبارتند از:

اوکلاهما (۱۹۵۵) — کلاهی پر ازباران (۱۹۵۷) — داستان راهبه (۱۹۵۸) — غروبیها (۱۹۶۰) — اسب‌کهررابنگر (در ایران: گروگان — ۱۹۶۴) — مردی برای‌تمام‌فصول (۱۹۶۶) روزشغال (۱۹۷۳) — جولیا (۱۹۷۷).

● بازی بزرگان
Domino Principle

کارگردان: استنلی کریمر
موسیقی: بیلی گلدبرگ
بازیگران: جین هاکمن ـ ریچارد ویدمارک ـ میکی رونی ـ کندیس برگن ـ ایلای والاک

■

"تاکر" که در جنگ ویتنام شرکت داشته است، اتهام قتل شوهر سابق همسرش را، برای رهانیدن همسرش، می‌پذیرد و درزندان سن‌کوئین‌تین زندانی میشود. او طعمهٔ مناسبی ـ ست برای سازمان ـ احتمالا ـ سیا، تا چند ترور را انجام دهد. تاکر، برای آزادشدن از زندان، این ماموریت را می‌پدیرد اما در دام توطئه‌ای پیچیده اسیر می‌شود. او پس ازانجام ترور، دستور می‌گیرد که رابطش را نیز بکشد و عاقبت، تفنگی بسوی خود تاکر نشانه می‌رود...

□

"کریمر"، این فیلم را درپی موج فیلم‌هایی که در سینمای امریکا به‌موضوعهای سیاسی توجه نشان می‌داد، ساخت. بازی بزرگان با داشتن قالب فیلمهای "معمایی" و مهیج، تماشاگر را تا پایان در دلهره نگه می‌دارد. به علاوه، گوشه‌ای ازشیوه‌های جنگ قدرت را درآمریکا نشان می‌دهد اما البته برای فیلمساز، معما وهیجان این داستان هدف اول است.

●

"استنلی کریمر" ـ متولد ۱۹۱۳ درنیویورک ـ یکی از سینماگران پرسابقهٔ هالیوود است. در دانشگاه نیویورک



استنلی کریمر

تحصیل کرد و سپس در کمپانی معروف متروگلدوین‌مایر استخدام شد. پیش از آنکه خود دست به کارگردانی بزند، تهیه‌کنندهٔ چند فیلم ازفیلمسازان معروف هالیوود در دهه‌های ۴۰و۵۰ شد. درسال ۱۹۵۵ نخستین فیلمش را بنام "نه‌مثل یک‌بیگانه" کارگردانی کرد. فیلمهای او دارای سوژه‌های عاطفی با محتوای انسانی ـ گاه با پیامهای اخلاقی ـ است. چندفیلم او، زمینه‌های ضدجنگ دارند.

پس ازنخستین فیلمش، عمده فیلمهای او عبارتنداز: غرور وشهوت (۱۹۵۷) ـ درساحل (۱۹۵۹) ـ ارثیهٔ باد (۱۹۶۰) ـ دادگاه نورنبرگ (۱۹۶۱) ـ کشتی احمق ها (۱۹۶۵) ـ حدس‌بزن چه‌کسی برای شام می‌آید (۱۹۶۷) دنیای دیوانه دیوانه دیوانه (۱۹۶۳) ـ راز سانتاویتوریا (۱۹۶۹) ـ آر. پی. ام. (۱۹۷۰) ـ مردان فردا (۱۹۷۱) نفت خام اوکلاهما (۱۹۷۳).

● لارنس عربستان
Lawrence of Arabia

کارگردان: دیوید لین
فیلمنامه: رابرت بولت
موسیقی: موریس ژار
فیلمبردار: فردی یانگ
بازیگران: پیتر اوتول ـ الک‌گینس ـ آنتونی‌کوئین ـ جک هاوکینز ـ آرتور کندی

■

"توماس ادوارد لارنس" دانشجوی انگلیسی رشتهٔ زمین‌شناسی، برای نوشتن پایان نامهٔ تحصیلی اش به کشورهای‌عربی سفرمی‌کند وشیفتهٔ آنجا می‌شود تا آنجا که زبان عربی را می‌آموزد وطی پنج سال اقامتش در عربستان، آداب و رسوم آنان را فرا می‌گیرد و احترا می نزد اعراب بدست می‌آورد که از دیدگاه سیاستمداران استعمار انگلیس پوشیده نمی‌ماند. آنها تصمیم می‌گیرند برای‌پیشبرد سیاستهای‌استعماری خوددرزمان‌جنگ‌جهانی اول، از نفوذو وتوانائیهای عربها بهره گیرند وآنها را به جنگ با ترکها وادارند. لارنس برای‌متحدکردن عربها برعلیه‌ترکها، با امیرفیصل وارد مذاکره می‌شود و عاقبت فرماندهی قشون عربها را در جنگ با ترکها برعهده



میگیرد و . . .

■

"لارنس عربستان" یکی ازمشهورترین فیلمهایی است که عموما درسینما با عنوان "عظیم" و "پرشکوه" توصیف میشوند . امکانات فراوان ، صحنه‌های پروپیمانه ، تکنیسین‌ـ های ورزیده و بازیگران مشهور در قالب یک فیلم تقریبا ۳ ساعته ، ابزارهای خوبی برای تضمین موفقیت یک فیلم هستند . بعلاوه که دیوید لین نیز ، کارگردانی محکم و با تکنیک است . لورنس عربستان جزو فیلمهای پر فروش تاریخ سینماست ، وبا چفت وبست خوبی‌که دارد ، تماشاگر را تاپایان باخود همراه می‌سازد . این فیلم برندهٔ هفت جایزهٔ اسکارسال ۱۹۶۲ شده‌است : بهترین‌فیلم ، بهترین کارگردانی ، بهترین فیلمبرداری رنگی ، بهترین موسیقی متن ، بهترین‌کارگردانی هنری ، بهترین مونتاژ ، بهترین صدابرداری .

●

"دیوید لین" متولد ۱۹۰۸ در انگلستان ، در سال ۱۹۲۸ با سمت دستیار فیلمبردار در کمپانی گومون آغاز بکارسینمائی کرد وسپس به مقام دستیارکارگردان رسید . لین‌درسال۱۹۴۳اولین‌فیلمش را ساخت . عمده فیلمهای او عبارتند از :

برخورد کوتاه (۱۹۴۵) ـ انتظارات بزرگ (۱۹۴۶) ـ الیورتویست (که درایران بانام "یتیم" نمایش داده شد ـ ۱۹۴۸) ـ مادلین (۱۹۴۹) ـ انتخاب اضطراری (۱۹۵۳) تابستان پرخاطره (۱۹۵۵) ـ پل رودخانه کوای (برندهٔ جایزه اسکار ـ ۱۹۵۷) ـ لورنس‌عربستان (۱۹۶۲) ـ دکتر ژیواگو (۱۹۶۵) ـ دختر رایان (۱۹۷۰) .

سه فیلم از آثار لین ، در میان صد فیلم پرفروش تاریخ سینما قراردارند واین برای هر فیلمسازی ، غرور ـ انگیز است .

● مبارزین باسک
OGRO

کارگردان : جیلوپونته کوروو

بازیگران : جیان ماریاولونته ـ آنجلا مولینا

■

"باسک" منطقه‌ایست درشمال اسپانیا با ویژگیهای قومی خود ، و جنبش استقلال‌طلب باسک ، سازمانی‌است که‌برای استقلال این‌منطقه با رژیم‌اسپانیا مبارزه‌میکند . فیلم از زمانی آغازمیشود که ژنرال فرانکو دیکتاتور اسپانیا (در سال ۱۹۷۷) مرده است و کارلوس جانشین او ، با اعمال برخی‌آزادیهای‌خاص جوامع بورژوازی غرب ، تجدیدنظر‌ـ هایی درسیاستهای فرانکو بعمل‌می‌آورد . جنبش استقلال طلب باسک‌که درگذشته مشی مسلحانه داشت ، پس ازمرگ فرانکو وروی‌کار آمدن کارلوس ، برسر اینکه آیا باید همان مشی گذشته‌را ادامه‌بدهد یا دست‌به فعالیت‌سیاسی ـ با استفاده از فضائی که ایجاد شده ـ بزند ، دچار انشعاب میشود . "چاپی" یکی از افراد تندخوی جنبش ، از جمله کسانی است که معتقد به ادامهٔ مشی مسلحانه است ، اما همسرش ، همچنین دوست صمیمی او (جیان ماریاولونته) معتقد به مبارزهٔ سیاسی هستند .

■

بیشتر زمان فیلم ، شرح فعالیتهای مسلحانهٔ جنبش است . بویژه عملیات مربوط به انفجار موفقیت آمیز اتومبیل نخست‌وزیر اسپانیا ، "کاره رو بلانکو" . که نشان می‌دهد فیلمساز ، نگاهش بیشتر متوجه خلق حادثه و هیجان است و در این‌زمینه ، موفق هم هست . فیلمساز میکوشد بارجعت به گذشته وآمدن به حال ، این دو شیوهٔ مبارزه را رودر‌ـ روی هم قراردهد . او در طول فیلم ، و همچنین با پایانی که برای "چاپی" رقم می‌زند ، جانبداریش را از مبارزهٔ سیاسی در آن شرایط نشان می‌دهد اما به روشنی ، این شیوه‌های مبارزه و همچنین شرایط مورد نظرش را توضیح نمی‌دهد . "مبارزین‌باسک" یک‌صحنهٔ بسیارزیبای انفجار

دارد که استادانه ساخته شده است .

●

"جیلو پونته کوروو" ــ متولد ۱۹۱۹ در "پیزا"ی ایتالیا ــ فیلمساز کم کاریست . بجز فیلمهای کوتاهی که ساخته ، از سال ۱۹۵۷ که نخستین فیلم بلندش "راه بزرگ آبی" را ساخت ، تاآخرین فیلمش "مبارزین باسک" (۱۹۷۹) تنها سه فیلم دیگر درکارنامه دارد . کاپو (۱۹۶۰) ، نبردالجزیره (۱۹۶۶) وشعله های آتش (۱۹۷۰) که تمامی آنها در ایران به نمایش در آمده است . جالب اینکه این عضو سابق حزب کمونیست ایتالیا ، تنها یک فیلم دربارهٔ کشورش ساخته و چهارفیلم دیگر او ، هر یک موضوعی دربارهٔ یک نقطهٔ دنیا دارد .

فیلمهای پونته کوروو ، بجز فیلم اولش ، مضمون مبارزه با استعماردارد ودر هرفیلم ، رفته رفته ، صریح تر میشود . او از همان سالهای جوانی به مبارزه سیاسی روی آورد . در طول جنگ جهانی دوم ، فعالانه علیه فاشیسم جنگید . درایتالیا وفرانسه ، او رهبرگروههای چریکی بود . پس از جنگ ، ابتدا به روزنامه نگاری و سپس به سینما پرداخت . سالهائی که پونته کوروو فعالیت چریکی میکرد ، درسه فیلمش اثرمستقیم گذاشته است . زیرا نبردالجزیره ، شعله های آتش ومبارزین باسک ، دربارهٔ جنبش های رهایی ــ بخش چریکی هستند .

●فراتراز کشتار

Breakheart Pass

کارگردان : تام گریز

بازیگران : چارلز برونسون ــ بن جانسون ــ ریچاردکرنا ــ جیل آیرلند

■

در سالهای جنگ میان سرخپوستان و سفید پوستان مهاجر آمریکا ، کلانتر وفرماندار و چندتن از بزرگان شهر ، میکوشند دو صندوق تفنگ وینچستر را به سرخپوستان برسانند . گره و معمای فیلم ، علت اقدام آنهادراین عمل عجیب و غیرمنتظره است . دراین میان قتلهای پی درپی رخ می دهد و افرادی بطور اسرارآمیز ، ناپدید می شوند . عاقبت این راز بوسیلهٔ مامور ویژهٔ دولت وقت آمریکا ،



فاش می شود .

■

"فراتر از کشتار" ــ بانام اصلی اش "گذرگاه بریکهارت" ــ فیلم ماقبل آخر "تام گریز" است که آن را در سال ۱۹۷۵ ساخته است ، فیلم براساس داستانی از "آلیستر مکلین" ساخته شده . ازاین نویسنده به سبب آنکه آثارش پرکشش و دارای حادثه و هیجان ــ واغلب معما ــ است ، نوشته های زیادی به فیلم برگردانده شده است . تام گریز هم که دراغلب فیلمهایش به حادثه سازی وهیجان پردازی اعتنا نشان می دهد ، این بار اثری از آلیسترمکلین را که دارای ویژگیهای مورد نظر اوست ، برمی گزیند .

فراتر از کشتار ، فیلمی پرکشش و مهیج با پختگی در ساخت و تکنیک است .

●

"تام گریز" گرچه ازبزرگان سینمای آمریکانیست اما یکی از معتبرترین فیلمسازان تجارتی است . فیلمسازی حرفه ای که فیلمهای بد و خوب و متوسط ــ واغلب پرفروش ــ در کارنامه اش دارد . او در سال ۱۹۲۲ درشیکاگو متولد شد . پس ازتحصیلات دانشگاهی وخدمت درنیروی دریایی به هنگام جنگ جهانی دوم ، روزنامه نگاری پیشه کرد . این کار زمینهٔ آشنائی اورا با محافل سینمائی فراهم آورد و سبب شد دردوفیلم با "استنلی کریمر" و "نیکلاس ری" همکاری کند . سپس به تلویزیون رفت و چند سریال تلویزیونی ساخت . شکست نخستین فیلم بلندش "رفیق جهنم" (۱۹۵۷) باعث شد دوباره به تلویزیون باز گردد و طی

سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۶ چندین مجموعهٔ تلویزیونی ساخت که معروفترین آنها "بالاترازخطر" است .

در سال ۱۹۶۷ ، فیلمنامهٔ "ویل‌پنی" را نوشت وآن را با شرکت "چارلتون هستون" کارگردانی کرد . این فیلم که یکی‌از وسترنهای کلاسیک سینمای آمریکا بشمار میرود، با موفقیت روبروشد وازآن پس، تام‌گریز به کار سینمائی ادامه داد و این فیلمها را ساخت :

صد اسلحه (۱۹۶۸) ــ شماره‌یک (۱۹۶۹) ــ اهالی هاوایی (۱۹۷۰) ــ سفر به‌روزباد (۱۹۷۱) ــ خانه‌شیشه‌ای (۱۹۷۲) ــ این فیلم سال‌گذشته دوبار ازتلویزیون به نمایش در‌آمد) ــ لیدی آیس (۱۹۷۲) ــ فرار (۱۹۷۴) ــ فراتر از کشتار (۱۹۷۵) ــ بزرگترین (۱۹۷۶) .

تام گریز پس از ساختن بزرگترین (که فیلمی دربارهٔ محمدعلی کلی است) در سال ۱۹۷۶ درگذشت .

●شکارچی گوزن — Deer Hunter

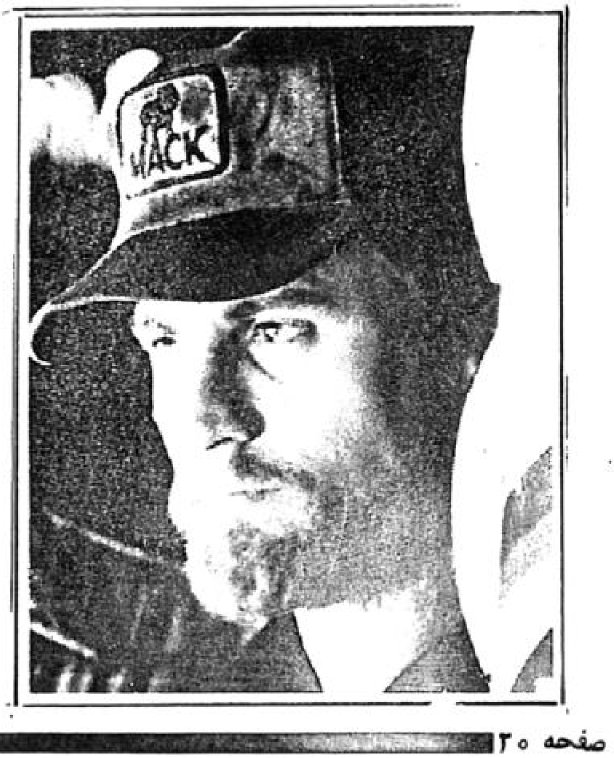
کارگردان : مایکل کیمینو

بازیگران : رابرت دونیرو ــ جان کازال ــ فیلیپ ساویج

فیلمنامه : دریک واشبورن ــ فیلمبردار : ویلموس‌ژیگموند

■

"مایکل" کارگریست شیفتهٔ شکار گوزن که به همراه‌دوتن



از همکارانش، درزمان جنگ ویتنام به‌خدمت نظام‌احضار وبه ویتنام اعزام میشود . درآنجا ، آنها اسیر ویت‌کنگها میشوند اما با حیله‌ای، بخت آن رامی‌یابند که بگریزند . درحالیکه دوتن ازآنها ،زخمی شده‌اند . یکی از دوستان مایکل، پایش قطع و به آمریکا اعزام می‌شود . دوست دیگری‌که تحت تاثیر خشونت جنگ قرار گرفته ،درپی یک شوک روانی ،وارد یک موٴسسهٔ شرط‌بندی ویتنام‌میشود که در آنجا بر سر جان آدمها ، شرط‌بندی می‌کنند : یک گلوله دریک کلت ،چرخش‌خشاب ،لولهٔ کلت روی شقیقه و شلیک ! آیاگلوله‌ای‌شلیک‌میشود ؟این‌موضوع شرط بندی است . مایکل به آمریکا بازمی‌گردد . دوست بی پایش را می‌بیند ودرمی‌یابدکه دوست‌دیگرش کجاست . برای‌یافتن او به ویتنام بازمیگردد ،اما . . .

■

"شکارچی گوزن" درپی موج فیلمهائی که به جنگ ویتنام (وپیامدهای آن) می‌پرداخت، ساخته شد . این فیلم ، تحت تاثیر فیلم دیگری در همین زمینه (رانندهٔ تاکسی) است که رابرت دونیرو با آن به شهرت رسید . و مایکل شکارچی گوزن، روایتی دیگر از "تراویس" ــ در رانندهٔ تاکسی ــ است . ابتدا چنین بنظر می‌رسد که فیلم ، یک بیانیه ضدجنگ‌افروزی آمریکاست اماچنین نیست . فیلم، البته‌ضدجنگ‌هست‌اماضدیتش تاآنجاست‌که‌چرا جوانهای نازنین‌آمریکا درجنگ قربانی شدند ونه اینکه چرا آمریکا مردم ویتنام را قتل‌عام کرد . فراتر از آن ، درنده‌خوئی به‌ویتنامی‌هانسبت‌داده میشود . بعنوان‌آشکارترین دلیل، توجه کنید به‌نخستین صحنهٔ شرط بندی‌مرگبار ویت‌کنگها با استفاده از اسیران‌آمریکائی ، در حالیکه عکس "هوشی مین" رهبر انقلاب ویتنام در زمینهٔ تصویر است . یعنی اینکه اینهمه خشونت و وحشی گری ، پیام و رهنمود این مرد است ! دلایلی دیگر ازاین دست درتایید این مدعا در فیلم فراوان است . شکارچی گوزن ، نشانهٔ تسلط فیلمساز ، و فیلمبرداری زیبای ویلموس ژیگموند مشخص‌ترین امتیازآن است . فیلم برندهٔ پنج‌جایزهٔ اسکار سال ۱۹۷۹ شده است .

●

مایکل کیمینو ، فیلمساز‌یست‌وابسته به‌سینمای‌جوان‌آمریکا ،

که درایران از چندان شهرتی برخوردار نیست . وآنقدر هم با سابقه نیست که بتوان نشانی از او در نوشته های سینمائی یافت . بهرحال ، تا آنجا که حافظه یاری‌میکند ، از کیمینو پیش از این فیلمی در ایران بنام "تیزتک" با شرکت کلینت‌ایستوود به‌نمایش‌درآمده‌که درآن فیلم نیز ، کیمینو تحت تاثیر کلینت‌ایستوود وشخصیت‌کارآگاه‌هری کالاهان (که ایستوود در فیلم "شکاردرشهر" و چند فیلم دربی آن بازیگرش بود) قرار داشت . به نظر می‌آید که عنصر غالب در هر فیلم کیمینو ، بر او تاثیر میگذارد . آخرین فیلم کیمینو ، "دروازهٔ بهشت" نام دارد که آن را در سال ۱۹۸۱ ساخته است .

•شاهزاده وگدا
Prince And The Pauper

کارگردان :ریچاردفلیشر
بازیگران : چارلتون هستون ــ الیور رید ــ رکس‌هاریسون ــ ارنست بورگناین ــ راکوئل ولش و مارک لستر

■

پرنس ادوارد ولیعهدانگلستان به‌علت شباهتش با یک پسرک گدا بنام "تام‌کانتی" براثر حادثه‌ای وارد دار و دستهٔ گداها میشود و تام‌کانتی نیز سر از قصر پرنس در ــ می‌آورد . جابجاشدن این دو ، در هر دومحل ، حوادثی پدید می‌آورد و عاقبت ، با فاش شدن ماجرا ، پرنس به قصر خود بازمیگردد اما تام . . .

□

"شاهزاده و گدا" بر اساس داستان معروفی به همین نام از "مارک‌تواین" ساخته‌شده وریچاردفلیشر کارگردان تجارتی و پرکار سینمای آمریکا ، هنگامی دست به‌ساختن این فیلم پرتجمل‌تاریخی زدکه عصرسینمای ارزان امریکا که نگاهش به‌مسائل اجتماعی‌امروز این‌کشور است ، دوران شکوفائی خود رامیگذراند .واین مورد ، البته درکارنامهٔ فلیشر تازگی‌ندارد زیرا او اغلب ،هنگامی که دورهٔ نوعی ازفیلم گذشته ، به تجربه‌ای‌ناکام در همان نوع دست زده است . بیراه نیست اگر گفته شود که‌هدف مارک تواین از جابجائی دو شخصیت کاملا متضاد (از حیث اقتصادی و پایگاه اجتماعی) برای رودر رو قرار دادن این دو قطب ناهمگون است . اما فلیشر از داستان مارک تواین ، تنها حادثه‌آفرینی این اشتباه را گرفته وآن را پرورانده‌است . بنابراین می‌بینیم که زندگی گداها ، در فیلم ،جای کمی دارد و درعوض ، شکوه و تجمل دربار انگلیس به کمک امکاناتی‌که‌دراختیارفیلمساز بوده ،اصل قرار گرفته است . با این همه ،شاهزاده وگدا ، درحد یک‌فیلم سرگرم‌کننده ، پذیرفتنی است .

●

"ریچاردفلیشر" کارگردان آمریکایی ــ پسرماکس‌فلیشر سازندهٔ فیلمهای نقاشی متحرک ــ در سال ۱۹۱۶ متولد شد .طی سالهای جنگ جهانی دوم برای‌کمپانی "آر.کی. ئو" فیلمهای‌کوتاه خبری می‌ساخت . "بچهٔ طلاق" در سال ۱۹۴۶ ،نخستین کار او از رشته فیلمهای درجه دوم بود . نخستین فیلمش را با نام "روزگارخوش" به سال ۱۹۵۲برای "استنلی‌کریمر "ساخت ودرسال۱۹۵۴، "بیست هزار فرسنگ زیر دریا" را برای کمپانی والت دیسنی کارگردانی کرد . از سال ۱۹۵۵ به کمپانی فوکس رفت و دوفیلم "اجبار" و "شکاف‌درآینه" را به‌کمک اورسن ولز درسالهای ۵۹ و ۶۰ساخت .آشنائیش با دینودولارینتس ــ تهیه‌کننده معروف ایتالیائی ــ به ساختن فیلم پرخرج و تاریخی "باراباس" (۱۹۶۲) انجامیدکه شکست خوردو پس از ناکامی فیلم "دکتردولیتل" (۱۹۶۷) از ساختن



فیلمهای پرخرج دست کشید و به فیلمهای کم‌هزینه روی آورد. "جانی بوستون" (۱۹۶۸) موفقترین فیلم او ونخستین آنها ازسری آثارجدیدش بودکه باناکامی فیلم ۲۰ میلیون دلاری "تورا، تورا، تورا" بار دیگر شکست را تجربه‌کرد. بهترین فیلمهای فلیشر-که تقریبا میتوان گفت درهمهٔ زمینه‌ها فیلم ساخته-آثارجنائی اوست: "جانی بوستون" "جانی محلهٔ ریلینگتون" (۱۹۷۰) وآخرین فرار(۱۹۷۱). با این حال، او هنوز هم از این شاخ به آن شاخ می‌پرد. تعدادی‌دیگر از فیلمهای معروف او عبارتند از:

فرماندهان‌جدید (۱۹۷۲) - چه‌گوارا(۱۹۷۴)- سرفراز (۱۹۷۵) - مندینگو (۱۹۷۵) - صدای گلوله (۱۹۷۶) - شاهزاده وگدا (۱۹۷۷).

● مردیکه میخواست سلطان باشد
The Man Who Would Be King

کارگردان: جان هیوستن
فیلمنامه: جان هیوستن - گلادیس هید
فیلمبردار: اسوالد موریس
بازیگران: شون کانری، مایکل کین، کریستوفر پلامر

فیلم براساس داستانی از "ردیاردکیپلینگ" نویسندهٔ سرشناس ساخته شده و حوادث آن، در سال ۱۸۷۷ در هندوستان و افغانستان رخ می‌دهد، دوگروهبان سابق ارتش انگلستان (شون‌کانری و مایکل‌کین)، تصمیم‌میگیرند با استفاده‌ازآب‌گل‌آلود، ماهی بگیرند: به قدرت برسند و ثروتمند شوند. ردیارکیپلینگ خود یکی ازشخصیتهای داستان است ونقش او را در فیلم، کریستوفر پلامر بازی میکند. دو گروهبان سابق برای رسیدن به قدرت وثروت حوادث فراوانی می‌آفرینند اما در پایان...

کیپلینگ این دستان را در سال ۱۸۸۸ نوشته و دربارهٔ او، بد نیست بدانید که یکی از اعضای شبکهٔ جهانی فراماسونری است. اما در بارهٔ فیلم، جان هیوستن، کارگردان فیلم میگوید:

" به عقیدهٔ من این‌یکی ازبزرگترین داستانهای‌حادثه‌ای است که تاکنون‌نوشته‌شده و علاوه برحوادث و ماجراهای



گاه پردلهره وگاه‌مضحک، یک مفهوم روانی ومعنوی عمیق درخودنهفته دارد که نزدیک به پایان فیلم آشکار می‌شود. از طرف دیگر، این داستان تصویر شگفت انگیزی از دوستی بین دو ماجراجوی دغل است که در همه حال نسبت به یکدیگر و نسبت به هدفهایشان وفادار باقی میمانند".

"مردی که می‌خواست سلطان باشد" مانند همهٔ آثار جان هیوستن، از ارزشهای تکنیکی‌خوبی برخورداراست. اما به شرق و مردمش، نگاهی تحقیرکننده دارد.

"جان هیوستن" کارگردان، نویسنده و بازیگر نامدار سینمای آمریکا، در سال ۱۹۰۶ در نوادای میسوری در میان خانواده‌ای هنرمند متولدشد. پدرش والترهیوستن بازیگر معروفی بود. او در جوانی به ورزش بکس علاقمند شد و چندی در رینگ بصورت آماتور، مشت زنی میکرد. در طول سالهای ۱۹۲۸ تا ۳۰ درسه فیلم از ویلیام وایلر بازی کرد و درسال ۱۹۳۱ کار نوشتن رابرای وایلر شروع کرد و سپس در مقام نویسنده، با کمپانی برادران وارنر قرارداد بست. او اولین فیلمش را در سال ۱۹۴۱ برای همین‌کمپانی ساخت. فیلمهای‌مهم جان‌هیوستن عبارتند از:

شاهین‌مالت (۱۹۴۱) - عبور ازاقیانوس آرام (۱۹۴۲) گنجهای سییرامادره (۱۹۴۸) - کی‌لارگو (۱۹۴۸) - جنگل آسفالت (۱۹۵۰) - ملکهٔ آفریقا (۱۹۵۱) - مولن‌روژ(۱۹۵۳) موبی دیک (۱۹۵۶) - خدامیداند آقای آلیسون (۱۹۵۷) نابخشوده (۱۹۵۹) - ناجورها (۱۹۶۰) - فروید (۱۹۶۲) شب ایگوانا (۱۹۶۴) - کتاب‌آفرینش(۱۹۶۶) - کازینورویال

(۱۹۶۷) ــ انعکاس در چشمان طلایی (۱۹۶۷) ــ نامه کرملین (۱۹۶۹) ــ مامور مکین تاش (۱۹۷۰) ــ دنیای بزرگ یک مرد (۱۹۷۱) ــ مردیکه میخواست سلطان باشد (۱۹۷۳) ــ مردی با پالتو پلاستیکی (۱۹۷۳) ــ ناقلا (۱۹۷۹)

● جنین Embryo

کارگردان: رالف نلسون
بازیگران: راک هادسن ــ رادی مکداول ــ دایان لد

دو پزشک تصمیم میگیرند فرضیه امکان رشد جنین در خارج از رحم مادر را به واقعیت تبدیل کنند. آنها پس از مدتی کار بر روی جنین آزمایشگاهی، موفق می‌شوند نوزاد آزمایشگاهی را به دنیا آورند، اما یک اختلال غیرقابل پیش بینی در سیستم زیست و رشد کودک باعث میشود که او یکشبه با سرعتی باورنکردنی تبدیل به جوانی ۲۴ ساله شود. حالا دیگر کوشش برای رشد او متوقف می‌شود، بلکه پزشکان میخواهند راهی پیدا کنند تا او رشد بیشتری نکند. بتدریج این انسان آزمایشگاهی مشکلات دیگری پدید می‌آورد که پایانی غیرمنتظره را برای فیلم رقم میزنند.

فیلم "جنین" در رده‌ٔ فیلمهای افسانه‌ای ــ علمی قرار دارد که در پی یک موج در سینمای جهان ساخته شد. پس از اینکه فیلم ساخته‌شد، موضوع آن در انگلستان توسط دو پزشک به‌واقعیت پیوست. درهمین زمینه، یک پروفسور آمریکایی نیز ادعا در واقعیت این فرضیه‌دارد ومدعی‌ست که خود، آن را تجربه کرده است. فیلم، بر مبنای علم آغاز میشود اما همچنان که فیلم به پیش میرود، فیلمساز فرضیه‌های علمی را رها می‌کند و وارد مجرائی تخیلی میشود. جنین فیلمی است که متفاوت از همهٔ آثار سازنده‌اش است.

●

"رالف نلسون" کارگردان مشهور سینمای آمریکا به سال ۱۹۱۶ در نیویورک متولد شد و پیش از آنکه به‌فیلمسازی روی‌آورد، بازیگری میکرده، نمایشنامه می‌نوشته وکارگردان صحنه و تلویزیون بوده است. رالف نلسون فیلم های مشهوری ساخته که از میان آنها "سرباز آبی" مشخص‌تر است. یکی از معدود فیلمهایی که واقعیت زندگی سرخپوستها و ظلمی راکه به آنها می‌رفت، عریان کرد. فیلم دیگر نلسون با نام "تیک، تیک، تیک" (که در ایران با نام "قدرت سیاه" نمایش داده شد) به مسئلهٔ تبعیض نژادی در قالب یک فیلم پلیسی ــ حادثه‌ای میپرداخت. یکی دیگر از فیلمهای او بنام "سرزمین محکوم" با مضمونی مشابه، سیاستهای استعماری را در کشورهای جهان سوم موردتوجه قرارمی‌داد. فیلم مشهوردیگر نلسون، "چارلی" نام دارد که برندهٔ جایزهٔ اسکار نیز شده است. به‌جز اینها، مهمترین فیلمهای نلسون عبارتند از: مرثیه برای یک سنگین وزن ــ سرباز درباران ــ زمانیکه دزد بودم ــ پدر غاز ــ جدال در دیابلو ــ و پرواز کبوترها.

● دوئل Duel

کارگردان: استیون اسپیلبرگ
موسیقی متن: بیلی گلدنبرگ
بازیگران: دنیس ویور ــ ژاکلین اسکات

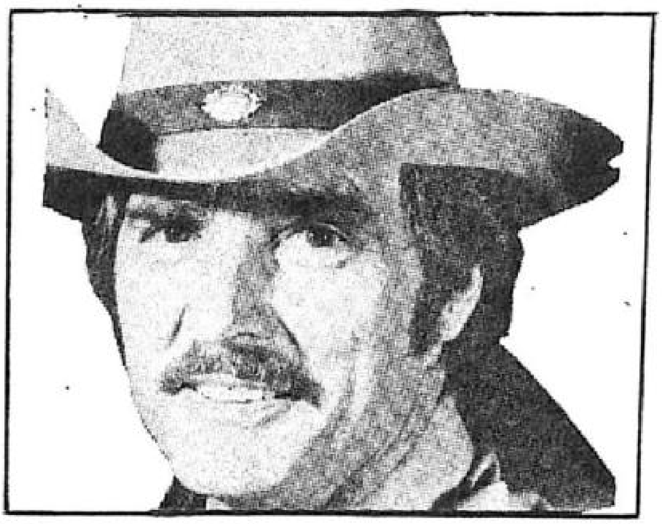
دریک جاده، یک اتومبیل سواری از یک‌کامیون غول پیکر سبقت‌میگیرد. سپس رانندهٔ کامیون‌که‌از این‌عمل رانندهٔ سواری ناراحت شده، از او سبقت‌میگیرد وبعد، سواری از کامیون! این‌کار که در آغاز یک شوخی بنظر میرسید، به تدریج تبدیل‌به یک‌بازی‌مرگبار میشود. کامیون به تعقیب سواری میپردازد و این تعقیب و گریز خوفناک، پایانی غیرمنتظره برای ماجرا رقم میزند.

"دوئل"، فیلمی‌منتسب به‌سینمای ضدقصه‌است. سینمائی که به‌پیچ وخمهای قصه بی‌اعتناست اما اسپیلبرگ ازهمین چندخط، فیلمی ساخته که در تقسیم بندی انواع فیلم، درمیان‌فیلمهای "تریلر" می‌گنجد. برای "تریلر"، یک‌کلمهٔ فارسی نمیتوان معادل‌آوردکه بازگویندهٔ تمامی ویژگیهای آن باشد، اما‌چندواژه را میتوان درکنار هم نهاد تا شاید ازمجموع آنها، معنا حاصل شود: ترسناک، میخکوب‌کننده

هراس‌آور،مبهوت‌کننده، هیجان‌آور،لرزاننده،خوف‌آور . . .
اسپیلبرگ ، هیچگاه چهرهٔ رانندهٔ کامیون را نشان نمی‌دهد ، زیرا حریف این دوئل مرگبار ، یک کامیون است ، به عنوان یک نیروی غول آسای برتری طلب و مدام تهدیدکننده . او در به تصویر کشیدن واکنش ها به‌هنگام قرارگرفتن درموقعیتهای پیش‌بینی نشده‌وهراس‌آور ،ازخود استادی نشان میدهد .توجه کنید به صحنه‌ای که کامیون ،هنگامی‌که اتومبیل سواری منتظر گذشتن قطار است ،اورا بجلومیراند .همچنین‌صحنهٔ نقص‌فنی اتومبیل در سربالائی و آنجا که رانندهٔ اتومبیل سواری در یک گورستان اتومبیل ،موقعی‌که قطار میگذرد ،سرش را پائین میبرد و خود را مخفی می‌کند . دوئل ، یک فیلم به‌یاد‌ماندنی‌ست .

●

استیون اسپیلبرگ ،این استادی در کاربرد دوربین و نوار سلولوئید را بی‌جهت بدست نیاورده . او از کودکی با فیلم و دوربین همبازی بود . در نوجوانی ، فیلمهای کوتاه هشت و شانزده میلیمتری می‌ساخت . در سن بیست سالگی قراردادی با کمپانی یونیورسال بست تاچند فیلم تلویزیونی بسازد و اولین فیلم بلند حرفه‌ایش را در سن ۲۱ سالگی در تلویزیون ساخت به نام "گالری شبانه" که بازیگرانش جون کرافورد و باری سولیوان بودند . پس از آن ، دو قسمت دیگر از همین گالری شبانه را که تبدیل به سریال شده‌بود ،ساخت ونخستین‌قسمت سریال کلمبو ، یک قسمت ازسریالهای جستجو و پزشک‌محله‌را کارگردانی کرد . بعدها یکی از قسمتهای سریال "اون مارشال" ودو



قسمت از سریال "روانپزشک" را نیز ساخت .به‌دنبال آنها ،اسپیلبرگ ،سه فیلم بلند تلویزیونی کارگردانی‌کرد دوئل (۱۹۷۲) ،وحشی ،یک چیز شیطانی .
فیلم معروف‌دیگراوبانام "شوگرلندااکسپرس"(درایران تعقیب در شاهراه ، ۱۹۷۴) در جشنوارهٔ کان به نمایش درآمد و نگاهها رامتوجه او کرد . اما بزرگترین موفقیت اسپیلبرگ ،فیلم "آواره‌ها" ـ ۱۹۷۵ـ بودکه درزمرهٔ پرـ فروشترین‌فیلمهای‌تاریخ‌سینما قرا گرفت و او را به عنوان یک‌فیلمساز مسلط شناساند .فیلم بعدیش "برخوردنزد یک ازنوع سوم" ـ۱۹۷۷ـ نشان داد که او همچنان روی خط موفقیت گام میزند .هرچندکه برخی معتقدند در سینمائی ازآن نوع‌که اسپیلبرگ کارمیکند ،کادرفنی و مواد موجود در لابراتوار نقشی مهم‌تر از کارگردان دارند ، اما این بی‌انصافی در نگاه به فیلم ساده اما با ارزش "دوئل" آشکار میشود . اسپیلبرگ اخیرا با همکاری جورج لوکاس (سازنده فیلم جنگ ستاره‌ها) دست به ساختن فیلمی زده است .

●قطارسریع السیرفن راین
Von Ryan's Express

کارگردان : مارک رابسن
بازیگران : فرانک سیناترا ـ تریور هاوارد

■

درزمان جنگ جهانی دوم ، یک هواپیمای آمریکایی در خاک ایتالیا سقوط می‌کند و یک سرهنگ آمریکایی به اسارت‌فاشیستها درمی‌آید .سرهنگ درازدوگاه زندانیان انگلیسی که سرکرده‌شان سرگردی سختگیر است ، زندانی می‌شود .سرهنگ‌میکوشد اسیران‌انگلیسی راعلیه زندان‌بان بشوراند امادوبار شورش‌آنان ناکام می‌ماند .پیشروی متفقین در خاک ایتالیا باعث می‌شود که اسیران جنگی نیز دست‌بکارشوند و با نقشهٔ‌سرهنگ ، با دردست‌گرفتن کنترل یک قطار ،از خاک ایتالیا بگریزند ،اما . . .

◘

"قطار سریع‌السیر فون راین" یکی از بهترین آثار سازنده‌اش ـ مارک رابسون‌ـ است که البته همچون اکثر فیلمهای جنگی آمریکائی ، مشخص کردن دو قطب خوب

(متفقین) وبد (آلمانها) درآن رعایت‌شده است. فرمولی که گویی گریزی از آن نبوده است. قطار سریع‌السیر فون راین از حیث نگاه به جنگ و نیروهای درگیر در آن، همان فرمول اغلب‌فیلمهای آمریکایی را دارد اما ازحیث پرداخت، بکمک کادرفنی زبردستی که در اختیار رابسون بوده، دررده‌ٔ فیلمهای‌هیجان‌انگیز ودیدنی جنگی‌بشمار میرود. بهرحال، جنگ، زمینه‌ٔ مناسبی برای‌خلق حادثه و هیجان است که رابسون کهنه‌کار، خوب از آن استفاده کرده است.

"مارک رابسون" درسال ۱۹۱۳ درمونترال‌کانادامتولد شد و پس ازتحصیلات دانشگاهی، به کار سینما روی آورد. پیش ازآن که به فیلمسازی بپردازد، با کار مونتاژ و ازجمله کار بر روی مونتاژ دو فیلم مشهور اورسن ولز (همشهری کین ـ آمبارسونهای باشکوه) تجربه اندوخت. نخستین فیلمهای او، چند اثر جنائی وترسناک ازجمله "هفتمین‌جنایت" (۱۹۴۳) و "جزیره‌ٔ مرگ" (۱۹۴۵) بود که مورد توجه قرار گرفت. مدتی نیز با "استنلی کرامر" کارگردان وتهیه‌کننده‌ٔ معروف همکاری کرد که حاصلش، فیلمهای خوبی همچون "قهرمان" و "وطن شجاعان" (۱۹۴۹) بود.

مارک رابسون ازکارگردانهای باتکنیک وموفق سینمای آمریکا بود وعمده فیلمهایش عبارتند از:

تیمارستان (۱۹۴۶) ـ قلب‌احمق‌من (۱۹۵۰) ـ پلهای توکوری (۱۹۵۴) ـ هرچه قویتر باشند، به‌زمین‌میخورند (۱۹۵۶) ـ محله‌پیتون (۱۹۵۷) ـ قهوه‌خانه‌ششمین‌خوشبختی (۱۹۵۸) نگاهی ازتراس (۱۹۶۰) ـ ۹ساعت‌به‌راما (۱۹۶۳) قطارسریع‌السیرفون راین ـ فرمان گمشده (۱۹۶۵) ـ دره‌ٔ عروسکها (۱۹۶۷) ـ تولدت‌مبارک ونداجون (۱۹۷۳) ـ زلزله (۱۹۷۴).

آخرین فیلم مارک‌رابسون "بهمن‌سریع‌السیر" بسبب مرگ او (درسال ۱۹۷۸) ناتمام ماند.

● وقتیکه شهر میخوابد Cat And Mouse

کارگردان: دانیل پتری (۱۴)

بازیگران: کرک داگلاس ـ جین سیبرگ

"جورج‌اندرسون" یک‌دبیرعلوم آزمایشگاهی باپانزده سال سابقه‌ٔ تدریس است‌که‌همیشه‌تحقیرشده‌وحتی‌شاگردانش به‌این‌دلیل که‌اوآدمی خجالتی وبی‌اراده‌است، "آقا موشه" خطابش میکنند. آندرسون در موقعیتی حساس از زندگیش، هنگامی که همسرش از وی جدا میشود و با مرد دیگری ازدواج می‌کند، تصمیم می‌گیرد ثابت‌کند که موش نیست. به جلدگربه میرود و تهاجم آغازمیکند... این تغییررفتار اوکه درتعارض با منش و روحیاتش است، زمینه‌ٔ حوادث بعدی فیلم است.

دانیل پتری گرچه انگشت روی‌سوژه‌ای گذاشته که‌می‌توانست فیلمش را تبدیل به یک تحلیل روانکاوانه کند، اما تغییر شخصیت جورج‌آندرسون و ماجراهائی که می‌آفریند، زمینه‌ٔ مناسبی‌بدست اوداده تا یک‌فیلم‌حادثه‌ای و سرگرم‌کننده بسازد. به رغم ضعف‌های جابجای فیلم، "وقتی که شهر می‌خوابد" در حد یک فیلم حادثه‌ای و سرگرم‌کنند، تماشاگر را نگه می‌دارد. بویژه که درپایان، چند صحنه‌ٔ غیرمنتظره گنجانده شده و ریتم فیلم نیز آن کشش و جاذبه‌ٔ تماشاگرپسند را دارد.



●همشهری کین Citizen Kane

کارگردان: اورسن ولز
فیلمنامه: هرمان جی. منکیه ویتس ــ اورسن ولز
بازیگر : ارسن ولز

"چارلز فاسترکین" ــ غول مطبوعاتی آمریکا ــ در سن ۷۶ سالگی ، پس از بر زبان راندن کلمهٔ "رزباد" درقصر مجللش در "گزانادو" می میرد. خبرنگاری بنام "تامسون" که درپی تهیهٔ گزارشی تحقیقی دربارهٔ زندگی و مرگ کین ، همچنین کشف معمای "رزباد" است ، با نزدیکان و دوستان او گفتگوهائی میکند اما هریک ، دراین باره چیزی میگویند و هیچیک به روشنی معنای آن را نمی دانند.

درخلال جستجوی خبرنگار ، قسمتهایی از زندگی کین تصویر میشود و درپایان ، هنگامی که خبرنگار در صحنه نیست ، وقتی که یادگارهای کین سوزانده می‌شوند ، راز "رزباد" نیز فاش میشود.

"همشهری کین" چندین بار در رای‌گیری از منتقدان سرشناس دنیا ، عنوان پرافتخار بهترین فیلم تاریخ‌سینما راکسب‌کرده است. اورسن ولز ، این فیلم را درسال ۱۹۴۱ هنگامی که فقط ۲۵ سال داشت ، کارگردانی‌کرد و شهرتی جهانی بدست آورد. برخی منتقدان ، چارلز فاسترکین را شخصیت تغییرنام یافتهٔ "ویلیام راندلف هرست" ــ



غول مطبوعاتی همان زمان آمریکا ــ می دانند وبرخی این تعبیر را ردمیکنند اماهرچه‌هست ، هرست کوشش بسیاری برای جلوگیری از نمایش "همشهری‌کین" بعمل آورد زیرا تصویر خود را در آن می دید.

فیلم ، ساختمانی نسبتا پیچیده دارد اما چنانچه‌کلید زبان ولز در این فیلم بدست تماشاگر آید ، فیلمی روان است. "همشهری‌کین" سرشار از نوآوری‌های بهت انگیز تکنیکی است که‌حتی هنوزهم‌تازگی خود را دارد. "آندرو ساریس" منتقدمشهورفیلم ، همشهری‌کین را "تصویرجامعی از زندگی آمریکایی" توصیف کرده است.

"جورج اورسن ولز" درسال ۱۹۱۵ درایالت ویسکانسین آمریکا متولد شد. پدرش مخترع و مادرش پیانیست بود. بخشی ازجوانی ولز درشیکاگو گذشت ومدتی نیز درچین بسربرد. هنگامیکه در کالج درس میخواند ، به فعالیتهای تئاتری روی آورد. پس ازپایان تحصیل ، در دوبلین به کار تئاتر پرداخت اما بعد ازمدتی کار درآنجا ناچارشد به‌نیویورک بازگردد. در نیویورک ، کار تئاتر را ادامه داد و در سال ۱۹۳۴ ازدواج کرد. آشنائی با جوزف‌کاتن و جان‌هاوسمن ، راه‌را برای‌ساختن نخستین‌فیلمش "قلبهای عصر" هموارکرد وهمزمان ، دررادیونیزبرنامه اجرامیکرد. درسال ۱۹۳۷ مؤسسهٔ تئاترمرکوری را بنیان‌نهاد. درسال ۱۹۳۴ پس ازجدائی از همسر اولش با "ریتا هیورث" ازدواج‌کرد که این زندگی‌مشترک نیز بیش از سه‌سال‌دوام نیاورد و درسال ۱۹۵۵ تن به‌سومین ازدواج داد. اورسن ولز ، اکنون در اروپا زندگی می‌کند. عمده فیلم هایش عبارتنداز: قلب‌های‌عصر (۱۹۳۴) ــ همشهری‌کین (۱۹۴۱) آمبرسونهای باشکوه (۱۹۴۲) ــ بیگانه (۱۹۴۶) ــ خانمی از شانگهای (۱۹۴۶) ــ مکبث (۱۹۴۸) ــ اتللو (۱۹۵۲) ــ ضربه‌شیطان (۱۹۵۸) ــ محاکمه (۱۹۶۲) ــ داستان‌جاویدان (۱۹۶۸) ــ ت مثل‌تقلب (۱۹۷۴) وچندفیلم ناتمام دیگر.

●فراری عصیانگر The Rover

کارگردان: ترنس یانگ

بازیگران: آنتونی کوئین ــ روسانا اسکیافینو ــ ریتاهیورث

در زمان ناپلئون ، به هنگام جنگ میان فرانسه و انگلستان ، یک دریانورد مبارز فرانسوی (آنتونی کوئین) نقشی حیاتی دریکی از حوادث مهم این جنگ ایفامی‌ـ کند . درساحلی دورافتاده ، که یک دختر نیمه دیوانه (روسانا اسکیافینو) و یک بیوه‌زن (ریتاهیورث) ومعدودی دیگر ساکنانش را تشکیل می‌دهند ، این دریانورد یک کشتی متروک و به‌گل‌نشسته را تعمیرمیکند . سپس تصمیم میگیردیکی ازنقشه‌های جنگی را به‌تنهائی باهمین‌کشتی از میان دریانوردان جنگی انگلیسی بگذراند و بدست هموطنانش برساند . هرچند نبردی بین او و انگلیسی‌ها در می‌گیرد اما زیرکی و هوشیاری او به یاریش می‌آید .



فراری عصیانگر (که درایران بنام "بیگانه عصیانگر" نیزنمایش‌داده‌شده‌است) یکی ازمعدودفیلمهای‌پذیرفتنی و قابل تحمل ترنس یانگ است . چفت وبست صحنه‌های حادثه‌ای فیلم‌ـ که‌تخصص یانگ است‌ـ وبویژه فضاسازی ورنگ‌فیلم در "فراری‌عصیانگر" چشمگیراست. اما افزودن بار عاطفی برآن ، از طریق حضور بیوه‌زن ودختر نیمه‌ـ دیوانه ، یک انحراف در خط‌اصلی فیلم است .

ترنس یانگ (متولد ۱۹۱۵) در شانگهای ، یکی از فیلمسازان تجاری‌ست که زیاد فیلم می‌سازد و در اغلب زمینه‌ها دستی برده است . او درجوانی ، پیش از آنکه به فیلمسازی روی آورد ، فیلمنامه می‌نوشت و در سال ۱۹۴۴ نخستین فیلمش را بطورمشترک با "برایان‌دزموند هرست" کارگردانی‌کرد . ترنس‌یانگ درسال ۱۹۴۸ اولین فیلم مستقلش را به نام "تالارآینه‌ها" ساخت و بزودی با همان چندفیلم نخستش نشان داد که کارگردانی ست موفق و پولساز که حرفی برای گفتن ندارد !

یانگ همواره روی خط پولسازی وتجارت ، موفق بوده و همین موفقیت باعث شده که بجز معدودی از سالهای فعالیتش ، دربقیه سالها دست‌کم یک فیلم وحتی ۳ فیلم بسازد . معروفترین فیلمهای او عبارتند از : دره عقابها (۱۹۵۱)ـ آن‌خانم (۱۹۵۵)ـ زاراک‌خان ـ سافاری (۱۹۵۶)ـ حمله‌پلنگ (۱۹۵۷)ـ دکترنو(۱۹۶۲)ـ دامی برای جیمزباند (۱۹۶۳)ـ ماجراهای‌عشقی‌مال‌فلاندرزـ تندربال (۱۹۶۵)ـ گل‌شیطان (۱۹۶۶)ـ فراری عصیانگر تنهادرتاریکی (۱۹۶۷)ـ مایرلینگ‌ـ درخت‌نوئل(۱۹۶۹) ملاقات درشب (۱۹۷۰)ـ آفتاب‌سرخ (۱۹۷۱)ـ پرونده والاچی (۱۹۷۲)ـ زنان‌آمازون (۱۹۷۳)ـ مرد کوکلوکس کلان (۱۹۷۴) .

● خوب بد زشت

The Good, The Bad, And The Ugley

کارگردان : سرجیو لئونه

بازیگران : کلینت ایستوودـ لی وان‌کلیفـ ایلای والاک

در جریان جنگهای انفصال آمریکا ، سه ماجرا جوی حرفه‌ای درپی یک‌گنجینه‌ٔ دفن‌شده ، قدم به آتش جنگ میگذارند . درطول این‌جستجو ، آنها چندین‌بار بایکدیگر برخوردمیکنند و هنگامی که محل گنج را می‌یابند ، هر سه باهم به آنجا می‌رسند . برای تصاحب گنج ، چاره‌ای جز یک دوئل سه‌جانبه نیست .

"خوب ، بد ، زشت" را سرجیو لئونه ، در سال ۱۹۶۶ ، دوسال پس از نخستین وسترنش "بخاطر یک مشت دلار" ساخت . موج وسترن‌سازی در ایتالیا ، از سال ۱۹۶۳ آغاز شده بود اما یک سال بعد در۱۹۶۴ ، پس از ساخته شدن حدود ۲۴ فیلم ناموفق از این نوع ، هنگامی که بنظر می‌ـ رسید وسترن‌ایتالیائی دیگر به هیچوجه موفقیتی نخواهد داشت ، سرجیولئونه در کمال ناباوری دست به ساختن اولین فیلم وسترنش زد . این فیلم ـ بخاطر یک مشت

دلار ــ چنان موفقیتی در سراسر جهان بدست آورد که او را بلندآوازه کرد و "وسترن اسپاگتی" شهرهٔ خاص و عام شد (این واژهٔ ترکیبی ، از پیوند وسترن ــ که نوعی فیلم خاص امریکاست ــ با اسپاگتی ــ که غذای سنتی ایتالیا ــ ئیهاست ــ ساخته‌شده و معرف فیلمهای وسترن ایتالیائی است) .

"خوب ، بد ، زشت" بار دیگر موفقیت فیلم قبلی را تکرار کرد ، زیرا همچون اثر پیشین ، یک سر و گردن از دیگر وسترنهای ایتالیائی بالاتر ، همراه با طنزی تلخ ، بود . لئونه ، خود در مطلبی پیرامون فیلمش نوشته‌است :

"من یک قرارگاه سربازان شمالی را نشان می‌دهم ، همراه با فریاد زندانی‌های شکنجه‌شده . . . من طبعا در حین ساختن این فیلم ، به اردوگاههای نازی‌ها نیز فکر میکردم . دراین فیلم ، همچنین تاثیری ازیکی ازبزرگترین فیلمهائی که دیده‌ام ، وجود دارد : "موسیو وردو" اثر چارلی چاپلین" .

صحنهٔ دوئل پایان فیلم ، یکی از صحنه‌های مشهور در سینماست .



"سرجیولئونه" در سال ۱۹۲۶ در ایتالیا متولد شد . پدرش ــ روبرتو روبرتی ــ از فیلمسازان مشهور آن زمان بود و سرجیو ــ به‌قول خودش ــ ازکودکی در استودیوهای فیلمسازی بزرگ‌شد . قبل ازساختن نخستین‌فیلم مستقلش با بسیاری از فیلمسازان بزرگ ایتالیا و آمریکا همکاری کرد : با ویتوریو دسیکا در "دزد دوچرخه" علاوه بر دستیاری‌دسیکا ، نقش یک‌کشیش را داشت ، با کومنچینی ماریوکامرینی ، مروین لروی ، رابرت وایز ، رائول‌والش ، فرد زینه‌مان ، ویلیام وایلر و رابرت آلدریچ .

در سال ۱۹۶۱ ، نخستین فیلمش "غول جزیره رودس" را ساخت و بعد ، "آخرین روزهای پمپی" . "بخاطر یک مشت دلار" درسال ۱۹۶۴ ، اورا به‌شهرت رساندو "بخاطر چند دلاربیشتر" (۱۹۶۵) ، "خوب ، بد ، زشت" و "داستان بزرگ‌غرب" (۱۹۶۸) همچنان برشهرت واعتبار اوافزود . یکی دیگر از فیلمهای مشهور او "سرتو بدزد رفیق" نام دارد . و تمامی آنها در ایران به نمایش درآمده است .

● نهنگ سفید Moby Dick

کارگردان : جان هیوستن (۲۲)

فیلمنامه : ری‌برادبری ــ براساس داستانی ازهرمان‌ملویل

بازیگران : گریگوری‌پک ــ اورسن ولز ــ ریچارد بیسهارت ــ لئوجن

■ "کاپیتان ایهب" با مردانی که در کشتی اش هستند ، درپی نهنگ بزرگ سفیدیست تا آن را شکار کند . آنها مدتی به جستجو می‌پردازند تاعاقبت نهنگ رامی‌یابند . سپس با چندقایق ونیزه‌هایشان به‌سوی او هجوم میبرند . هرچند دههانیزه بربدن نهنگ‌سفید غول‌آسا می‌نشیند ، اما موبی‌دیک ، کاپیتان را باخود به‌زیرآب می‌کشد وکشتی او را روانهٔ گرداب میکند .

■

فیلم را ، جان هیوستن در سال ۱۹۵۶ ساخته است . "نهنگ سفید" ، بیش از آن‌که یک فیلم حادثه‌ای و مهیج باشد ، یک روانکاوی در شخصیت "کاپیتان ایهب" است . مردی‌که نهنگ‌غول‌پیکر را بههماوردی می‌طلبد تا اقتدار و شکست ناپذیری خود را ثابت کند . هیوستن ، نهنگ خشمگین را یکی ازفیلمهای‌محبوب خود می‌داند امامی‌ــ گوید " . . . البته نه‌مردم ونه‌منتقدان ، هیچکدام در این مورد بامن موافق نیستند . . . آنها "ایهب" را به دیدهٔ یک دیوانه نگریستند اشکال کار در این بود که نقشی که گریگوری پک بازی می‌کرد ، سازگار با آگاهیها و حدسهای آنان از داستان اصلی نبود" .

اعتراف L' Aveu

کارگردان: کوستا گاوراس

بازیگران: ایومونتان ــ سیمون سینیوره

"آرتور لوندون" معاون وزارت امورخارجه چکسلواکی" درجریان تصفیه‌های وسیع پس از روی‌کار آمدن استالین، دستگیر، شکنجه و بازجوئی می‌شود. او باید اعتراف کند که به اهداف حزب‌کمونیست چکسلواکی خیانت‌کرده است اما اوخودرا یک عضومؤمن ووفادار حزب می‌داند واتهام خیانت را ردمیکند. او و عده‌ای دیگر از دستگیرشدگان، دریک دادگاه فرمایشی مجبور می‌شوند که اعتراف‌کنندکه خیانت‌کرده‌اند. آرتورلوندون یکی ازکسانیست که شانس زنده‌ماندن در جریان تصفیه‌های استالینی را داشت.

اعتراف، بر اساس یادداشتهای خود آرتور لوندون ساخته شده است. هنگامی که کوستا گاوراس فیلم "Z" را ساخت، "چپ"های دنیا او را فیلمسازی در خط خود یافتند، اماچند سال بعد، او با فیلم "اعتراف" تصور بسیاری را در این باره باطل کرد. این عده معتقدند که اعتراف، یک فیلم ضد کمونیستی است که از موضع تروتسکیستها به وقایع پس از روی‌کار آمدن استالین نگاه میکند و بنابراین، ریشه در امپریالیزم و قلب سازمان "سیا" دارد. گروهی نیز، این فیلم را تنها ادعانامه‌ای علیه استبدادا ستالینی می‌دانند. جدا از این بحث‌های ایدئولوژیک، اعتراف فیلمی پرکشش و گیراست



"کنستانتین کوستا گاوراس" متولد ۱۹۳۳ در یونان، در فرانسه تحصیل کرده و بعلت فعالیتهای سیاسی، از کشورش تبعید شده و در فرانسه اقامت گزیده است. پس از پایان تحصیل (در ۱۹۵۸) بعنوان دستیار کارگردان با رنه‌کلمان، رنه‌کلر و ژاک دمی همکاری کرد.

نخستین‌فیلمهای‌او، دوفیلم جنائی با استیل آمریکایی بودند: قتل در اتومبیل خواب (۱۹۶۵) و گروه ضربت (۱۹۶۷). پس از آن، کوستاگاوراس به فیلم ساختن بر اساس موضوعهای سیاسی روی آورد و اولین آنها "Z" (۱۹۶۸) بحث‌انگیزترین فیلم سیاسی سینمای‌جهان بوده است. فیلم بعدی "اعتراف" (۱۹۷۰) است وپس از آن در سال ۱۹۷۲، فیلم "حکومت نظامی" را درباره‌ٔ سیاستهای استعمارنو درآمریکای‌جنوبی ومبارزه‌ٔ مسلحانه علیه آن ساخت. "بخش‌ویژه" (۱۹۷۵) فیلم بعدی اوست که داستانی درباره‌ٔ دادگاههای فرمایشی حکومت ویشی (درفرانسه) در زمان اشغال فاشیستها دارد.

آخرین فیلم کوستاگاوراس "باختن" (۱۹۸۱) نام دارد که امسال برنده جایزه نخست جشنواره کان شد.

کوستاگاوراس، فیلمسازیست که آثارش و عملکردش، بحث‌های موافق ومخالف فراوان برانگیخته وگروهی او را دست‌نشانده‌سازمان‌سیامی‌دانندوبرخی‌نیزدفاعش‌می‌کنند

تعقیب The Chase

کارگردان: آرتور پن

بازیگران: مارلون براندو ــ رابرت ردفورد ــ جین فاندا آنجی دیکنسون ــ جیمز فاکس

" به ساکنان شهر "تارل" در ایالت تگزاس خبرمیرسد که "بابرریوز" از زندان گریخته است. بابر ریوز، از ساکنان این شهر است که به همراه یک زندانی دیگر فرار کرده است. عده‌ای ازمردم، تصمیم به تعقیب ودستگیری او میگیرند درحالیکه کلانتر کالدر بعنوان مجری قانون میخواهد این‌کار را انجام دهد. "آنا" همسر "بابر" که با "جیک راجرز" پسر مرد ثروتمند شهر رابطه دارد،

می‌داند که شوهرش برای دیدن او می‌آید. ساعتی بعد خبرمیرسدکه دوزندانی‌فراری، یک دستفروش را کشته اند و اتومبیلش را برداشته‌اند. با این خبر، آتش کسانی که در صدد تعقیب بابر هستند، تندتر میشود وچون کلانتر میخواهد مانع کارشان شود، او را به سختی کتک میزنند. بابر به‌شهر می‌آید وچون اوضاع را نامساعدمی‌بیند، قصد فرار میکند اما کلانتر به او قول میدهد درصورتی که‌خود را تسلیم کند، کمکش خواهد کرد. بابر تسلیم میشود اما هنگامی‌که آنها به دفترکلانتر میروند، مردانی که کلانتر را کتک زده‌بودند، با اسلحه به‌آنان حمله میکنند و...

■

"تعقیب" یکی‌ازمعروفترین‌فیلمهای "آرتورپن" است. فیلمی پرکشش و سرگرم کننده. اما "پن" خود، نسبت به‌این‌فیلم نظرخوشی ندارد. وی درموردتعقیب میگوید: "فیلم بیش ازآنچه بود موردتوجه مردم قرارگرفت". ازآنجا که پن، خود در تدوین و مونتاژ فیلم دخالتی نداشته، آنرا یک کار هالیوودی می‌داند. این قضاوت او درمورد "تعقیب" البته باتوجه‌به‌فیلمهای باارزش‌دیگری که‌پن ساخته‌است، معنا پیدامیکند اما بی‌آن‌هم، "تعقیب" فیلمی جذاب ودیدنی است.

●

"آرتورپن" درسال ۱۹۲۲ درفیلادلفیای آمریکا متولد شد. پس از پایان تحصیلات، مدتی کار تئاتر کرد و با شروع جنگ جهانی دوم، به جبهه رفت. جنگ که‌پایان یافت، مدتی کارآموزی کرد و سپس برای ادامهٔ تحصیل به دانشگاه فلورانس ایتالیا رفت. وقتی که به آمریکا بازگشت، در تلویزیون چند سریال کارگردانی کرد وکار فیلمسازی در سینما را با "تیرانداز چپ‌دست" (۱۹۵۸) آغاز کرد که اینک جزو وسترنهای کلاسیک آمریکاست.

پن، روحیه‌ای‌ستیزنده وتکرو دارد. به همین جهت کمپانیها و تهیه‌کننده‌های بزرگ فیلم، به او روی خوش نشان نمی‌دهند. پن، جهان راصحنهٔ مبارزهٔ دائمی‌می‌داند. دردنیای او، سرنوشت چیزی است جدا از آن مفهوم تراژیک و محتوم که عموما تصویر میشود. درهمهٔ فیلمهای او، نوعی خشونت بچشم میخورد وبسیاری از آدمهای آثاراو، افرادی طغیانگرندکه‌علیه نیروهای‌وحشی



حاکم بر روابط مردم، می‌شورند. مانند "بیلی‌کید" در "تیرانداز چپ‌دست" و همچنین بانی‌وکلاید. فیلمهای دیگر آرتور پن عبارتند از: معجزه‌گر (۱۹۶۲) — میکی وان (۱۹۶۵) — تعقیب (۱۹۶۶) — بانی‌وکلاید (۱۹۶۷) — رستوران آلیس (۱۹۶۹) — بزرگمرد کوچک (۱۹۷۰) — حرکتهای شبانه (۱۹۷۵) — دشتهای میسوری (۱۹۷۶).

●مردی بنام اسب

A Man Called Hores

کارگردان: الیوت سیلوراستاین

بازیگران: ریچارد هریس— جودیت آندرسن

■

"لرد جان‌مورگان" آریستوکرات انگلیسی که در قرن هیجدهم به آمریکا سفرکرده‌است، درحین‌شکار درداکوتا اسیر سرخپوستهای‌قبیلهٔ "سیوکس" می‌شود. پس ازمواجه شدن با سختی‌هائی، مورگان راغب میشودکه‌سرخپوستان اورا بعنوان عضوی ازقبیلهٔ‌خودبپذیرند امابرای‌پذیرفته شدن در میان سرخپوستان، او باید از بوتهٔ آزمایشهای جانفرسائی سربلند بیرون‌آید. و مورگان، همهٔ آزمایشها را ازسر می‌گذراند. مورگان آداب زندگی سرخپوستان را می‌آموزد وبا خواهر رئیس‌قبیله ازدواج‌میکند اماهمچنان در فکر بازگشت به کشور خویش است...

■

"مردی بنام اسب" نگاهی تازه — در مقایسه با اکثر فیلمهائی‌که‌سرخپوستها درآن‌حضوردارند— به‌سرخپوستها



می‌اندازد وجانبدار آنهاست. فیلم ، بسیارجذاب و پر کشش ساخته شده و سرشار از صحنه‌های دلهره انگیز و نفس گیر است .

●

"الیوت سیلوراستاین" فیلمسازجوانیست که کارش را ازتلویزیون آغاز کرده‌است. نخستین کارمهم تلویزیونی او، سریال "قرن‌طلائی" بودکه موفقیت آن سبب‌شد چند فیلم وسریال‌دیگرنیزبسازد. ازآنجمله: جاده ۶۶ـ شهر برهنه ـ دکتر کیلدر ـ پرستاران ـ . . .

پس ازتجربه‌اندوزی‌درتلویزیون، سیلوراستاین‌به سینما روی‌آورد و نخستین فیلم سینمائیش را بنام "دختران زیبا" در سال ۱۹۶۲ ساخت. فیلم بعدی او "کت‌بالو" (۱۹۶۵) یک موفقیت بزرگ برایش بود که با استقبال فراوانی مواجه شد. فیلمهای‌دیگر سیلوراستاین عبارتند از: واقعه (۱۹۶۷) ـ مردم بنام‌اسب (۱۹۶۹) ـ ماه عسل مرگبار (۱۹۷۳).

●خارطوم Khartum

کارگردان: بازیل دیردن

بازیگران: چارلتون هستون ـ لارنس اولیویر ـ ریچارد جانسون ـ رالف ریچاردسون

■

دراواخر قرن‌هیجدهم هنگامی که امپراطوری بریتانیا جهان را به‌زیرقدرت‌خود داشت، وجود مردی مسلمان بنام "محمدبن‌احمد" ملقب به "المهدی" در سودان، مانعی در راه چنگ اندازی انگلیس بر این کشور بود. المهدی، مردم را به گردخود آورده وبا حکومت مصر که دست‌نشانده‌ٔ انگلیس بود، می‌جنگید. انگلیس، ابتدا لشکری‌عظیم رابرای‌سرکوبی المهدی ویارانش به خارطوم اعزام‌میکند. اما این لشکر بادادن ده‌هزار کشته، شکستی سخت میخورد. امپراطوری بریتانیا، برای جبران شکست ژنرال گوردون را که با موفقیتهای پیشین به صورت یک قهرمان ملی درآمده بود، به سودان می‌فرستد.

پس ازبرخوردهائی میان گوردون و المهدی، عاقبت المهدی باقشون‌صدهزارنفری‌اش برای‌فتح‌خارطوم وبیرون راندن اشغالگران انگلیسی، به این شهر حمله میبرد.

■

"خارطوم" به هرحال، نگاه یک انگلیسی به مبارزات مردم یک کشور اشغال‌شده برای بیرون راندن اشغالگران انگلیسی است. "بازیل دیردن" هم که یک‌انگلیسی‌تمام عیار است، نمی‌تواند جانب هموطنش را رها کند و از المهدی جانبداری کند، حتی اگر این دومی حق بگوید. در سراسر فیلم، مشهود است که برای او، گوردون یک قهرمان ملی است و المهدی و یارانش، عده‌ای عرب پابرهنه که فقط خونریزی می‌دانند!

با این وصف، "خارطوم" فیلمی تماشائی است.

●

"بازیل دیردن" ـ متولد ۱۹۱۱در "اسکس" انگلستان ـ از کارگردانهای مستعد کشورش است. مدتی‌درکارتئاتر کارکرد وبه‌اتفاق‌مایکل رلف(نویسنده‌وتهیه‌کننده)تعدادی ازمهمترین‌فیلمهای استودیوی "ایلینگ فیلم" انگلستان راساخته‌است. ازجمله: زنگها سقوط میکنند (۱۹۴۲) ـ یک اپیزود (قسمت) ازفیلم مرگ‌شب (۱۹۴۵) ـ فریدا (۱۹۴۷) وچراغ آبی (۱۹۵۰). درسال ۱۹۶۱، "اتللو" را با موسیقی جاز ساخت که برایش یک‌شکست بود اما با ساختن "خارطوم" (۱۹۶۷) به‌موفقیتی‌بسیاردست‌یافت. درسالهای پایان دهه‌ٔ ۶۰، بازگشت بحران به سینمای انگلستان، سدی درراه بلندپروازیهای بازیل‌دیردن‌شد.

عمده فیلمهای دیگر او عبارتند از: نیمه راه خانه (۱۹۴۳) ـ کوچکترین نمایش روی‌زمین (۱۹۵۷) ـ پیمان جنتلمن‌ها (۱۹۵۹) ـ زندگی برای‌ترحم ـ سازمان‌سوءقصد (۱۹۶۸) ـ مردی که خودش را شکار کرد (۱۹۷۰).

بازیل دیردن در سال ۱۹۷۱ درگذشت.

• دیوانه‌ای ازقفس پرید
One Flews Over The Cuckoo's Nest

کارگردان: میلوش فورمن
فیلمنامه: لارنس هاوبن ــ بو گلدمن
فیلمبرداری: هاسکل وکسلر ــ بیل باتلر
موسیقی: جک نیچه
بازیگران: جک نیکلسون ــ لوئیز فلچر ــ مایکل بریمن

■ "مک‌مورفی"، زندانی محکوم به‌اعمال‌شاقه، ازآنجا که فکرمیکند زندگی دریک‌تیمارستان راحت‌تر ازتحمل‌اعمال شاقه در زندان است، خودش رابه دیوانگی می‌زند و به بیمارستان روانی منتقل میشود. خانم "راچد" سرپرست بخشی است‌که مک‌مورفی به آن منتقل شده و مک مورفی می‌کوشدبا نادیده‌گرفتن مقررات آنجا، به سایر بیماران روانی آن‌بخش ثابت‌کندکه آدمهای عاقلی هستند وآنها راعلیه‌نظمی‌که‌درآنجاحکمفرماست، بشوراند. تنبیه هائی که برای مک‌مورفی درنظر گرفته می‌شود، او را از اعمالش بازنمی‌دارد وعاقبت، شوک‌الکتریکی ازحرکت‌بازش‌میدارد.



■ **"دیوانه‌ای ازقفس پرید" براساس کتاب "پرواز برفراز آشیانهٔ فاخته" اثر "کن‌کیسی" ساخته شده وچند جایزهٔ اسکارمهم (ازجمله بهترین‌فیلم سال، بهترین‌کارگردانی و بهترین بازیگران زن و مرد نقش اول) را گرفته است. محدودهٔ رخدادها ــ بیمارستان‌روانی ــ وطغیان مک مورفی علیه راچد و نظمی که او حاکم کرده، همچنین کوشش مک مورفی برای شوراندن بیماران آرام و بی‌آزار علیه نظم و ناظم، میتواند در سطحی وسیعتر تعمیم یابد، اما شیوه‌ها ونتیجه‌ها درفیلم، نشانهٔ فردگرائی فیلمسازاست. مک‌مورفی، بعنوان یک‌ناجی مطرح‌می‌شود. یکی ازساکنان بخش دست به خودکشی میزند، مک‌مورفی کشته میشود و فراربعنوان تنها راه‌چاره، مثل کاری‌که آن‌سرخپوست‌کرد، نمایانده میشود. با این حال، "دیوانه‌ای ازقفس پرید" بخاطر لحظه‌های درخشانی که‌دارد وبخاطرگیرائی کلیت فیلم، یک اثر تماشائی و تاثیر گذار است.**

● "میلوش فورمن" ــ متولد ۱۹۳۲ درکاسلف‌چکسلواکی ــ یکی ازفیلمسازان مستعدیست که در دههٔ ۶۰ چهره کرد و درآغاز دههٔ‌هفتاد به اوج موفقیت رسید. در نوجوانی بازیگرنمایشهای‌تئاتری مدرسه بود. پس ازپایان‌تحصیلات عمومی، واردمدرسهٔ فیلم چکسلواکی شد و در سال۱۹۵۷ در رشتهٔ فیلمنامه‌نویسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۵۶ یک فیلمنامه برای آلفرد رادوک نوشت که فیلمی بر اساس‌آن ساخته شد. وی به اتفاق رادوک، چند سال کار تئاتر نیز میکرد. در سال ۱۹۶۳ دو فیلم کوتاه‌ساخت و در سال ۱۹۶۴ نخستین فیلم بلندش "پیتر و پاولا" را کارگردانی‌کرد. فیلمهای بعدی او "عشق‌های زن‌موطلایی (۱۹۶۵) و "گلولهٔ فریمن" (۱۹۶۷) نام‌دارند. در این فیلم آخر، او به ماجرای پشت‌پردهٔ یک حادثهٔ سیاسی که موجب سرنگونی قدرتمداران کشورش شده‌بود، پرداخته بود وسپس‌کشورش را ترک‌کرد وبه‌هالیوود رفت. نخستین فیلمی که در آمریکا ساخت (خیز ــ ۱۹۷۱) موفقیت‌زیادی برایش به همراه آورد و برندهٔ جایزهٔ مخصوص هیئت داوران جشنوارهٔ کان شد. "دیوانه‌ای از قفس پرید"، (۱۹۷۶) موفقیت دیگری برای فورمن بود. هر چند که

فورمن یک فیلمساز تواناست اما این همه تحویل‌گرفتن او ازسوی غرب، به سبب پاره‌ای ملاحظات سیاسی (ملاطفت درحق فیلمسازی از اروپای شرقی که درکشور خودش‌مورد بی‌مهری قرار گرفته) نیز محسوب می‌شود. فیلم بعدی میلوش فورمن، "مو" (۱۹۷۹) نام‌دارد.

●زِد Z

کارگردان: کوستا گاوراس (۲۹)
فیلمنامه: خورخه سمپرون– براساس داستانی ازواسیلوس واسیلیکوس
بازیگران: ایومونتان– ایرنه پاپاس– رناتو سالواتوره – شارل دانر –ژاک پرن

■

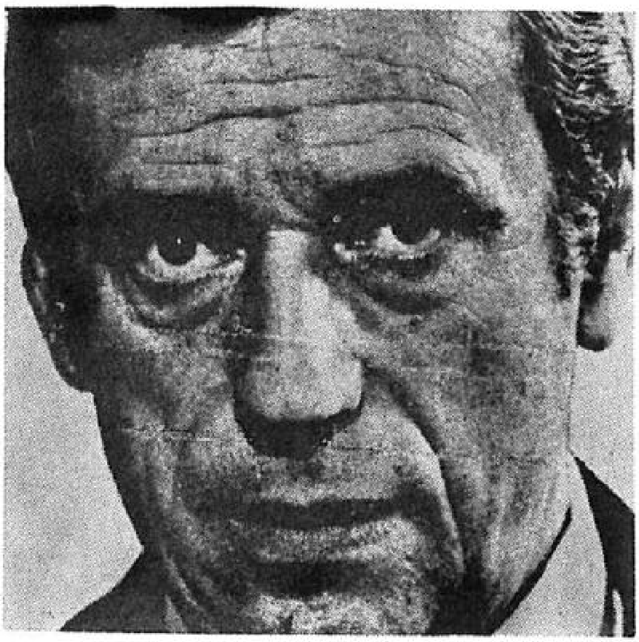
"دکتر Z" رهبر یک گروه صلح طلب، درجریان یک میتینگ این گروه، از سوی عده‌ای مورد سوء قصد قرار می‌گیرد و کشته می‌شود. خبرنگار جوانی که درپی کشف ماجراست، با گردآوری‌اسناد ومدارکی، به کمک بازپرسی می‌آید که بی‌هراس از تهدیدها، پرونده را پی‌جوئی می‌کند.

عاقبت، سرنخ این ترور، در دست قدرتمندان کشور یافته میشود.

□

Z بی‌تردید بحث‌انگیزترین فیلم‌سیاسی سینماست که بر اساس یک ماجرای واقعی ساخته شده است. گرچه کوستاگاوراس، نامها ومکانها را بی نام انتخاب کرده اما فیلم و داستان واسیلوس واسیلیکوس، آنقدر مشهور است که هیچکس در این که آدمها کیستند و مکان رخداد ها کجاست، دچار تردید نمی‌شود: "گرهگور لامبراکیس"، عضو پارلمان یونان، یک دموکرات صلح طلب ورهبر یک گروه طرفدار صلح، در میتینگی که گروه در تسالونیک برگزارکرده و لامبراکیس سخنرانش است، مورد حمله قرار میگیرد و کشته‌میشود. وقتی که کشف میشود بزرگان یونان رهبری این ترور را برعهده‌داشته‌اند، چنان رسوائی ببار می‌آیدکه به‌کودتای معروف سرهنگها دریونان می‌انجامد.

مخالفان کوستاگاوراس و "Z"، معتقدند که ساخته



شدن این فیلم، یکی از نقشه‌های "سیا" در پی دگرگونی شیوه‌های‌تبلیغاتی‌این‌سازمان است‌زیراتوجه را از"سیستم" متوجه"افراد"میکند. دلیل‌دیگر آنهااین است که ساخت و بافت فیلم، جنائی– حادثه‌ای است و بیش از آنکه تماشاگر را متوجه زد و بندهای سیاسی کند، در لابلای پیچ و خمهای قصه و حادثه‌آفرینی‌های فیلمساز گم‌میکند. "ژان لوک گودار" فیلمساز معروف فرانسوی، حتی "کوستا گاوراس" را پس ازساختن این فیلم عامل‌مستقیم سازمان سیا معرفی میکند.

در مقابل، موافقان عقیده‌دارند که هیچ ایرادی ندارد درقالب یک فیلم حادثه‌ای هیجان انگیز، تماشاگر را متوجه فساد سیاسی هیئتهای حاکمهٔ کشورهای وابسته به امپریالیسم کرد. یعنی کاری که کوستاگاوراس در این فیلم کرده است.

و باز بدون توجه به این بحثهای ایدئولوژیک، میتوان " Z " را فیلمی دیدنی و گیرا نامید. سهل است، به سبب بحث انگیز بودنش، باید آن رادید.

●بیداد Actas de Marusia

کارگردان: میگوئل لیتین
بازیگران: جیان ماریا ولونته– کلودیواوبرگن

■

درسال ۱۹۰۷ دریکی از معادن نیترات شمال شیلی،



پس از پیدا شدن جسد یکی ازمدیران انگلیسی معدن در اطراف دهکدهٔ ماروسیا ، ارتش به خونخواهی او و برای زهرچشم گرفتن ، یکی ازمعدنچیان را دستگیر و تیرباران میکند . این کار سبب آغاز اعتصاب درمیان معدنچیان ماروسیا میشود وخبرهائی میرسدکه اعتصاب بهسایر نقاط شیلی هم کشیده شده است . برای شکستن اعتصاب ، حیله و سرکوب توام بکار گرفته میشود و چون نتیجه‌ای نمی ـ دهد ، ازمرکز کمک خواسته میشود . قشون عظیمی از ارتش به ماروسیا میآید و حمام خون براه می‌اندازد .

هرچند که فیلم در مکزیک (امادربارهٔ شیلی) ساخته شده وحوادث فیلم درسالهای آغاز قرن حاضر میگذرد اما آنچه "میگوئل لیتین" فیلمساز شیلیائی تصویر کرده بازگویندهٔ مسئلهٔ همیشهٔ شیلی است : خشونت وبی رحمی ارتش وابسته به استعمار و امپریالیسم .

بیداد یک فیلم با ارزش و آگاه‌کننده است که مستقیم به قلب دشمن می‌زند . راههای مبارزه و ضعف‌ها را نشان می‌دهد و درپایان ، هرچند اعتصاب سرکوب میشود ، اما سه تن از بازماندگان ماروسیا ، با راه پیمودن به سوی قله و نور ، می‌روند تا میراث این مبارزهٔ خونبار را به نسلهای آینده بسپارند . تنها ضعف فیلم ، گرایش‌های فرمالیستی فیلمساز در برخی لحظه‌هاست که فیلم را از یکدستی می‌اندازد .

"میگوئل لیتین" از فیلمسازان معروف شیلی است که اکنون به حالت تبعید در کشور مکزیک بسر می‌برد . او کار نمایشی را از ۹سالگی با بازیگری در یک گروه تئاتری آماتور آغاز کرد . دوسال دراین گروه بود وسپس به یک گروه تئاتری کارگری پیوست و بسیار فعال بود . پس از پایان دورهٔ تحصیلات عمومی ، وارد مدرسهٔ تئاتر شد و بعنوان کارگردان ، از آثار هارولد پینتر ، آرتور میلر ، برتولدبرشت وهمچنین نمایشنامه‌نویسان آمریکای لاتین ، نمایشهای زیادی روی صحنه برد . او یکی از فیلمسازان سر برآورده ازجنبش "سینمای نو" آمریکای لاتین است .

پیش ازروی‌کارآمدن سالوادورآلنده ، باامشکلات بسیاری فیلم زیبای "شغال ناهوئلتورو" را درسال۱۹۶۸ساخت و هنگامی که در سال ۱۹۷۰ دولت اتحاد خلق به رهبری آلنده در شیلی بر روی کار آمد ، به سرپرستی موٴسسهٔ دولتی "شیلی‌فیلم" انتخاب شد وبه‌سازماندهی سینمای شیلی پرداخت . این موضوع سبب شدکه خودش تنها یک فیلم (سرزمین موعود ـ ۱۹۷۳) را دراین‌مدت بسازد که با کودتای ژنرالهای آمریکائی در سپتامبر۱۹۷۳ ، امکان نمایش درشیلی نیافت . عده‌ای از فیلمسازان شیلی ، پس ازکودتا دستگیروشکنجه‌شدند ، به‌قتل رسیدند ویا ناپدید شدند . عده‌ای نیز توانستند ازکشور خارج شوند . یکی از آنها لیتین بود که به مکزیک رفت و در آنجا ، فیلمهای "حادثهٔ ماروسیا" (درایران : بیداد ـ ۱۹۷۵) وآقای رئیس جمهور" را ساخت .

● درخت نوئل — The Christmas Tree

کارگردان : ترنس یانگ (۲۷)

بازیگران : ویلیام هولدن ـ ویرنالیزی ـ بورویل

پسر خردسال یک‌خانواده ، مبتلا به‌یک بیماری علاج ـ ناپذیر است . خانواده‌اش هرچه سعی میکنند ، در درمان بیماری کودک ناتوان می‌مانند . در حالیکه پسرک برای رسیدن شب سال نو و آذین‌بستن درخت نوئل لحظه ـ شماری میکند ، مرگ او در همان شب و زیر درخت نوئل اتفاق می‌افتد .

"درخت نوئل" را ، "ترنس یانگ" در سال ۱۹۷۰ ، ساخته است . البته فرقی هم نمی‌کند که او یک فیلم را در چه زمانی ساخته باشد ، زیرا بهرحال فیلمی تجارتی

و موفق از کار درمی‌آید. فیلم باسوژهٔ عاطفه برانگیزش، یک‌اثر اشک‌آور واحساساتی است ودراین زمینه هم، ترنس یانگ با مهارتی که دارد، موفق است.

●تعقیب درشاهراه Sugerland Express

کارگردان و نویسندهٔ فیلمنامه: استیون اسپیلبرگ (۲۴)
بازیگران: گلدی هاون ـ مایکل ساکس ـ بن جانسون ـ ویلیام آترتون

■

ـ لوجین به‌همسرش کلاویس‌که درزندان تادیب بسر میبرد، میگویدکه باید از زندان فرارکند وبه او کمک کند تا فرزندشان را که ازآنهاگرفته شده پس بگیرند، درغیر اینصورت، از اوطلاق‌خواهدگرفت. کلاویس میپذیرد و با کمک لوجین که لباس بدلی برای او آورده، به وسیلهٔ اتومبیل پدر ومادرپیر یکی از زندانیان، از زندان می‌گریزد. این اتومبیل، بسیار مستعمل است و بعلاوه، طرز رانندگی پیرمرد نیزتوجه پلیس راه را جلب میکند. پلیس راه، به تعقیب آنها می‌پردازد اما اسیر کلاویس ولوجین میشود. کلاویس و لوجین او را مجبور به اطاعت می‌کنند تا بوسیلهٔ‌اتومبیل پلیس راه آنها را به شوگرلند ـ که فرزندشان درآنجاست ـ برساند. پلیس راه به ماجرا پی‌میبرد و آنها بااستفاده ازبی‌سیم اتومبیل میگویندکه تنها هدفشان پس‌گرفتن فرزندشان است و اگر پلیس راه مانع کارشان شود، پلیس اسیر را خواهند کشت.

اما تعداد زیادی اتومبیل پلیس راه، اتومبیل های مطبوعات وتلویزیون، و اتومبیلهائی که سرنشینان آنها کنجکاو پایان ماجرا هستند، درپی آنها روان می‌شوند.

به این ترتیب، کاروانی درشاهراه تگزاس بسوی شوگرلند تشکیل میشود. کلاویس ولوجین به شوگرلند می‌رسند ولی برای بدام انداختن آنها، درآنجا دامی‌گسترده‌شده است...

■

دوسال پس ازموفقیت فیلم "دوئل" (تعقیب وگریز)، استیون اسپیلبرگ فیلم "شوگرلند اکسپرس" را روانهٔ جشنوارهٔ کان ـ۱۹۷۴ـ می‌کند، با این فیلم، همگان



متوجه این استعداد جوان میشوند.

همچنانکه در دوئل، در شوگرلند اکسپرس نیز صحنهٔ حوادث، جاده است امادو اتومبیل، در اینجا تبدیل به دویست اتومبیل شده است! شوگرلند اکسپرس نشان می‌دهد که موفقیت اسپیلبرگ دردوئل تصادفی نبوده و او استعدادی درخشان در خلق هیجان و حوادث پر‌کشش است.

این فیلم، توانست جایزهٔ بهترین فیلمنامه را در جشنواره کان ۷۴ به خود اختصاص دهد.

●انسان وحشی، حیوان وحشی

فیلمبردار و کارگردان: آنتونیو کلیماتی ـ ماریو مورا
نویسندهٔ گفتار متن: آلبرتو موراویا

■

این یک فیلم مستند دربارهٔ خشونت و وحشیگری در زندگی حیوانها وانسانهاست. حیوانها دربرابرحیوانها، انسانها دربرابرحیوانها وانسانها دربرابر انسانها برای تنازع بقاء، ناچار به ستیزی خونین هستند.

■

"انسان وحشی، حیوان وحشی" بخشی ازفیلمهائیست که کلیماتی ومورا، طی سالها سیاحت در میان شگفتی‌های زندگی درکره زمین، ضبط‌کرده‌اند و سپس با تقسیم آنها به‌چند بخش، انتخاب یک عنوان و گذاردن گفتاری بر آنها، چند فیلم ساخته‌اند. گیرائی فیلم، البته بیشتر مرهون گیرائی خود سوژه‌ها و صحنه‌های واقعی ست که کلیماتی و مورا باهمتی قابل‌تقدیر، ضبط و سپس مونتاژ‌

شان کرده‌اند. برخی صحنه‌ها نیزهست‌که‌به‌رغم‌زیبایی‌ــ شان، همخوانی با خط و موضوع اصلی فیلم ندارند اما چون جذاب هستند، آنها را در فیلم گنجانده اند. "انسان وحشی، حیوان وحشی" بخاطر نمایش عجایب نادیدنی در تصویرهائی زیبا، فیلمی تماشائیست.

●

"آنتونیوکلیماتی" و "ماریومورا" دوسینماگر ایتالیایی هستندکه درزمینه‌ٔ آثارمستند کارمیکنند. همچنانکه گفته شد، این دو با پشتکاری باورنکردنی، سالها نقاط دورافتاده و بکر جهان ــ بویژه آفریقا ــ را درنوردیدند و هزاران حلقه فیلم از نادیدنیهای شگفت‌آور جهان بر نوار سلولوئید ثبت کردند که قسمتهائی از این فیلمها را درچند فیلم خو دگنجاندند. "دنیای وحشی" یکی از این فیلمهاست و "انسان وحشی، حیوان‌وحشی" فیلم دیگر آنهاست‌که ازجهت خط و موضوع، بسیار شبیه به یکدیگرند. ماریو مورا در زمینه‌ٔ فیلم مستند، بیش از همکارش فعال است و آثارمستقلی نیز دارد که ازآنجمله، می‌توان "بپاخیز آفریقا" را نام برد (این‌فیلم درایران، هم دراکران‌عمومی‌سینماها وهم درتلویزیون نمایش‌داده شده است). این فیلم نیز صحنه‌های مشابهی با دو فیلم قبلی داشت. یک‌فیلم متفاوت او "دهه‌ٔ شگفت‌انگیزپنجاه" است‌که‌فیلمی‌مستند درباره‌ٔ مشهورترین‌فیلمهای‌ایتالیایی در سالهای ۱۹۵۰ است.

●جوکید Joe Kidd

کارگردان: جان استورجس
فیلمبردار: بروس سابترز
موسیقی متن: لالو شیفرین
بازیگران: کلینت ایستوود ــ جان ساکسون ــ رابرت‌دووال ــ دان استراد

■

"جوکید"، ماجراجوی دیروز و ادم نسبتا سربراه امروز، به جرم شکار غیرقانونی درمنطقه‌ٔ ممنوعه و ممانعت در برابر دستگیری، محاکمه و به ده روز زندان محکوم می‌شود. هارلان، سرمایه‌داری که زمینهای کشاورزان بومی منطقه را غصب کرده و در معرض خطر هجوم کشاورزان زمین‌طلب است، به آنجا می‌آید و ازکلانتر میخواهد که جوکید را نزد او بفرستد. هارلان، از جوکید می‌خواهد که برای‌کشتن "لوئیس‌چاما" ــ رهبر کشاورزان شورشی ــ وگروهش به‌استخدام او درآید اما جوکیدنمی‌پذیرد. ولی وقتی‌که می‌فهمد چاما اسبهایش رادزدیده‌است، پیشنهاد هارلان را می‌پذیرد. جو، هارلان وهمراهانش‌رابه‌دهکده‌ٔ چاما راهنمائی میکند و درآنجا، جو را خلع سلاح واخراج میکنند. جوکید، تصمیم میگیرد با هارلان مقابله کند و "چاما" را، خود بدست قانون بسپارد.

■

"جوکید"، فیلمی ازیک کهنه‌کار زمینه‌ٔ وسترن است. کارگردانی‌که چند تا از کلاسیکهای وسترن را ساخته است و حالا می‌بینیم ازنفس افتاده است. مثل خود "جوکید" که دوران‌سرکشی را ازسر گذرانده وحالا آرام‌گرفته و تابع قانون هم شده است. جوکید، درواقع یک انتقامجواست که‌بر سرکینه‌ٔ شخصی به تعقیب چاما می‌پردازد وبعدبرای مقابله با هارلان، رفیق قافله‌ٔ چاما می‌شود. بعد هم تصمیم میگیردکه‌چاما را به‌نماینده‌ٔ قانون بسپارد. قانونی که هارلان‌ها، خود وضع‌کرده‌اند ونماینده‌اش ــ کلانتر ــ



را نیز خودشان سرکار گذاشته‌اند.

البته جوکید بخاطر این که فیلمی از استورجس است، باید فیلمی محکم باشد، که هست، اما فیلمی از یکی از مردان سرکش گذشته‌است، که حالا آرام گرفته است.

●

"جان استورجس" متولد ۱۹۱۱ در ایالت ایلی‌نویز آمریکا، یکی‌از بزرگان سینمای کشورش است که عمدهٔ شهرتش را بخاطر فیلمهای وسترنش بدست آورده و چند فیلم از آثار او، جزو فیلمهای کلاسیک، و در برشمردن ویژگیهای‌وسترن، مثال‌زدنی است. او پس از کارگردانی چند فیلم درجه۲ برای‌کمپانی کلمبیا، مدارج ترقی راپس ازجنگ طی کرد. کارش را با ساختن چند فیلم ماجرائی آغاز کرد و نخستین موفقیتش را در سال۱۹۵۲ با فیلم وسترن "فرار از قلعه براوو" کسب کرد.

درنیمهٔ‌دوم دههٔ ۵۰، استورجس ۳وسترن بزرگ عرضه کرد: "قانون و جیک‌وید"، "جدال در اوکی کورال" و "آخرین قطار گان‌هیل". از آن پس، فیلم‌های او به داشتن فصل‌های دوئل که اوج فیلمهایش بودند معروف شد. استورجس درچند فیلمش به زندگی مردان افسانه‌ای غرب، همچون "وایات‌ارپ" و "داک هالیدی" پرداخته است. فیلمهای معروف او عبارتند از:

مردی‌که جرات‌کرد (۱۹۴۶) ـ تپه‌های‌متحرک (۱۹۴۹) مردم‌علیه اوهارا (۱۹۵۱) ـ روزبد درصخره‌سیاه (۱۹۵۴) جدال در اوکی کورال (۱۹۵۷) ـ قانون و جیک وید آخرین قطار گان‌هیل (۱۹۵۸) ـ هفت دلاور (۱۹۶۰) ـ سه‌گروهبان (۱۹۶۲) ـ فرار‌بزرگ (۱۹۶۳) ـ جاده‌هاله‌لویا (۱۹۶۵) ـ قدرت‌اسلحه (۱۹۶۷) ـ ایستگاه‌زبرا (۱۹۶۸) جوکید (۱۹۷۲) ـ والدز (۱۹۷۳) ـ کارآگاه‌مک‌کیو (۱۹۷۴).

● پاپیون Papillon

کارگردان: فرانکلین جی. شافنر

بازیگران: استیو مک‌کوئین، داستین هافمن

ـ "هنری شاریر" ملقب به پاپیون، یک ماجراجوی حرفه‌ای‌بود اما آن بارکه دستگیرشد، هیچ گناهی نداشت.



همهٔ کوشش او برای اثبات بی‌گناهیش نیز بجائی نرسید و او به حبس طولانی با اعمال شاقه در یک جزیرهٔ دورافتاده‌محکوم شد. اما هیچگاه برای فرارورسیدن به‌آزادی، ازپای ننشست. به‌کمک یکی از هم بندهایش، چندین بار نقشهٔ فرار کشیدند، همهٔ امکانات برای گریختن از آن جزیرهٔ مرگبار را سنجیدند اما هربارکه اقدام به فرار کردند، دستگیر شدند. ولی پاپیون، همچنان برای فرار کوشید...

■

فروش و شهرت فراوان‌کتاب "پاپیون" که هنری شاریر براساس ماجراهائی که برخودش گذشته نوشته بود، از قبل، تضمین قابل اعتمادی برای موفقیت فیلم "پاپیون" بود. فرانکلین شافنر پس از "ژنرال "پاتون" که‌آن هم براساس شخصیت یک چهرهٔ معروف و جنجال برانگیز ساخته شده بود، و "گناهکار یا بیگناه؟" گرهٔ اصلی آن بشمار می‌رفت، پاپیون را با ویژگیهائی نزدیک به پاتون ساخت.

فیلم، حکایت ازشوق و ولع‌یک انسان‌محکوم به اسارت برای زیستن و آزادی دارد. و به برکت چیره دستی سازنده‌اش، فیلمبرداری خوب و بازیهای درخشان دو بازیگر اصلی‌اش، بسیار هیجان‌آور و دیدنی‌ست.

◎

"فرانکلین جی. شافنر" متولد ۱۹۲۰ در توکیو، مدتی درنیروی‌دریائی خدمت‌کرده وسالها درتلویزیون آمریکا فعالیت داشته است. فیلمسازیست نکته‌سنج و دقیق و باهوش که وسواس او در جزئیات فیلمهایش زبانزداست. او علاوه بریک اسکاربرای‌فیلم ژنرال پاتون، چهارجایزهٔ "امی" که اسکار تلویزیونی آمریکاست، گرفته است.

عمده‌ٔ فیلمهای او عبارتند از: زن تابستان (۱۹۶۳) بهترین مرد (۱۹۶۴) سردار سرنوشت (۱۹۶۵) مرد مضاعف (۱۹۶۷) سیاره وحشی‌ها (۱۹۶۸) ژنرال پاتون (۱۹۶۹) نیکلاس و آلکساندرا (۱۹۷۰) پاپیون (۱۹۷۳).

● نهنگ خشگین Orca-Killer Whale

کارگردان: مایکل آندرسون
بازیگران: ریچارد هریس ـ شارلوت رامپلینگ ـ ویل سامپسون

■

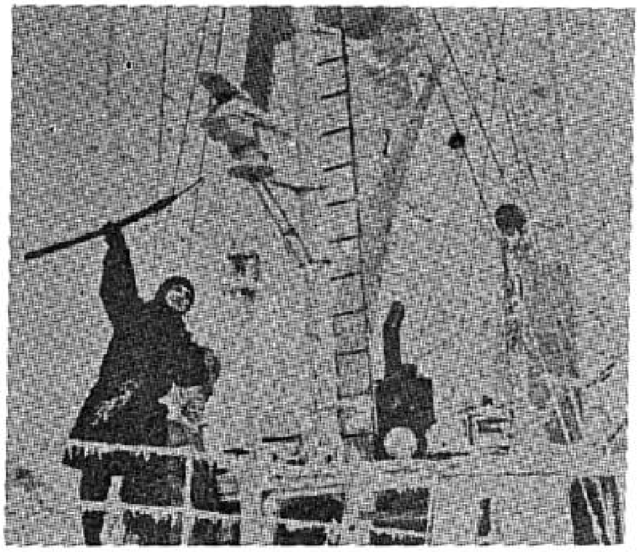
یک شکارچی حرفه‌ای نهنگ در یکی از دفعاتی که به دریا میرود، به اشتباه نهنگ ماده‌ای را که جنینی درشکم دارد، شکار میکند. جفت این نهنگ، چهرهٔ شکارچی را بخاطر می‌سپارد تا ازاو انتقام بگیرد. نهنگ، برای انتقام همواره در تعقیب شکارچی است وچنان او را عاصی میکند که شکارچی تصمیم میگیرد برای رهاشدن ازکابوس نهنگ، هرطور که هست آن را شکار کند. نهنگ هم که همین را می‌خواهد، موذیانه او را به دنبال خود، به منطقه ای خلوت و یخزده می‌کشاند ودرآنجا، جدال مرگ و زندگی بین آنها در میگیرد.

□

هرچندکه مایکل اندرسون، خود یک‌کارگردان تجارتی معتبر است، اما در "نهنگ خشمگین" آشکارا از فیلم معروف "آرواره‌های‌کوسه" تقلیدمیکند، بااینحال، نهنگ خشمگین این امتیاز را داردکه از ساخت و تکنیک خوبی برخوردار است و می‌توان گفت بهترین فیلمی‌ست که به تقلید از آرواره‌های کوسه ساخته شده است!

●

"مایکل اندرسون" ازفیلمسازان مشهور انگلیسی است. او فرزند لارنس اندرسون بازیگر سینمای انگلیس است و درسال ۱۹۲۰ در لندن متولد شده. کارش را در سینما، درسال ۱۹۳۵ بعنوان پادوی استودیوها وسپس بازیگرشروع کرد. چندی بعد به مقام دستیارکارگردان و متصدی امور تهیه ارتقاء یافت. او در این مدت، اغلب با "آنتونی اسکوئیت" کارگردان معروف‌هموطنش همکاری میکرد و در زمان جنگ‌جهانی‌دوم، دربخش فیلمسازی ارتش انگلیس فعالیت داشت.



- اندرسون در سال ۱۹۴۶ به اتفاق پیتر یوسینف دست به ساختن فیلمی زد و درسال ۱۹۵۰ فیلم "باراندار" را ساخت. فیلمهای‌معروف او عبارتند از: دوردنیا درهشتاد روز (۱۹۵۶) ـ با شیطان دست بده (۱۹۵۹) ـ عملیات کراسبو (۱۹۶۵) ـ کفشهای ماهیگیر (۱۹۶۸) ـ پاپ جان (۱۹۷۱) ـ جوزف آندروز (۱۹۷۷).

● وراکروز Veracruz

کارگردان: رابرت آلدریچ
بازیگران: گاری کوپرـ برت لنکستر

■

یک کلنل سرخورده و موقعیت از دست داده (او افسر ارتش شکست‌خوردهٔ جنوب در جنگهای انفصال است)، برای یافتن روزنه‌ای تازه به مکزیک آشوب‌زده می‌رود. بسیاری دیگر ازماجراجویان، برای یافتن طلا به مکزیک آمده‌اند، از جمله "جو" که یک اسب‌دزد حرفه‌ای است و حالا سودای طلا در سر دارد. کلنل و جو، به یکدیگر برخورد می‌کنند و تصمیم می‌گیرند به اتفاق، به جستجو بپردازند. شخص سومی نیز به جمع آنها می‌پیوندد و پس از یافتن طلا، طمع چنان احاطه‌شان میکند که هر یک میکوشد به تنهایی طلاها را تصاحب‌کند. درحالیکه پس ازچندی، درکلنل، این حرص وآز فروکش میکند، اما برای



رابرت آلدریچ

چینی" را ساخت و در سال ۱۹۵۳ اولین فیلم بلند سینمائیش را به نام "عضو تیم بزرگ" کارگردانی کرد. معروفترین فیلمهای رابرت آلدریچ عبارتند از:

آپاچی—وراکروز (۱۹۵۴)— بوسه‌خونین— برگهای پائیز (۱۹۵۵)— ده‌ثانیه تاجهنم (۱۹۵۸)— تپه‌های خشمگین (۱۹۵۹)— آخرین غروب (۱۹۶۱)— سودوم وگومورا (۱۹۶۲) پرواز فونیکس (۱۹۶۵)— دوازده مرد خبیث (۱۹۶۷) — برای‌قهرمانی دیر است (۱۹۷۰)— دسته‌ٔ گریسام (۱۹۷۱) شبیخون اولزانا (۱۹۷۲)— امپراتور شمال (۱۹۷۳) — اولتیماتوم (۱۹۷۷).

اثبات حقانیت، او و "جو" ناچار میشوند دست به دوئل بزنند. جو که تحت تاثیر کلنل قرارگرفته است، زودتر تپانچه‌اش را می‌کشد، اما به سوی او شلیک نمیکند...

■

وراکروز، مشهورترین فیلم سازنده‌اش ویکی ازوسترنهای کلاسیک سینماست. فیلمی که همراه با چند اثر دیگر از فیلمسازانی همچون فورد، هاواردهاکز، جان استورجس، فرد زینه‌مان، آنتونی‌مان وچند تن دیگر، شاخص سینمای وسترن هستند. وراکروز، ویژگیهای وسترن را در دوران اوج این فیلم، داراست. فیلمی روان، ساده، بدون پیچ و خم، که آلدریچ در دوران شکوفائی‌اش ساخته است.

●

"رابرت آلدریچ" در سال ۱۹۱۸ در رادآیلند آمریکا تولد یافت و پس ازپایان تحصیلات عمومی، وارد دانشگاه ویرجینیا شد. درحالیکه اودررشته‌ٔ علوم اقتصادی تحصیل میکرد، با دنیای نمایش آشنا شد. پس از پایان دوره‌ٔ دانشگاه، در سال ۱۹۴۱ ازدواج کرد و به هالیوود رفت. کارش را درکمپانی "آر.ک.ئو" در زمینه‌ٔ رادیو آغازکرد و مدارج ترقی را بسرعت پیمود. پس از سه سال، از این کمپانی بیرون آمد و بعنوان دستیار کارگردان در فاصله‌ٔ سالهای ۱۹۴۵تا۱۹۵۱، با فیلمسازانی چون ملوین‌لروی، فرد زینه‌مان، رابرت راسن، لوئیس مایلستون و جوزف لوزی کار کرد. درسال ۱۹۵۲، دستیار چارلی‌چاپلین در فیلم "لایم‌لایت" شد و سال بعد، کارش را در تلویزیون آغازکرد و چندین قسمت ازسریالهای "دکتر" و "اسمیت

● سرزمین چاتو Chato's Land

کارگردان: مایکل وینر

بازیگر: چارلز برانسون

■

همسر یک مردسرخپوست، توسط چندراهزن سفیدپوست مورد تجاوز قرار می‌گیرد وسپس به قتل می‌رسد، "چاتو" مردسرخپوست، وقتی به‌خانه بازمی‌گردد، با جسد همسر وخانه‌ٔ ویران روبرو می‌شود. او با یافتن نشانه‌هائی از متجاوزان، سردرپی آنها میگذارد تا انتقام بگیرد. عاقبت نیز، یک به یک آنها را می‌یابد وانتقام میگیرد.

■

"سرزمین چاتو" مثل همه‌فیلمهای مایکل وینر، یک‌فیلم تجارتی با ساخت‌محکم یک‌فیلم حرفه‌ای است. هیجان و کشش‌دارد، ضمن‌آنکه با مظلوم قرارگرفتن یک سرخپوست، مایه‌هائی درمحکوم‌کردن ظلم برسرخپوستها رانیزچاشنی خود کرده است.

●

"مایکل وینر" — متولد ۱۹۳۵ در لندن— یک نویسنده، فیلمساز وتهیه‌کننده‌ٔ پرکار سینمای آمریکاست که اغلب فیلمهایش را، خودش تهیه‌میکند. درجوانی، چندی به روزنامه‌نگاری ونوشتن نقدهنری‌پرداخت و درسال ۱۹۵۸ بعنوان همکارتهیه در یک فیلم کوتاه (کار سینمائی خود را آغاز کرد. پس از آن، خودش یک فیلم کوتاه به نام "مربع" ساخت وسپس به‌تلویزیون رفت وچند قسمت از

سریالهای تلویزونی "مارک‌سی‌بر"، "مردی با اسلحه" و "دیک و دوشس" را ساخت. وینر، یک فیلمساز موفق و معتبر تجارتی است که فیلمهایش غالبا ازتحرک بسیاری برخوردار است. در اغلب فیلمهای او، جنبه‌هائی از انتقاد اجتماعی‌وسیاسی نیز وجوددارد. علاوه‌برتعدادی فیلم کوتاه، مهمترین آثار مایکل وینر اینها هستند.

صعود از دیوار (۱۹۶۰)ـ بعضی‌ها سردش را دوست دارند (۱۹۶۱)ـ غرب ۱۱ـ سیستم (۱۹۶۳)ـ ژوکر ها (۱۹۶۶)ـ هانیبال‌بروکس (۱۹۶۸)ـ بازیها (۱۹۶۹)ـ مرد قانون (۱۹۷۰)ـ ولگرد نیمه شب ـ سرزمین چاتو (۱۹۷۱)ـ متخصص ـ عقرب (۱۹۷۲)ـ مرگباران (۱۹۷۳) نگهبان (۱۹۶۷)ـ سگی که‌هالیوود رانجات‌داد (۱۹۷۷).

●فراربزرگ
The Great Escape

کارگردان: جان استورجس (۳۷)
بازیگران: استیو مک‌کوئین ـ جیمزگارنر ـ چارلزبرانسون جیمز کابرن

■

گروهی از اسیران آمریکائی در یک بازداشتگاه نازی‌ها (در زمان جنگ جهانی دوم) برای فرار نقشه‌ای می‌ریزندکه براساس‌آن می‌بایست تونلی زیرزمین تا جنگل اطراف بازداشتگاه کنده‌شود. یک‌بار تونل آنان بوسیلهٔ آلمانی‌ها کشف‌میشود اما آنها ازجای‌دیگری کندن تونل راآغازمیکنند و بر اثر یک اشتباه در محاسبه، تونل آنها از چندمتر مانده به انبوه درختها سر درمی‌آورد و همین موضوع باعث‌میشودکه هنگام فرار، زندانبانان‌متوجه‌شوند. فراریان مورد تعقیب قرار می‌گیرند. چند تن از آنها دستگیر یا کشته میشوند و تنها یکی دو نفر موفق میشوند خود را از مهلکه نجات دهند.



■

"فرار بزرگ" یکی از معروفترین فیلمهای سازنده اش، یکی ازپولسازترین‌فیلمهای‌جنگی، واز موفقترین آثاریست که در زمینهٔ فرار از زندان ساخته شده‌است. این فیلم به سبب هیجان نفس‌گیری که در سراسر آن گسترده است اثری تماشائی و سرگرم‌کننده است.

●آسمانخراش جهنمی
The towering Inferno

کارگردان: جان گیلرمین
بازیگران: پل‌نیومن ـ استیومک‌کوئین ـ ویلیام هولدن ـ فی داناوی ـ فردآستر

■

در سالن طبقهٔ آخر یک آسمانخراش عظیم، ضیافت بزرگی برپاست. در یکی ازآپارتمانهای طبقات پایین‌تر، یک حادثه، یک شعلهٔ‌کوچک سبب درگرفتن آتش میشود. آتش بزودی گسترش‌می‌یابد وهمهٔ ساکنان طبقات بالاتر را درمحاصره میگیرد. مامورین آتش‌نشانی و امداد، وارد معرکه می‌شوند ودوتن ازمتخصصان جسور، رهبری‌عملیات نجات رابرعهده میگیرند. آتش، به سرعت به طبقهٔ بالا نزدیک می‌شود. و در سر راه خود می‌سوزاند و می‌کشد. آتش، سرانجام مهار میشود اما...

■

"آسمانخراش جهنمی" یکی دیگر از فیلمهای موفق سینمای‌فاجعه‌است‌که‌چندتافیلم "آسمانخراشی!" به‌تقلید ازآن ساخته شد. آسمانخراش جهنمی هم نعل به نعل، کلیشه‌های سینمای‌فاجعه رارعایت‌کرده است: شخصیتهای متعدد داستان، زمینه‌چینی، واردکردن مایه‌های عاطفی و رقت‌انگیز، قربانی شدن عده‌ای، قهرمان شدن چندتن ناجی، وصیت‌کردنها واعتراف به‌گناهها ازسوی کسانی که درمعرض‌خطرمرگ هستند و... بازیگران مشهور وپولساز. فیلم فقط یک اثر سرگرم و پرخرج و پردنگ و فنگ است!

•

"جان گیلرمین" ـ متولد ۱۹۲۳ درلندن ، ازفیلمسازان تجارتی ومعتبر هالیوود است که تقریبا در همهٔ زمینه‌ها فیلم ساخته واغلب هم موفق‌بوده است ، مهارت وتخصص او بیشتر در زمینهٔ فیلمهای حادثه‌ای است و به سبب اطمینانی‌که تهیه‌کنندگان به بازده‌کارش دارند ، امکانات و بودجهٔ‌فراوانی دراختیارش میگذارند . به همین سبب ، چندین فیلم او در زمرهٔ فیلمهای پرخرج و به اصطلاح "عظیم" قراردارند . عمده‌فیلمهای جان گیلرمین‌عبارتند از :

عذاب (۱۹۴۹) ـ دونفرروی‌بامها ـ چهارروز (۱۹۵۱) آهنگ پاریس ـ دوشیزه رابین‌هود (۱۹۵۲) ـ عملیات دیپلمات (۱۹۵۳) ـ رعد و برق (۱۹۵۵) ـ همهٔ حقیقت (۱۹۵۸) ـ بزرگترین ماجرای تارزان (۱۹۵۹) ـ روزی که آنها به بانک انگلند دستبردزدند (۱۹۶۰) ـ والس‌گاو بازها ـ تارزان به هندوستان می‌رود (۱۹۶۲) ـ تفنگهای باتاسی (۱۹۶۴) ـ ماکس‌آبی (۱۹۶۶) ـ چهره‌ای تازه در جهنم (۱۹۶۷) ـ خانهٔ ورق (۱۹۶۸) ـ پل ریماگن (در ایران : پل پیروزی ـ ۱۹۶۹) ـ ال کوندور (۱۹۷۰) ـ سرقت هواپیما (۱۹۷۲) ـ شفت در آفریقا (۱۹۷۳) ـ آسمانخراش جهنمی (۱۹۷۴) ـ کینگ‌کنگ (۱۹۷۶) .

• هفت دلاور The magnificent Seven

کارگردان : جان استورجس (۳۷)

بازیگران : یول برینر ـ جیمزکابرن ـ رابرت وان ـ استیو مک‌کوئین ـ هورت بوخهولتز ـ چارلزبرانسون ـ برادد کستر



■

هنگامی‌که ساکنان یک‌دهکدهٔ‌مکزیکی همهٔ هستی شان درمعرض خطر هجوم راهزنان است ، آنان دست کمک به سوی یک ماجراجوی حرفه‌ای درازمیکنند . او می‌پذیرد که از آنان دفاع کند اما به تنهائی ، کاری از دستش ساخته نیست . به همین‌جهت ، شش مرد دیگر را نیز می‌یابد که هریک در یکی از فنون جنگی کارآمد هستند . این هفت باکمک ساکنان دهکده که حالا به پشتگرمی آنان ، خودنیز می‌جنگند در مقابل یورش راهزنان می‌ایستند و با آنان مبارزه‌میکنند . پس ازشکست راهزنان ، تنها ۳ تن ازآنان زنده‌میمانند .

□

هفت دلاور ، براساس‌فیلم مشهورژاپنی "هفت‌سامورائی" اثر آکیراکوروساوا ساخته‌شده وبه روایتی ، جان استورجس با زیبائی ، هفت سامورائی را به زبان وسترن ترجمه کرده‌است . این یکی ازصد فیلم پرفروش تاریخ‌سینما و از کلاسیکهای سینمای وسترن است . هفت دلاور فیلمی با ریتم سریع و پرهیجان ، و اثری پرکشش است .

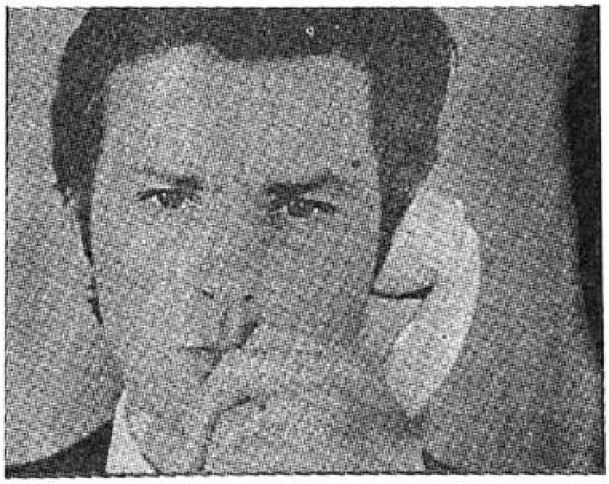
• اسلحه بزرگ

کارگردان : دوچوتساری

بازیگران : آلن‌دلون ـ ریچاردکنت ـ کارلاگراوینا ـ روژه هانن

■

"تونی‌آرزنتا" یک‌آدمکش حرفه‌ای درسازمان‌مافیاست که برای‌این سازمان ازارزش زیادی برخوردار است . اما بخاطر همسر وفرزند شش‌ساله‌اش تصمیم میگیردکه‌حرفه‌اش را ترک‌کند . مافیا که نمیتواند ونمی‌خواهد این‌مهرهٔ ارزنده‌اش را از دست بدهد ، واز سوئی خروج هر فرد از این سازمان جهنمی مساوی با مرگ است ، پس از ناکامی در متقاعدکردن‌تونی درانصراف ازتصمیمش ، قصد کشتن وی رامیکنند . امابراثر یک اشتباه ، همسر و فرزند تونی در دامی که برای او نهاده شده ، گرفتار می‌آیند و کشته می‌شوند . تونی آرزنتا ، خشمگین و مصمم ، کمر به قتل سبب‌ساز ان‌مرگ‌همسر وفرزندش‌می‌بندد ولی درپایان . .



"اسلحهٔ بزرگ" در پی فیلمهایی که به مافیا و سیا می‌پرداختند ، ساخته شد . دوچوتساری ، سازندهٔ فیلم ، پیش ازاین نیز درزمینهٔ فیلمهای پلیسی ـ جنایی و گانگستری کار کرده بود و هرچند موضوع اسلحهٔ بزرگ برای ساختن فیلمی حادثه‌ای ، دستمایهٔ خوبی برای فیلمسازی همچون تساری است اما حضور آلن دلون در فیلم ، ویژگیهای دیگری را به موضوع ، می‌افزاید . یعنی همان خصوصیات همیشگی آلن دلون در فیلم هایش: مردی خونسرد ، باعاطفه ، مؤدب ، آرام درظاهر و متلاطم در درون (شخصیتی که با سامورائی ، انگ شخصیت آلن دلون شد) . با این حال دوچوتساری از تلفیق این ویژگیها باداستان پرماجرایش ، فیلمی پرحادثه ، پرکشش و سرگرم کننده ساخته است .

●

"دوچو تساری" ـ متولد ۱۹۲۶ درایتالیا ـ سابقه‌ی تحصیلات دانشگاهی در رشتهٔ شیمی دارد کارش را در سینما با مستندسازی در جنوآ آغاز می‌کند . او مدتی در آلمان کارمی‌کند (۱۹۵۸) ، سپس به عنوان فیلمنامه‌نویس در سینمای ایتالیا مشغول می‌شود (۶۳ ـ ۱۹۵۹) و اولین فیلمش را می‌سازد (۱۹۶۲) در حالیکه متناوبا در تلویزیون ، تئاتر و مطبوعات تجربیاتی بدست می‌آورد .

ازفیلمهای مشهوراومی‌توان از : پسران رعد (۱۹۶۳) ، هفت‌تیری برای رینگو (۱۹۶۵) ، بازگشت رینگو (۱۹۶۵) تکخال و ژوکر (۱۹۶۶) ، ماچ‌ماچ . . تق‌تق (۱۹۶۷) ، برای‌عشق ، برای‌جادو (۱۹۶۷) پسران شیطان (۱۹۶۸) مورزاد (۱۹۷۰) اسلحه‌بزرگ (۱۹۷۳) زورو (۱۹۷۴) وکولی (۱۹۷۴) نام برد .

● دوازده‌صندلی The twelve Chair

کارگردان : مل بروکس

بازیگران : مل بروکس ـ ران مودی ـ فرانک‌لانجلا ـ دام دولوئیز

■

یکی از اشراف روسیه ، درزمان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ، مقداری‌جواهر را در یک صندلی پنهان‌میکند . چند سال پس از انقلاب ، برای‌یافتن آنها به‌سراغ خانهٔ قدیمی‌اش می‌رود اما درمی‌یابد ۱۲ صندلی (که صندلی حاوی‌جواهر یکی از آنهاست) فروخته شده . از آن پس ، در به‌در با یافتن نشانه‌هائی به سراغ یک یک صندلی‌ها می‌رود ، در حالی‌که دیگران هم چشم به صندلی‌قدیمی دوخته‌اند و به دنبالش هستند . عاقبت صندلی حاوی‌جواهر درجائی یافت میشودکه کسی نمی‌تواند آن را تصاحب‌کند .

"دوازده‌صندلی" یک‌فیلم‌کمدی اما متفاوت باکمدی‌هائیست که می‌شناسیم ، لحظه‌های کمدی دراین فیلم ، به همان شیوه‌ای که بروکس درفیلمهای‌دیگرش‌عمل‌میکرد، ساخته‌شده‌است . یعنی با نگاه به‌کمدیهای سینمای‌صامت . موفقیت او بیشتر در قسمت‌هائیست که ریتم فیلم را تند می‌کند و در این قسمت‌ها ، لحظه‌های درخشانی می‌سازد . درقسمت‌هائی‌که ریتم‌فیلم آرام میشود ، صحنه‌ها طولانی و خسته‌کننده بنظرمیرسند . اما این بخش‌ها ، آنقدرنیست که کشش و سرگرم کنندگی فیلم را از بین ببرد .

●

"مل بروکس" ـ متولد ۱۹۲۶ در آمریکا ـ کارش را با اجرای برنامه (به عنوان کمدین) در کلوب‌های شبانه نمایش‌های‌تلویزیونی آغازکرد و بعد با شهرت روزافزونش دست به تهیه سریالهایی زد تا در سال ۱۹۶۸ که اولین فیلمش را ساخت . بروکس با هنرپیشه‌ی معروف ، " آن بنکرافت" ازدواج کرده است .

از فیلمهای معروف او می‌توان از : دوازده صندلی (۱۹۷۰) ، زمین‌های سوخته (۱۹۷۴) ، فرانکشتین‌جوان (۱۹۷۴) سینمای‌صامت (۱۹۷۶) و اشتیاق مفرط (۱۹۷۷) نام برد . آخرین فیلم او ، یک کمدی چند قسمتی به نام

"تاریخ جهان" است که تاکنون یک قسمت آن را ساخته است.

● همه مردان رئیس جمهور
All the President's Men

کارگردان: آلن. جی. پاکولا
فیلمنامه: ویلیام گلدمن
موسیقی: دیوید شایر
بازیگران: داستین هافمن ـ رابرت ردفورد ـ جیسون روباردز ـ هال هالبروک ـ مارتین بالزام.

"باب وودوارد" و "کارل برنشتاین" روزنامه نگاران "واشنگتن پست" با بدست آوردن سر نخی از ماجرای استراق‌سمع واترگیت"، با سماجت حرفه‌ای خود، آن را دنبال میکنند وعاقبت با کشف ماجرا و آشکارکردن آن، باعث عزل نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا میشوند.

کتابی که وودوارد و برنشتاین از ماجرای واترگیت نوشته‌اند، تیراژی بیش از دومیلیون وپانصد هزار نسخه در سراسر جهان داشته‌است. ساخته‌شدن فیلمی بر این **اساس، علاوه برآنکه پاسخگوئی به اشتیاق میلیونها نفر پی‌جوی این رسوائی بزرگ بود، میتوانست اعادهٔ حیثیتی برای آمریکا که ادعای آزادمنشی و ترقی خواهی دارد، پس از آن رسوائی باشد! می‌بینیم که فیلم، چند جایزهٔ اسکار می‌گیرد و در فستیوال‌فیلم برلین هم شرکت‌میکند. با این وصف نمی‌توان قدرت و مهارت‌پاکولا را درساختن فیلمی باچفت و بست محکم، نادیده گرفت. آنچه فیلم را با افت مواجه می‌کند، پرگفتگو بودن آن است که گاه به یک نمایشنامهٔ رادیویی می‌ماند.**

"آلن جی پاکولا" ـ متولد ۱۹۲۸ در آمریکا ـ با سابقه‌ی تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی نمایش، در۱۹۴۹ وارد دنیای سینما می‌شود. او ابتدا در قسمت کارتـــون کمپانی برادران وارنر مشغول شده و بعد در کمپانی‌هـای مختلف (از جمله متروگلدوین مایر) به دستیاری و تهیه فیلمها می‌پردازد. همکاری او در این دوره از کارش



(اوایل دهه‌ی شصت) در عین اینکه کمپانی شخصی‌اش را تشکیل می‌دهد با کارگردان معروف رابرت مولیگان قابل ذکر است.

از فیلمهای معروف او به عنوان تهیه‌کننده می‌توان از کشتن مرغ مقلد (به‌کارگردانی رابرت‌مولیگان، ۱۹۶۲) عشق با بیگانه کامل (به کارگردانی رابرت مولیگان، ۱۹۶۳) و به عنوان کارگردان: فاخته‌ی عقیم (۱۹۶۹)، کلوت (۱۹۷۱) و تمام مردان رئیس‌جمهور (۱۹۷۶) نام برد.

● طالع نحس
The Omen

کارگردان: ریچارد دانر
فیلمنامه: دیوید سلتزر
موسیقی: جری گلد اسمیت
بازیگران: گریگوری پک ـ لی‌رمیک ـ دیوید وارنر ـ لئو مک کرن

"رابرت تورن" سفیر آمریکا در انگلستان و همسرش، پس ازآنکه‌فرزندشان به‌هنگام تولد میمیرد، پسرخردسالی بنام "دیمین" را به‌فرزندی‌می‌پذیرند. به‌تدریج، کارهای غیرعادی ازپسرک سر می‌زند و در پنج سالگی، پرستارش خودکشی میکند. یک کشیش، پس ازدیدن پسرک، می‌گوید که او فرزند شیطان است. تورن ابتدا به این حرف‌کشیش توجهی نمی‌کند اما وقتی‌که همسرش طبق‌پیش‌بینی کشیش سقط جنین‌میکند وخودکشیش‌هم میمیرد، درصدد پیگیری

برمی‌آید. او به‌همراه یک عکاس علاقمند به ماجرا، به‌سراغ یک جن‌گیر می‌روند و جن‌گیر میگوید تنها چاره، کشتن پسرک است. تورن، ابتدا خودداری میکند اما وقتی که عکاس هم کشته میشود، قصد کشتن پسرک را می‌کند و . . . در پایان، چشمان پسرک همچنان از شیطنت برق‌میزند.

"طالع نحس" دربی موج فیلم‌هائی که پس از موفقیت خارق‌العادهٔ "جن‌گیر" بر پرده‌ها آمد، ساخته‌شد. اما بخاطر استحکام تکنیکش، یک سروگردن ازفیلمهای دنباله‌روی جن‌گیر بالاتر می‌ایستد وحتی چنان‌موفقیتی بدست می‌آوردکه مانندجن‌گیر، قسمت‌دوم آن هم ساخته‌میشود.

"ریچارد دانر"، متولد ۱۹۳۸، از کارگردان‌هائیست که بیشتر در تلویزیون فعالیت داشته است و فیلمها و سریالهای بسیاری در تلویزیون ساخته‌که‌معروف‌ترین آنها، چند قسمت از سریال کوجاک است.

اولین فیلم بلند او، "۱۵ —   " نام داشت و سپس فیلمهای "نمک و فلفل" — با شرکت پیتر لافورد و سامی‌دیویس — "توئینکی" را — باشرکت چارلز برانسون وسوزان‌جورج— ساخت. "طالع‌نحس" (۱۹۷۶) نخستین موفقیت بزرگ ریچارد دانر بود که به‌عنوان یک‌کارگردان تجارتی به‌او اعتبار بخشید، به‌طوری که پس ازآن، فیلم "سوپر من" (۱۹۷۸) را با شرکت مارلون براندو، جین هاکمن ساخت.



● طالع‌نحس ۲ · The Omen II

کارگردان: دان تیلور
فیلمنامه: استانلی مان
فیلمبردار: بیل باتلر
موسیقی متن: جری گلد اسمیت
بازیگران: ویلیام هولدن— لی‌گرانت— رابرت‌فاکسورث

رابرت تورن و همسرش مرده‌اند و سرپرستی "دیمین" را، برادر رابرت— "ریچاردتورن" — که‌یک‌سرمایه‌داربزرگ است، برعهده گرفته، ریچارد، زن جوانی دارد ویک‌پسر هم سن و سال دیمین. وماجراها، هفت سال بعد در شیکاگو میگذرد. دیمین، حالانوجوانی سیزده‌ساله‌است و تورن تصمیم میگیرد که او وپسرش مارک را به یک مدرسهٔ آموزش نظامی بفرستد. یکی ازمشاوران تورن که می‌داند دیمین پسرشیطان است، می‌کوشد با استفاده ازوجود او و با کمک دوستش‌که فرماندهٔ گروهان‌دیمین است، تمام موانع را برای صاحب‌شدن کمپانی تورن از پیش پای‌برـدارد. پس از کشف نامه‌های جن‌گیری که هفت سال پیش، هویت‌دیمین را برای‌رابرت‌تورن فاش‌کرده وخوددرغاری مدفون شده‌بود، همهٔ کسانی که به نیروی اهریمنی‌او پی برده‌بوده و سعی درمقابله باآن میکنند، به نحو مرموزی می‌میرند. عاقبت، ریچارد تورن هم که مانند برادرش نمی‌خواست بپذیرد دیمین پسرشیطان است، متقاعد به کشتن او میشود اما، . . .

پس از موفقیت طالع نحس، "دان تیلور" که خیلی علاقمندبه‌مایه‌های "انسان— حیوان" است (جزیرهٔ دکتر مورو را هم او ساخته) قسمت دوم طالع نحس‌را ساخت. این فیلم، گرچه ازنظر پرداخت خوب است، اما درسایهٔ قسمت اول قرار می‌گیرد زیرا کوشش کرده است تا همهٔ صحنه‌های معروف آن فیلم را بازسازی کند. درآن فیلم، یک عکاس فضول قربانی میشود و در اینجا یک خبرنگار فضول! درآنجا، یک کامیون خودبخود به راه می‌افتد و باعث مرگ می‌شود و در اینجا، یک قطار براه می‌افتد و همین وظیفه را انجام می‌دهد!



در پایان، بازهم، دیمین با غرور،چشمان شیطانیش را به‌دوربین میدوزد. یعنی اینکه منتظر طالع نحس ۳ هم باشید.

●

" دان تیلور " ــ متولد ۱۹۲۰ آمریکا ــ در شروع کار به ایفای نقش در یکسری از فیلمهای دست چندم هالیوودی می‌پرازد که در میان آنهاچند فیلم شاخص هستند از جمله شهر برهنه (به کارگردانی ژول داسن ، ۱۹۴۸) و پدر عروس (به کارگردانی وینست مینللی ، ۱۹۵۰) . تیلور پس از پایان دوران هنرپیشگی (اواخر دهه‌ی پنجاه) به کار در یکسری نمایشنامه‌های رادیویی می‌پردازد و با تکیه بر آن و نیز کارگردانی برنامه‌های تلویزیونی به فیلمسازی در سینما روی می‌آورد . (اغلب دان تیلور به کارگردان انگلیسی دونالد تیلور اشتباه گرفته می‌شود) .

ازفیلمهای معروف اومی‌توان : فرار از سیاره‌وحشی‌ها (۱۹۷۱) ،تام‌سایر (۱۹۷۳) ،جزیره دکتر مورو (۱۹۷۷) ، طالع‌نحس، قسمت دوم (۱۹۷۸) و طالع نحس قسمت‌سوم (۱۹۷۹) را نام برد.

● دونده ماراتون — Marathon Man

کارگردان : جان شله‌زینگر

بازیگران : داستین هوفمان ــ لارنس اولیویر ــ روی شایدر ــ مارت کلرو . . .

■

" بیب " ، دانشجوی آرام و سربزیر ، ناخواسته درگیر توطئه‌ای میشود که طرفین آن برادرش "داک" و یک زندانبان سابق اردوگاههای آلمانی "آشویتس" به نام "زل" هستند .

داک بدست زل کشته‌میشود و افراد زل ، از آن رو که فکر میکنند ممکن است بیب اطلاعاتی از برادرش دربارهٔ یک مقداری سنگ قیمتی دارد ، او را می‌ربایند . بیب که دوندهٔ ماراتون است ، می‌تواند از چنگ آنها بگریزد ، اما برای گرفتن انتقام برادرش وکشف‌ماجرا ،زل وافرادش را تعقیب می‌کند . افراداورا می‌کشد ودرپایان ، زل را که سنگهای قیمتی را درکیف‌دستی‌اش دارد ،بکمک‌اسلحه‌ای به یک منبع تصفیه‌آب می‌برد و در آنجا . . .

□

نگاه کنید به بخش نقد فیلم .

●

" جان شلزینگر " ــ متولد ۱۹۲۶ در انگلستان ــ کار در دنیای نمایش را باشعبده‌بازی در جریان نمایشات برای سربازان در جنگ جهانی دوم شروع کرد . بعدها ، او درنمایشها و فیلمهای مختلفی به‌ایفای نقش می‌پردازد و سپس به ساختن فیلمهای مستند روی می‌آورد تا اینکه با موفقیت یک فیلم کوتاهش ، "ترمینوس" (۱۹۶۱) ،در فستیوال و نیز به ساختن فیلمهای بلند مشغول می‌شود .

از فیلمهای معروف او می‌توان از دارلینگ (۱۹۶۵) دور ازاجتماع‌خشمگین (۱۹۶۷) ، کابوی‌نیمه‌شب (۱۹۶۹) یکشنبه ، یکشنبه‌ی خونین (۱۹۷۱) ، قسمتی از مستندی راجع به‌المپیک ۱۹۷۲ مونیخ (۱۹۷۳) و دونده‌ی‌ماراتون (۱۹۷۶) نام برد .

● قهرمان (چمپ) — The Champ

کارگردان : فرانکو زفیره‌لی

فیلمنامه : والتر نیومن

بازیگران : جان وویت ــ فی داناوی ــ ریکی اسکرودر

■

ــ "بیلی " ، یک قهرمان سابق مشت‌زنی ، پس از آنکه

درآخرین مسابقه ضربهٔ سختی به‌سرش میخورد، مشت‌زنی را کنارمیگذارد و به مسابقات اسبدوانی روی می‌آورد. او از همسرش "آنی" جدا شده وبا پسرخردسالش "جی‌بی" زندگی میکند. درجریان یکی از مسابقات، آنی که حالا با مردپولداری ازدواج کرده، با "جی‌بی" آشنا می‌شود و بعد که می‌فهمد او فرزند خودش است، می‌کوشد به بیلی نزدیک‌شود. بیلی ازنزدیک‌شدن به او پرهیز میکند اما وقتی که در قمار، اسب را می‌بازد، برای قرض گرفتن مبلغی که باخته است، به آنی مراجعه میکند. پس از یک درگیری با چند تن، بیلی به زندان می‌افتد و پس از آزادی، برای تامین آتیهٔ فرزندش، تصمیم می‌گیرد بار دیگر به‌رینگ بازگردد. درنخستین‌مسابقه، پس از نبردی سخت، بیلی پیروز میشود اما...

■

"چمپ" یک فیلم درام با مایه‌های سخت عاطفی و احساس برانگیز است که فرانکو زفیره‌لی با مهارت خود، از این مایهٔ آشنا، فیلمی تاثیر گذار ساخته است. توجه عمدهٔ فیلم، برروی پسرک خردسال است وکشاکش عاطفی که وی سبب آن میشود، بسیار قوی پرداخت شده است.

●

فرانکو زفیرلی ـ متولد ۱۹۲۳ در ایتالیا ـ کارش را با ایفای نقش در یکسری نمایشات تاتری (به کارگردانی‌لوکینوویسکونتی) آغاز می‌کرد و بعد به عنوان دستیار با ویسکونتی برسر فیلمهایی‌مثل بلیسیما (۱۹۵۱) و سنسو (۱۹۵۴) همکاری می‌کند. در اواسط دهه‌ی پنجاه شهرتی‌به عنوان طراح صحنه و لباس برای اپرا بدست می‌آورد. و ازهمین زمان کارگردانی یکسری اپراهای موفق را انجام می‌دهد. این سوابق منجر به این می‌شود که‌در اواخر دهه شصت ـ اولین فیلم بلندش "رام کردن زن سرکش" (۱۹۶۷) را بسازد. از فیلمهای مشهور او می‌توان اینها را نام برد:

رومئو و ژولیت (۱۹۶۸)، برادر خورشید، خواهر ماه (۱۹۷۳)، عیسی‌ابن‌مریم (در اصل برای تلویزیون ۱۹۷۸) و قهرمان (چمپ ـ ۱۹۷۹). چمپ، متفاوت‌ترین اثر اوست و منتقدان، همچنان رومئو و ژولیت را بهترین فیلم زفیره‌لی می‌دانند.

● جزیره دکترمورو

The Island of Dr. Mauro

کارگردان: دان تیلور (۴۵)

بازیگران: برت لنکستر ـ مایکل‌یورک ـ ریچارد بیسهادت ـ باربارا کاره‌را

■

"آندروبراداک" افسرمهندس یک کشتی غرق شده، به‌همراه یکی ازسرنشینان‌کشتی پس از ۱۷ روز سرگردانی روی تخته‌پاره‌ای، به یک جزیره می‌رسند. دکتر مورو ـ دانشمند زیست شناس ـ مدت یازده‌سال است که بر روی یک فرضیهٔ زیست‌شناسی در این‌جزیره کارمیکند. او با کشف فرمول‌یک‌دارو وتزریق آن به حیوانات، موجودات تازه‌ای که ترکیبی از انسان وحیوان‌هستند، بوجود می‌آورد. کنجکاوی آندرو سبب‌میشودکه دکترمورو فکرتازه ای بسرش بزند و این دارو را به او تزریق کند تا سفر انسان به دنیای حیوانی وبازگشت آنرا مورد مطالعه قرار دهد. آندرو، می‌رودکه به‌حیوان تبدیل شود اما درهمان‌زمان، موجوداتی که دکتر مورو ساخته است، وقتی که می بینند دکتربه‌قوانینی‌که خود وضع‌کرده اعتنا نمی‌کند، به سوی او هجوم میبرند و...

■

فیلم، براساس‌کتابی به همین نام نوشتهٔ "اچ. جی. ولز" که آثار دیگری هم دراین زمینه دارد، ساخته شده است. در برگردان سینمائی اثر، آنچه هدف فیلم ساز بوده، تنها میخکوب‌کردن‌تماشاگر باعوامل ترس‌آور است. موجودی با مشخصات "انسان ـ حیوان" هم‌که‌سالها‌قبل با دکتر جکیل و مسترهاید تجربه‌شده‌است.



● قلعه عقابها Where the Eagles Dare

کارگردان: برایان جی‌هاتن
بازیگران: ریچارد برتون ــ کلینت ایستوود ــ مری‌یور

■

در زمان جنگ جهانی دوم، یک گروه از نظامیان آمریکائی مامور می‌شوند تا یک پایگاه نظامی آلمانها راکه در قلعهٔ مستحکمی بر فراز قله‌ای صعب‌العبود بنا شده منهدم کنند. آنها با رخنه دادن یک جاسوس خود در میان آلمانی‌ها و رفتن به‌لباس دشمن، خودرا به‌ایستگاه پای کوه می‌رسانند. اما دشواری کار در آنجاست که باید در سرمای زمستان، خود را به قلعهٔ بالای کوه برسانندو تنها وسیلهٔ رسیدن به قله" تله‌سی‌یژ" است. درنبردی پر دلهره،افراد گروه‌خود را به پایگاه بالای قله‌میرسانند و . . .

□

"قلعه‌عقابها"،قالب اکثر فیلمهای جنگی‌آمریکائی را دارد. ضمن آن که از ساخت خوبی برخوردار است و در مجموع، فیلمی پرکشش و پرهیجان است و از عوامل محیط مانند سرما و یخبندان و تله سی‌یژ، بخوبی برای ایجاد دلهره استفاده شده است.

گفتنی‌ست که فیلمساز، تمام تلاش خود را صرف هیجانسازی کرده و جنگ تنها بهانه‌ای بوده است تا به این منظور نائل آید. فیلمساز البته، به قهرمان‌پروری نیز تکیه می‌کند. نتیجه همچنانکه گفته شد فیلمی‌ست پر کشش اما بدون حضور "فاجعهٔ جنگ" . . .



●

"برایان جی هاتن" ــ متولد ۱۹۳۵ در آمریکا ــ هنرپیشه‌ی سابق فیلمهایی مثل جدال در اوکی‌کرال و کفشهای ماهیگیر است که بعد به کارگردانی سریال در تلویزیون روی آورد.

از فیلمهای معروف او می‌توان از:

قلعه عقابها (۱۹۶۹)، قهرمانان کلی (در ایران: هنگ جانبازان۱۹۷۰)، زی و شرکا (۱۹۷۱) نام برد.

● این گروه‌خشن The Wild Bunch

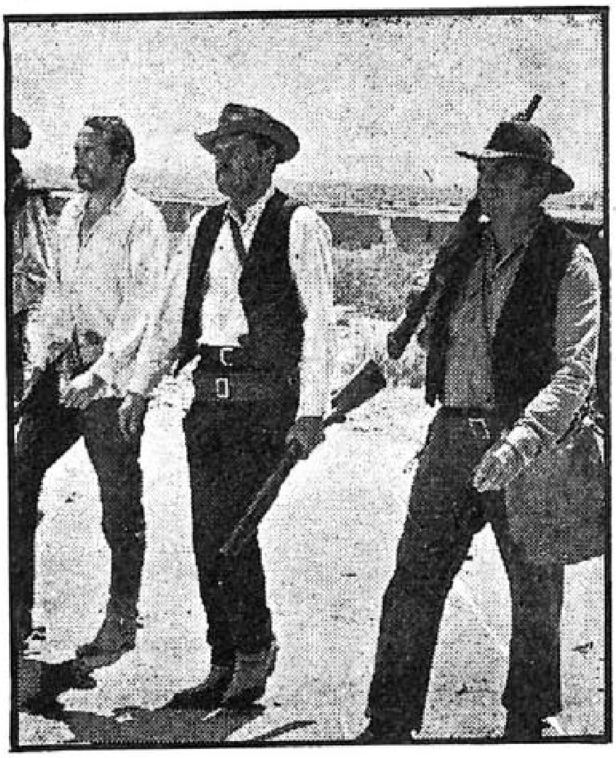
کارگردان: سام پکین‌پا
بازیگران: ویلیام هولدن ــ رابرت رایان ــ وارن‌اوتس‌ــ ارنست بورگناین

■

"پایک" و اعضای گروهش به یک بانک دستبرد می‌زنند اماسرمایه‌داران بانکدار، نه تنها گروهی رابرای مقابله با آنها استخدام کرده‌اند، بلکه در بانک، بجای سکه‌های طلا، برایشان واشرهای بی‌ارزش به عنوان طعمه گذاشته‌اند. رهبر گروه مقابل" تورنتون"، از یاران سابق پایک است. گروه پایک پس از سرقت واشرها، و نبردی خونین با گروه‌تورنتون، به سوی مرز مکزیک می‌گریزنددر حالیکه آنها در تعقیبشان هستند. گروه پایک، وارد مکزیک می‌شوند و قدم در بحرانی که آنجا را فرا گرفته، می‌گذارند . . .

□

"این گروه خشن"، شاخص آثار "پکین‌پا"ست و شیوه کارش در این فیلم، در آثار بعدی، فراوان مورد استفاده قرار گرفت. استادی او، در" این گروه خشن" بیشتر در فضاسازی و شخصیت پردازی اثر به چشم میخورد. شخصیت پایک و تورنتون به عنوان دو دوست سابق که‌اینک بخاطرپول در دو جبههٔ مقابل‌ایستاده‌اند، بسیار مورد توجه اوست. صحنه‌های کشتار در آن، بکمک مونتاژ سریع حرکتهای آرام، به‌شکلی کشدار، نمایشی رقص‌گونه از مرگ است که بعدها، امضای فیلمهای پکین‌پا می‌شود.



●

"سام پکین پا" کارگردان مشهور سینمای آمریکا، درسال ۱۹۲۶ درکالیفرنیا متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهش گذراند. در جوانی وارد نیروی دریائی شد و بیش از سه سال درچین بود. درآغاز دههٔ ۵۰ پس ازطی دورهٔ هنرهای دراماتیک به هالیوود میرود وبعنوان فیلمبردار، مونتور و سناریست، وارد تلویزیون می‌شود. پس از مدتی ـ که دستیاری دان سیگل، فیلمساز معروف، جزو همین دوره است ـ چند سریال ساخت از جمله: تفنگدار، کلوندایک، دود اسلحه و غربی.

درسال ۱۹۵۶ با دان سیگل، فیلمنامهٔ "فرار مرده های متحرک" را مینویسد، سیگل کارگردان فیلم شد وپکین پا دستیار او وبازیگر یک نقش کوچک. درسال ۱۹۶۱ نخستین فیلم بلند سینمائیش "همراهان سرسخت" را ساخت. فیلم بعدیش "جدال در بعدازظهر" را دو سال بعد، و "سرگرد دندی" را درسال ۱۹۶۴ کارگردانی کرد. پکین پا، کارگردانی "قماربازسین‌سیناتی" راشروع، اما به‌سبب اختلاف با تهیه‌کننده، نورمن جویسون کار اورا ادامه‌داد اما چهارسال بعد، در سال ۱۹۶۸ با "این گروه خشن" شهرتی فراوان یافت و جبران ناکامیهای گذشته را کرد. پکین‌پا در اکثر فیلمهایش، حسرتخوار ارزشهای از دست رفته یا روبه‌زوال غرب افسانه‌ای است وبسبب شکل‌خاص نمایش مرگ در فیلمهایش (جهیدن خون از جای گلوله و حرکت آهسته) شاعر خشونت در سینما لقب گرفته است. فیلمهای بعدی پکین پا عبارتند از:

افسانهٔ کیبل‌هاگ (۱۹۶۹) ـ سگهای پوشالی (۱۹۷۱) ـ جونیوربانر ـ این فرار مرگبار (۱۹۷۲) ـ پات‌کارت وبیلی دکید (۱۹۷۳) ـ سرآلفردوگارسیا را برایم بیاور (۱۹۷۴) قاتل برگزیده (۱۹۷۵) ـ صلیب‌آهنین (۱۹۷۶) ـ کانووی (۱۹۷۷).

● توپهای سن سباستیان
The San Sebastian"s Guns

کارگردان: هانری ورنوی

بازیگران: چارلز برونسون ـ آنتونی کوئین

■

مردم یک روستای دورافتاده، منتظر کشیشی‌هستند تا کلیسای متروکشان راسر وسامانی دهد و پناهی نیز برای آنها باشد. کشیش بر اثر حادثه‌ای، به روستا نمی‌رسد و درعوض، یک ماجراجوی بی‌اعتقاد و آواره که گذارش به آنجا افتاده، بر اثر یک اتفاق، بجای کشیش گرفته‌میشود وهرچه انکار میکند، مردم نمی‌پذیرند که او کشیش‌نیست، عاقبت، مردکه احتیاج روستائیان را درمی‌یابد، می‌پذیرد که کشیش دهکده باشد. به آنها کمک میکند و دریک نبرد با دشمنانشان آنها را سازماندهی می‌کند و به پیروزی میرساند.

□

"توپهای سن سباستیان"، فیلمی در سطح آثار دیگر فیلمسازیست که‌مهارت فراوانی درهیجان‌آفرینی وحادثه سازی دارد. اما البته زمینهٔ رخدادها، متفاوت بافیلمهای دیگر اوست. "توپهای سن‌سباستیان" همچنانکه‌ازهانری ورنوی انتظارمیرود، یک فیلم دیدنی و سرگرم‌کننده‌است که ضمنا ازپیام نیزخالی‌نیست: زدودن اعتقادات‌خرافی مردم‌عقب‌ماندهٔ آن روستای‌دورافتاده، و متوجه‌کردنشان به واقعیتها.

●

"هانری ورنوی" از فیلمسازان تجارتی و با تجربهٔ سینمای فرانسه است که در زمینه‌های مختلف فیلم ساخته

و آثارش همواره با موفقیت روبرو شده‌اند . فیلمهای او از تکنیک‌خوبی برخوردار است و این چیره‌دستی او ، به‌ویژه در فیلمهای پلیسی‌اش ، آشکارتر است .

او ، با احاطه‌ی کامل بر تکنیک و بیان سینما ، وسود بردن از فیلمنامه‌های پرتحرک ، همیشه مطرح بوده است به ویژه این که اغلب ساخته‌هایش ، از بار پیام‌های اجتماعی ، سیاسی نیز خالی نبوده است .

از فیلمهای معروف هانری ورنوی ، می‌توان اینها را نام برد :

موجی از اسکناس ــ ساعت ۲۵ ــ دسته سیسیلی‌ها ــ افعی ــ شکست ــ توپهای سن سباستیان ــ ترور .

● دور دنیا در هشتاد روز
Around the World in 80 Days

کارگردان : مایکل آندرسون (۳۸)

بازیگران : دیوید نیون ــ شرلی مک‌لین

گروهی پس از یک بحث درباره شکل کرهٔ زمین ، شرط‌بندی می‌کنند که به وسیلهٔ بالن ، دور دنیا را در ۸۰ روز بپیمایند . سفر آنها به وسیلهٔ این بالن ، سرشار از حوادث منتظر و نامنتظر است و هنگامی که سفر دور دنیا به پایان می‌رسد . در می‌یابند که با یک روز تاخیر به مقصد رسیده‌اند اما عاقبت متوجه می‌شوند که این یک روز ، ناشی از اختلاف ۲۴ ساعت در گردش یک دور به گرد زمین است و آنها در واقع ، به موقع رسیده‌اند .

دور دنیا در هشتاد روز ، براساس اثری به‌همین‌نام



اثر "ژول ورن" کسی که او را پدر افسانهٔ علمی نامیده‌اند ساخته شده‌است . این اثر نیز همچون همهٔ آثار ژول‌ورن پر از شگفتی و ناشنیده‌هاست که از پیوند فرضیه‌ها ویافته های علمی با تخیل غنی ژول ورن حاصل شده است . مایکل آندرسون نیز که کارگردانی باتجربه است ، از این اثر فیلمی دیدنی و هیجان‌انگیز ساخته است . دور دنیا در هشتاد روز ، در سال ۱۹۵۶ ، جایزهٔ اسکار بهترین فیلم سال را گرفت .

● غازهای وحشی
The Golden Geese

کارگردان : آندرومک لاگلن

بازیگران : ریچارد برتون ــ ریچارد هریس ــ هاردی کروگر راجر مور

یکی از افسران کارآزمودهٔ سابق ارتش ، از طرف قدرتمندان آمریکا مامور می‌شود تا رهبر یک کشور آفریقائی را که ربوده شده است ، نجات دهد . هدف این است که رهبر این کشور پس از نجات‌یافتن ، به‌عنوان دست‌نشاندهٔ آمریکا ، امتیازاتی درکشورش به آنها بدهد . افسر سابق ارتش ، به سراغ عده‌ای دیگر که در فنون جنگی تخصص دارند ، می‌رود و کم‌کم گروهی تشکیل می‌دهد و راهی آفریقا می‌شوند . پس از نبردی خونین ، آنها موفق میشوند رهبر آفریقائی را از چنگ ربایندگان در آورند و درحالی که ربایندگان در تعقیب گروه که می‌خواهند با هواپیما بگریزند هستند ، حوادث غیرمنتظره‌ای رخ میدهد .

"غازهای وحشی" از حیث ساختمان ، به فیلمهائی مانند "دوازده مرد خبیث" و "هفت دلاور" شباهت دارد . آندرو مک‌لاگلن ، از مزدوران امپریالیسم ، ناجی‌هائی می‌سازد که برای نجات آفریقا می‌روند . مایه‌های عاطفی که بر فیلم سوار شده نیز ، از جمله انتظار فرزند یکی از افراد گروه برای آمدن پدرش ، و اصولا کل فیلم ، جانبداری از این مزدوران است . جدا از این ، "غازهای وحشی" همچون بیشتر آثار سازنده‌اش ، فیلمی پرتحرک ، پرهیجان و پرکشش است .

۱

"آندرومک لاگلن" ــ متولد ۱۹۲۰ درانگلستان ــ پسر ویکتور مکلاگلن هنرپیشه‌ی محبوب فیلمهای جان فورد است. در میان مردان نمایش و سینما بزرگ‌وتربیت می‌شود و در فیلمهای متعدد دوستان پدرش از دوران کودکی نقشهایی را به عهده می‌گیرد. و سپس در دهه پنجاه وارد امور تهیه‌ی فیلم و دستیاری کارگردانی برای (کارگردانهایی مثل باد بوتیچر و فورد) می‌شود.

او اولین فیلم سینمائی‌اش را در ۱۹۵۶ می‌سازدولی بعد با قراردادی با کمپانی سی. بی. اس (تلویزیون) قسمتهای زیادی از سریال "دود اسلحه" و "پری میسون" را کارگردانی می‌کند. دهه شصت و هفتاد دوران موفقیت اوست بخصوص فیلمهایی که با جان وین ساخته‌است. از فیلمهای معروف او می‌توان از اینها نام برد:

مکلین‌تاک (۱۹۶۳) نسل‌کمیاب (۱۹۶۵)، حماسه‌ی جوزی (۱۹۶۸)، باندولرو (۱۹۶۸)، مارشال (۱۹۷۳)، غازهای وحشی (۱۹۷۸) و دزدی دریای شمال (۱۹۷۹).

فیست F.I.S.T.

کارگردان: نورمن جویسون

بازیگران: سیلوستر استالونه ــ رد استایگر

در دوران بحران اقتصادی آمریکا در دههٔ ۱۹۳۰، که سندیکاهای کارگری و کارفرمایان مدام در مقابل یکدیگر صف‌آرائی می‌کردند، جوان کارگر قوی هیکلی از سوی سندیکای رانندههای کامیون برای جلب کارگران به عضویت درسندیکااستخدام می‌شود. اوو دوست‌نزدیکش



مدام بر سر راههای احقاق حق کارگران، بحث و گفتگو دارند، و پهنه خیابانها و کارخانه‌ها، مدام صحنه زد و خورد کارگران با گروههای‌اجیر شده ازسوی سرمایه‌داران است. این برخوردها، چند سال بعد به دادگاه و کنگرهٔ آمریکا نیز کشانده می‌شود.

چندسالی هست که ساختن فیلمهای‌سیاسی دربارهٔ مسائل اجتماعی روز آمریکا رواج یافته و نورمن جویسون هم، فیلمسازی نیست که از این موج عقب بماند، اما "فیست" دربارهٔ مسائل‌دهها سال پیش‌آمریکاست که به هر حال، بی‌ارتباط با امروز این کشور نیست.

نکته‌ی قابل توجه در این فیلم، حضور "سیلوستر استالونه" ــ راکی ــ است که یکباره، از بازی در فیلمی قهرمانی به فیلمی سیاسی پرتاب می‌شود.

"نورمن جویسون" ــ متولد ۱۹۲۶ در "تورنتو"ی کانادا ــ ازفیلمسازان‌موفق هالیوود است. او پس ازپایان تحصیل در زادگاهش، قصد داشت تحصیل را در رشتهٔ موسیقی ادامه دهد و آهنگساز شود اما پس از چندی به نمایشهای‌موزیکال و اپراعلاقمندشد ومدتی دراین زمینه تجربه اندوخت. سپس‌بعنوان کارگردان ونویسندهٔ بعضی نمایشهای‌موزیکال تئاتری، وارد تلویزیون انگلستان شد. درسال ۱۹۵۸ به کانادا بازگشت و به کمپانی "سی. بی. اس." پیوست. در سال ۱۹۶۲، نخستین فیلمش "۲۰ کیلو دردسر" را با شرکت تونی‌کرتیس و سوزان پلهشت برای کمپانی یونیورسال ساخت. این فیلم مورد توجه "راس هانتر" کارگردان وتهیه‌کنندهٔ معروف قرار گرفت و امکاناتی دراختیار او گذاشت. پس از آن، چند فیلم کمدی، عشقی، وحادثه‌ای ساخت وبا "قماربازسین‌سیناتی" (۱۹۶۵) به شهرت فراوانی رسید. پس از موفقیت این فیلم، جویسون یک مؤسسهٔ فیلمسازی دائر کرد و فیلم موفق "روسها دارند می‌آیند" (۱۹۶۶) را ساخت. عمده فیلمهای او عبارتند از:

دلهرهٔ عشق (۱۹۶۳) ــ برایم گل نفرست (۱۹۶۴) ــ هنر عشق (۱۹۶۵) ــ درگرمای شب (۱۹۶۷ ــ که برندهٔ چند جایزهٔ اسکار هم شده‌است) ــ حادثهٔ توماس کراون

(۱۹۶۸) ـ ویولن‌زن روی بام (۱۹۷۱) ـ عیسی مسیح، سوپراستار (۱۹۷۳) ـ رولربال (۱۹۷۵) ـ فیست (۱۹۷۷).

● ترور

کارگردان: هانری ورنوی
بازیگر : ایومونتان

رئیس‌جمهور، درمحاصرهٔ محافظان و هنگامی که مردم در دوسوی خیابان برایش ابراز احساسات می‌کنند، در اتومبیلش هدف گلوله قرارمیگیرد وکشته‌میشود. این قتل و عاملان آن بصورت یک معما درمی‌آید و یک‌مقام قضائی مامور کشف این‌معما میشود. دربازجوئی‌ها، گوئی‌همه چیز به بن‌بست ختم میشود اما او به‌کارش ادامه‌می‌دهد. حتی درمراجعه به چند تن از شاهدان معدود معلوم میشود که همهٔ آنها ـ بجز یک نفر ـ به طرز مرموزی کشته شده اند. پی‌جوئیهای او نشان می‌دهد که بزرگان بلندپایهٔ کشور در قتل رئیس‌جمهور دست‌داشته‌اند. و هنگامی‌که تمامی گره‌های ماجرا برایش گشوده‌میشود، تفنگی بسویش نشانه می‌رود . . .

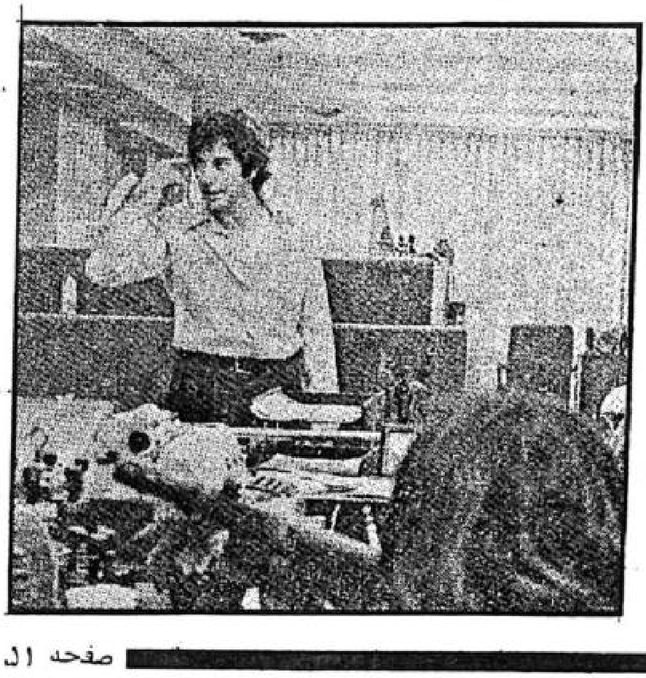
در فیلم، کشوری که حادثه در آن رخ داده، مجهول مانده است اما برخی معتقدند که فیلم بر اساس کتاب "گلهای سرخ دالاس" (ماجرای قتل جان‌اف‌کندی رئیس جمهور اسبق امریکا) ساخته شده وداستان فیلم نیز این را تائید میکند. هرچند که در فیلم، سیستم کشوری که رئیس‌جمهورش بوسیلهٔ بلندپایگان آن کشور بقتل میرسد مشخص نیست وهمچنین علتهایی که در هیئت حاکمهٔ چنان کشوری اختلاف ایجادکرده (این اهمیت زیادی دارد) روشن نمی‌شود، اما "ترور" در حد یک فیلم پلیسی ـ معمایی دارای بافتی محکم و ساختی هوشیارانه وحرفه‌ایست. بخشهای مختلف فیلم مانند موزائیکهائی خوش نقش ولازم، همه درجای‌خود قراردارند و برداشتن هر یک از آنها، یا جابجا کردنشان، ریتم و بافت فیلم را برهم می‌زند. واین نشانهٔ توفیق هانری ورنوی در ساختن فیلمی مهیج، پرکشش و تماشائیست.

● بعدازظهر نحس Dog Day Afternoon

کارگردان: سیدنی لومت
بازیگران: آل پاچینو ـ جان کازال

دو جوان، برای سرقت مسلحانه وارد یک بانک می‌شوند. کارکنان بانک را به گروگان می‌گیرند اما بانک، پولی درصندوق ندارند تا آنها با خود ببرند. دوجوان نبود پول در بانک را باور نمی‌کنند و برای گرفتن پول، اصرار می‌ورزند. در این فاصله، پلیس سر می‌رسد وبانک را محاصره می‌کند و به آنها اخطار می‌شود که خود را تسلیم کنند ولی آنها دست به مقاومت می‌زنند. کم‌کم، مردم هم جمع می‌شوند و دو جوان مسلح، دست به اعمالی می‌زنند که‌توجه و جانبداری مردم را به سوی‌خود جلب‌می‌کنند اما حلقهٔ‌محاصره، هر لحظه تنگ‌تر میشود.

"بعدازظهر نحس"، مضمونی انتقادی دارد. در عرف معمول، دزد ضد قهرمان است و پلیس، قهرمان. اما سیدنی لومت، مفهومی دگرگون را القاء می‌کند. در اینجا، دو جوان به عنوان افرادی که علیه نظام‌ظالمانهٔ حاکم ـ اگر شده با دزدی از بانک ـ مقابله می‌کنند به عنوان قهرمان معرفی می‌شوند و می‌بینیم که مردم‌چگونه به‌آنها کمک و محبت می‌کنند. بعدازظهر نحس فیلمی جذاب و با ارزش است.



●

"سیدنی لومت" ــ متولد ۱۹۲۴ در آمریکـا ــ فعالیت هنریش را از سن ۴ سالگی (در رادیو) آغازکرد به‌عنوان بچه در بسیاری از نمایشهای برادوی ظاهر شدو در سن ۱۵ سالگی به بازی در فیلمها پرداخت. پس از پایان جنگ جهانی دوم تشکیل یک گروه مستقل تئاتـری داد و تعداد زیادی نمایشنامه کارگردانی کرد، در دهه‌ی پنجاه او به تلویزیون "سی.بی.اس" پیوست و فعالیت تلویزیونی‌اش را آغاز کرد. "۱۲ مرد خشمگین" (۱۹۵۷) اولین فیلم سینمایی اوست از فیلمهای معروف او می‌توان از:

سمسار (۱۹۶۵) ،تپه (۱۹۶۵) ،مرغ دریایی (۱۹۶۸) نوارهای آندرسن (۱۹۷۱) ، سرپیکو (۱۹۷۳) ، قتل در قطارسریع‌السیرشرق (۱۹۷۴) ، بعدازظهرنحس (۱۹۷۵) شبکه (۱۹۷۶) و اکوس (۱۹۷۷) نام برد.

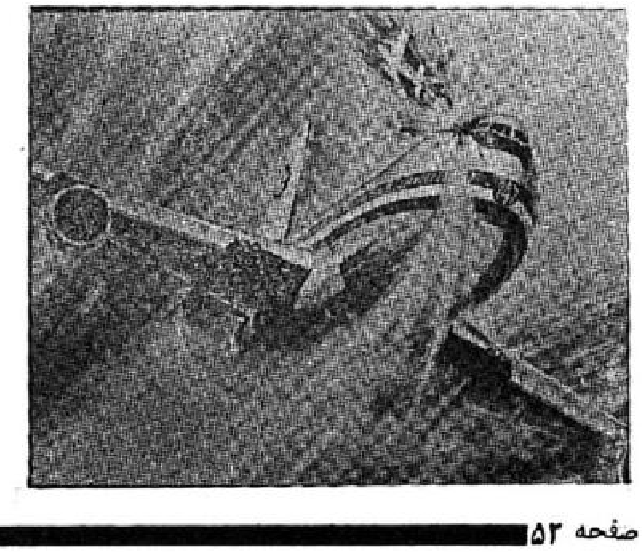
● فرودگاه ۷۵ — Airport 1975

کارگردان : جک اسمایت

بازیگران: چارلتون هستون ــ کارن بلاک ــ لیندا بلر ــ جورج کندی ــ گلوریا سوانسون و . . .

■

یک هواپیمای مسافربری، در آسمان با یک هواپیمای کوچک‌شخصی (که‌خلبانش بعلت بیماری قلبی کنترل آن را ازدست‌داده) برخوردمیکند وسوراخی درکابین‌هدایت هواپیمای مسافربری بازمیشود وادامه‌ٔ حرکت آن را مشکل میکند. همسر و فرزند "پترونی" ــ جورج‌کندی ــ یکی از مقامهای بلندپایهٔ شرکت هواپیمائی درهواپیما هستند و پترونی نگران از "آلن مورداک" ــ چارلتون هستون ــ خلبانی‌که‌ساعتی‌پیش پروازش رابه‌پایان‌رسانده است، تقاضای کمک می‌کند و او هم که معشوقه‌اش ــ کارن بلاک ــ میهماندارهمان هواپیماست، می‌پذیرد، مورداک وچند تن دیگر ،با یک هواپیمای دیگر به کمک می‌روند و عاقبت، کاردانی و مهارت وی هواپیما را ازسقوط نجات می‌دهد.



■

"فرودگاه ۷۵، فیلمی منتسب به "سینمای فاجعه" است و در پی موفقیت فیلم "فرودگاه" (که می‌توان‌گفت آغازگر این نوع فیلمها بود) ساخته شد. سینمای فاجعه دراصطلاح به‌فیلمهائی گفته‌میشودکه جمعی در برابر یک خطرمشترک (آتش‌سوزی ،زلزله ،سیل ،انفجار،توفان،گردباد ،حوادث‌هوائی وزمینی ودریائی ویا تهدید از سوی یک نیروی مرگ‌آفرین!) قرار میگیرند. به‌عنوان نمونه: جهنم زیرورو ــ آسمانخراش‌جهنمی ــ زلزله ــ جاگرنات ــ آواره‌ها ــ و . . .

فیلمهایی ازاین‌دسته ، پرداختی کلیشه‌ای‌وتثبیت شده دارند .ابتدا تعدادی از شخصیتها معرفی می‌شوند، برای‌شروع‌حادثهٔ اصلی زمینه‌چینی میشود ،حادثه اتفاق می‌افتد ،افراد درگیرباخبرمی‌شوند ووحشت میکنند ،یکی دونفر به عنوان ناجی قدم به صحنه می‌گذارند، تشویش به‌اوج‌میرسد ،احتمالا یکی دونفر قربانی‌میشوند و عاقبت عده‌ای نجات پیدا میکنند. درجریان وقوع این‌ماجراها، بقیه شخصیتها بطور گذرا معرفی‌میشوند و اغلب به شکل جمع‌اضداد دستچین می‌شوند. گاهی هم یکی دو عامل عاطفه‌برانگیز در فیلم گنجانده می‌شوند (در اینجا ، دخترکی که برای عمل‌جراحی ، روی برانکارد به داخل هواپیما آمده) . فیلمساز نیز، موبمو این کلیشه‌ها را در "فرودگاه ۷۵" رعایت کرده است.

●

"جک اسمایت" ــ متولد ۱۹۲۶ در آمریکـا ــ کارگردان سری فیلمهای سرگرم‌کننده هالیودی بدون‌دارا بودن سبک مشخص در فیلمسازی است. او سابقه‌ی کاردر

تلویزیون هم دارد و در سال ۱۹۶۴ با کارگردانی سریال های تلویزیونی ، نظیر "کلمبو" خود را شناساند . ازفیلم های مشهور او می‌توان از روز سوم (۱۹۶۵) ، هارپر (۱۹۶۵) ، مرد مصور (۱۹۶۹) ، فرار خرگوش (۱۹۷۰) و میدوی (۱۹۷۶) نام برد .

جن گیر The Exorcist

کارگردان: ویلیام فریدکین

بازیگران: ماکس فون سیدو ــ الن برستین ــ لیندا بلر

شیطان درروح‌وجسم دخترنوجوانی بنام "ریگان" حلول می‌کند و نه‌تنها خود او دگرگون می‌شود ، بلکه اطرافیانش را نیز در معرض خطر مرگ قرار می‌هد . مادر اوبرای معالجه دخترش بههردری می‌زند وعاقبت از یک جن‌گیر کمک می‌خواهد . جن‌گیر در می‌یابد که تنها راه ، یا مرگ دختر و یا کشته شدن کشیشی است تا شیطان آسوده شود . . . .

"جن‌گیر" با موفقیتی که بدست آورد ، آغازگر یک سری فیلمها از نوع خود بود که نشان از دگرگونیها در اخلاقیات و خواستهای مردم جوامع صنعتی غرب است . همه سوژه‌های انسانی چنان کهنه می‌شود که تماشاگران برای دیدن کف برده‌اان آوردنها ، کثافت بر صورت مالیدنها ، کریه شدن چهره‌ها و دگرگون شدن ساختمان بدن ، بی‌تابی می‌کنند ، همان‌گونه که‌برای‌دیدن‌بدنهای آش‌ولاش شده در یک تصادف شدید ، سرک می‌کشند تا خون و بدنهای آش ولاش شده را ، شخصًا ببینند !

"جن‌گیر" البته از حیث تکنیک و فضاسازی فیلمی محکم است ، و می‌توان آن را از سرکنجکاوی دید .



"ویلیام فرید کین" ــ متولد ۱۹۳۹ در آمریکا ــ از آغاز جوانی شروع به کار در تلویزیون می‌کند و بعدها به کارگردانی فیلمها و نمایشات تلویزیونی می‌پردازد .او در طول این سالها دهها فیلم آموزشی و مستند می‌سازد تا اینکه درسال۱۹۶۷ اولین فیلم سینمایی‌اش را عرضه می‌کند .

ازفیلمهای مشهور اومی‌توان از جشن‌تولد (۱۹۶۸) ارتباط فرانسوی (۱۹۷۱) ، جن‌گیر (۱۹۷۳) جادوگر ، (۱۹۷۷) نام برد .

عمرمختار Omar Mukhtar The Lion of Desert

کارگردان: مصطفی العقاد

فیلمبردار: جک هیلدیارد

بازیگران: آنتونی کوئین‌ــ الیورریدــ ایرنه‌پاپاس ــ رد استایگرــ راف والونه‌ــ جان گیلگاد

در سال ۱۹۲۹ ، بنیتو موسولینی مرد قدرتمندی به اسم ژنرال گرازیانی را به‌سمت فرماندارنظامی لیبی (که مستعمرهٔ ایتالیاست) می‌گمارد .سالهاست‌که اعراب لیبی برهبری یک‌انقلابی‌کهنه‌کار بنام "عمرمختار" باموفقیت درمقابل ارتش استعماری‌ایتالیا مقاومت می‌کنند . ورود ژنرال ، همزمان با حملهٔ عمرمختار و یارانش به‌سربازان ایتالیائی است که طی این حمله ، تلفات زیادی به آنها وارد می‌کنند . گرازیانی ، عده‌ای از مردم لیبی را در اردوگاههای صحرائی به بند می‌کشد و یک کلنل را نزد عمرمختار میفرستد تا دربارهٔ صلح وسازش با او مذاکره کند . ژنرال ، دوست دوران کودکی عمر مختار را نزد او می‌فرستد تا بلکه راهی را برای آشتی بیابد ، اما مختار، فرستادهٔ ژنرال را اسیرمیکند .سرانجام یاران عمرمختار تار ومارمیشوند و خودش نیز دستگیرمیشود تادر سپتامبر ۱۹۳۱ در بن‌غازی به دار آویخته شود . . .

انتخابی که مصطفی العقاد کرده، این احساس را در تماشاگر برمی‌انگیزد که باز شاهد یک "لورنس عربستان" دیگر شده است. فیلمی که شخصیت پردازی و حوادث آن نیز، یادآور آن فیلم معروف "دیویدلین" است. شیرصحرا، فیلمی آمیخته از مناظر تماشائی عظیم و شخصیت های تاریخی است بامجموعه‌ای ازبازیگران انگلیسی، آمریکایی و ایتالیائی. رداستایگر که شخصیت "دوچه" (موسولینی) را قبلا درفیلمی ازکارلولیتزانی (درایران با نام "سقوط دیکتاتور" نمایش داده شده)، بازدر این فیلم تجدید میکند. فیلم درصحنه‌های نبرد بویژه‌نبرد "وادی‌ال‌کوف" از ریتم تند وتحرک زیادی برخوردار است. با این‌حال، مصطفی‌العقاد به آن‌شدتی که‌انتظار میرود، حضور استعماری ایتالیا را در لیبی، محکوم نمی‌کند و این از سوی وی، یک حرکت غیر منتظره است.

تیم پولن

مانتلی فیلم بولتن– اگوست ۱۹۸۱

"مصطفی‌العقاد" متولد سوریه، از جوانی در آمریکا تحصیل‌کرده. دردانشگاه‌معروف "U.C.L.A." سینما‌را فرا گرفته و باسیستم فیلمسازی آمریکائی خوگرفته است. فیلم "محمد، پیامبر خدا" نخستین فیلم او و یکی از جنجال برانگیزترین فیلمهای سالهای‌اخیر است. طرح ساختن این فیلم را او در زمان تحصیل در دانشگاه داشت اما سالها برای شکل‌گیری آن، مشورت و مطالعه لازم بود. یک مسئله او در ساختن این فیلم، آن‌بودکه براساس قوانین اسلام، تا چه حد نمایش پیامبر و ائمه اطهار مجاز است و عاقبت پس از گرفتن تائید استادان اسلامی دانشگاه الازهر قاهره، ساختن فیلم را آغاز کرد (۱۹۷۳). اما پس‌از پایان فیلم، نمایش آن دربسیاری از کشورهای اسلامی ممنوع شد.

العقاد، نه‌تنها ناچار شد نام فیلم را برای برخی ازکشورها به "پیام" تغییردهد، بلکه به‌روایتی، ازآن‌رو که میلیونها دلار سرمایه فیلم در خطر بود، آن را برای نمایش در کشورهای شیعه مذهب و سنی مذهب، به دو شکل متفاوت مونتاژ و صداگذاری (و در مواردی فیلم‌-برداری) کرد.

عمر مختار (شیر صحرا – ۱۹۸۰) دومین‌فیلم‌بلند اوست که هم در این فیلم و هم در فیلم نخست، گذشته از اشتباه‌های تاریخی، اقتدای او به‌شیوه فیلمسازی آمریکائی آشکار است. او بیش از آن که به‌شخصیت‌ها و بنیانها توجه نشان دهد، قهرمان‌سازی و حادثه آفرینی را مد نظر دارد.

سر پیکو Serpico

کارگردان: سیدنی لومت (۵۲)
موسیقی متن: میکیس تئودوراکیس
بازیگر: آل پاچینو

جوانی به‌خدمت پلیس درمی‌آید تا با تبهکاران مبارزه کند اما در دستگاه پلیس به افرادی برمی‌خورد و ماجراهائی بر او می‌گذرد که در می‌یابد دستگاهی که‌برای مبارزه با تبهکاری و فساد به‌وجود آمده، خود غرق در فساد و تباهی است. به‌همین جهت، آنجا را ترک‌میکند تا با دستگاه پلیس مبارزه کند! ولی از آنجا که او مدتی به‌عنوان پلیس شناخته شده، هدف تبهکاران‌نیزهست. حالا او در حالیکه هم از سوی تبهکاران و هم از سوی پلیس در معرض خطر است، به‌مبارزه‌اش ادامه می‌دهد.

"سر پیکو" نیز مانند چند فیلم دیگراخیر سیدنی لومت، یک اثر انتقادی است. این فیلم را به همراه آثار دیگری که از آغاز دهه ۱۹۷۰ با جهت‌گیری



انتقادی نسبت به‌جامعه آمریکائی ساخته شد ، در رده فیلمهای معترضی قرار می‌دهند که نظام حاکم برآمریکا را نشانه می‌رود و زیر سئوال قرار می‌دهد . آنچه‌درفیلم "سر پیکو" می‌گذرد ، گوشه‌ای از گندابی‌ست که سیستم آمریکائی ساخته و جامعه آمریکا در آن غوطه‌وراست‌البته برخی نیزفیلمهائی ازنوع آثارسیدنی‌لومت‌را "پادزهر" می‌دانند .

● باباغاز Father goose

کارگردان: رالف نلسون (۲۳)
فیلمنامه: پیتر استون ، فرانک تارلوف ـ موسیقی متن: سی کولمن ـ فیلمبردار: چارلز لانگ‌جوینور
بازیگران: کاری‌گرانت ـ لسلی کارون ـ تریور هاروارد ـ شارول لوک

■

در حالیکه جنگی به‌وسعت همهٔ جهان میان شرق و غرب درگیر است ، "والتر اوکلند" با قایقی که بدست آورده ، آسوده زندگی می‌کند . هر وقت به پول احتیاج دارد ، از بنادر سرقت‌می‌کند و دوباره به‌دریا بازمی‌گردد کاپیتان‌فرانک که در جستجوی چند دیده‌بان برای‌گزارش کردن مانورهای‌هواپیماهای ژاپنی است ، یک بار که والتر برای بدست آوردن بنزین وارد پایگاه او می‌شود ، والتر را مجبور به پذیرفتن این شغل می‌کند . تا در جزیرهٔ "ماتالووا" این‌وظیفه را انجام دهد . والتر نمی‌پذیرداما برای‌آنکه مجبور به‌این کار شود ، به قایقش صدمه‌می‌زنند . والتر ناچار به پذیرفتن شغل دیده‌بانی و وارد شدن در



کاری گرانت

جنگ می‌شود و ...

□

"باباغاز" محصول سال ۱۹۶۴ و برخوردار از یک فیلمنامهٔ خوب است . رالف نلسون هم با مهارت از این فیلمنامهٔ خوب سود جسته و فیلمی دیدنی ساخته است که جنبه‌های طنزآمیزی نیز در آن وجود دارد . حضوریک آدم صلح‌طلب و گوشه‌گیر درمتن جنگ ، می‌تواند دستمایه خوبی برای یک فیلم طنزآمیز باشد .

● دوش‌فنگ Shoulder Arms

کارگردان و نویسندهٔ فیلمنامه: چارلی چاپلین
فیلمبردار: رونالد توترو
بازیگران: چارلی چاپلین ـ ادنا پورویانس

■

در زمان جنگ جهانی اول ، چارلی که یک سرباز دست و پا چلفتی است ، در یک اردوگاه تعلیماتی فنون جنگاوری می‌آموزد . یک شب که خسته و کوفته به خواب می‌رود ، خواب دلاوری و پیروزی در جنگ می‌بیند . خواب می‌بیندکه به‌میان‌آلمانها حمله‌ورشده و باآنان‌نبردمیکند . به خانهٔ ویران شده‌ای می‌رسد و با یک دختر فرانسوی روبرو می‌شود . در همان هنگام ، سربازان آلمانی سر می‌رسند ، چارلی فرار می‌کند و دخترک به اتهام پنهان کردن‌سربازآمریکائی دستگیر می‌شود . چارلی برای‌نجات دختر به مقر فرماندهی آلمانها می‌رود ، یک افسر آلمانی را بیهوش می‌کند و لباسهای اورا می‌پوشد . چارلی ، دخترک و یک گروهبان آمریکائی را که اسیر شده ، نجات می‌دهد اما قیصر آلمان ، به اشتباه رانندگی اتومبیل خودش ، را که ولیعهدش و فون هیندنبورگ نیز سرنشین آن هستند به چارلی می‌سپارد . چارلی ، آنها را مستقیما به‌اردوگاه متفقین می‌برد و به عنوان قهرمان جنگ ، مورد تشویق قرار می‌گیرد اما چند دقیقه بعد ، او را از خواب بیدار می‌کنند !

□

"دوش فنگ" یکی از معروفترین و بهترین آثار چارلی چاپلین است که درست چند هفته پیش از پایان



جنگ جهانی اول پخش شد. یک تفاوت عمدهٔ این فیلم با اکثر فیلمهای چاپلین این است که شخصیت چارلی در " دوش فنگ" آن شلوار گشاد، کفشهای بزرگ، کت تنگ، کلاه شاپو و عصای همیشگی‌اش را ندارد. بجای‌آن وسایل همیشگی، انیفورم و کلاه کلاسکت و تفنگ‌جانشین شده اما چارلی از این عناصر تازه نیز نهایت استفادهٔ کمیک را می‌کند. چارلی در متن خشونت جنگ، همچنان یک آدم معصوم است که جنگ و جنگ‌افزوزان را به باد تمسخر می‌گیرد.

●

اغراق نیست اگر ادعا شود که "چارلز اسپنسر چاپلین" حتی از خود سینما هم معروفتر است. برنارد شاو گفته‌است: " چارلی بزرگترین نابغه‌ایست که سینما معرفی کرده"، " الی‌فور" او را " شکسپیر هنر هفتم" نامیده و "آندره مالرو" چاپلین را "اسطوره‌ای ناب" توصیف کرده است. چارلی چاپلین، بحث انگیزترین هنرمند تمامی عمر سینما بوده است. او در آوریل ۱۸۸۹ در حومهٔ لندن متولد شد. پدر و مادرش بازیگر تئاتر بودند و بر اثر میخوارگی پدرش، هنگامیکه چارلی خیلی کوچک بود از هم جدا شدند. پدرش در سن ۳۷ سالگی مرد، مادرش بر اثر بیماری روانی، بناچار از بازیگری کناره گرفت. دوران کودکی چارلی و برادر بزرگترش سیدنی به سختی گذشت. آنها در نوجوانی و جوانی به بازیگری در گروههای تئاتری سیار پرداختند و در سال ۱۹۱۴، بازی چارلی دریکی از نمایشهایش در آمریکامورد توجه " مک سنت"، یکی از سینماگران مشهور قرار گرفت و او را برای بازی در فیلم دعوت کرد. چارلی با ابداع شخصیت ولگردخوش قلب، بزودی محبوب تماشاگران‌شد ومدارج ترقی را پیمود. چندی‌بعد، نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلمهایش را نیز خودش به عهده گرفت و بعد، موسیقی فیلمها را هم خودش ساخت. چارلی چاپلین که هیچگاه تبعهٔ آمریکا نشده بود، بارها هدف تسویه حسابهای سیاسی قرار گرفت. در دوران " مک کارتیسم"، کمیتهٔ تحقیق دربارهٔ فعالیت‌های ضد ـ آمریکائی، او را به اتهام داشتن عقاید دست‌چپی مورد بازجوئی قرار داد. فشارهائی که بر او وارد آمد، سبب شد که‌سالهای آخرعمرش را در سویس بگذارند. چاپلین سه بار ازدواج کرد که آخرین آنها در سال ۱۹۴۳، با " اونا اونیل" فرزند " یوجین اونیل" نمایشنامه‌نویس مشهور بود. چاپلین در سال ۱۹۷۸ درگذشت. حاصل زندگیش ۹۰ فیلم کوتاه و بلند است که در فیلمهای‌اولیه تنها بازیگر بود و در فیلم آخر، فقط‌کارگردانی کرد. معروفترین فیلمهای او عبارتند از:

گذران‌زندگی ـ بین دورگبار ـ عشق وحشی‌وحشی ـ ستارهٔ صاحب‌خانه ـ گرفتار در باران ـ یک روز پرمشغله میبل ـ ضربه فنی ـ گاز خنده‌آور ـ استراحت ـ میعادگاه (۱۹۱۴) ـ شغل‌جدیداو ـ قهرمان ـ در پارک ـ ولگرد ـ کار ـ بانک ـ شبی‌درنمایش (۱۹۱۵) ـ پلیس ـ کارمن ـ آتش‌نشان ـ دوره‌گرد ـ سمساری (۱۹۱۶) ـ خیابان‌آرام ـ مهاجر ـ ماجراجو (۱۹۱۷) ـ زندگی سگی ـ دوش‌فنگ (۱۹۱۸) عیش هر روزه (۱۹۱۹) ـ پسربچه ـ طبقهٔ بیکاره (۱۹۲۱) روز پرداخت (۱۹۲۲) ـ زائر ـ زنی از

پاریس (۱۹۲۳) جویندگان طلا (۱۹۲۵) ــ سیرک (۱۹۲۸) روشنائیهای شهر (۱۹۳۱) ــ عصر جدید (۱۹۳۶) ــ دیکتاتور بزرگ (۱۹۴۰) ــ مسیو وردو (۱۹۴۷) ــ لایم لایت (۱۹۵۲) سلطان در نیویورک (۱۹۵۷) ــ کنتسی از هنگ‌کنگ (۱۹۶۷).

● تاراس بولبا Taras Bulba

کارگردان: جی. لی تامپسون
براساس کتابی از: نیکلای گوگول
بازیگران: یول برینر ــ تونی کرتیس ــ کریستین کوفمن

■

سالها بود که اشراف لهستان بر منطقهٔ اوکراین چنگ انداخته بودند و قزاقها برای مقابله با بیگانگانی که سرزمین‌شان را اشغال کرده‌اند، می‌بایست به سازماندهی بپردازند. "تاراس بولبا" یکی از این قزاقهاست که دو پسرش را به امید جنگیدن با لهستانیها بزرگ و تربیت می‌کند. دو پسر او از سنین نوجوانی به تحصیل در آکادمی شهر "کی‌یف" می‌پردازند و خلق و خوئی را که موردنظر پدر است، فراموش می‌کنند. "اوستاپ" پسر بزرگ تاراس بولبا در همین سالها عاشق دختر زیبائی از اشراف‌زادگان لهستانی می‌شود و هنگامی که به نزد پدر باز می‌گردد، در مقابل ایدهٔ جنگ با لهستانیها بخاطر عشقش به آن دختر، مبارزه می‌کند. هنگامی که لشکرکشی قزاقها علیه اشغالگران صورت عملی به‌خود می‌گیرد، پدر و پسر ناچار می‌شوند رو در روی یکدیگر بایستند.

□

تاراس بولبا، ظاهرا یک فیلم تاریخی است اما ویژگیهای قومی قزاقها، و جنگ، بهانه‌ایست تا "جی. لی تامپسون" یک فیلم جنگی ــ قهرمانی بسازد، با چاشنی عشق و وظیفه و وجدان و مسئولیت. این فیلمی پرشکوه و عریض و طویل با صحنه‌های پرعظمت است که حادثه و کشمکشهای عشقی، در آن اهمیتی بیشتر از مسئلهٔ مبارزه اشغالگر و اشغال شده دارد. در این حد، تاراس بولبا فیلم موفقی است.

●

" جی. لی‌تامپسون " ــ متولد ۱۹۱۴ در بریستول انگلستان ــ کارگردان، بازیگر و نمایشنامه‌نویس، پیش از آن که خودش دست به کارگردانی بزند با فیلمسازانی همچون جک کلیتون، کارل رایز و لیندسی آندرسون همکاری می‌کرد. نخستین فیلمش را در مقام کارگردان و نویسنده، در سال ۱۹۵۰ به نام "قتل بدون جنایت" ساخت و سپس فیلمهای "بالون زرد" (۱۹۵۲) و "ضعیف و گناهکار" (۱۹۵۳) را کارگردانی کرد.

در سالهای ۱۹۶۰، تامپسون در آمریکا و یا برای کمپانیهای آمریکائی کار کرد که معروفترین فیلمهای این دوره عبارتند از: توپهای ناواران (۱۹۶۱) ــ سلاطین آفتاب (۱۹۶۳) ــ طلای مک کنا (۱۹۶۸). عمده فیلم های او درامهای پرحادثه هستند و از معروفترین آثارش این فیلمها رامی‌توان نام برد:

تسلیم در شب (۱۹۵۶) ــ درختها در خیابان (۱۹۵۹) ــ دماغه وحشت (۱۹۶۲) ــ تاراس بولبا (۱۹۶۳) ــ چه زندگی پرجنجالی (۱۹۶۴) ــ بازگشت از خاکسترها (۱۹۶۵) ــ پیش از آنکه زمستان برسد (۱۹۶۸) ــ خطرناکترین مرد دنیا (۱۹۶۹) ــ عشق برادرانه (۱۹۷۰) ــ پیروزی سیاره میمونها (۱۹۷۲) ــ نبرد در سیاره میمونها (۱۹۷۳) ــ هکل‌بری‌فین (۱۹۷۴) زندگی دوباره پیتر پراود (در ایران: مردی که دوباره ۱۹۷۶) ــ بوفالوی سفید (۱۹۷۷) ــ غول یونانی (۱۹۷۸) ــ تولدم مبارک (۱۹۸۰)



تونی کرتیس

●تیرانداز چپ دست

The Left Handed Gun

کارگردان: آرتور پن (۳۰)
فیلمنامه: لسلی استیونس
موسیقی متن: آلکساندر کوریج
بازیگران: پل نیومن ــ لیتا میلان ــ باب آندرسون

■

"ویلیام بانی" پس از آن که اسبش را از دست می‌دهد، به عنوان گاوچران، نزد عده‌ای از گاوچرانها که‌برای گله‌داران انگلیسی کار می‌کنند، استخدام می‌شود. بیلی کید که در یازده سالگی مردی را به خاطر توهین به مادرش به قتل رسانده و از آن پس نیز دست به قتل‌های دیگری زده است، مورد اعتماد "تنسل" صاحب گله‌قرار می‌گیرد. گله‌داران محلی برای آن‌که مانع مذاکرهٔ تنسل با مقامات دولتی (برای فروش گله‌اش) شوند، او را به قتل می‌رسانند و بیلی‌کید که یک‌تیرانداز چپ‌دست‌است بدنبال قاتلین او می‌گردد.

■

بیلی کید یکی از شخصیتهای افسانه‌ای غرب‌وحشی است. نه یک شخصیت محبوب و نیکوکار، که تنها آوازهٔ ماجراجوئیهایش، از او یک افسانه ساخته است. براساس زندگی بیلی‌کید، بی‌اغراق بیش از بیست فیلم و چندین سریال‌تلویزیونی درآمریکا ساخته شده است اما "تیرانداز چپ دست" که نخستین فیلم آرتور پن است، به سبب بازی پل نیومن و ویژگیهای کار آرتور پن، معروفتر از فیلمهای دیگر است.

●فاتح غرب

Custer of the West

کارگردان: رابرت سیودماک
فیلمنامه: برنارد گوردون ــ جولیان هالووی
موسیقی متن: برنارد سگال
بازیگران: رابرت‌شاو ــ مری یور ــ جفری هانتر ــ رابرت هال

■

ژنرال "جورج آرمسترانگ کاستر" به سبب رشادتها و پیروزیهایش در جریان جنگ بین‌شمالی‌ها و جنوبیها (۶۵ ــ ۱۸۶۱) تبدیل به یک قهرمان ملی شده است. به‌همین جهت به‌او ماموریت داده می‌شود تا سرخپوستان قبیلهٔ شاین را از منطقهٔ غرب براند تا دولت بتواند برای‌استخراج هرچه بیشتر طلا در آنجا، خط‌آهن بکشد. ژنرال کاستر ماموریتش را با موفقیت به پایان می‌رساند. اما توسعهٔ راه‌آهن باعث باز شدن پای عده‌ای سودجوبه آن منطقه می‌شود. به طوری که عده‌ای از آنها برای زیادتر نشدن دست در استخراج طلا، جنگی را بین سفیدپوستان و سرخپوستان دامن می‌زنند که به قتل عام هزاران سرخپوست می‌انجامد.

■

از ژنرال کاستر، شخصیت معروف ارتش‌آمریکا، تا کنون چند فیلم دیگر نیز ساخته شده واین فیلم، در واقع به‌نوعی تجلیل از این ژنرال است. کسی که‌هزاران سرخپوست را از دم تیغ گذراند و هزاران سرباز خود را نیز را به‌کشتن داد. "فاتح غرب" یک فیلم "سرخپوستی" با معیارهای زمانی‌ست که سرخپوستها تنهابه عنوان عده ای وحشی آدمکش نمایانده می‌شوند. ژنرال کاستر و ارتشی‌ها، قهرمان هستند و سرخپوستها، ضد قهرمان. این حرفها، دیگر خریداری ندارد اما "فاتح غرب" به عنوان یک فیلم "بزن بزن" می‌تواند سرگرم کننده باشد

●



رابرت‌شاو

"رابرت سیودماک" متولد ۱۹۰۰ در ممفیس‌آمریکا، یکی از فیلمسازان پرتحرک آمریکا بود که مدتی نیز در فرانسه و آلمان فعالیت داشت. سیودماک یک تکنسین خوب بود که در زمینه‌های مختلفی فیلم ساخت و موفق‌

ترین آنها ملودرامهای پرحادثه و آثار جنائی و روانی بودند .او نخستین فیلمش را در سال ۱۹۲۹ در آلمان ساخت: " مردم در روز یکشنبه" .درفرانسه هم چندفیلم ساخت و هنگامی که نازیسم می‌رفت تا قدرت بگیرد ، اروپا را ترک‌کرد و به هالیوود رفت . از سال ۱۹۴۰ ، سیودماک در هالیوود فیلم ساخت و خود را به عنوان کارگردانی معتبر شناساند . در دههٔ پنجاه ، بار دیگر به اروپا ، بازگشت و درآلمان وفرانسه و انگلستان فیلمهائی ساخت . سیودماک در سال ۱۹۷۳ درگذشت . عمده فیلمهای او عبارتند از:

مستر فلو (۱۹۳۷) ــ اولتیماتوم (بارابرت وینه ــ ۱۹۳۹) ــ پرواز شبانه ــ قلب من متعلق به باباست (۱۹۴۲) ــ پسر دراکولا (۱۹۴۳) ــ زن کبرا ــ تعطیلات کریسمس (۱۹۴۴) ــ قاتل ــ آینه تاریک (۱۹۴۶) ــ گریه شهر (۱۹۴۸) ــ گناهکار بزرگ (۱۹۴۹) ــ تلخ شیرین (۱۹۵۹) ــ فرار از برلین شرقی (۱۹۶۲) ــ کاستر از غرب (در ایران: فاتح غرب ــ ۱۹۶۶) .

● قتل درقطارسریع‌السیرشرق
Murder In Orient Express

کارگردان: سیدنی لومت (۵۲)
بازیگران: شون‌کانری ــ آلبرت فینی ــ اینگریدبرگمن ــ ژاکلین بیسه ــ ونسارد‌گریو ــ ریچارد ویدمارک ــ آنتونی پرکینز ــ لورن باکال .

■

یکی از جنایتکاران فاشیست ، در قطاری که به‌شرق می‌رود ، به‌طرز مرموز با ضربه‌های چاقو به‌قتل می‌رسد . پلیس برای کشف این قتل به‌تلاش می‌افتد و عده‌ای را که مضنون هستند ، بازجوئی می‌کند . افراد مظنون که خودرادرخطرمی‌بینند ، سعی می‌کنند پلیس گمراه شود . پلیس در پیگیری این قتل ، به‌گذشته مقتول رجوع می‌کند تا از این طریق ، علت قتل و هویت قاتل را کشف کند . در این جستجو ، حقایقی از جنایتهای مقتول در زمان جنگ جهانی دوم آشکار می‌شود .



■

داستان "قتل‌درقطارسریع‌السیر شرق" را ، جنائی نویس معروف ، "آگاتاکریستی" نوشته . کسی که آثار زیادی از او در سینما مورد استفاده قرار گرفته و برخی از آثار او ، چندین بار به فیلم برگردانده شده است . همچون همه داستانهای آگاتاکریستی ، این داستان نیز عنصر معما و دلهره را در خود دارد . وسیدنی لومت که کارگردانی‌توانا در به‌کار بستن این عناصر است ، از این داستان فیلمی مهیج ساخته است ، فضای بسته‌ای که ماجراها درآن می‌گذرد ، قطاری که به‌سرعت در حرکت است ، و سنگینی سوءظنی که برشخصیتها مستولی‌ست ، تماشاگر را در التهابی نفس‌گیر فرو می‌برد .

● مردیکه دوبار زندگی کرد
The Reincarnation of Peter Proud

کارگردان: جی . لی تامپسون (۵۷)
فیلمنامه: ماکس ارلیش ــ موسیقی متن: جری گلداسمیت
بازیگران: مایکل سارازین ــ جنیفر اونیل ــ کورنلیا شارپ

■

"پیتر پراود" که یک جوان تاریخ‌شناس است ، در خوابهایش همواره خود را در قالب مردی بنام "جف" می‌بیند که بدست همسرش "مارشا" در دریاچه‌ای غرق می‌شود . پزشک‌روانشناس به او می‌گوید که این یک‌پدیدهٔ روحی است اما پیتر به این نتیجه می‌رسد که یک بار در گذشته با نام "جف" زندگی کرده است . براساس نشانه هائی که پیتر از زندگی گذشته‌اش می‌یابد ، به‌شهر اسپرینگفیلد ماساچوست می‌رود و آگاه‌می‌شود که درسال ۱۹۴۶ ، مردی بنام "جفری کورتیس" توسط همسرش مارشا در دریاچه غرق شده . مارشا را پیدا می‌کند و عاشق دختر او

"آن" می‌شود. پیتر به رغم آن که "آن" براساس‌خواب‌ـ هایش دختر خود اوست، قصد ازدواج با او می‌کند. ولی مارشا که تصویری از شوهر خشن و خودخواهش را در او می‌بیند، راضی به‌این ازدواج نیست. پیتر برای رهاشدن از کابوس صحنهٔ قتل در دریاچه، تصمیم می‌گیرد این صحنه را با حضور مارشا و دخترش به همان ترتیبی که اتفاق افتاده بازی کند و ...

■

موضوع فیلم، زندگی دوبارهٔ پس از مرگ، قدمتی نزدیک به عمر بشر دارد اما هدف جی. لی تامپسون به اعتبار پیشینه‌اش و در نگاه به همین فیلم ـ کنکاش در این موضوع نیست. بلکه مقصود ساختن فیلمی معمائی و پرهیجان است که در این کار توفیق می‌یابد. عمدهٔ موفقیت او به سبب داستان فیلم است که چفت و بست خوبی دارد و برخلاف آنکه تماشاگر گمان می‌کند پیتر پراود فقط راز قتل جف را کشف می‌کند، با پایانی غیر منتظره روبرو می‌شود.

• رولر کاستر Rollercoaster

کارگردان: جیمز گلدستون

موسیقی متن: لالو شیفرین

بازیگران: ریچارد ویدمارک ـ هنری فاندا ـ جورج سیگال ـ تیموتی باتومز

■

جوانی برای اخاذی از شرکتهای بیمه‌ای که‌پارکهای



تفریحی و مشتریان آنها را بیمه می‌کنند، مواد منفجره در وسایل بازی این پارکها کار می‌گذارد. یک بار انفجار دینامیت در ریل رولر کاستر (وسیله هیجان‌آور موج‌سواری در پارکها تفریحی) چندین نفر را به کشتن می‌دهد و شرکتهای بیمه، پلیس را به کمک می‌طلبند. جوان بمب گذار، از شرکتهای بیمه تقاضای رشوه می‌کند و پلیس، از طریق تلفن‌ها، او را ردیابی می‌کند. در روز افتتاح یک پارک جدید، در حالیکه پلیس می‌فهمد هدف بعدی‌بمب گذار آنجاست، نگهبانهای زیادی در تمام پارک برای دستگیری او بسیج می‌شود. جوان موفق به کار گذاشتن بمب می‌شود اما هنگامی که در پارک مشغول‌قدم‌زدن‌است کارآگاهی که در تماسهای تلفنی همواره مخاطب او قرار می‌گرفت، صدایش را می‌شناسد و ...

■

"رولر کاستر" در ردهٔ فیلمهائی از قبیل آرواره‌ها جاگرنات، جهنم زیر و رو، زلزله و ... می‌گنجد که جمعی در معرض یک خطر واحد قرار می‌گیرند اما دراینجا محورفیلم، نه این خطر مشترک، که دستگیری جوان بمب گذار است. فیلم، گذشته از زمینهٔ آشنایش، سوژهٔ تازه ای دارد و از پارک و "رولر کاستر" نیز که یک وسیلهٔ بازی بسیار هیجان‌انگیز است، برای هیجان بخشیدن به فیلم بخوبی استفاده می‌کند. اما از جوان بمب‌گذار، یک ابر مرد می‌سازد که‌حتی قدرت مافوق طبیعی نیز دارد. رولر کاستر، فقط یک فیلم مهیج و سرگرم‌کننده است.

●

"جیمز گلدستون" ـ متولد ۱۹۳۱، کارسینمائیش رادرسال ۱۹۵۰ بامونتاژ فیلم‌ها آغاز کرد و پس از آن به نوشتن فیلمنامه روی آورد. گلدستون در سال ۱۹۵۸وارد کار در تلویزیون شد و حدود ده سال در زمینهٔ نوشتن داستان و فیلمنامه فعالیت داشت. علاوه بر این، در چندقسمت از مجموعه‌های "آیرونساید" و "سناتور" بازی‌ـ گری هم میکرد. در سال ۱۹۶۷، جیمزگلدستون نخستین فیلم سینمائیش را به نام "مهره گمشده" کارگردانی کرد و از آن پس به عنوان تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و کارگردان، فیلمهای متعددی ساخت از جمله: مردی‌بنام کانون ـ برنده ـ برادر، جان ـ آسمان سرخ در سپیده

دم ــ مبارزه‌ای که تیراندازی در آن نبود ــ تنها قتل ــ سفری در تاریکی ــ آنها فقط می‌کشند و رولر کاستر.

● برفهای خونین

کارگردان: نیکلاس ری

بازیگران: آنتونی کوئین ــ پیتر اوتول

■

در منطقه‌ای از قطب شمال، در جائی که همه چیز پوشیده از برف است و خانه‌ها با یخ بنا شده، اسکیموها از راه شکار خرس قطبی، به زندگی آرام خود ادامه می‌دهند. "اینوک" یکی از این اسکیموهای شکارچی است که با همسرش زندگی می‌کند و آرامش زندگیش با ورود سفیدپوستهائی که به قصد خرید پوست خرس آمده‌اند، بر هم می‌ریزد. اینوک یک مبلغ مذهبی را که به معتقدات او احترام نگذاشته، بر حسب تصادف می‌کشد. دو مامور برای دستگیری او می‌آیند که یکی از آنها بر اثر حادثه‌ای می‌میرد و مامور دیگر که متوجه خوی بدوی اینوک شده و با او رابطه صمیمانه‌ای برقرار کرده، او را رها می‌کند تا به خانه‌اش و نزد همسرش بازگردد.

■

" برفهای خونین "، فیلمی در ستایش طبیعت، و طبیعت انسان است. اینوک اسکیمو به عنوان مظهر یک انسان بدوی، زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای دارد اما سفید پوستها به‌عنوان نشانه‌های تمدن به معنای امروزین آن ــ باخود کشمکش و گرفتاری و مرگ به همراه می‌آورند. بنابر این، "برفهای خونین" فیلمی در محکومیت تمدن دست وپاگیر نیز هست.

●

"نیکلاس ری" با نام اصلی " ریموند نیکلاس کنزل " متولد ۱۹۱۱ در ویسکانسین آمریکاست. در رشته معماری تحصیل کرده و در تئاتر و رادیو، کارگردانی و بازیگری کرده. او فیلمسازیست که به‌سبب ویژگی آثارش و شخصیت های آنها، یک کارگردان طغیانگر شناخته شده است. برخی معتقدند که نخستین فیلم او " شب زنده‌داران " (۱۹۴۸) بهترین فیلمش است که پس از آن، نتوانست



چنین موفقیتی را تکرارکند. با این حال، همهٔ فیلمهای او، نکته‌های درخور تامل و پراهمیتی درخود دارند. یکی از فیلمهای مشهور او " شورش بی‌دلیل " (۱۹۵۵) بر یک نسل سینمارو تاثیر انکارناپذیری گذاشته است.

تعدادی دیگر از فیلمهای نیکلاس ری عبارتند از: هر دری را بزن (۱۹۴۹) ــ در مکانی خلوت (۱۹۵۰)، در زمین خطرناک (۱۹۵۱) ــ جانی گیتار (۱۹۵۴) ــ خون گرم ــ بزرگتر از زندگی (۱۹۵۶) ــ داستان حقیقی جسی جیمز (۱۹۵۷) ــ پیروزی تلخ ــ دختر پارتی (۱۹۵۸) ــ سایه‌های سپید (در ایران: برفهای خونین، ۱۹۶۰) ــ پنجاه و پنج روز در پکن (۱۹۶۳) ــ ما دوباره نمی‌توانیم به‌خانه بازگردیم (۱۹۷۳) ــ پس از آن، اغلب پروژه‌های نیکلاس ری به دلیل مشکلات متعدد، ناتمام ماند. در سال ۱۹۷۷، در فیلم " دوست آمریکائی " (در ایران: طعمه) و همچنین فیلم "مو" (اثر میلوش فورمن) بازی کرد. نیکلاس ری در سال ۱۹۷۸ درگذشت.

● خوشه های خشم Grapes of Wrath

کارگردان: جان فورد

فیلمنامه: ناتالی جانسون ــ فیلمبردار: گرگ تالند

موسیقی متن: آلفرد نیومن

بازیگران: هنری فاندا ــ جان کارادین ــ جن دارول ــ دوریس باودن

■

در دوران بحران اقتصادی آمریکا در دههٔ ۱۹۳۰،

خانواده "جاد" جزو زارعین فقیری هستند که برای گذران، مدام در میان شهرهای آمریکا سفر می‌کنند و در واقع، خانه بدوشند. آنها در کالیفرنیا، در محلای زاغه‌نشین اقامت می‌کنند. کاری برای مردان خانواده پیدا می‌شود اما چندی بعد، اعتصابی آغاز می‌شود که آنها نیز در متن آن هستند. در جریان اعتصاب، یکی از پسرهای "جاد" بدست پلیس کشته می‌شود.

پس ازمدتی با اندک آرامشی‌که حاصل‌می‌شود ،آنها مقیم یک اردوگاه دولتی می‌شوند و ...

◘

"خوشه‌های خشم" که براساس رمان معروفی بهمین نام از "جان اشتاین بک" ساخته شده، یکی از بهترین آثار جان‌فورد است. فقر و نکبتی که در آن دوران براثر سیاستهای سرمایه‌دارانه، زندگی زحمتکشان آمریکا را فرا گرفته بود، به مدد چیره‌دستی جان فورد و کار درخشان فیلمبردارش، همچنین بازیهای خوب بازیگران، بخوبی در "خوشه‌های خشم" بازتاب یافته است. جان فورد برای کارگردانی این فیلم، برای دومین بار، جایزهٔ اسکار گرفت و یک اسکار درجه دوم نیز نصیب "جن دارول" شد.

●

"جان فورد" ــ متولد فوریه ۱۸۹۵ در ایالت مین آمریکا ــ با نام اصلی "شون آلوی سیوس اوفینی" یکی‌از افتخارات سینمای جهان و بویژه سینمای آمریکاست. او که سیزدهمین و آخرین فرزند خانواده‌اش بود، پس از پایان تحصیل دبیرستانی، در سال ۱۹۱۳ به هالیوود رفت تا نزد یکی از برادران بزرگترش که نام فامیل فورد را برای خود انتخاب کرده بود و کارگردانی و نویسندگی و بازیگری می‌کرد، کار کند. فعالیتش را به عنوان کارگر صحنه، و سپس متصدی وسایل صحنه آغاز کرد. عاقبت در سال ۱۹۱۷ نخستین فیلمش را ساخت و طول پنجاه سال، بیش از ۱۱۰ فیلم کوتاه و بلند کارگردانی کرد که بسیاری از این فیلمها ــ بویژه وسترنهایش، جزو فیلم‌های ماندنی و غرورانگیز تاریخ سینما هستند. خیلی از فیلمسازان امروز، سینما را از مکتب فورد و از فیلمهای او آموخته‌اند و یکی از کارگردانهائیست که هنوز هم مریدهای فراوانی دارد. او ۳ بار موفق به گرفتن جایزه اسکار شد. نام بردن از همهٔ فیلمهای فورد، یک لیست بلند بالا میخواهد اما تعدادی از فیلمهای مهم و معروف او به شرح زیر است:

تیراندازی مستقیم (۱۹۱۷) ــ سواران انتقام (۱۹۱۸)ــ نشان‌داران (۱۹۱۹)ــ دوستان ثابت (۱۹۲۰) جاده‌های دشوار (۱۹۲۱) ــ شمال خلیج‌هادسن (۱۹۲۳) اسب آهنین (اولین فیلم موفق فورد ۱۹۲۴) ــ آذرخش (۱۹۲۵) سه بدکار (۱۹۲۶) ــ سرچشمه (۱۹۲۷) چهار پسر ــ آرایشگر ناپلئون (اولین فیلم ناطق فورد ۱۹۲۸) بلاک واچ (۱۹۲۹) ــ بالای رودخانه (۱۹۳۰) ــ در اعماق‌دریا (۱۹۳۱) ــ سفر (۱۹۳۳) ــ کشتی (۱۹۳۴)ــ خبرچین (برنده اسکار ــ ۱۹۳۵) ــ گاوآهن و ستارگان (۱۹۳۶)ــ ویلی‌وینکی‌کوچولو (۱۹۳۷)ــ زیردریائی‌گشتی (۱۹۳۸) دلیجان ــ آقای لینکلن جوان (۱۹۳۹) خوشه های خشم (برنده جایزه‌اسکار ۱۹۴۰) ــ جاده تنباکو ــ دره من چه سرسبز بود (برنده اسکار ۱۹۴۱) ــ کلمانتین عزیزم (۱۹۴۶) ــ قلعه آپاچی ــ سه پدرخوانده (۱۹۴۸) دختری با روبان زرد (۱۹۴۹) ــ ریوگرانده (۱۹۵۰) ــ مرد آرام (۱۹۵۲) ــ خورشید میدرخشد (۱۹۵۳) ــ صف طویل خاکستری (۱۹۵۵) ــ جویندگان (در ایران: در جستجوی خواهر ۱۹۵۶) ــ آخرین هورا (۱۹۵۸) ــ سواره نظام (۱۹۵۹) ــ مردی که لیبرتی والانس را کشت (۱۹۶۲)ــ پائیز قبیله شاین (۱۹۶۴) کاسیدی جوان (که براثر بیماری فورد، جک کاردیف آن را بپایان رساند ــ ۱۹۶۵) ــ هفت زن (آخرین فیلم فورد ــ ۱۹۶۶) ــ جان فورد در سال ۱۹۷۳ در گذشت.



● دهان گشاد The Big Mouth

نویسنده فیلمنامه و کارگردان: جری لوئیس
موسیقی متن: هری تبس ــ فیلمبردار: وی. والاس کلی
بازیگران: جری‌لوئیس ــ هارولداستون ــ چارلی‌کالاس ــ والتر کرای

■

مرد جوانی به نام "جرالد کرامسون"، هنگامی که در کنار دریا مشغول ماهیگیری است، جسد نیمه جان مردی بنام "سید والنتین" به قلابش بند می‌شود. وقتی که "سید" قادر به صحبت می‌شود، از جرالد خواهش می‌کند که نگذارد قاچاقچیان، جواهرات او را بربایند. جرالد می‌پذیرد و سید با دادن نقشه‌ای به او، جرالد را روانه‌می‌کند، اما خودش به‌وسیلهٔ تعقیب‌کنندگانش کشته می‌شود. نکته در اینجاست که سید و جرالد، دقیقاً شبیه یکدیگر هستند و قاچاقچیان که "سید" را کشته‌اند، بار دیگر او را ــ در واقع جرالد را ــ زنده می‌یابند. این سر آغاز یک سری درگیریهای جرالد محجوب و ساده دل با آنهاست.

□

جری لوئیس که علاوه بر بازیگری گاه و بیگاه دست به کارگردانی نیز می‌زند، این بار هم با استفاده از فیلم نامهٔ خوبش، دهان‌گشاد را می‌سازد. محورفیلم، شباهت ظاهری دو نفر با خصوصیات کاملا متفاوت است که جری لوئیس به خوبی از این موضوع استفاده کرده و یک کمدی گرم و گیرا و سرگرم کننده ساخته است.



●

"جری‌لوئیس" ــ متولد ۱۹۲۶ در نیوجرسی آمریکا ــ بازیگر، خواننده، کمدین، و بعدها تهیه‌کننده و کارگردان، از چهره‌های سرشناس سینمای کمدی کشورش است. کار نمایش را از شرکت در نمایشهای مدرسه شروع کرد. سپس به‌عنوان بازیگر حرفه‌ای، همراه با دین‌مارتین، کارش را در کلوبهای شبانه ادامه داد و دامنهٔ فعالیتش را به رادیو، تلویزیون و پس از آن به سینما هم کشاند.

جری لوئیس طی ۲۰ سال که بیشتر با دین مارتین و با کارگردانهائی از جمله جورج مارشال، نورمن تاروگ و فرانک تاشلین فعالیت می‌کرد جزو یکی از کمدین‌های موفق آمریکا بود. اما از آغاز دههٔ ۱۹۷۰، کارش نزول کرد. عمده فیلمهای او در مقام بازیگر عبارتند از:

دوست من ایرما (۱۹۴۹) ــ در جنگ با ارتش (۱۹۵۰) ــ کله‌پوک (۱۹۵۱) ــ جکهای پرنده (۱۹۵۲) خوش باش (۱۹۵۳) ــ سفر به هالیوود (۱۹۵۶) مجرم ضعیف (از اینجا، لوئیس از دین مارتین جدا می‌شود ــ ۱۹۵۷) ــ پسر گیشا (۱۹۵۸) ــ کشتی را بباد ندی ــ سیندرفلا (۱۹۵۹) ــ دنیای دیوانه دیوانه دیوانه (۱۹۶۲) ــ دیوانه‌ای در فروشگاه (۱۹۶۳) ــ بی‌نظم منظم (۱۹۶۴) بوئینگ بوئینگ (۱۹۶۵) راه خروج (۱۹۶۶) پل را بالا نبر، رودخانه را پائین بیاور (۱۹۶۷) ــ نخ و قلاب (۱۹۶۸) وفیلمهائی که‌جری لوئیس‌علاوه بر بازیگری آنها را کارگردانی هم کرده، به شرح زیر است:

پادوی هتل ــ محبوب زنها ــ خونه شاگرد (۱۹۶۰) پرفسور نخاله (۱۹۶۲) ــ پخمه (۱۹۶۴) ــ جواهرات خانوادگی ــ سه نفر روی نیمکت (۱۹۶۵) دهان گشاد ــ (۱۹۶۷) ــ یک بار دیگر (۱۹۶۹) ــ راه جبهه از کدام طرف است؟ (۱۹۷۰) ــ روزیکه دلقک مرد (۱۹۷۴).

● شرق جاوه Krakatoa, East of Java

کارگردان: برنارد ال. کوالسکی
فیلمبردار: مانوئل برلنگوئر ــ موسیقی متن: دی وول
بازیگران: ماکسیمیلیان شل ــ دایان‌بیکر ــ برایان کیت ــ سال مینه‌ئو ــ روسانا براتزی ــ پیتر گریوز

■

کشتی "ملکه بتدیا" که کاپیتانش "کریس هنسون" است، باید از کنار کوههای "کراکاتوآ" بگذرد اما آتشفشان کراکاتوآ پس از دویست سال خاموشی، شروع به فعالیت کرده است. کریس هنسون در این سفر قصد دارد به گنجی که در اعماق دریا در شرق جاوه مدفون است، دست‌یابد و برای این کار، از یک‌غواص ماهر به‌نام "هری کالنلی" دعوت به همکاری کرده است. از سوئی، هنسون برخلاف میلش به دستور دولت مامور انتقال سی زندان به جزیرهٔ ماهورا درسراهش است‌که اینک در کشتی‌هستند. شروع آتشفشان، زمینه‌ساز یک سفر پرمخاطره می شود.

◘

" شرق جاوه" (۱۹۶۸) فیلمی پرخرج، از آن دسته فیلمهائیست که تعمد دارند "عظمت" را به‌عنوان برترین امتیاز، به‌رخ تماشاگر بکشند. و البته، با این‌معیار، شرق جاوه‌فیلمی عظیم، هیجان‌آور، پرحادثه و دیدنی است. فقط همین و تنها به عنوان یک سرگرمی !

صحنه‌های آتشفشان در فیلم، البته پس از تماشابر پردهٔ بزرگ سینما، مهمترین بخش "شرق جاوه" است‌که در خاطر می‌ماند.

●

"برنارد ال. کوالسکی" ــ متولد ۱۹۳۱ ــ یک‌فیلم ساز آمریکائی لهستانی‌الاصل است که اغلب فیلمهای او از ردهٔ آثار درجه دوم سینمائی است. کارش را درسینما، با فیلم "دختر داغ داغ" در سال ۱۹۵۸ آغاز کرد ودر ضمن‌ساختن فیلم سینمائی، یک کارگردان پرکار تلویزیونی نیز بود. قسمتهائی از مجموعه‌های معروف تلویزیونی مانند ویرجینیائی، کارآگاه کلمبو، تنافلای، مک کلود، کارآگاه راکفورد، مک میلان و همسرش، گالری شبانه، مرد شش میلیون‌دلاری، باناچک، خواهران فضول، بارتا و شعبده‌باز را ساخته‌است. عمده‌فیلمهای سینمائی‌کوالسکی عبارتند از:

هجوم زالوها ــ ظهرسپاه ــ استیلتو ــ زنان زندانی ــ وحشت درآسمان ــ ساعت مرگ ــ جام داریون ــ پرونده بسته‌شده ــ ماچو کالاهان ــ شفادهندگان ــ شرق‌جاوه ــ شکارچی زن.

• راکی　Rocky

کارگردان: جان جی. آویلدسن
فیلمنامه: سیلوستر استالونه
فیلمبردار: جیمز کراب
بازیگران: سیلوستر استالونه ــ تالیا شایر ــ برت یانگ ــ بورجس مردیت

■

"راکی" یک مشت‌زن‌گمنام فیلادلفیایی است‌که هیچگاه نتوانسته در این رشته پیشرفتی داشته باشد اما زمانی، به او فرصتی داده‌میشود تا دربرابریک‌قهرمان مشت زنی مبارزه‌کند. راکی با پشتکاری باورنکردنی، سختکوش به تمرین وخودسازی‌می‌پردازد ودرروزموعود ــ روزمسابقه ــ در برابرحریف قهرمانش، مقاومتی جانانه میکند. مبارزهٔ درخشان راکی، آینده‌ای تثبیت شده برای او میسازد.

◘

"راکی" بانیم‌نگاهی‌به‌زندگی "راکی‌مارسیانو" درواقع گونه‌ای حدیث نفس "سیلوستراستالونه" فیلمنامه نویس و بازیگر آن هم هست: بازیگری گمنام و ناموفق که با کوشش فراوان به موفقیت دست می‌یابد. این فیلم با کارگردانی‌خوب آویلدسن، موفقیتی بزرگ بدست آورد و برندهٔ چند جایزهٔ اسکار سال ۱۹۷۶ شد: بهترین فیلم سال ــ بهترین کارگردانی ــ بهترین مونتاژ.

"گوردون گو" منتقد مشهور فیلم، در مورد "راکی" نوشته است: "شاید بتوان گفت‌که استقبال مردم ازراکی احتمالا ناشی ازتمایلی است‌که مردم آمریکا پس از پشت سر گذاشتن ماجرای واترگیت، به موضوعهای ساده وبی غل وغش پیدا کرده‌اند".



●

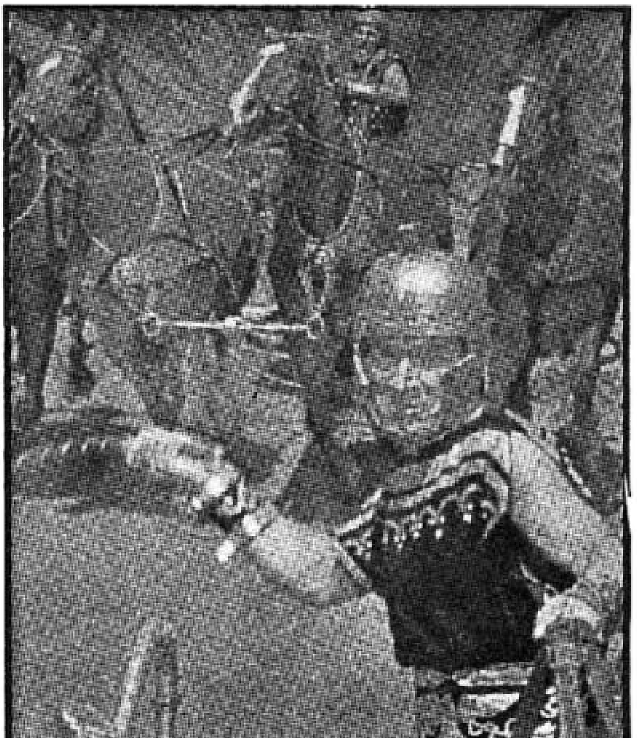
"جان جی. آویلدسون" از فیلمسازان جوان سینمای آمریکاست که با شروع نهضت فیلمسازی ارزان از اوایل دههٔ ۱۹۷۰، کارش را آغاز کرد. او نخستین فیلمش را در سال ۱۹۷۳ ساخت این فیلم "جو" (در ایران: نسل فاسد) یک اثر انتقادی نسبت به زندگی جوانهای آمریکائی بود. فیلم بعدی او به نام "ببر را نجات دهید" (۱۹۷۴) برایش موفقیت به همراه آورد و سپس "استادان رقص دیکس" را ساخت. در سال ۱۹۷۷ با فیلم "راکی"، همراه با سیلوستر استالونه به شهرت فراوانی رسید و جایزهٔ اسکار را بخاطر کارگردانی این فیلم گرفت.

●بن هور Ben Hur

کارگردان: ویلیام وایلر
موسیقی: میکلوس روژا
بازیگران: چارلتون هستون ـ استفن بوید ـ هایا هارایت ـ جولیانو جما

■

در زمان زندگی حضرت مسیح، حکومت مرکزی روم فرماندهی به منطقه اورشلیم که در قلمرو امپراتوری روم



قرار گرفته، می‌فرستد. "مسالا" از نزدیکان این فرمانده که همراه اوست، به سراغ دوست دوران کودکیش "جودا بن‌هور" که خود و خانواده‌اش از بزرگان منطقه هستند می‌رود و از او می‌خواهد که با فرماندهٔ جدید همکاری کند اما بن‌هور نمی‌پذیرد و از این‌جا، اختلاف بین دو دوست قدیمی آغاز می‌شود. در روز ورود فرماندهٔ جدید، یک اتفاق سبب می‌شود که تکه سفالی از روی دیوار خانهٔ بن هور بیفتد، اسب فرمانده رم کند و فرمانده را بر زمین زند. فرمانده می‌میرد و بن‌هور دستگیر می‌شود. حوادث بسیاری بر او و خانواده‌اش می‌گذرد و در طی از این سو به‌آن سو بردنهای بن‌هور، او با حضرت مسیح نیز برخورد می‌کند. عاقبت بن‌هور به نزد خانواده‌اش که از هم متلاشی شده بازمی‌گردد و زندگی‌شان سامان می‌گیرد. باران، مسیح مصلوب را می‌شوید و خونابه‌اش، زمین را آبیاری می‌کند.

■

"بن‌هور" در میان فیلمهای تاریخی و به اصطلاح "پرشکوه"، سرآمد همهٔ آنهاست. صحنه‌های عریض، هزاران سپاهی لشکر، دکورهای عظیم و فراوان، اسبها و ارابه‌ها و شمشیرها و کلاهخودها و... دهها تکنسین گرد آورده شد تا در سال ۱۹۵۹، عظیم‌ترین فیلم در نوع خود، بر پرده جان بگیرد. ویلیام وایلر، همچون یک معمار چیره‌دست از این همه ابزار که سخاوتمندانه در اختیارش گذاشته شد، به خوبی سود برده است. بن‌هور در حد یک فیلم مجلل و پرشکوه همواره دیدنی‌ست. این فیلم یازده اسکار سال ۱۹۵۹ را گرفته که سه جایزهٔ اصلی نیز در میان آنهاست: بهترین فیلم ـ بهترین کارگردان بهترین بازیگر مرد (چارلتون هستون). گفتنی‌ست که صحنهٔ معروف ارابه‌رانی "بن‌هور" را، یکی از چیره‌دست‌ترین کارگردانان صحنه‌های حادثه‌ای ساخته و "وایلر" تنها ناظر بر این فصل جاودانی فیلم بوده است

●

"ویلیام وایلر" ـ متولد ۱۹۰۳ در یک خانوادهٔ اروپائی ـ از کارگردانهای طراز اول و معتبر هالیوود، و نمونهٔ کامل یک "صنعتگر ـ کارگردان" آمریکائی است که در سیستم استودیوهای هالیوود طی دهه‌های ۱۹۳۰ و

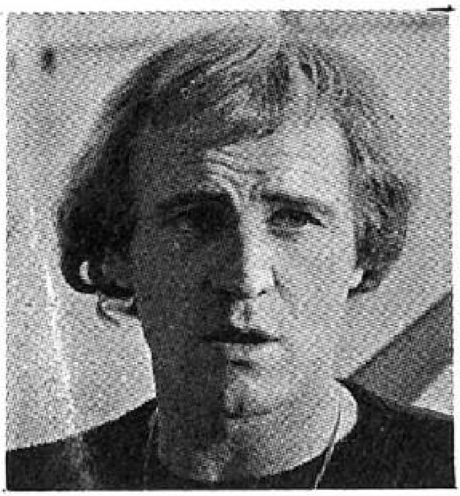
۱۹۴۰ کارآزموده شد. در سال ۱۹۲۰ به دعوت یک دوست، شغل خانوادگیش ـ تجارت پارچه ـ را رها کرد و برای ورود به عالم سینما، به آمریکا رفت. کارگری صحنه، منشی صحنه و دستیار مونتور، مشاغلی بود که او پیش از کارگردانی به آن روی آورده بود. سپس کارگردانی فیلم های وسترن کم خرج را انجام داد تا آن که در سال ۱۹۲۸ نخستین فیلم مهمش "آیا کسی اینجا کلی را دیده است" را ساخت و سال بعد با اولین فیلم ناطقش که یک وسترن به نام "قهرمانان جهنم" بود، توجه همگان را جلب کرد وایلر به تدریج با فیلمهای بعدیش، از حیثیت تکنیک، کارش را ارتقاء داد و از هنگامی که همکاریش را با "گرگ تالند" فیلمبردار آغاز کرد، به کمک مهارت او، به موفقیتهای بیشتری دست یافت. وایلر، به عنوان یک کارگردان هالیوودی در اکثر زمینهها فیلم ساخته و اغلب آثارش از نظر جلب تماشاگر، موفق بودهاند، فیلمهای او، سه اسکار برای خودش و چهارده اسکار برای بازیگرانش به ارمغان آورده است. بهرغم این همه موفقیت، منتقدان کمتر اقبالی به آثار وایلر نشان میدهند. عمده فیلمهای او عبارتند از:

توفان (۱۹۳۰) ـ مشاور حقوقی (۱۹۳۳) ـ فریب شوخیآمیز (۱۹۳۵) ـ این سه نفر ـ دادزورث (۱۹۳۶) ـ بنبست (۱۹۳۷) ـ بلندیهای بادخیز (۱۹۳۹) ـ جزه بل (۱۹۳۸) ـ وسترنر ـ نامه (۱۹۴۰) ـ روباههای کوچک (۱۹۴۱) ـ خانم مینیور (۱۹۴۲) ـ ممفیس بل (۱۹۴۴) بهترین سالهای زندگی ما (۱۹۴۶) ـ داستان کارآگاه (۱۹۵۱) ـ شبی در رم (۱۹۵۳) ـ ساعات نا امیدی (۱۹۵۵) ـ ترغیب دوستانه (۱۹۵۶) ـ کشور بزرگ (۱۹۵۸) ـ بنهور (۱۹۵۹) ـ ساعت بچهها (۱۹۶۲) ـ کلکسیونر (۱۹۶۵) ـ چگونه میتوان یک میلیون دلار دزدید (۱۹۶۶) ـ دختر مسخره (۱۹۶۸) و آزادی ال بی جونز (۱۹۷۰). **وایلر از آن پس فیلمی نساخته است.**

● آتش برفراز تلمارک
The Heros of Telemark

کارگردان: آنتونی مان

فیلمبردار: رابرت کراسکر


ریچارد هریس

بازیگران: کرک داگلاس ـ ریچارد هریس

■

نازیها دربالای قلهای یخزده، پایگاهی ساختهاند که در آن، "آب سنگین" برای ساختن بمب اتمی تهیه میکنند. دکتر "پدرسن" که یک دانشمند فیزیک اتمی است ماموریت مییابد که در راس گروهی، این پایگاه را منهدم کند و مانع عملیات نازیها شود. او به همراه "استراد" که یک قهرمان ورزشهای زمستانی است، و عدهای دیگر با ساز و برگ کوهپیمائی زمستانی، عازم این ماموریت پرمخاطره میشوند.

■

این فیلم برمبنای یک داستان واقعی، با استفاده از دوکتاب "اسکی برعلیه اتم" و "اگر این مردان نبودند" ساخته شده. تمامی صحنههای خارجی فیلم در خارج از استودیو و در کوههای پر برف نروژ فیلمبرداری شده است. آتش برفراز تلمارک را یکی از فیلمسازان بزرگ آمریکا ساخته است و معیارهای رایج فیلمهای جنگی آمریکائی در آن رعایت شده. بنابراین فیلمی هیجان انگیز است که چند صحنهٔ بیادماندنی نیز دارد.

●

"آنتونی مان" ـ متولد ۱۹۰۶ در سن دیهگوی **کالیفرنیا، با نام اصلی "امیل باندزمان" یکی از فیلم**سازان بزرگ و معتبر سینمای آمریکاست. کارش را در برادوی با تئاتر آغاز کرد و نخستین فیلمش "دکتر برادوی" را درسال ۱۹۴۲ برای کمپانی پارامونت ساخت. او یکسری آثار مشهور در زمینههای اسپکتکل (پرشکوه و مجلل)، وسترن، جنگی و حماسههای تاریخی دارد که به

ویژه آثار وسترن او از شهرت بیشتری برخوردار است و چندتای آنها از وسترنهای کلاسیک هستند. تنها در دههٔ ۱۹۵۰، آنتونی مان یازده فیلم وسترن ساخته است.

در این دوره، درونمایه آثار او بر محور حرکت مردانی که زیر فشارهای مختلف هستند، می‌گشت. عمده فیلمهای "مان" عبارتند از:

نور ماه در هاوانا (۱۹۴۲) – غریبه‌ها در شب (۱۹۴۴) – ناامیدی (۱۹۴۷) – وینچستر ۷۳ (۱۹۵۰) – خم رودخانه (۱۹۵۲) – داستان گلن میلر (۱۹۵۴) – مردی از لارامی (۱۹۵۵) – مردان در جنگ (۱۹۵۷) – مردی از غرب (۱۹۵۸) – سیمارون (آخرین وسترن آنتونی مان – ۱۹۶۰) – ال سید (۱۹۶۱) سقوط امپراطوری روم (۱۹۶۴) – قهرمانان تلمارک (در ایران: آتش بر فراز تلمارک – ۱۹۶۵). آخرین فیلم آنتونی مان که یک درام جاسوسی بود، در سال ۱۹۶۷ بر اثر مرگ او ناتمام ماند و لارنس هاروی بازیگر نخست فیلم آن را به‌پایان رساند.

● دوازده مرد خبیث The Dirty Dozen

کارگردان: رابرت آلدریچ (۳۹)

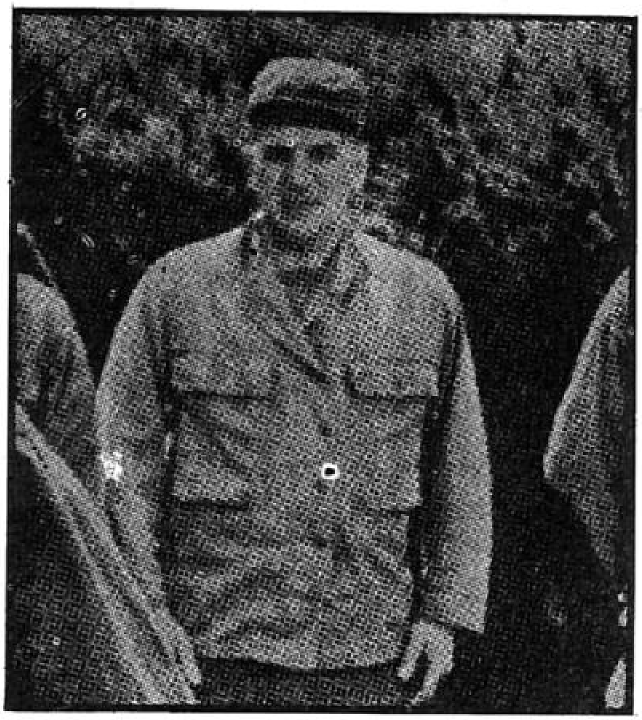
بازیگران: لی ماروین – چارلز برانسون – تلی ساوالاس

■

به یک افسر ارتش آمریکا ماموریتی داده می‌شود که به اتفاق گروهی که خود انتخاب می‌کند، به یکی از پایگاه های آلمانی‌ها، حمله کند. این افسر، همکاران خود را از میان نظامیان بی‌انضباطی انتخاب می‌کند که هر یک از آنها به دلیلی، بازداشت شده‌اند. او به رغم مخالفت فرماندهانش، اعلام می‌کند که تنها در صورتی حاضر به انجام این ماموریت است که با این افراد کار کند. یازده تن را که هریک ویژگیهائی در جنگاوری دارند، انتخاب می‌کند. ابتدا عملیاتی رابرای تمرین با موفقیت به‌پایان می‌رسانند و عازم انجام ماموریت اصلی می‌شوند.

■

"دوازده‌مرد خبیث "یکی از معروفترین، موفق‌ترین و پرفروشترین فیلمهای جنگی سینمای آمریکاست. آنچه



این توفیق را نصیب فیلم کرد، سوژهٔ فیلم نبود بلکه پرداخت آن بود. زیرا موضوع ماموریت مشترک گروهی ماجراجوی سرکش که هر یک تخصص در رشته‌ای رزمی دارند درفیلمهای دیگری – بیشتر در زمینهٔ وسترن، مثل هفت دلاور، و همچنین فیلمهای جنگی – فراوان بکار گرفته شده است. اما آلدریچ که یک فیلمساز استخواندار حرفه‌ای وبا تکنیک است، از این موضوع کهنه، فیلمی پرتحرک ومهیج ساخته است.

● میخواهم زنده بمانم! I want to Live!

کارگردان: رابرت وایز

بازیگر: سوزان هیوارد

■

"باربارا گراهام" بخاطر جرمی که مرتکب نشده، محاکمه و محکوم به‌اعدام می‌شود. کوشش باربارا و وکیل مدافعش برای اثبات بیگناهی به جائی نمی‌رسد و فرجام خواهی نیز رای دادگاه را عوض نمی‌کند. حکم اعدام سرانجام در اتاق گاز اجرا می‌شود.

■

"میخواهم زنده بمانم " که بسیار مورد علاقهٔ خود وایز نیزهست، ظاهرا یک درام اجتماعی – انتقادی است



که گویا براساس یک ماجرای واقعی ساخته شده. اما این در واقع یکی از شیوه‌های اعادهٔ حیثیت آمریکا پس از پایان دورهٔ افتضاح‌آمیز "مک کارتیسم" است. یعنی این که انتقاد آزاد است! اما فیلمهائی نظیر "میخواهم زنده بمانم" با هدف گرفتن گوشه‌ای از سیستم، تمام کاسه کوزه‌ها را برسر آن گوشه‌می‌شکنند و کل‌سیستم را مصونیت می‌بخشند. برای آنکه هرگونه شبهه‌ای در مورد رسالت اجتماعی فیلم و فیلمساز برطرف شود، به جمله‌ای از سازندهٔ فیلم توجه کنید: " اگر مردم از داستانهای ترسناک‌خوششان می‌آید، بیا ترس واقعی را به آنهانشان دهیم "! اما البته میخواهم زنده بمانم، فیلمی میهج، سرگرم‌کننده و میخکوب‌کننده است و سوزان هیوارد برای بازی در همین فیلم برندهٔ اسکار شده است.

●

"رابرت وایز" با چند فیلم در میان صد فیلم پر فروش تاریخ سینما و یک فیلم با ده جایزه اسکار (داستان وست‌ساید ـ ۱۹۶۱) پرونده‌ای درخشان در سینمای تجارتی‌هالیوود دارد. درسال ۱۹۱۴ در ایالت ایندیانای آمریکا متولد شده‌است. در سال ۱۹۳۳ وارد بخش‌مونتاژ کمپانی "آر. کی. ئو." شد و کار سینما را از پائین‌ترین سطح، پادوئی، شروع‌کرد و با طی مشاغلی ازقبیل تنظیم کنندهٔ افکت‌های‌صوتی، ادیتور موسیقی، دستیار مونتاژ و مونتور، خود را در ردهٔ فیلمسازان معتبر هالیوودجای داد. مونتاژ دو فیلم مشهور "اورسن ولز" (همشهری‌کین وآمبرسونهای باشکوه) کار اوست. رابرت وایز، نخستین فیلمش "نفرین آدمهای گربه‌ای" را در سال ۱۹۴۴ ساخت.

معروفترین فیلمهای او عبارتند از:

روزی که زمین از حرکت ایستاد (۱۹۵۱) ـ هلن قهرمان تروآ (۱۹۵۵) ـ کسی آن بالا مرا دوست دارد (۱۹۵۷) ـ میخواهم زنده بمانم (۱۹۵۸) ـ داستان وست ساید (با همکاری جروم رابینز ـ ۱۹۶۱) ـ اشکها و لبخندها (برندهٔ اسکار ـ ۱۹۶۵) ـ دانه‌های‌شن (۱۹۶۶) ستاره (۱۹۶۸) ـ آدری رز (۱۹۷۷).

● مسیح هرگز به اینجا نیامد

کارگردان: فرانچسکو روزی

بازیگران: جیان‌ماریاولونته ـ ایرنه‌پاپاس ـ لئا ماساری ـ آلن کنی ـ پائولو بوناچلی

■

"کارلو له‌وی"، پزشک داروساز به‌سبب فعالیتهای ضدفاشیستی در ایتالیای زمان موسولینی، در سال ۱۹۴۳ به دهکده‌ای بد آب و هوا به نام "ابولی" تبعید می‌شود. اینجا تبعیدگاه عده‌ای دیگر ـ مانند او ـ نیز هست. مردم دهکده در شرایط سختی بدور از ساده‌ترین‌امکانات زندگی، گذران می‌کنند. آنها که بیمارند یا بیماردارند، وقتی که‌درمی‌یابند وی‌پزشک است، از اوکمک‌می‌خواهند. حضور دو سالهٔ کارلو در میان این روستائیان، حکم مکاشفه در دنیائی‌ناشناخته با واقعیتهای تلخ وکوبنده‌ای دارد که ناشی از ظلم و ستم فاشیسم است. پس از دو سال، دورهٔ محکومیت له‌وی به پایان می‌رسد و اودهکده را ترک می‌کند.

■

فیلم، براساس یادداشتهای خود "کارلوله‌وی" ساخته شده‌و نام اصلی فیلم (مسیح در ابولی) کنایه‌ای است از حضورمسیح‌وار له‌وی درمیان روستائیان ستمدیده که می‌کوشد آنها را از وضعی که دارند نجات دهد و روستائیان نیز همچون یک نجات‌بخش به‌او نگاه‌می‌کنند. "مسیح هرگز به اینجا نیامد" ـ دست کم نسخه‌ای که ما در ایران می‌بینیم ـ هر چند که فیلم خوبی است اما در حد ارزشهای فیلمسازی همچون فرانچسکو روزی نیست. مدت اصلی نمایش فیلم، ۱۵۲ دقیقه است اما

پخش‌کنندهٔ جهانی فیلم، بیش از چهل دقیقهٔ آن را حذف‌کرده و بنابراین، بسیاری از قسمتهای فیلم می‌لنگد: اصولا معلوم نیست که کار لولهوی برای چه آرمانی مبارزه می‌کند و چگونه است که بجای آن که او در کمک کردن به مردم پیشقدم می‌شود، مردم می‌کوشند از او کمک بگیرند و گاهی، او حتی امتناع می‌کند. حتی در بخشی از فیلم، حضور موثر لهوی در میان روستائیان، باعث می‌شود تا آنان دست به شورش بزنند اما این بخش از فیلم نیز از سوی پخش‌جهانی، حذف شده است.

با این حال، در "مسیح هرگز به اینجانیامد"، روزی همچون همهٔ آثارش، بی عدالتی و هیاتهای حاکمهٔ ظالم را محکوم می‌کند.

●

"فرانچسکو روزی "یکی از ارزشمندترین سینماگران امروز است. از زمره بزرگان سینمای ایتالیا که همچنان، پرقدرت، فیلم می‌سازد. او در سال ۱۹۲۲، در ناپل ایتالیا متولد شده است. پیش از آن که نخستین فیلم مستقلش را بسازد. یک فیلم نیمه‌تمام را به اتمام رساند (۱۹۵۲) و یک فیلم نیز با همکاری ویتوریو گاسمن ساخت (۱۹۵۷). در سال ۱۹۵۸ نخستین فیلم بلندش را به نام "مبارزه" کارگردانی کرد. سال بعد "دستفروشان" راساخت ودرسال ۱۹۶۰، فیلم مستندی به‌نام "سیسیل، از ۴۳ تا ۶۰" کارگردانی کرد.

سومین فیلم بلندداستانی او "سالواتوره جولیانو" (۱۹۶۲) سبب شهرتش شد و "دستها روی‌شهر" (۱۹۶۳) فیلم کوبنده و افشاگر دیگر او بود. فیلمهای دیگر فرانچسکو روزی عبارتند از:

یکی بود، یکی نبود ــ لحظه حقیقت ــ مردان‌علیه یکدیگر ــ قضیه ماته‌ئی ــ لاکی لوچیانو ــ جسدهای عالی

آخرین فیلم او "سه برادر" نام دارد که آن را در سال ۱۹۸۰ ساخته است.

● بازگشت به خانه — Coming Home

کارگردان: هال اشبی

فیلمنامه: نانسی دود

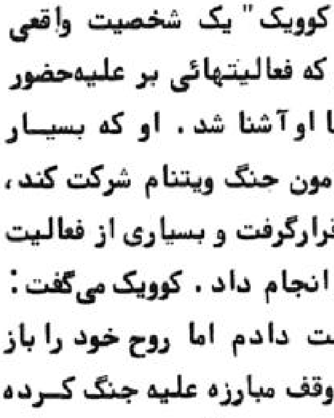
بازیگران: جین فاندا ــ جان وویت

■

"ران کوویک" چترباز سابق ارتش آمریکا، در جنگ ویتنام از ناحیه پا فلج شده است، در این بین چنان فجایعی روبرو می‌شود که دست به تبلیغات زیادی ــ درحدتوان خود ــ برای ممانعت از اعزام جوانهای آمریکا به ویتنام می‌زند. همسرش که در آمریکاست نیز اندک اندک به این واقعیت پی می‌برد و یاورش می‌شود. کوویک‌عاصی، که علاوه بر بدن، زخم جنگ را بر دل‌هم دارد، در یک لحظه‌ای سرگشتگی خود را به اقیانوس‌آرام می‌زند و چندان‌در اقیانوس شنا می‌کند که می‌میرد.

□

"بازگشت به خانه" یکی دیگر از فیلمهائیست که فیلمسازان آمریکائی در سالهای اخیر در محکومیت جنگ ویتنام ساخته‌اند. "ران کوویک" یک شخصیت واقعی است که جین فاندا هنگامی که فعالیتهائی بر علیه‌حضور آمریکا در ویتنام می‌کرد، با او آشنا شد. او که بسیار علاقه داشت در فیلمی پیرامون جنگ ویتنام شرکت کند، تحت‌تاثیر شخصیت‌کوویک قرارگرفت و بسیاری از فعالیت های ضدجنگش را به‌کمک او انجام داد. کوویک می‌گفت: "من بدن خود را از دست دادم اما روح خود را باز یافتم." کوویک که خود را وقف مبارزه علیه جنگ کرده بود، گذشته از سخنرانیهایش، در سال ۱۹۷۲ در میامی حتی به کنگره حزب جمهوریخواه رفت اما از آنجا بیرون انداخته شد. جین فاندا موضوع خود را یافته بود و همراه با کوششی که جهت ساخته شدن فیلمی بر این اساس به‌عمل آورد، کوشش کرد که با شرکت در چندفیلم



جین فاندا

تجارتی ، تحریمی را که برای او بخاطر فعالیتهای سیاسی اش برقرار شده بود ، بشکند . فیلم ساخته شد و موفقیت زیادی بدست آورد .

●

" هال اشبی " یکی از فیلمسازان آمریکائیست که گرچه‌سالهاست در سینما فعالیت دارد اما خود بسیاردیر دست به ساختن فیلم‌زد . او پیش از آن که به کارگردانی روی‌آورد ، مونتور بود و می‌توان او را ازمونتورهای بسیار زبردست آمریکا به‌شمار آورد . تعدادی از فیلمهائی که اشبی ساخته و همهٔ آنها به دلیل تجربهٔ فنی فراوان او فیلمهای محکم و موفقی هستند عبارتند از :

آخرین ماموریت (۱۹۷۴) ــ شامپو (۱۹۷۵) ــ در راه افتخار (۱۹۷۷) ــ بازگشت به خانه (۱۹۷۸) .

● اولیس — Ulysses

کارگردان : ماریو کامرینی
فیلمنامه : بی‌هکت ــ ایروین شاو
بازیگران : کرک‌داگلاس ــ آنتونی کوئین ــ سیلوانا منگانو

■

"اولیس"وقتی که "تروآ" را فتح می‌کند ، دست به غارت و نابود کردن معبد شهر می‌زند . به همین جهت ، مورد خشم "آپولون" ــ یکی از خدایان اسطوره‌ای ــ قرار می‌گیرد .اوسالها دربدر و سرگردان ، از خانه وکاشانه‌اش دور می‌افتد اما همچنان به راه خود ادامه می‌دهد . او سرانجام‌آپولون را که‌غولی یک چشم است ، کور می‌کندو او را شکست می‌دهد اما دچار فراموشی می‌شود . سالها بعد ، پیروزمندانه به نزد همسرش "پنه‌لوپه" بازمی‌گردد

◘

باآن‌که‌نویسندگان‌فیلمنامه‌درجای‌جای‌فیلم‌میکوشند با نگاه به "ادیسه" اثر "هومر" شاعر معروف یونان‌باستان ارزش و اعتباری برای فیلم کسب‌کنند ، اما " اولیس "تنها در حدیک فیلم قهرمانی ــ تاریخی ایتالیائی است که‌در سینمای ایتالیا ، فراوان می‌تواند نظایرش را سراغ‌گرفت . فیلم را می‌توان به عنوان یک اثر تفننی ، که بازی خوب کرک داگلاس و تعدادی غول بی‌شاخ و دم را به همراه دارد ، می‌توان با خیال راحت تماشا کرد !

●

"ماریو کامرینی" ــ متولد ۱۸۹۵ در رم ــ همراه‌با "اوگوستو جنینا" متعلق به نسل کارگردانهائیست که در سالهای۱۹۲۰ کارشان را آغاز کردند . فیلمهای نخست او ، آثار درام حادثه‌ای بودند و بعدها ، کامرینی کارش را در مایه‌های مختلف‌گسترش داد و در زمینه‌های دیگر از جمله کمدی ، فیلم ساخت . در چند فیلم او ، ویتوریو دسیکا ایفای نقش می‌کرد . پس از جنگ‌جهانی دوم ، چند فیلم ساخت که می‌توان آنها را در ردهٔ فیلمهای نئورئالیستی قرار داد . " اولیس" را در سال ۱۹۵۴ ساخت و در سال ۱۹۵۶ ، فیلمنامهٔ "جنگ و صلح" را با همکاری "کینگ ویدور" نوشت .

● سربازآبی — Soldier Blue

کارگردان : رالف نلسون (۲۳)
بازیگران : کندیس برگن ــ پیتر استراوس

■

یک سرباز سواره نظام ارتش آمریکا که‌سرخپوستان را جنایتکار و وحشی‌می‌داند و به‌جنگ با آنها می‌پردازد، از دستهٔ خودش دور می‌افتد و اسیر سرخپوستها می‌شود. او پس از آشنائی نزدیک با زندگی سرخپوستها و ظلمی‌که بر آنان‌می‌رود ، چنان تحت‌تاثیر قرارمی‌گیرد که‌جانبدار سرخپوستها می‌شود .

◘

"سرباز آبی" یکی از فیلمهائی بود که ضرورت



تجدید نظر در نگاه به زندگی سرخپوستها را یادآور شد. در هنگامیکه که در اکثر فیلمهای آمریکائی سرخپوستها به صورت آدمهائی وحشی و خونریز و غارتگر نشان داده می‌شدند، رالف نلسون در سرباز آبی، جنایتی که در حق سرخپوستان از سوی سفیدپوستان اعمال می‌شد، عریان کرد. سرباز آبی یک فیلم افشاگر و تاثیرگذار است که به رغم همهٔ کوبندگیش، تنها گوشه‌ای از ظلمی است که بر سرخپوستان آمریکا از سوی پیام‌آوران تمدن رفته است.

● دایره سرخ — Le Cercle Rouge

کارگردان: ژان پیرملویل

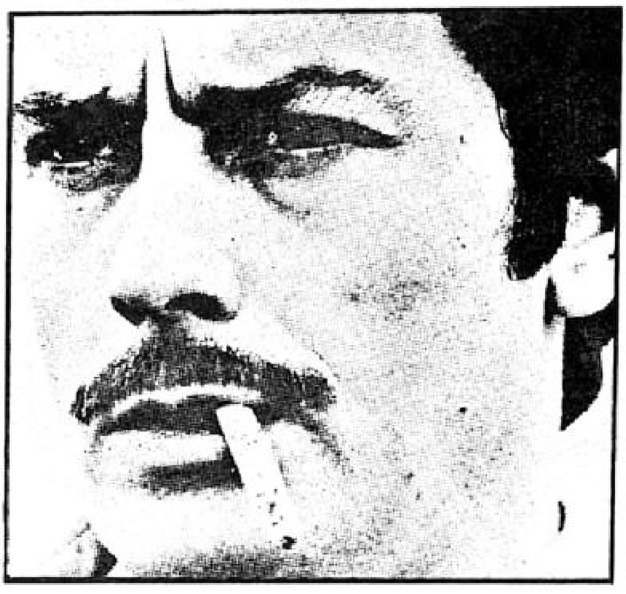
بازیگران: آلن دلون ـ ایو مونتان ـ جیان ماریاولونته ـ بورویل

■

"کوری"، مردی که هدف یک توطئه قرار گرفته‌بود از زندان آزاد می‌شود. "ووژل"، آدمی بدون پیشینه، از زندان می‌گریزد. "ژانسن"، پلیس برکنار شده، در جستجوی راه گریز است. این سه، به هم می‌رسند و طرح سرقتی را می‌ریزند. سرقت با موفقیت انجام می‌شود و پلیس درتعقیب سارقان برمی‌آید. هر چند آنها در حال فرار از مرگ هستند اما در واقع به سوی مرگ می‌روند...

■

" دایره سرخ" یکی از معروفترین فیلمهای ژان پیر ملویل، و همراه با "سامورائی"، شاخص آثار اوست. در



این فیلم نیز، با آدمهائی تنها و سرگردان روبرو هستیم. درسامورائی تنها یک‌نفر، و در اینجا سه سامورائی! که‌حرکت به سوی مرگ، سرنوشت محتوم آنهاست. سرخ، یک فیلم گانگستری است اما توجهی که ملویل به شخصیتها و درونمایه اثرش نشان می‌دهد، بعدی به‌فیلم می‌بخشد که‌آن را بسیارفراتر از فیلم‌های‌معمول گانگستری و پلیسی (که حادثه‌آفرینی وهیجان‌ظاهری حرف اولشان است) می‌برد. ملویل بخاطر جانبداریش از شخصیتهائی نظیرجف کاستلو (در سامورائی)، کوری، ووژل و ژانسن به"غمخوار گانگسترها" مشهور شده است. دایرهٔ سرخ‌به رغم موضوعش که می‌تواند فیلمی بار یتم تند و هیجان‌انگیز باشد، یک فیلم آرام است. این آرامش ـ که اما در عمق دارای حرکت و جوشش است ـ هم درحرکت آدمها، میزانسن‌ها و هم در حرکت‌های دوربین و رنگ فیلم مشاهده می‌شود.

●

"ژان پیرملویل" ـ با نام اصلی ژان پیرگرومباخ، در سال ۱۹۱۷ در پاریس متولد شد. درسالهای‌نوجوانی تعدادی فیلم‌آماتوری ۸ و ۱۶ میلیمتری ساخت. درزمان جنگ جهانی دوم در ارتش‌های فرانسه، انگلیس و "گلیست" خدمت کرد. ملویل پس از جنگ یک کمپانی فیلمسازی تاسیس کرد اما خود، فیلمساز پرکاری نبود. فیلمهای او عبارتند از:

خاموشی دریا (۱۹۴۷) ـ کودکان‌حشتناک (۱۹۴۹) وقتی این نامه را بخوانی (۱۹۵۳) ـ دومرد درمانهاتان (۱۹۵۸) ـ لئون مورن کشیش (۱۹۶۱) ـ کلاه (۱۹۶۲) ارشد خانوادهٔ فرشو (۱۹۶۳) ـ دومین نفس (۱۹۶۶) ـ سامورائی (۱۹۷۶) ـ لشکر سایه‌ها (۱۹۶۹) ـ دایره‌سرخ (۱۹۷۰) ـ پول کثیف (۱۹۷۲). ژان پیر ملویل، یکی از ارزشمندترین فیلمسازان سینمای فرانسه، در سال ۱۹۷۳، در حالی که کار بر روی یک سناریو را تمام کرده بود و میخواست براساس‌آن فیلمی بسازد، در گذشت.

● گذرگاه — The Passage

کارگردان: جی. لی تامپسون (۵۷)

فیلمبردار: میکائیل رید

بازیگران: آنتونی کوئین ـ جیمز میسون ـ ملکوم مکداول

■

نهضت مقاومت به یک مبارز قدیمی اما عصبی وسر خورده، ماموریت می‌دهد که دانشمندی را به اتفاق همسر و دو فرزندش از مرز فرانسه و اسپانیا بگذراند و از راه قله‌های پوشیده از برف "پیرنه" وارد اسپانیا کند. علاوه برسختی عبور از کوههای صعب‌العبور و یخزده، آنها باید از وسط پایگاه نازیها نیز بگذرند. این سفر، پر از حادثه است و در طول آن، همسر دانشمند که بیمار است و خود را مانع حرکت آنها می‌بیند و از طرفی مدام از سوی مردی که مامور بردن آنهاست تحقیر می‌شود، دست به خودکشی می‌زند. بقیه آنها، عاقبت پس از کشتن گروهی از آلمانها که درتعقیبشان هستند، سالم به مقصد می‌رسند.

■

گذرگاه یکفیلم دیگر از آثار جنگی هالیوودی است که پس از بازگشت دوبارهٔ سینمای آمریکا به مایه‌های جنگی، ساخته شده. این فیلم معمولی و پیش‌پا افتادهٔ جنگی است که گرچه فیلمساز می‌کوشد با افزودن زمینه های غیرحادثه‌ای، آن را متفاوت جلوه دهد و نشان دهد که به شخصیت‌پردازی نیز توجه دارد اما موفقیتی بدست نمی‌آورد و حادثه‌آفرینی‌های فیلم نیز در سطح فیلمهای متوسط جنگی سینمای آمریکاست که از دو بازیگر خوبش هم نتوانسته بهرهٔ لازم را بگیرد.

● چارلی واریک را بکش Charley Varrick

کارگردان: دان سیگل

بازیگران: والتر ماتیو ـ جودان بیکر ـ فلیشیا فار ـ جان ورنون

■

"چارلی واریک"، گانگستری که سالهاست ماجراجوئی را کنار گذاشته، تصمیم می‌گیرد به کمک همسرش ودوست جوانش، دست به یک دزدی کوچک بزنند! بانک کوچکی را انتخاب می‌کنند و سرقت انجام می‌شود و در جریان



دان سیگل، والتر ماتیو را کارگردانی می کند

آن، همسر چارلی به قتل می‌رسد. انتظار آنها این است که پول مختصری به چنگشان بیایید اما در کمال تعجب می‌بینند که میلیونها دلار نصیبشان شده است و عجیب آنکه در اخبار روزمره نیز، مبلغ پول سرقت شده، بسیار ناچیز اعلام می‌شود. چارلی واریک که یک کهنه‌کار است، درمی‌یابد که گانگسترهای دیگری، پولهای سرقت‌شده‌شان را به این بانک سپرده‌اند تا با حوالهٔ بانکی پولها را از کشور خارج کنند و سپس بطور قانونی به‌عنوان ارزوارداتی آن را وارد کشور کنند تا بتوانند با خیال راحت از پول هایشان استفاده برند. و این، همان پولهائیست که چارلی واریک و دوستش سرقت کرده‌اند.

چارلی که می‌داند صاحبان پولها دست‌بردار نیستند به دوستش پیشنهاد می‌کند که پولها را پس بدهند اما دوستش نمی‌پذیرد و قرار بر این می‌شود که پولها را در جائی پنهان کنند و سالها بعد به سراغش بروند. از سوی دیگر، گانگسترها یک آدمکش حرفه‌ای قوی هیکل را برای بازپس گرفتن پولها، مامور کشتن چارلی واریک ودوستش می‌کنند. او، دوست چارلی واریک را می‌کشد و سر در پی چارلی می‌گذارد.

■

دان سیگل که یک استاد درزمینهٔ فیلمهای پلیسی حادثه‌ایست، این بار از یک موضوع کهنه (ماجرای کهنه‌کاری که آخرین برگش را می‌خواهد بر زمین بزند) فیلمی نو ساخته است. البته یک فیلمنامهٔ محکم نیز با عناصری تازه که چاشنی این موضوع کهنه شده، مددکار سیگل است. شیوهٔ شناخته شده کاردان سیگل، جای حرف

باقی نمیگذارد و از "چارلی واریک را بکش"، همچون فیلمهای دیگر او یک اثر کوبنده و پرتحرک می‌سازد.

●

" دان سیگل " ـ متولد ۱۹۱۲ در شیکاگوی آمریکا ـ کارگردانی صاحب‌سبک است که عنصر بی‌قانونی، مشخصهٔ همهٔ فیلمهای اوست. فیلمهای کوتاه او (زندگی هیتلر و ستاره درشب) که درسال ۱۹۴۵ آنها را ساخت، نظرها را متوجه او کرد. در سال ۱۹۴۶، نخستین فیلم بلندش "رای‌قطعی" را ساخت. دومین فیلم سیگل به نام "آشوب در سلول یازده" (۱۹۵۴) به سبب نگاه متفاوت او به زندان، سیگل را انگشت‌نما کرد. پس از آن، دان سیگل بی‌آنکه میلی به سازش نشان دهد، به کارش ادامه داد و با کار بر روی پروژه‌های ظاهرا کوچک، مسائل بزرگ انتقادی را مطرح کرد. فیلمهائی چون "نلسون کودک‌نما" (۱۹۵۷) ـ " جهنم برای قهرمانان است" (۱۹۶۲) ـ "قاتلین" و "مرد اعدام شده" (۱۹۶۴) نمونه‌های بارز این دسته از فیلمهای دان سیگل است.

در سالهای اخیر، او توانست از امکانات بهتر و بازیگران گران‌قیمت بهره‌گیرد و همپای آن، کیفیت فیلم هایش را هم بالا ببرد. در این فیلمها عنصر بی‌قانونی همراه با خشونت به کار گرفته شده اما همهٔ خشونت، در سطح نیست و در عمق نیز جریان دارد. به عنوان نمونه فیلم نفس‌گیر " فریب‌خورده " (در ایران: بیگانه‌ای که دوستش داریم ـ ۱۹۷۱) را می‌توان نام برد. آثار دیگر دان سیگل عبارتند از:

تهاجم آدم‌ربایان (۱۹۵۶) ـ جنایت در خیابانها (۱۹۵۷) ـ ستارهٔ شعله‌ور (۱۹۶۰) ـ مدیگان (۱۹۶۷) دو قاطر برای خواهر سارا (۱۹۶۹) ـ هری کثیف (در ایران: شکار در شهر ـ ۱۹۷۱) ـ چارلی واریک (۱۹۷۵) تیرانداز (۱۹۷۷) ـ تلفن (۱۹۷۸) ـ فرار از آلکاتراز (۱۹۸۰).

● پل رودخانهٔ کوای
Bridge on the River Kwai

کارگردان: دیوید لین (۱۸)

بازیگران: ویلیام هولدن ـ الک گینس



■

در زمان جنگ جهانی دوم در ژاپن، یک گروهان انگلیسی به اسارت ژاپنی‌ها در می‌آیند و برای ساختن یک پل بر روی رودخانه کوای به بیگاری کشیده می‌شوند. فرمانده این گروهان که یک انگلیسی موقع سنج و زیرک است، گروهان را وادار به حرف‌شنوی می‌کند. پل ساخته می‌شود و هنگامی که نیروهای متفقین برای آزاد کردن انگلیسی‌های اسیر می‌رسند، اسیران نیز پل را منفجره می‌کنند.

■

" پل رودخانهٔ کوای" (۱۹۵۷) از فیلمهای معروف جنگی و یکی از صد فیلم پرفروش تاریخ سینماست. دیوید لین، انگلیسی تمام عیار، با امکاناتی که در اختیارش گذاشته‌است، درواقع یک حماسه در ستایش از هموطنانش ساخته است. برخلاف اغلب فیلمهای جنگی، اینجا دو قطب خوب و بد، متفقین و آلمانها نیستند. جای آلمانها را ژاپنی‌ها گرفته‌اند و آدمهای خوب و نیروی برتر هم، انگلیسی‌ها هستند! پل رودخانه کوای یک فیلم سرگرم کننده است که برنده جایزه اسکار بهترین فیلم سال ۵۷ نیز شده است.

● اسپارتاکوس
Spartacus

کارگردان: استنلی کوبریک

فیلمنامه: دالتون ترومبو

بازیگران: کرک داگلاس ـ تونی کرتیس ـ جین سیمونز ـ وودی استرود ـ چارلز لاتون ـ پیتر یوستینف

اسپارتاکوس، برده‌ایست ازجمله برده‌های امپراتوری روم . او که از ظلم حاکمان به تنگ آمده ، آهنگ قیام بر علیه آنها می‌کند . بردگان دیگر را تهییج می‌کنند و سرانجام ،بردگان بندها را پاره می‌کنند ،میله‌های‌زندان را از جا می‌کنند و بر سربازان چیره می‌شوند . آنها برای آزاد کردن بردگان سایر نقاط، به پیش می‌روند و برده‌های‌بسیاری را از بندمی‌رهانند . به‌تدریج ، شورش‌برده‌ها ابعادی غیرکنترل به‌خود می‌گیرد به‌طوری که امپراتوری روم را به وحشت می‌اندازد و به فکر وامی‌دارد تا با یک بسیج عمومی ، شورش را سرکوب کند . . .

" اسپارتاکوس"نیز یکی از فیلمهای شاخص درمیان آثار تاریخی و "عظیم " است که گذشته از نمایش‌صحنه‌های پرجمعیت و مجلل خیره‌کننده ، مسئله همیشهٔ تاریخ، قیام‌مظلوم‌علیه ظالم‌را به‌تصویر کشیده‌است .اسپارتاکوس و یارانش، هرچند در پایان شکست می‌خورند اما مبارزهٔ آنها همچون درسی ، راهگشای نسلهای آینده می‌شود و کوبریک ، در پایان فیلم ، هنگامی که اسپارتاکوس و دیگر بردگان به صلیب کشیده شده‌اند ، آشکارا این نوید را می‌دهد که‌این شکست، مقدمهٔ پیروزیست . فیلمنامهٔ اسپارتاکوس، براساس اثری به همین نام نوشتهٔ "هوارد فاست" نوشته شده است .

"استنلی کوبریک" ــ متولد ۱۹۲۸ در نیویورک آمریکا ــ تصویرگر اندیشه‌های بزرگ است . او در هر فیلمش یک مسئله مهم اجتماعی ، سیاسی و یا فلسفی را مطرح می‌کند . به‌علاوه، او را یک فیلمساز یاغی نیز خوانده‌اند زیرا بدور از جریانهای رایج سینمائی و بی ــ


استنلی کوبریک

اعتنا به‌روابط‌اقتصادی که بر سینمای‌حرفه‌ای آمریکاحاکم است ، در خط و به شیوه‌ای که خود می‌پسندد ، فیلم می‌سازد .

سه‌فیلم اول کوبریک به‌نامهای ترس‌وهوس(۱۹۵۳) بوسه قاتل(۱۹۵۵) و قتل(۱۹۵۶) ، هر چند با آثار بعدی او قابل‌مقایسه نیستند اما بیان گیرای او حکایت‌از تمایز سازنده‌اش می‌کنند . "راههای‌افتخار " (۱۹۵۷)فیلم بعدی او ، یک اثر ضدجنگ بود که روابط‌و نظام پدید‌آورندهٔ‌جنگ را بررسی می‌کرد . درسال ۱۹۶۰ ، "اسپارتاکوس" را ساخت و در سال۱۹۶۲ ، "لولیتا " را براساس رمان مشهوری از "ولادیمیر نابوکوف" کارگردانی کرد .

فیلم بعدی کوبریک ، " دکتر استرنج لاو" (۱۹۶۳) بیانیه‌ای طنزآلود علیه‌جنگ‌اتمی و جنگ افروزان به‌شمار می‌رود ،بزرگترین اثر کوبریک به نام "۲۰۰۱ ، یک‌اودیسه فضائی " (در ایران : راز کیهان ــ ۱۹۶۸) ، فیلمی‌ست‌که با بهره‌وری از یک تکنیک خیره‌کننده ، به فلسفه زندگی جهان‌هستی می‌پردازد . این فیلم در ارتقاء سطح‌تکنیکی سینمای جهان تاثیر فراوانی داشته است .

کوبریک در فیلم بعدیش"پرتقال کوکی" (۱۹۷۱) باز هم به جهان آینده نگاه می‌کند و نقشی که مسائل جنسی خواهد داشت . آخرین فیلم او ، " باری لیندون " (۱۹۷۵) یک‌اثر تاریخی است که باز هم‌تازگیهای تکنیکی اعجاب‌انگیزی را به خدمت سینما درآورد .

جهنم زیرورو The Poseidon Adventure

کارگردان : رونالد نیم

بازیگران : جین هاکمن ــ ارنست بورگناین ــ شلی وینترز

کشتی عظیم مسافربری "پوزایدون" در دریا دچار حادثه می‌شود ، موجی بسیار بزرگ ، به کشتی برخورد می‌کند وآن را واژگون می‌کند . این حادثه هنگامی رخ می‌دهد که سرنشینان کشتی در سالن بزرگی ، در حال برگزاری جشن آغاز سال نو هستند . عده‌ای از آنها در همان آغاز حادثه می‌میرند و در حالیکه یک سر کشتی در آب فرو رفته و سوی دیگر آن نیز به‌تدریج در حال فرو ــ



رفتن درآب، است، جدال مرگ و زندگی برای معدود بازماندگان حادثه شروع می‌شود، اما قسمتهای مختلف کشتی، مانند هزار توئی‌ست که یا به بن‌بست ختم میشود و یا گذشتن از آن، خطرناک است. تا رسیدن به روی آب و قسمت غرق نشدهٔ کشتی، عده‌ای دیگر نیز غرق میشوند و سرانجام، تنها چند تن با رسیدن نیروی کمکی از مرگ نجات می‌یابند.

■

"جهنم زیر و رو" ــ با نام اصلی "حادثه پوزایدون" یکی دیگر از فیلمهای سینمای فاجعه و از جملهٔ موفق‌ترین آنهاست. هرچند که کلیشه‌های این نوع فیلمها درجهنم زیر و رو هم رعایت شده اما کارگردان با وارد کردن عناصری تازه، و توجه به شخصیت‌پردازی، بیش از آنچه در این گونه فیلمها رعایت می‌شود، فیلمش را متمایز می‌کند. فیلم، از دلهره‌ای آکنده است که تا پایان، تماشاگر را در التهاب نگه‌می‌دارد. فیلمبرداری، مونتاژ، موسیقی، بازیها و عوامل تکنیکی، در حد درخشانی، در فیلم به‌کار گرفته شده که آن را بسیار جذاب ساخته است

●

"رونالد نیم" ــ متولد ۱۹۱۱ در لندن ــ فرزند الوین نیم فیلمبردار و ایوی کلوز بازیگر است. او در جوانی به‌عنوان دستیار فیلمبردار وارد سینمای انگلستان شد و سپس خود به مقام فیلمبردار رسید و در فاصلهٔ سالهای ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵ فیلمبرداری ده اثر را انجام داد که آخرین آنها، فیلمی از دیوید لین بود. از آن پس، همکاری او با دیوید لین در فیلمهای دیگر او ادامه یافت اما به عنوان کارگردان، رونالد نیم، در سال ۱۹۴۷، نخستین فیلمش را ساخت. عمده فیلمهای او عبارتند از: ورق (۱۹۵۲) ــ یادداشت یک میلیون پوندی (۱۹۵۳) ــ مردی که هرگز نبود (۱۹۵۶) ــ هفتمین گناه (با وینسنت مینه‌لی ــ ۱۹۵۷) ــ دهان اسب (۱۹۵۹) طنین شکوه (۱۹۶۰) ــ فرار از ظهرین (۱۹۶۱) ــ من می‌توانم بخواندن ادامه دهم (۱۹۶۲) ــ باغ گچی (۱۹۶۳) ــ اسکروج (۱۹۷۰) ــ حادثه پوزایدون (در ایران: جهنم زیر و رو ــ ۱۹۷۲) ــ پرونده اودسا (۱۹۷۴) نخستین دوشنبه در اکتبر (۱۹۸۱).

● کتاب جنگل The Jungle Book

کارگردان: ولفگانگ ریترمن
موسیقی متن: جورج برانز

■

پلنگی مهربان، بچه‌ای سر راهی بنام "موگل" را در جنگل بزرگ می‌کند. وقتی که موگل ده ساله می‌شود، از آنجا که ببر بزرگ قرار است به جنگل باز گردد و خطر موگل را تهدید می‌کند، پلنگ تصمیم می‌گیرد که او را روانهٔ شهر کند. در راه، پلنگ و موگل با حوادث بسیاری برخورد می‌کنند که برای موگل نه‌تنها ترسناک نیست بلکه جالب هم هست. او که تمایلی به رفتن در میان انسانها ندارد، با حیوانات بسیاری آشنا و دوست می‌شود و مدتی دیگر نیز در جنگل می‌ماند. اما سرانجام روزی پس از دیدن دخترکی، از جنگل بیرون می‌آید و به سوی انسانها می‌رود.

■

"کتاب جنگل" از آثار معروف و دیدنی کمپانی والت دیسنی است. یک کارتون با نقشهای زنده و جاندار که پیامهای اخلاقی و آموزشی برای بچه‌ها نیز به همراه دارد. این فیلم براساس چندقصه از "ردیارد کیپلینگ" ساخته شده و از کارتونی‌های محبوب بچه‌هاست.

●

"ولفگانگ ریترمن" کارتونیست مشهور، یکی از نخستین یاران والت دیسنی است که از آغاز کار کمپانی دیسنی به عنوان طراح و نقاش و فیلمساز با او همکاری می‌کرد. تعدادی از مشهورترین کارتونهای این کمپانی را،

ریترمن ساخته که از جمله می‌توان" شمشیر در سنگ" "گربه‌های اشرافی" و "کتاب جنگل" را نام برد.

●ساعات ناامیدی The Desperate Hours

کارگردان: ویلیام وایلر (۶۵)
بازیگران: همفری بوگارت ــ فردریک مارچ ــ آرتور کندی

■

"گریفین"، مجرم سابقه‌دار، به اتفاق برادرش و یک مجرم دیگر، از زندان می‌گریزند. اتومبیلی را می‌دزدند و تا رسیدن پولی که قرار است دختر گریفین برای آنها بفرستد، باید جائی را برای مخفی شدن پیدا کنند. به‌خانه‌ای که یک خانواده چهارنفری ــ زن وشوهرو دختری جوان و پسری خردسال ــ د رآن زندگی می‌کنند، می‌روند و با تهدید اسلحه، آنها را وادار به تمکین می‌کنند. پلیسی که یک بار با گریفین درگیری داشته‌ مامور یافتن او می‌شود و در خانه نیز، جدال مرگ و زندگی بین ساکنان خانه و میهمانان ناخوانده حریان دارد. با رسیدن پولی که دختر گریفین فرستاده به نظر می‌رسد که آنها به‌زودی خانه را ترک خواهند کرد اما درهمان زمان پلیس به‌حضور آنها در آن خانه پی می‌برد و آنجا را محاصره می‌کند...

□

"ساعات ناامیدی" با معیارهای امروزی و با توجه به کیفیت بالائی که فیلمهائی با چنین سوژه‌هائی پیدا کرده، یک اثر معمولی ــ اما نه بد ــ است، ولی از فیلم های شاخصی است که‌سوژه‌ای پلیسی را با مایه‌های عاطفی در هم آمیخته. فیلم، بسیار ساده با ساخت مرسوم فیلم های هالیوودی دههٔ پنجاه است. گریفین و دوستانش، قطب "بد" فیلم‌را می‌سازند و پلیس و پدر آن "خانوادهٔ خوشبخت" قهرمانان ساعات ناامیدی هستند در حالیکه سالها پیش از آن، فیلمسازانی بودند که نگاهی عمیق‌تر از این سطح به گانگسترها انداختند. گریفین، تنها یک بار می‌گوید که از آدمهای اتوکشیده و "پوشت" در جیب متنفراست. اما بحران، مدام نفرت تماشاگر را علیه آنها برمی‌انگیزد.



همفری بوگارت

●دنیای دیوانه دیوانه دیوانه
The Mad, Mad, Mad world

کارگردان: استنلی کریمر (۱۷)
بازیگران: اسپنسر تریسی ــ جری‌لوئیس ــ باسترکیتون ــ دنی کی ــ میکی رونی

■

دریک جاده، اتومبیلی دچار سانحه می‌شود و سرنشین آن در دم مرگ، به سرنشینان اتومبیلهای رهگذر که بالای سرش آمده‌اند، نشانی مختصری از یک گنج مدفون شده را می‌دهد و می‌میرد. نشانی، فقط جهت مدفون شدن گنج است و یک حرف "W" به‌عنوان علامت محل. رهگذران، به سرعت برای یافتن W که نمی‌دانند چیست، به سوئی که نشان داده شده، حرکت می‌کنند. عجلهٔ آنها و سردرگمی‌شان در طول راه باعث حوادث زیادی می‌شود و در این مدت، عده‌ی دیگرنیز به سودای گنج به آنها می‌پیوندند. کاروانی حریص، با سرعتی جنون‌آمیز، برای یافتن W که گنجی در کنار آن دفن شده، در حرکت است...

□

"دنیای دیوانه دیوانه دیوانه "یک کمدی پرحادثه، پرتحرک و بسیارشلوغ است که می‌خواهد کمدیهای "اسلپ استیک" ــ بکوب بکوب ــ دوران صامت را تداعی کند و در بسیاری لحظه‌ها، موفق هم می‌شود. موضوع فیلم، کنایه‌ایست به حرص و آز در زندگی امروز آمریکائیان، که مسابقهٔ پول درآوردن می‌دهند. این یک فیلم گرم وگیرا و تماشای آن بسیار دلچسب و لذتبخش است. به‌ویژه که تعدادی از بزرگان سینمای کمدی دوران صامت و ناطق را در خود گردآورده است.

• شورش

کارگردان ونویسندهٔ فیلمنامه: رضا میرلوحی
فیلمبردار: ایرج صادقپور
بازیگران: ناصر ملک‌مطیعی ـ مرتضی عقیلی ـ همایون ـ ارغوان ـ گرجی ـ بهرام وطن‌پرست

■

مردی‌مورداعتماد واحترام مردم است و گروهی‌که این اعتماد مردم را بر او نمی‌پسندند و این اطمینان مخالف منافعشان است ، میکوشندبا توطئه اوراساقط کنند . با حیله وصحنه‌سازی ، مردرانسبت به‌همسرش ونزدیکترین دوستش بدگمان می‌کنند . مرد ، بر اثر همین توطئه ، همسرش را می‌کشد وبا دوستش درگیر میشود اما پس ازبرخوردهایی با توطئه‌چینان ، به واقعیت پی‌میبرد . آنگاه آنقدر زنده میماند تا انتقامش را از آنان بگیرد .

■

شورش(۱۳۵۳)سومین فیلم رضامیرلوحی و دومین فیلمنامه‌ای بود که براساس یک اثر شناخته شدهٔ ادبی نوشت. شورش، برداشتی است از "اتللو" ی "ویلیام شکسپیر" . گره‌های دراماتیک وکش وقوس‌های عاطفی آن ، بر توطئه و سوءظن بنا شده است امادرونمایهٔ اتللو ، در قالب "شورش" جا نمی‌افتد وفیلم شکست میخورد . هم‌از جهت کیفی و هم از جهت فروش.

میرلوحی ، خود در مصاحبه‌ای گفته است: "من می‌ـ اندیشیدم جماعتی‌که همپای من در "تپلی" گام بر ـ



فیلم های ایرانی

داشته‌اند ، قدمی بلندتر اگر بردارم ، مراهمراهی خواهند کرد . که چنین نشد . حالا که فکر می‌کنم ، می‌بینم تم شورش از بنیاد گنگ بود . بی آنکه تعمدی در کار باشد ، نامفهوم بود و این کاملا غریزی بود . شاید اشتباه از اینجا سرچشمه گرفت که نمی‌بایست با تماشاگری که لقمه را جویده میخواهد ، اینطور نامفهوم روبرو می‌شدم " .

البته بیش از آنکه گناه از تماشاگری باشد که لقمه را جویده می‌خواهد ، علت را باید در "گنگ" و "نامفهوم" بودن دانست که خود میرلوحی به آن اشاره کرده‌است و تماشاگری که لقمهٔ نجویده هم میخواهد ، نمی‌تواند آنها را هضم کند .

در شورش جابجا ، کوششهای میرلوحی برای القای مفاهیم از طریق نوآوری در فرم و به‌کارگیری سمبل‌ها و استعاره‌ها به چشم می‌خورد ، اما کلیت فیلم ، توفیق در حد انتظار را بدست نمی‌آورد .

●

رضا میرلوحی ، پیش از روی آوردن به سینما ، دستی در کار تئاتر داشت و سینما را با نوشتن دو فیلمنامه آغاز کرد : "رقاصه" و "کاکو" ساختهٔ شاپور قریب . این دو فیلمنامه با نگرشی واقع بینانه به زندگی "جاهل‌ها" (که فراوان در فیلمهای فارسی سوژه بودند) از ارزشهای درخور توجهی در میان فیلمنامه‌های زمان خود برخوردار بودند .

با "تپلی" (۱۳۵۰) که فیلمنامه‌اش آداپته‌شدهٔ داستان "موشها و آدمها" ی "جان اشتاین بک" بود ، میرلوحی آغازی خوش بعنوان یک فیلمساز داشت . فیلم بعدی او "خانواده سرکار غضنفر" (۱۳۵۱) بقول خود میرلوحی ، یک زنگ تفریح برای او بود اما این فیلم که به هجو "جاهلیسم" می‌پرداخت ، به رغم زنگ تفریح بودنش ، فیلی خالی و مبتذل نبود .

میرلوحی پس از شکست تجارتی "شورش" برای جبران این شکست ، در سینمای مبتذل تجارتی غرق شد و حاصل کارش ، فیلمهای بی‌ارزش و پستی همچون "مواظب کلاهت باش" ، "آقای جاهل" و "شکست ناپذیر" بود . میرلوحی میگوید : "اشتباه من این بود که خواستم مثل کنه به این سینما بچسبم " .

● آب

کارگردان : حبیب کاوش

فیلمنامه : احمد محمود

بازیگران : سعید راد ـ سپیده ـ جمشید مشایخی ـ اصغر سمسارزاده

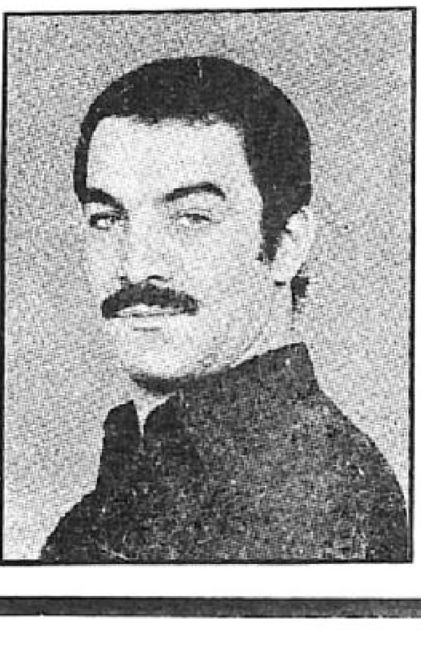
■

"توفیق" مرد پولداریست که تعداد زیادی بشکه و گاری برای توزیع آب دارد و برای حفظ منافع خود از طریق توزیع انحصاری آب ، از هر کوششی توسط دیگران در این زمینه جلوگیری میکند . اما جوانی بنام "مسلم" در برابر او قد علم میکند و می‌کوشد بوسیلهٔ گاری کوچکش با او رقابت کند .

توفیق ، توطئه و اشکال‌تراشی را برای از میدان بدر ـ بردن مسلم آغاز میکند . ابتدا با تهدید ، و سپس شکستن گاری او ، کتک‌زدن و مجروح‌کردنش ، کشتن اسب گاریش و . . . مسلم با تشویق همسرش همچنان ایستادگی میکند . توفیق وقتی که می‌بیند مسلم به کارش ادامه می‌دهد و موقعیت او را بخطر می‌اندازد ، مسلم را می‌کشد و خودش نیز به قتل می‌رسد . از آن پس مردم به آسانی به آب دسترسی دارند .

■

فیلم ، می‌کوشد نشان دهد که جدا از فیلمهای فارسی رایج در زمان خود است . در فیلم ، ظالم و مظلوم وجود دارد و فیلمساز میخواهد آن را در سطحی وسیع ، تعمیم



دهد. نیز ادعا شده که به‌همین دلیل، نیم‌ساعت از فیلم در رژیم گذشته سانسور شده است. البته، دستمایه دارای چنین قابلیتهائی هست، اما فیلم در حلاجی شخصیتها و حوادث، در حد چنین ادعائی موفقیت بدست نمی‌آورد.

●

"آب"، نخستین فیلم سازنده‌اش "حبیب کاوش"، و محصول سال ۱۳۵۳ است. این فیلم که حدود ۲ سال پس از آماده‌شدنش به نمایش درآمد، باعث درگیری کاوش با نویسنده فیلمنامه ـ احمد محمود ـ شد. زیرا محمود، معتقد بود که کاوش، فیلمنوشته او را با ساخته‌اش، لوث کرده است. ساختن دومین فیلم کاوش، "پرواز درقفس" پیش از انقلاب آغاز شد. اما پس از انقلاب، با دستکاری‌ـ هائی درگفتار فیلم، در نوروز ۱۳۵۹ به نمایش درآمد.

آخرین فیلم کاوش براساس نمایشنامه‌ای از خسرو حکیم رابط (آنجا که ماهیها سنگ میشوند) با نام "فصل خون" در سال ۱۳۵۹ روی پرده آمد. گویا او هم‌اکنون سرگرم ساختن چهارمین فیلمش است.

● سفر سنگ

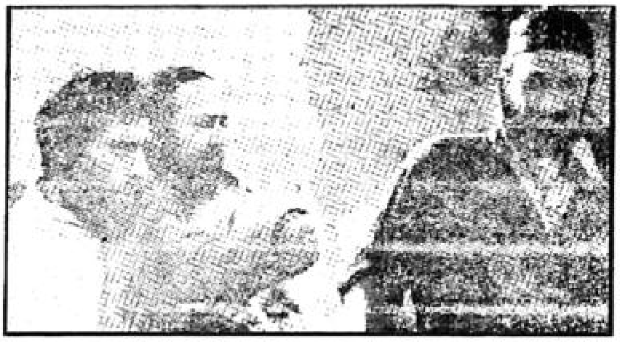
نویسنده فیلمنامه و کارگردان: مسعود کیمیائی
فیلمبردار: هوشنگ بهارلو
موسیقی متن: مجید انتظامی
بازیگران: سعید راد ـ فرزانه تائیدی ـ حسین گیل ـ گیتی ـ حمید طاعتی ـ جعفر والی

■

ارباب روستا، مالک تنها آسیاب آبادی است و از ساخته شدن آسیاب دیگری که منافع او را سلب کند، جلوگیری می‌کند اما عده‌ای از ساکنان روستا، در فکر ساختن آسیاب هستند. سنگ بزرگ آسیاب، در جائی دور از روستاست که باید تا آنجا حمل شود یک کولی به روستا می‌آید و با کمک یک آهنگر و چند تن دیگر، عزم آوردن سنگ آسیاب را می‌کنند. به زحمت و به رغم توطئه‌چینی آدمهای ارباب، سنگ را به روستا می‌آورند. سنگ بزرگ، خانه ارباب را ویران می‌کند.

□

کیمیائی شامه تیزی دارد و اغلب با توجه نشان



دادن به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود، و تلفیق این‌مسائل با مایه‌های مردم‌پسند، فیلمهای موفقی ساخته است. "سفر سنگ" هنگامی ساخته شد و به نمایش درآمد که نخستین جرقه‌های انقلاب در ایران، زیر پرچم اسلام زده‌شده بود. به این جهت، بسیار با استقبال تماشاگران روبرو شد. "سفر سنگ"، مانند همه فیلمهای کیمیائی از ساخت و تکنیک خوبی برخوردار است و باز مانند همه آنها، از ضعف در فیلمنامه و شخصیت‌پردازی نیز رنج می‌برد. به‌علاوه که این بار، جنبه‌های بسیارقوی شعاری در فیلم، آن را از سینما دور کرده است. سفرسنگ، تنها به عنوان یک شعار در یک مقطع خاص، ارزش زیادی دارد

●

"مسعود کیمیائی"، فیلمسازیست که به‌سبب آغاز کردن یک دوره تازه در سینمای ایران، پس از خمودگی و رکودی چند ساله، از اهمیت زیادی برخوردار است. کار سینمائیش را با دستیاری ساموئل خاچیکیان در فیلم "خداحافظ تهران" آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷، نخستین فیلم بلندش "بیگانه بیا" را ساخت که تقلیدی از "مثلث عشق" های اروپائی بود. اما به عنوان یک فیلم اول، واجد ارزشهائی بود که آن را از "فیلم فارسی" متمایز می‌کرد. کیمیائی پس از آن، هنگامی که "ژان نگلسکو" فیلم "قهرمانان" را در ایران می‌ساخت، به عنوان یکی از دستیاران او با نگلسکو همکاری کرد. در سال ۱۳۴۸، کیمیائی "قیصر" را ساخت که به دلیل قصه و فضای تازه‌اش، ونیزپختگی که در ساخت آن نسبت به فیلمهای فارسی دیده می‌شد، یک باره محتوای فیلم فارسی را دگرگون کرد. قیصر به همین دلیل، همراه با گنج‌قارون، (که آن هم آغازگر دوره‌ای بود که پیش از قیصر به‌انقراض رفت) بحث‌انگیزترین فیلم تاریخ سینمای ایران است

دوره‌ای که با قیصر آغاز شد، این امتیاز را داشت که به بسیاری از فیلمسازان جوان و صاحب ذوق میدان فعالیت داد و بیشتر فیلمهای قابل تامل سینمای ایران، مربوط به این دوره است.

همچنین سرآغاز یک دوره فیلم‌های جاهلی با مایه های "قیصری" شد که تا مدت‌ها ذهن و فرهنگ تماشاگر را زیر مهمیز گرفتند. این پرسش همیشه مطرح بوده است که: آیا "قیصر" با دست گریبان سینمای فارسی را نگرفت و پیش نکشید و با پا پس نزد؟

بهرحال کیمیائی همراه با چیرگی که‌درتکنیک‌بدست آورد، رگ‌خواب را نیز خوب‌پیدا کرد: انگشت‌گذاشتن‌بر روی‌عاطفهٔ تماشاگر، و تحریک‌آن. فیلمهای‌کیمیائی به‌همین جهت از مایه‌های عاطفی قوی برخوردار است و با توجه نشان دادن به مسائل روز، تماشاگر فراوانی جلب می‌کند. تنها در این میان، "غزل" (۱۳۵۵) که‌کیمیائی گفته آن را برای دل خودش ساخته است، متفاوت‌با فیلم های دیگر اوست. آثار دیگر کیمیائی عبارتند از:

رضا موتوری (۱۳۴۹) ـ داش‌آکل (۱۳۵۰) ـ خاک (۱۳۵۲) ـ بلوچ (۱۳۵۳) ـ گوزنها (۱۳۵۴) ـ سفر سنگ (۱۳۵۷).

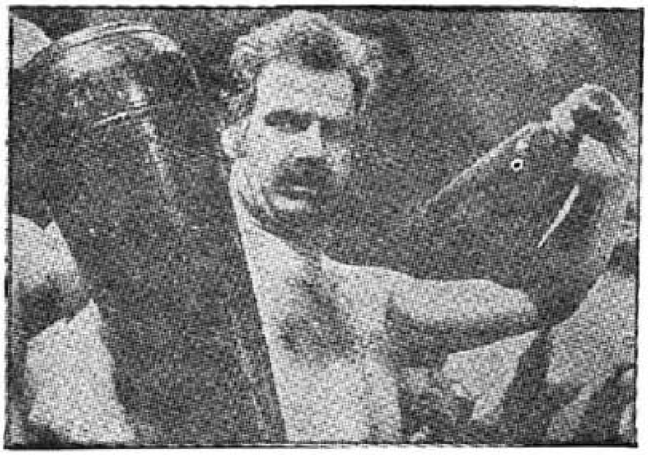
آخرین فیلم کیمیائی "خط‌سرخ" نام دارد که آن را براساس فیلمنامه‌ای از بهرام بیضائی ساخته است.

● پهلوان‌مفرد

کارگردان و نویسندهٔ فیلمنامه: امان منطقی
فیلمبردار: محمود کوشان
موسیقی متن: مرتضی حنانه
بازیگران: ناصر ملک‌مطیعی ـ رضا بیک‌ایمانوردی ـ سپیده

■

"مرشد"، مردیست جوانمرد و مورد احترام مردم، جوانی مرید اوست، دختر مورد علاقهٔ او بوسیلهٔ یک راهزن، مورد تجاوز قرار می‌گیرد و جوان، از دختر روی برمیگرداند. مرشد، که گناهی را متوجه دختر نمی‌داند، جوان را بخاطراین‌تصمیمش، ازخود میراند وبه او میگوید تنها هنگامی میتواند خودش را نوچهٔ مرشد بداند که به



درجهٔ پهلوانی برسد. جوان با ریاضت کشیدن، به آنچه مرشد گفته‌است، عمل میکند، در طی حوادثی، همچنین متوجه بی‌گناهی دختر می‌شود و پس از گرفتن بازوبند پهلوانی از مرشد، با دختر ازدواج میکند.

□

"پهلوان مفرد" در واقع یک فیلم جاهلی با همان مایه‌های آشنای آن‌فیلمها، اما درفضائی دیگر است: دوستی و ایثار، مراد ومرید، عشق و سوءظن، تجاوز و ... اما امان منطقی این زیرکی را دارد که با انتخاب فضائی متفاوت با فیلمهای جاهلی همزمان خود، به آن ظاهری تازه ببخشد. ولی می‌بینیم از آنجا که زمان ومکان هیچ نقشی در فیلم ندارد، پهلوان مفرد همچنان یک فیلم جاهلی باقی میماند.

●

"امان منطقی" ـ متولد ۱۳۱۲ در تهران ـ تحصیلات خود را درهمین شهر به پایان رساند وکار سینمائی خود را از سال ۱۳۳۶ با ساختن فیلمهای تبلیغاتی آغاز کرد. و در این زمینه، بسیار هم پرکار بود.

"پهلوان‌مفرد" نخستین فیلم بلندسینمائی او بود که درسال ۱۳۵۰ به نمایش درآمد وبا فیلمهای بعدی، امان منطقی خود را به عنوان یک کارگردان پولساز ومطمئن از جهت تامین گیشه، تثبیت کرد. تعدادی ازفیلمهای دیگر او عبارتند از: غلام‌ژاندارم (۱۳۵۰) ـ بابا نان داد ـ آب‌نبات چوبی (۱۳۵۱) ـ جبار سرجوخهٔ‌فراری ـ شیخ صالح(۱۳۵۲) ـ میرم بابا بخرم(۱۳۵۳) ـ شبگرد (۱۳۵۴).

درسال ۱۳۵۶، امان منطقی ساختن فیلمی در توجیه حضور ارتش ایران را در ظفار را به نام "تپه۳۰۲" آغاز

کردکه فیلمبرداری آن به پایان رسید ولی انقلاب سبب شد که فیلم به نمایش درنیاید. اما دو سال بعد، امان منطقی که زمانی درساختن فیلمهای تبلیغاتی استاد شده بود، فیلمی بنام "سرباز اسلام" ساخت که باشکست روبرو شد. از آن پس، خبری درباره او شنیده نشده است.

● فصل خون

کارگردان: حبیب کاوش (۷۹)
بازیگران: علی نصیریان ـ سعیدکنگرانی ـ ولی شیراندامی جمشید لایق

■

در یک بندر شمال ایران، عده‌ای ماهیگیر از راه صید قاچاق گذران می‌کنند. شیلات و ساواک برای جلوگیری ازکار آنها، دست به اقدامات گوناگونی می‌زنند. ابتدا "عموتراب" راکه چهرهٔ سرشناس وموردا حترام ماهیگیران است دستگیر و شکنجه و تهدید میکنند، به خانواده اش هجوم میبرند. شبانه به هنگام ماهیگیری، به ماهیگیران حمله می‌کنند اما چون نتیجه‌ای گرفته نمی‌شود، ساواک با چیدن توطئه‌ای، می‌کوشد با بدبین کردن ماهی‌گیران نسبت به عمو تراب و تفرقه‌افکنی بین آنها، از کارشان جلوگیری کند. از همین رو، میان آنها چنین وانمودمی‌کنند که عموتراب همکار ساواک است. ماهیگیرها، عمو تراب را میکشند اما عاقبت به واقعیت پی میبرند.



■

"فصل خون"، یکی ازدهها فیلمی است که پس از انقلاب دربارهٔ ستمهای رژیم پیشین ساخته شد، بی‌آنکه تحلیل درستی از وقایع، آدمها و زمینه‌های اجتماعی بدست دهد. فیلم، در حد شعارهای زمان انقلاب واعلامیه‌های افشاگر آن زمان است که تماشای آن، چند سال پس از انقلاب، میتواندمروری برآن خاطره‌ها وشعارهاواعلامیه‌ها باشد.

● مرز

کارگردان: جمشید حیدری
فیلمنامه: سیروس الوند
بازیگران: سعید راد ـ داود رشیدی ـ آهو خردمند

■

در روزهای آغاز جنگ تحمیلی عراق با ایران، یک روستای نزدیک به مرز، از سوی عراق بمباران می‌شود. عده‌ای ازمردان روستاتصمیم میگیرندتارسیدن قوای نظامی خود به‌دفاع برخیزند. برای این کار، احتیاج به یک رهبر و سازماندهٔ باتجربه دارند و این رهبرکارآزموده، مردی است که مدتها پیش، پس از سرخوردن از مردم روستا، به بالای تپه‌ای مشرف برروستا رفته وتنها زندگی میکند. به سراغش میروند اما اوامتناع میکند اما عاقبت بکمک مردم می‌آید. یک گروه از مردم روستا به رهبری او، به سوی مرز می‌روند وپس از نبرد با عراقی‌هائی که یک پاسگاه مرزی را تصرف کرده‌اند، عراقیها را میکشند وپرچم ایران را بر بام پاسگاه برمی‌افرازند.

■

"مرز" نخستین فیلم داستانی وبلندسینمائی بود که دربارهٔ جنگ عراق با ایران ساخته شد و روی پرده آمد. فیلم، بامایه‌های عاطفی، پا را از حد شعارهای معمول دربارهٔ جنگ، فراتر نمی‌گذارد. یک ایراد اساسی فیلم، جدا از انبوه‌ضعف‌های فرعی‌اش، توجه‌فراوان بفردگرائی و قهرمان پردازی، و بی‌توجهی به نیروی مردم است. می‌بینیم که مرد بالای تپه به عنوان یک قهرمان، باید حتما از آن بالا قدم‌رنجه فرماید و مردم را نجات دهد. بدون او، مردم هیچ‌اند!

●

"جمشید حیدری" فیلمساز جوانیست که پیش از انقلاب ، در زمینهٔ دستیاری کارگردان فعالیت داشت و نخستین فیلم بلند مستقلش ، "کرکسها می‌میرند" را ، پس ازانقلاب ساخت و در سال ۱۳۵۹ به نمایش درآمد "مرز" (۱۳۶۰) دومین فیلم اوست که تا زمان نمایشش ، یکی‌از پرفروشترین فیلمهای پس از انقلاب به‌شمار می‌رود .

● رگبار

نویسندهٔ فیلمنامه و کارگردان . بهرام بیضائی
فیلمبردار : باربد طاهری
موسیقی متن : شیدا قره‌چه‌داغی
بازیگران : پرویز فنی‌زاده ـ پروانه معصومی ـ عصمت صفوی ـ محمدعلی کشاورز

■

آقای حکمتی ، معلم جوان ، به یک دبستان جنوب شهر منتقل می‌شود . وضعیت آشفتهٔ مدرسه ، او را بر آن می‌دارد که به وضع آنجا سر و سامانی بدهد . یک تنه ، شروع به مرتب کردن تالار بزرگ مدرسه می‌کند و طی این مدت ، میان او و خواهر یکی از شاگردانش ، ارتباطی عاطفی برقرار می‌شود که به برخورد او با قصاب محل نیز می‌انجامد . وقتی که تالار آماده می‌شود ، اولیاء مدرسه و سایرمعلم‌ها که درگذشته او را دست‌می‌انداختند ، سعی می‌کنند کار را به عنوان تلاش خودشان جلوه‌دهند . در مراسمی که با حضور عده‌ای از مقامها و دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در تالار برپا می‌شود ، هر چند بچه‌ها آقای حکمتی را به‌عنوان بانی کار معرفی می‌کنند اما اولیاء مدرسه با پیش انداختن خود ، مقدمات انتقال آقای حکمتی را هم فراهم میکنند . . .



■

"رگبار" نخستین فیلم بلند "بهرام بیضائی" و یکی از آثار با ارزش سینمای ایران است . آقای حکمتی به عنوان آدمی که در میان روابط منحط اجتماعی زمان‌خود می‌کوشد برخلاف جریان آب شنا کند ؛ مدام در معرض تهدیداست . کمترین تاوانی که او باید برای تن‌ندادنش به این روابط ، بپردازد ، دربدری و خانه‌بدوشی اوست و کمترین مزدی که از این بابت می‌گیرد ، ضربه‌ای آگاه‌کننده است که به آدمهای منفعل پیرامونش (در اینجا ، بچه‌ها) می‌زند . رگبار جای بحث فراوان دارد اما اشاره به یک ویژگی این فیلم ، ضروریست : فیلم سرشار از تمثیل و استعاره است . به حد اشباع . آن‌گونه که برخی از این تمثیل‌ها برای تماشاگر به شکل " معما " درمی‌آید.

●

بهرام بیضائی ، نامی مشخص در سینمای ایران است که در زمینهٔ تئاتر نیز آثار ارزشمندی دارد . کتاب معروف او "نمایش در ایران" یک اثر تحقیقی خوب و قابل استناد است و . از دیگر آثار تئاتریش نمایشنامه‌های "دنیای‌مطبوعاتی آقای اسراری" ، "هفتمین سفرسندباد" "آهو ، سلندر ، طلحک و دیگران" ، "آرش" ، "پهلوان‌اکبر می‌میرد" ، "سه نمایش‌عروسکی" ، "دیوان بلخ" و "غروب در دیاری غریب و قصه ماه پنهان" رامی‌توان نام بردکه اغلب آنها اجراشده‌اند و چندتائی هم به صورت مکتوب باقی مانده‌اند . بیضائی کار سینمائیش را در سال ۱۳۴۹ با فیلم کوتاه "عموسبیلو" آغاز کرد و رگبار (۱۳۵۰) نخستین گام بلند او بود . فیلمهای بعدی بیضائی عبارتند از : سفر (کوتاه ـ ۱۳۵۱) ـ غریبه و مه (۱۳۵۳) ـ کلاغ (۱۳۵۶) . آخرین‌فیلم بیضائی "چریکهٔ تارا" نام دارد که اجازهٔ نمایش نگرفته است . علاوه بر این‌ها بیضائی چندین فیلمنامه نیز دارد که چندتای آنها به صورت

پراکنده چاپ شده و آخرین فیلم مسعود کیمیائی، "خط سرخ"، براساس یکی از فیلمنامه‌های بیضائی ساخته شده است.

● گوزنها

نویسندهٔ فیلمنامه و کارگردان: مسعود کیمیائی (۷۹)
فیلمبردار: نعمت حقیقی
موسیقی متن: اسفندیار منفردزاده
بازیگران: بهروز وثوقی ـ فرامرزقریبیان ـ نصرت پرتوی ـ عنایت‌بخشی ـ نعمت گرجی

■

"قدرت" پس از یک دزدی، در حالیکه زخمی برداشته، برای‌مخفی‌شدن به‌سراغ دوست‌دوران مدرسه‌اش "سید" می‌رود. سید که زمانی مبصر کلاس و یکه‌بزن محله بود، حالا در چنگال اعتیاد به هروئین، تبدیل به موجودی ضعیف شده که در یکی از تماشاخانه‌های لاله‌زار کار می‌کند. سید، قدرت را در خانه‌اش پناه می‌دهد و زنی که بازیگر تماشاخانه است و با سید زندگی می‌کند، زخم قدرت را پانسمان می‌کند. قدرت که از دگرگونی سید بهت‌زده شده است، می‌کوشد تا او را متوجه گذشته و حالش کند تا از این طریق، سید با اعتیادش مبارزه کند. سید، تحت‌تاثیر حرفهای محرک قدرت، اصغر را که یک قاچاقچی عمده است و سید موادش را همیشه از او می‌گرفته، می‌کشد. پلیس که در تعقیب قدرت است، رد او را می‌یابد و خانه را محاصره می‌کند. قدرت و سید، تا به آخر در مقابل پلیس مقاومت می‌کنند.

□

"گوزنها" یکی از فیلمهای جنجالی و بحث انگیز زمان خود است. جنجال به سبب محتوای سیاسی منتسب به‌آن، و تغییر و حذف چند قسمت‌از فیلم، ازجمله‌پایان آن، به هنگام نمایش عمومی در زمان رژیم گذشته پدید آمد. و بحث‌انگیزی از ویژگیهای همیشگی فیلمهای کیمیائی بوده‌است. نسخهٔ اصلی فیلم، درسومین‌جشنواره جهانی فیلم تهران به نمایش درآمده (و بهروز وثوقی جایزهٔ نخست بازیگری جشنواره را گرفته) بود بنابراین وقتی نسخهٔ تغییر یافتهٔ گوزنها به نمایش درآمد، مثل همیشه این موضوع دهان به دهان گشت و بیننده در نمایش عمومی، با گوزنها به عنوان فیلمی روبرو شد که معنای اصلی نه درآنچه می‌بیند، بلکه درآن قسمتهائی است که ندیده است! میوهٔ ممنوع نیز، همیشه جاذبه داشته و کیمیائی هم هیچگاه بدش نیامده که تماشاگرش در مواجهه با هر فیلم او بداند که چند صحنه از فیلمش سانسور شده و یا موضوعی درآن، به اجبار تغییر یافته است. فیلم، می‌تواند با تمثیلهایش، علاوه برآنچه در ظاهرمی‌گذرد، معنای دوم هم داشته باشد: قدرت‌زخمی که پس از نگاه به بی‌تفاوتی شاگردهای مدرسهٔ سابق خودش، خونش را به دیوار مدرسه می‌مالد. سید، جوان برومند دیروز که‌امروز مرد ضعیف و درمانده‌ای شده. قدرت آگاه (با آن عینکش)، سید را نسبت به موقعیتش



و منجلابی که در آن غرق شده آگاه می‌کند و او را علیه مسبب بدبختی‌های خود و دیگران (اصغر قاچاقچی) می‌شوراند . خانهٔ نیمه‌ویران با ساکنانش و آن صاحبخانهٔ زورگو . و . . . اما همهٔ این تمثیلها در تن دادن کیمیائی به تغییر پایان فیلمش به آن صورت ، رنگ می‌بازد . اگر درمعنای آن تمثیلها تعهدی نهفته است ، آن "هپی‌اند" چیست؟ همینجا باید یادآور شد که انتساب هرگونه "به تمسخر گرفتن هپی‌اند با آن صحنهٔ پایان فیلم" ، مردود است . گوزنها در شکل کنونیش ، که همان فصل پایان نخستین نسخه را نیز در انتها دارد ، نوشداروی پس از مرگ سهراب است اما به سبب بار عاطفی قوی فیلم و احاطه‌ای که کیمیائی برتکنیک دارد ، فیلمی گرم ودلنشین است . این جذابیت نه به جهت‌بار سیاسی فیلم ، که هم چنان که گفته شد ، به دلیل غلبه‌ایست که فیلم برعاطفه تماشاگر می‌کند .

● میراث

نویسندهٔ فیلمنامه و کارگردان : عبدالله غیابی
فیلمبردار : باربد طاهری
تنظیم موسیقی متن : مجتبی میرزاده
بازیگران : منوچهر احمدی ـ پوری‌بنائی ـ محسن فرید ـ عنایت‌بخشی ـ پروین ملکوتی

■

خان‌قبیله ، طالب مریم ـ نامزد عیسی ـ است اما عیسی با سرپیچی از فرمان خان ، به اتفاق خانوادهٔ‌اش و مریم ، فرار می‌کند . طی چند برخورد ، افراد خان موفق به کشتن برادر و مادر عیسی می‌شود . عیسی ، مریم را به اتفاق فرزندشان که در محاصرهٔ افراد خان به دنیاآمده به متولی امامزاده‌ای می‌سپارد و خود به مقابلهٔ خان می‌رود و اورا مجروح می‌کند . خان ، حاضر نیست آنها را رها کند و به‌همین‌جهت به‌کمک یک‌ردیاب ، عیسی‌ومریم‌را می‌یابد و آنها به گلوله می‌بندد . اما خودش نیز کشته می‌شود . ردیاب ، فرزند عیسی و مریم را که تنها باز ـ ماندهٔ آنهاست ، با خود می‌برد تا یادگاری از قیام در برابر ظلم باشد .



□

کوشش عمدهٔ عبدالله غیابی ، مصروف‌پرورش زمینه های فولکوریک موضوع از طریق محلهای فیلمبرداری ، موسیقی ، لباس و لهجه شده است . موضوع ، همان حدیث کهنهٔ ایستادن در برابر ظلم است که در رژیم گذشته ، به شکل صریحش تنها به وسیلهٔ محکوم کردن خان و فئودال امکان نمایش می‌یافت . اما همچنان که گفته شد ، بیشتر از این ، توجه غیابی به هر چه واقعی‌ترنشان‌دادن ویژگیهای ظاهری قومی لرهاست . ترانه‌های فیلم‌را ، خود غیابی خوانده است .

●

" عبدالله غیابی " ، متولد لرستان ، کار سینمائی را با دستیاری کارگردان آغاز کرد . او در فیلمهای قیصر ، رضا موتوری و داش‌آکل ، دستیار مسعود کیمیائی بودودر یکی از فیلمهای داریوش مهرجوئی نیز دستیار او بوده است . نخستین فیلمش را در سال ۱۳۵۲ با نام "کیفر" ساخت که به‌رغم کوشش در تمایز با "فیلم‌فارسی" ، از کیفیت خوبی برخوردار نبود . فیلم بعدی او ، " سه نفر روی خط" تا چند سال اجازهٔ نمایش نیافت وسومین فیلمش "موسرخه" ، پیش از آن به نمایش در آمد .

"میراث" ، آخرین فیلم غیابی ، محصول سال ۱۳۵۵ است و او پس از آن ، فیلمی نساخته است . غیابی برای خواندن ترانه‌های محلی زادگاهش ، صدای خوشی دارد . تعدادی از ترانه‌های محلی با صدای او چند سال پیش ضبط شدکه پخش وسیعی نداشت . همچنین غیابی اجرای متفاوت و زیبائی از "شبانه" که پیش از او "فرهاد" آن‌را خوانده بود ، دارد .

بررسی ۴ فیلم روز

بوفالوبیل و سرخپوستان	شکارچی گوزن	پلی در دوردست	دونده ماراتن
● نوشته گوردون گو	● نوشته الکساندر واکر	● نوشته گوردون گو	● نوشته ریچارد کومبز
منتقد مجله‌ی: فیلمز اند فیلمینگ	منتقد مجله‌ی: سایت اندساند	منتقد مجله‌ی: فیلمز اند فیلمینگ	منتقد مجله‌ی: سایت‌اندساند

دونده ماراتن



کارگردان: جان شله‌زینگر

فیلمنامه: ویلیام گلدمن بر اساس نوولی به همین نام نوشته خودش

تهیه‌کنندگان: رابرت ایوانز ـ سیدنی بکرمن

فیلمبردار: کنراد هال

ادیتور: جیم کلارک

محصول کمپانی پارامونت ـ ۱۹۷۶

مدت نمایش نسخه اصلی: ۱۲۶ دقیقه

بازیگران: داستین هافمن (بیب) ـ لارنس الیویر (زل) ـ روی‌شنایدر (داک) ـ مارت کلر (السا) ـ و . . .

"جان شله‌زینگر" درالمپیک ۱۹۷۲ فیلم‌کوتاهی درباره دونده انگلیسی "ران هیل" ساخت (یک بخش از فیلم هشت قسمتی "هیجان در مونیخ") که درآن نیز اشاره‌ای به گروگان گرفتن ورزشکاران اسرائیلی شده بود وحالا "مردماراتون" نسخه دیگری از همان فیلم مستند کوتاه وتاثیرگذار است. این بار داستان فیلم ترکیبی است از سیاست و وسوسه‌های یک مرد درباره ورزش که بر اساس نوول هیجان انگیز "ویلیام‌گلدمن" ساخته‌شده و دربرگردان آن بصورت‌فیلمنامه، تم داستان به‌گونه‌ای غیرلازم به هر دو عامل نازیسم ومک‌کارتیسم عمومیت داده شده است.

فیلم بایک‌حلقه فیلم‌خبری ازوقایع المپیک‌سالهای‌قبل شروع‌میشود: دیداری از یک‌قهرمان شگفت زده ماراتون درتوکیو که بعد صحنه برمی‌گردد، روی قهرمان این فیلم "بیب لهوی" (داستین‌هافمن) که باید سمبل این جریان باشد، "بیب" یک دانشجوی رشته تاریخ و فرزند پدری است که در دوره مک‌کارتی خودکشی کرده و برادری دارد بنام "داک" (روی‌شنایدر) که در حرفه نفت است اما درگیر ماجراهای جاسوسی نیز هست.

مشتری نخست "داک" مردی است باسم "کریستین زل" (لارنس‌الیویر) یک نازی فراری که دراوروگوئه پنهان‌شده و زندگی خود را از راه فروش الماس می‌گذراند، او این جواهرات را ازیهودیان در اردوگاه‌های نازی گرفته وحالا آنها را درجعبه‌ای امن در نیویورک نزد برادرش پنهان کرده است. "داک" که در جریان الماس‌ها قرار گرفته، توسط "زل" می‌فهمد که نازیهای دیگری هم هستند که‌خودرا پنهان‌کرده ویادرحال فرارند. هیجان ماجرا از زمانی آغاز می‌شود که برادر "زل" در جریان یک تصادف بقتل می‌رسد. این صحنه بر اساس داستان اریژینال "گلدمن" درفیلم‌گذاشته‌شده و تعبیری است از عمل و مکافات خداوند. در فیلم حیله‌گری ونیرنگ بازی بار سنگینی دارد. صحنه تصادف در روز کفاره اتفاق‌می‌افتد و شاهدان تصادف هم از قضای روزگار عده‌ای از یهودیان هستند. ازسوی دیگر فیلم آکسیون‌سنگین خود را بیشتر به طرف مرکز یک ارتباط تاریخی سوق میدهد. ماشین "داک" درپاریس در حلقه‌ای از تظاهرکنندگان دوچرخه‌سوار نشان داده می‌شود که علیه آلودگی محیط اعتراض میکنند و کمی بعد او در بالکن هتلش شاهد یک راهپیمائی ناسیونالیست ها میشود.

دربرخورد بعدی "زل" با "داک" متوجه میشویم‌که "زل" بخاطر مرگ برادرش از اوروگوئه خارج شده‌تا جای امن دیگری برای الماس‌هایش بیابد و قصد دارد هرکسی راکه میان او الماس‌هایش بایستد از سر راه خود بردارد و طبعا "داک" قربانی بعدی اوست.

درحالیکه مفاهیم سیاسی فیلم به جلو رانده می‌شود، فیلم حتی بیشتر گرفتار دردسر می‌شود، یعنی زمانی که کوشش میکند عوامل مشخصی در یک سطح عمیقتر بکار گرفته بشوند. مخصوصا بنظر می‌رسد که‌درگیری "بیب" در ماجرا یک نوع دخول بدون اجازه است، حداقل از جهت ارتباطات او با دختری به اسم "السا" (مارت‌کلر) که در استخدام "زل" است) حتی قبل ازآن که زل وارد نیویورک بشود و حتی قبل ازآنکه "بیب" با برادرش تماس برقرار کند، او و "السا" مورد تعقیب آدمکش‌های "زل" در سنترال‌پارک قرار میگیرند و هرگز معلوم نمی‌شود که قصد فیلمساز از این تعقیب چه بوده است.

با یک نگاه نیمه‌عمیق به‌آغاز ماجرا درمی‌یابیم که وسوسه‌های روحی "بیب" با این حادثه بصورت یک خط موازی درمی‌آید (اینجا هم مثل داستان، نامشخص است‌که چگونه ما می‌توانیم بر آرزوها و خودخواهی‌های آکادمیک و ورزشی او آگاه شویم). بلافاصله پس از تصادفی که طی آن برادر "زل" کشته میشود و در همان حال که "بیب" در پارک مرکزی مورد تعقیب قرار می‌گیرد، درمی‌یابد که به سوی یک‌مسابقهٔ بی‌انتهاکشیده‌می‌شود، ولی‌به هرحال این پارالل (خط موازی) نامکشوف باقی میماند.

حداقل اگربخواهیم احترامی‌قائل‌بشویم، "گلدمن" و "شله‌زینگر" تمهیدهای‌پول‌درآر وتجارتی داستان را بیرون کشیده واجازه داده اند که قهرمان‌شان یک انتقام‌جوی ساده بشود ورضایتش را بخاطر خودکشی پدرش وقتل‌برادرش توسط "زل" بدست‌آورد. اینجا "بیب" یکجور ابهام‌اخلاقی را حفظ میکند وتااندازه‌ای احساساتی باقی میماند.

چشمه‌ای که "بیب" و "السا" زخم‌های خودشان را پس از مجروح‌شدن در پارک درآن میشویند، همان چشمه‌ای است‌که‌داک جلوی آن بعدا بقتل میرسد. اوج‌ماجرا در پایان فیلم نهفته‌است که طی آن "زل" بدست "بیب" بقتل میرسد: درهمان‌حال‌که الماس‌هایش روی آب پخش‌میشوند، جسد زل نیز دریک سراشیبی بدنبال الماس‌ها در می‌غلتد.

ریچارد کومبز
سایت اند ساوند_زمستان ۷۶/۷۷
اندکی کوتاه شده



پلی در دور دست

کارگردان: ریچارد آتن‌بارو ـ تهیه کننده: جوزف لوین و ریچارد لوین ـ فیلمنامه از: ویلیام گلدمن (اقتباس از کتابی به‌همین نام نوشته کونلیوس رایان) ـ مدیر فیلمبرداری: جئوفری آنورث ـ بازیگران: درک بوگارد (براونینگ) جیمز کان (دوهان) مایکل کین (جو) شون کانری (اورکهارت) ادوارد فاکس (هاروکز) الیوت گلد (استات) لارنس الیویر (دکتر) لیو اولمن (زن هلندی) و آنتونی هاپکینز (جان فراست) و ... پاناویژن تکنی کالر ـ ۱۷۵ دقیقه ـ در جمع بندی ارزش فیلم توسط منتقدین فیلمزاند فیلمینگ: ۳ ستاره (خیلی خوب)

ضمایم یک فیلم جنگی غول پیکر آنقدر آشناست که فیلمسازان نباید از ما تماشاگران انتظار داشته باشندکه تحت‌تاثیر بُعد و سنگینی آن قرار بگیریم. بهترین چیزی که می‌توان درباره فیلم برجسته "ریچارد آتن بارو" ـ پلی در دور دست ـ گفت این است که فیلم مستقیما روح ماجراجوئی را در تماشاگر بوجود می‌آورد. علاوه بر مسائل شجاعت و وظیفه که در این فیلم مطرح می‌شود، مساله حیاتی در این فیلم فروریختن یک نقشه بی‌باکانه است که علیرغم خواص انسانی پیچیده آن، باید نوعی خدشه در کتابهای تاریخی به حساب آید.

فیلم در میان آثار جنگی از این نوع، قابل ملاحظه است چرا که علاقه شدیدی در مسیر یک زمان گریزنده - قابل‌توجه، در تماشاگر بوجود می‌آوردو این نکته در شرایطی بدست می‌آید که تماشاگر شاهد مرگ و زجر کشیدن گسترده انسانهاست.

فیلم "پلی در دور دست" دوباره از صحنه مشهور "عملیات مارکت گاردن" طرح ابداعی فیلد مارشال مونتگمری که ژنرال آیزنهاور آن را برای پایان‌دادن جنگ بین‌المللی دوم در سال ۱۹۴۴ بکار برد، تعریف‌میکند و آنرا به نمایش می‌گذارد.

نیروهای‌متفقین با هزاران هواپیمای موتوردار و بی‌موتور که پر از سرباز و تجیهزات کامل بود، در پشت خطوط جبهه نازیها در هلند اشغالی فرود می‌آیند، در حالیکه در روی زمین (گاردن) تانکهای ارتش دوم انگلیس پیش می‌تازند تا از گذرگاهی از مرز بلژیک عبور کنند و به دیگران بپیوندند تا به آن حمله کنند.

متفقین علیرغم قدرت فراوان و نبرد خشونت‌آمیزشان، شکست خوردند. پنج پل را می‌بایستی در مسیر راهشان تسخیر کنند، آخرین و حیاتی‌ترین آنها در آرنهایم قرار داشت و این یکی به عقیده "ژنرال براونینگ" "پلی در دور دست بود".

اولین‌ظهور "براونینگ" خیلی زود صورت می‌گیرد. این شخصیت را "درک بوگارد" مجسم می‌کند وزودتر از آن که بخواهیم با او جور بشویم چشممان به دو پرسوناژ خیلی مشهور و نام‌آور یعنی "شون کانری" و "رایان اونیل" بطور تساوی خیره می‌شود. از سوی دیگر "جن هاکمن" را هم داریم که ما را بخاطر ایفای نقش ژنرال "سوسا بوسکی" فرمانده اولین بریگاد لهستان تحت‌تاثیر قرار میدهد. آگاهی و هشیاری بازیگران خیلی سریع در

معرض نمایش قرار میگیرد ،

بقدر کافی واضح است که در لیست بازیگران که پر از شخصیت‌های نام‌آورند ، استعدادهای غنی بازیگری وجود دارد . "آتن بارو" در مقام کارگردان با یاری جئوفری آنورث" بعنوان مدیر فیلمبرداری و "هاری واکسمن" نورپرداز فیلمبردار گروه دوم نتایج و استفاده کاملی از سیستم پاناویژن برده است ، نکته قابل ذکر دیگر مونتاژ فیلم است . بسیاری از پلانهای فیلم همچون طنابی مارگونه بنظر میرسند مخصوصا در صحنه‌ی فرود آمدن هواپیماهای بی‌موتور در پشت جبهه نازی‌ها . فیلم از خشونت بسیاری برخوردار است مثل صحنه‌ای که زن هلندی در خانه خود با میهمانان ناخوانده‌ای روبرو میشود .

"پلی در دور دست" در میان آثار هم نوع خود ، فیلمی معقول بشمارمیرود : زمانی که آلمانی‌ها یا هلندی ها با یکدیگر حرف میزنند ، معمولا بزبان خودشان صحبت می‌کنند و برای آن که تماشاگران صحبت‌های آنسان را بفهمند ، گفته‌هایشان بصورت زیرنویس روی پرده ظاهر میشود .

"آتن بارو" توفیق این را می‌یابد که به فیلمش ارزش یک فیلم مستند همراه با یک تحلیل احساساتی بدهد . و تلخی فیلم به یک جور غم واقعی و بکر پیوند می‌یابد . فیلم‌های جنگی انسان را خسته می‌کند ولی حالا با فیلمی مواجه هستیم که نیروی تازه‌ای به انسان می‌بخشد و این امر غیرمعمولی است .

گوردون گو

کوتاه شده از : فیلمزاند فیلمینگ

شکارچی گوزن



کارگردان : مایکل کیمینو

فیلمنامه : دریک واشبورن

فیلمبردار : ویلموس ژیگموند

بازیگران : رابرت دونیرو ــ جان کازال ــ فیلیپ ساویج

درآخر فیلم حماسی مایکل کیمینو ، " شکارچی گوزن " ، تمام کاراکترها از جنگ ویتنام چشم‌پوشی کردند تا بی‌احساس و در اثر جریان حوادث و در عین‌حال احساساتی در مورد تکرار دعای خیر برای آمریکا ، به خانه برگردند . این ، بیش از یک‌فاتحه برای دوست از دست رفته‌شان است . این سرودی است برای سنت‌زنده ، آمریکائی ، اشتباه کردن ، افسوس آنرا خوردن و دوباره شروع کردن !

وقتی این فیلم در سال ۱۹۷۸ به نمایش درآمد ، قوت قلبی به ملت بخشید . دوره‌ای از گناهکاری راگواهی داد ، ندامت و جهت گیری سیاسی ناشی از دخالت آمریکا در ویتنام و از هم‌گسیختن زندگی دهها هزار جوان را برسمیت‌شناخت . درآمریکا ، مرهمی بر زخم‌ها نهادن ، وبه‌همان نسبت‌بیرحمانه زخمهارابه‌نمایش‌گذاشتن ، سنت‌شده است . زخمهایی که جسما وروحا برچهار جوان ازجامعه‌ای دورافتاده با روابطی پیوسته و فولادین ، گرفتار درسیاه

چالی خارج از فهم و مقاومتشان تحمیل شده بود . این یک فیلم کینه‌توزانه نیست . امریکائیها را به‌سمت پرسش این سئوال تشویق نمی‌کند که" کجا اشتباه کردیم؟" در عوض چیزی را که بسیاری حس کردند درست به انجام رساندند ، جشن میگیرد! وظیفه‌شان را . "خدمت به خدا ومملکت" ، با شکوه تمام . چیزی که روی پرچم سالن رقص، زمانیکه فیلم با عروسی "استیوی" شروع میشود ، می‌توان خواند . توسط مایکل پس از یورش بی‌مطالعه دوستان برای شکار گوزن در طلوع آفتاب که طرز برخورد همینگوی‌وار آنها را در مورد مرگ و زندگی آشکار می‌سازد در موج بزرگی از شعلهٔ ناپالم ، بطرف ویتنام حرکت می‌کنیم و دستگیری ، شکنجه ، فرار ،جدائی وسفر بازگشت به خانه را ، مثل "مبارزه‌ای در یک جعبه" تماشا می‌کنیم . خارج از این بیرحمی ، جدا شده از این رنجکشی مردان و بردگی ، کیمینو فیلم بزرگی را به نمایش گذارد که حتی حواس را بیش از ذهن به فعالیت وامیدارد .

این فیلم برندهٔ تعداد بسیاری جایزهٔ اسکار شد و مورد تحسین فراوانی قرار گرفت . بازی شریک استریپ در نقش عروس جنگ هم در این حد مورد توجه قرار گرفت . اگر بتوان گفت که ویتنام یک " برُباد رفته" بوجود آورد که ثابت کرد شجاعت ، عشق ، قهرمانی هنوز جزء نیروهای دخیل در امور انسانی هستند ، این فیلم همان خواهد بود .

الکساندر واکر



بوفالوبیل و سرخپوستان

کارگردان : رابرت آلتمن ـ تهیه‌کننده : آلن رودولف و رابرت آلتمن ـ مدیر فیلمبرداری : پل لومان ـ موزیک از ریچارد باسکین ـ بازیگران : بوفالو بیل (پل نیومن) نات سالزبوری (جوئل گری) آنی (جرالدین چاپلین) ند (برت لنکستر) و . . . پاناویژن ـ ۱۲۵ دقیقه ـ رنگی در جمع‌بندی ارزش فیلم توسط منتقدین مجله فیلمزاند فیلمینگ : ۲ ستاره (خوب)

فیلمی کنایه‌آمیز اما مدعی شاد بودن که من در میان فیلم‌های بهتر "آلتمن" بشمار می‌آورم .
تمسخر و دست انداختن افسانه (اسطوره) قهرمان و حرفه نمایش استفاده از مشهورترین نمایشهای غرب ـ وحشی ، چهارچوب اصلی و نقطه دید "آلتمن" است ، در حالی که در پشت صحنه‌ها یک طنز خشن جریان دارد.
بوفالو بیل (که نام اصلیش ویلیام فردریک کودی بود) آدمی شوخ است . او نه فقط در جنگ علیه سرخپوستان شرکت کرد ، بلکه قبل از آن هم با آگاهی و اندیشه تمام ذخیره غذائی‌شان را با کشتار هزاران بوفالو به یغما برد و آنها را به کارگران راه‌آهن کانزاس پاسیفیک فروخت . همین کار باعث شد که این لقب را که ظاهرا

باعث خوشنودی او شد و نوعی تعریف برای او بود ، بدست آورد .

شخصیت و کاراکتر بوفالو بیل با قدرتی مبهم همیشه علیه یک احساس جرم ، نبردی دائمی دارد و بنظر میرسد که خود "کودی" هم واقعا این را حس کرده است . این قهرمان اساطیری ، کاراکتری نیست که بتوان آنرا به آسانی بازی کرد ، اما "پل نیومن" به گونه‌ای شیطنت‌آمیز از عهده ایفای این کاراکتر برمی‌آید و تا حد امکان آنرا روشن ارائه میدهد و به "آلتمن" کمک می‌کند تا لحن شوخ فیلم حفظ بشود بدون آن که بگذارد تلخی عمق آن تغییر شکل بدهد .

چقدر کنایه‌آمیز است که "کودی" باید سعی کند موی سرش را مثل ژنرال کاستر بلند کند و تا موقعی که باین مقصود دست یابد ، از یک کلاه‌گیس و موی مصنوعی استفاده می‌کند .

نیومن به‌گونه‌ای غنی توسط چند کاراکتر و شخصیت حمایت می‌شود ، شخصیت تهیه‌کننده نمایشها : نات (جوئل گری) که "بوفالو بیل" او را استخدام کرده تا برایش شو ترتیب بدهد . "نات" از یک بلندگو طلائی‌که نصف قد خودش است ، برای اداره کارش استفاده می‌کند !

شخصیت دیگر فیلم "پات مک‌کورمیک" به نقش رئیس جمهور آمریکا "گروور کلیولند" در سال ۱۸۹۴میباشد او اولین رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا بود که این پست را مدت بیست وهشت‌سال حفظ کرد . کاراکتر دیگر "سی تینگ بول" است که آنرا "فرانک کاک‌تیس" ایفا کرده ــ یک سرخپوست متعرض که ضمنا در پارتی کودی بخاطر رئیس‌جمهور و عروسش شرکت می‌کند .

"سی تینگ‌بول" برای این ماجرا یک عنصر حیاتی است و "فرانک کاکتیس" این پرسوناژ مهم را با شکوه تمام عرضه می‌کند . پس از آن که کشته می‌شود ، شبی برمی‌گردد تا "کودی" را شکار کند و "آلتمن" با زیرکی در یک شات همه چیز را نمایش میدهد فی‌المثل لحظه‌ای ما "بول" را شانه‌به‌شانه کودی می‌بینیم و لحظه‌ای دیگر "کودی" را کاملا تنها می‌یابیم اما هنوز دارد با روح ملاقات کننده‌اش حرف میزند .

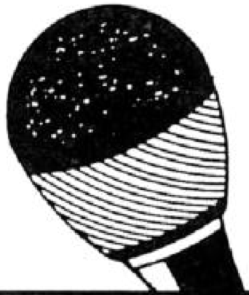
"برت لنکستر" شخصیت دیگر فیلم به‌نقش "ند بانت لاین" است ، مردی که سالها قبل کاری‌کرده تا افسانه کودی تثبیت بشود و این کار نوشتن کتابی درباره او تحت‌عنوان "بوفالو بیل ، سلطان مردان مرز" بوده است ، اما حالا با کودی در یک میخانه نیمه‌تاریک و خلوت روبرو می‌شود . اما علیرغم تمامی این مواجهه‌ها ، خیالی یا واقعی ، کودی آخرین اسطوره‌ای است که شخصا "سی تینگ‌بول" وحشی را به قتل میرساند و فریاد تحسین‌آمیز تماشاگران را با یک جور لبخند نمایشی بلند می‌کند ، هر چند که این لبخندها مصنوعی است ، اما دارای نیتی است .

صحنه‌های فیلم در یک منطقه سرخپوستی در آلبرتا کانادا فیلمبرداری شده و طراحی "تونی ماسترز" در این زمینه قابل‌توجه است ، بعلاوه از نوع رنگهائی که ، پل لومان " در مقام مدیر فیلمبرداری بکار برده : رنگهای زرد و قهوه‌ای که یادآور نقاشی‌های ، چارلیز راسل ، جان وایت ، جورج کاتلین و ویلیام مربرت دانتون " است .

گوردون گو

کوتاه شده از مجله‌ی : فیلمزاند فیلمینگ

بخش دوم: گفتگو





■ با مسئولان
نهادهای ناظر بر امور ویدئو

■ با دست‌کاران
تکثیر و توزیع نوارهای ویدئو

گفتگو با : حجت‌الاسلام حسینی (سرپرست دادگاه مبارزه با منکرات و نماینده دادستان کل انقلاب اسلامی)



با فعالیت سالم در زمینه ویدئو موافقیم و حتی آن را تشویق میکنیم

● تعداد کلوب‌هائی که به‌طور غیر مجاز فعالیت می‌کنند، بسیار ناچیز است.
ضوابط ما همان ضوابط اداره نمایشات وزارت ارشاد اسلامی است.

■ حجت‌الاسلام حسینی سرپرست دادگاه مبارزه با منکرات و نماینده دادستان کل انقلاب اسلامی ایران در این دادگاه از روحانیون جوانی است که از اواسط سال گذشته در این سمت مشغول انجام وظیفه است. طی این مدت نظارت بر کار کلوب‌های ویدئو و پخش فیلم‌های مجاز و بازبینی و صدور اجازه نمایش برای این فیلم‌ها یکی از وظایف مهم این دادگاه بوده است که با تلاش پیگیر ستاد تبلیغات دایره مبارزه با منکرات موفق شده‌اند سر و سامانی به فعالیت‌های بی‌رویه‌ای که در زمینهٔ ویدئو وجود داشت، بدهند و با رهنمودهای مستمر و بازدید های مرتب از کلوب‌ها مسئله ویدئو و نقش فرهنگی آن را در جهت سیاست‌های عمومی جمهوری اسلامی رهنمون شوند.

درحال حاضر نیز با آنکه امورنظارت بر نمایش فیلم‌های مجاز ویدئو بر عهدهٔ وزارت‌ارشاد اسلامی محول شده است ولی دادگاه مبارزه با منکرات همچنان وظیفه نظارت بر حسن انجام مقررات اعلام شده را دارد و این وظیفه را انجام می‌دهد.

کتاب "سینما در ویدئو" ضمن سلسله گفتگوهائی با مسئولان‌و دست‌اندرکاران نهادهای ناظر بر امور ویدئو شما را از نقطه نظرها و دیدگاههای آنها در زمینه فیلم‌های ویدئو آشنا خواهد کرد در این شماره پای صحبت حجت‌الاسلام حسینی رئیس دادگاه مبارزه با منکرات نشسته‌ایم. در پی آن بودیم که با مسئولان ذیربط در وزارت ارشاد اسلامی نیز گفتگو کنیم که به علت‌مسافرت آقای مهدی کلهر، این گفتگو ممکن نشد. کوشش می‌کنیم با ایشان نیز در این زمینه گفتگوئی داشته باشیم.

اضافه کنیم که این گفتگو در نیمه اول اردیبهشت ضبط شده و متن آن از روی نوار پیاده شده است.

● با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشته‌اید ،تاکنون بارها اعلام داشته‌اید که تمامی تلاش کوشش شما در این بوده است که نمایش فیلمهای ویدئو در ایران از ابتذال و فساد و درهم ریختگی بدور باشد و در چهارچوب یک نظام نوین با هدفها و ایده‌آل‌های اسلامی بسوی یک فعالیت فرهنگی و سینمائی سالم به پیش برود . در مورد این چهارچوب بیشتر برایمان صحبت کنید .

ــ بسم الله الرحمن الرحیم . ضوابطی را که ما در مورد نمایش برنامه‌های ویدئوئی بکار می‌بریم همان است که بارها گفته‌ایم و در جراید هم نوشته شده است . مسلما ما با پخش فیلم‌های سالم و غیرمبتذل ، فیلمهائی که شرایط جامعه انقلابی امروز ما را در نظر داشته و باعث انحراف فکری و اخلاقی نباشد موافقیم . ضوابط ما همان ضوابط اداره نمایشات وزارت ارشاد اسلامی است و براین اساس با نمایش فیلمهای مبتذل و سکسی بشدت مخالفت می‌کنیم ولی با فعالیت سالم موافقیم و حتی آنرا تشویق نیز می‌کنیم .

اسلام نه تنها مخالف هنر نیست بلکه پشتیبان هنر اصیل که باعث ترقی و تعالی جامعه شود نیز هست . مشکلی که ما الان با آن مواجه هستیم کمبود در زمینه هنرهای اسلامی در جامعه است . اکثر فیلم‌هایی که الان به‌نمایش درمی‌آید همانطور که‌می‌دانید یا ساخته فرهنگ روبه‌زوال غرب است و یا افکار شرق را تبلیغ می‌کند در حالیکه اسلام یک نظام الهی است که نه با غرب سازش دارد و نه به افکار مادی‌گرایانه شرق روی خوش نشان می‌دهد .

متاسفانه از نظر فیلم کمبودها بسیار بیشتر است ولی امیدواریم که با توجه به حرکت و جهش جامعه انقلابی‌مان ، در این زمینه تلاش و فعالیت بیشتری بکار رود . در حال حاضر چنانچه بخواهیم جلوی تمامی فیلم‌های غربی و یا شرقی را بطور دربست‌بگیریم که امکان ــ پذیرنیست ولی تلاش داریم که از نمایش فیلمهای‌مبتذل در جامعه جلوگیری بعمل‌آید . البته در انجام این کار ممکن است گروهی هو و جنجال راه بیندازند که سلب آزادی شده است در حالیکه بعضی از این فیلم‌ها نقش تخدیری بسیار بدی بر جامعه و فرهنگ ما می‌گذارد که باید جلویش گرفته شود . ما احتیاج به فیلم خوب داریم و این مسئولیت در حال حاضر بعهده کسانی است که در زمینه فیلم و سایر کارهای نمایشی فعالیت دارند . این‌ها چنانچه بطرف ساختن فیلم‌هایی سالم با زمینه فرهنگ انسان‌ساز اسلام روآورند باید مطمئن باشند که ازحمایت ما نیز بنحو احسن برخوردار خواهند بود .

● چنانچه تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران نوارهای ویدئو خود به‌تهیه برنامه‌های سالم اقدام کنند آیا جلوی کارشان گرفته نخواهد شد ؟

ــ ببینید ، ما که‌خودمان فیلمسازوبرنامه‌سازنیستیم . ما وظیفه‌داریم که جلوی فساد را در جامعه بگیریم . بنظر من برای کسانی که دست اندر کار فیلم و مسائل هنری هستند این یک امر واجب است که تلاششان را تا حد امکان در این زمینه بکار برند تا فیلم و نمایش بشکلی اسلامی ارائه شود . آنها باید این خلاء را در جامعه پر کنند چون در جامعه اسلامی این نقصان بواقع یک ضایعه است .

● مسئله جالب‌توجهی که اخیرا بچشم‌می‌خوردتوجه دست‌اندرکاران پخش و تکثیر نوارهای ویدئو به نمایش فیلم‌های خوب‌است ، حتی بعضی از کارهای خوب‌سینمای ایران در رابطه با انقلاب نیز روی نوار ویدئو آمده است .

ــ بله از این بابت ما هم خوشحالیم و استقبال می‌کنیم .و تبلیغ روی فیلم‌ها و کارهای خوب نیز نه تنها مانع و اشکالی ندارد که بسیار بجا نیز هست . من حتی فیلم "عمر مختار" را که ابتدا برای ویدئو تکثیر و پخش شد دیدم ، کاری بود خوب و متمایل به فرهنگ اسلامی‌که میشد رویش حساب کرد . و امیدوارم که تکثیر کنندگان در زمینه نمایش این نوع فیلم‌ها تلاش بیشتری بخرج دهند .

● چنانچه در تکثیر و نمایش بعضی برنامه‌ها احیانا خلافکاری‌هایی رخ دهد ، چگونه با آن طرف خواهیدشد ؟

ــ همانطور که قبلانیز ذکرش رفت ، با توجه‌به‌کمبود

های هنر اسلامی که درجامعه داریم در مورد برنامه‌های سینمائی ،تلویزیونی و ویدئو بامشکل زیادی مواجه‌هستیم چون بعضی ازفیلم‌ها دارای انحرافاتی بخصوص درزمینه افکار پوچ ابرقدرت‌ها هستند . ولی می‌شود نکات مثبت آنها راتقویت کرد و جلوی نکات مبتذل‌شان را گرفت . دادگاه مبارزه با منکرات در جوار فعالیت‌های ارشادی یک واحد تولید نوار نیز ایجاد کرده است که فیلم‌ها را بازبینی می‌کند چنانچه فیلمی غیرمجاز بود ، بر روی آن فیلمها مجاز را ضبطو تحویل صاحب نوار می‌دهد . در مورد خلافکاری‌ها نیز جلویش تا حد زیادی گرفته شده است ولی چنانچه مسائلی پیش‌آید و خلافی صورت‌گیرد ما بدوشکل با آن برخورد می‌کنیم :چنانچه‌متخلف‌سوء‌ـ نیت نداشته و با ارشاداتی از خلافکاری خود نادم گردد که مسئله حل می‌شود ولی چنانچه در محلی فیلمهای سکسی، شو و مشروب کشف کنیم و فاسد بودن صاحب کلوب برایمان محرز شود ، پراونه‌اش لغو و جلوی کارش گرفته می‌شود .

●در حال حاضر چه تعداد کلوب ویدئو در تهران فعالیت دارد وآیا ایجاد کلوبهای جدید مجاز است یا خیر؟

ـ این مسئله بما ارتباطی ندارد چون در واقع ما کار اجرائی نداریم . ایجاد کلوبها در رابطه با وزارت ارشاداسلامی و اتحادیه صنفی آنهاست که نماینده‌وزارت ارشاد نیز در آن برکار کلوب‌ها و فیلمها نظارت دارد . این کلوب‌ها چنانچه دارای پروانه کار نباشند جلویشان گرفته خواهد شد . البته تا آنجائی که ما شاهد برنامه ـ های این کلوب‌ها بوده‌ایم . تعداد کلوب‌هائی که به طور غیرمجاز فعالیت می‌کنند ، بسیار ناچیز است .

●نظر شما درباره اتحادیه صنف تکثیر و تولید نوارهای مجاز ویدئو چیست؟

ـ این اتحادیه تا آنجائی که من می‌دانم دررابطه با شکل‌دادن وبهترشدن وضع کلوب‌ها برنامه‌هائی‌داشته است . البته سایر مواردش را من خبرندارم و از نظراینکه نماینده‌ای نیز از وزارت ارشاد اسلامی در آنجا هست ، فعالیت‌هایش برای ما با ارزش می‌شود .

●بعنوان آخرین سئوال چه رهنمودهائی برای کلوب‌ها و مردمی که از ویدئو استفاده می‌کنند دارید؟

ـ از مردم انقلابی می‌خواهم که برای سلامت فکر فرزندان خود بهیچ‌عنوان فیلم‌هائی که افکار غرب‌وشرق را تبلیغ می‌کنند برای بچه‌هایشان نشان ندهند و همیشه این‌مسئله را درنظر داشته باشند که در یک جامعه‌انقلابی زندگی می‌کنند و شهیدان ما برای پیاده شدن افکاربزرگ اسلامی خون خود را دادند و درخت انقلاب را آبیاری کردند . مردم باید بدانند که متاسفانه فیلم اسلامی خالص نداریم و باید با احتیاط‌قدم بردارند تا بعد از مدتی انشااله هنر اسلامی را رشد کرده و فیلم‌هائی در این زمینه تولید و تهیه شود .چون سهل‌انگاری در تولید کارهای اسلامی برای هنرمندان بهیچ‌عنوان قابل بخشش از طرف خدا و پیامبر و ائمه اطهار نخواهد بود .

والسلام .

●اطلاعیه روابط عمومی وزارت ارشاد اسلامی

بەاطلاع کلیه ویدئو کلوپهای سراسر کشور که دارای پروانه از سندیکای تکثیر و توزیع‌نوارهای مجازویدئومیباشند میرساند :

۱ ـ از تاریخ درج این اطلاعیه‌بمدت ۳۰ روز مهلت داده میشود برای تهیه کارت شناسائی لازم از طریق سندیکای مربوطه اقدام نمایند .

۲ ـ تنها نوارهای ویدئوئی که فیلم آنها دارای پروانه نمایش از وزارت ارشاد اسلامی میباشد قابل تکثیر و نمایش بوده و سندیکای‌مربوطه موظف‌است نسبت به‌ارسال نوارهای حاوی فیلمهای بدون پروانه برای اخذ مجوز لازم اقدام نماید .

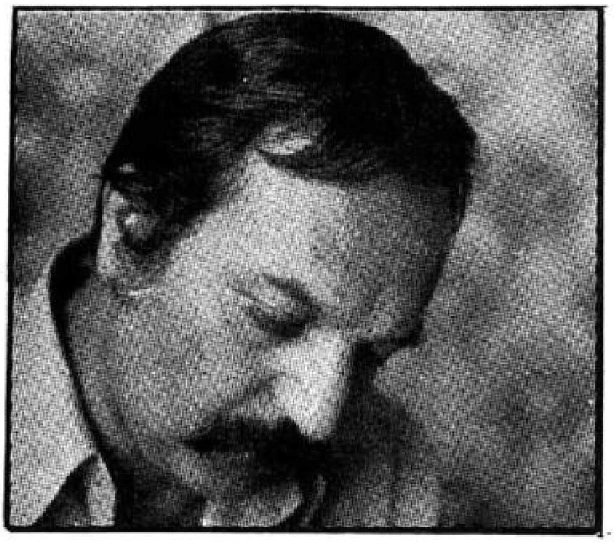
۳ ـ با کلیه تکثیرکنندگان ، توزیع‌ـ کنندگان ، فروشندگان ویدئو کلوپهای‌دارای نوارهای غیر مجاز و فاقد کارت شناسائی وزارت ارشاد اسلامی برابر مقررات رفتار خواهد شد .

■ اتحادیهٔ کلوب داران ویدئو (صنف تولید وتوزیع وتکثیر و توزیع نوارهای مجاز ویدئو)، ازجمله تشکیلات صنفی است که بعد از انقلاب وبه دنبال یک دوره بی برنامگی و بی‌سروسامانی در امور پخش و تکثیر نوارهای ویدئو که بافت فرهنگی جامعه بعد از انقلاب ایران را دوباره به ابتذال می‌کشانید، بوجود آمد و بعد از تشکیل در راه سر و سامان دادن به‌این تشکیلات وجلوگیری از آشفتگی بازار ویدئو، گامهای مثبتی برداشت.

ایجاد یک خط مشی‌کارساز، دادن پروانه‌کار به‌بسیاری از کلوبها و همکاری‌های‌مستمر با نهادهای پرکار ناظر بر کار کلوب‌های ویدئو و امور نمایش‌کشور از جمله وزارت ارشاد اسلامی ودادگاه‌مبارزه بامنکرات ازجمله برنامه‌های این‌اتحادیه کلوب‌های ویدئو بوده‌است. این‌مسئله قابل ذکر است که برخلاف تصور عده‌ای که خیال میکنند ویدئو بعد ازپیروزی انقلاب وصرفا برای لطمه‌زدن به‌آن وارد این کشور شده، باید یادآورشد که ویدئو نیز مانند تمام پدیده‌های فنی والکترونیکی به فاصلهٔ کوتاهی بعد از اختراع وارد تمامی بازارهای جهانی و ازجمله ایران شد و در سالهای پیش از انقلاب نیز با وجود قیمت‌های بسیار نازلش، آنچنان که باید مورد استقبال واقع نشد ولی بعد ازانقلاب بخاطر کم شدن فعالیت‌های سینمائی مورد استقبال بیشتری قرار گرفت و واردات آن فزونی یافت و کلوب‌های ویدئو نیز یکی بعد از دیگری شروع به کار کردند.

پس ازمدتی‌فعالیت بدون‌برنامه، سال‌گذشته‌دادستانی انقلاب دستور تعطیل موقت کلوب‌ها را صادرکرد تا بعد از بوجود آمدن ضوابطی، کار، از سر گرفته شود و همین زمینهٔ تشکیل اتحادیهٔ صنف تولید و تکثیر و توزیع نوارهای‌مجازویدئو را فراهم‌ساخت. ما طی گفت وشنودهائی‌که با اعضای‌هیئت‌مدیره این اتحادیه‌داریم. نقطه نظرها وهدفهای آنها را درجهت‌تبدیل کلوبهای ویدئو به عنوان مراکزی فرهنگی که سعی در بالابردن بینش هنری و سینمائی سالم در جامعه انقلابی امروز ایران را دارند جهت اطلاع خوانندگان عزیز و مسئولین مملکتی مطرح خواهیم کرد.

● گفتگو با اسماعیل احمدی رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صنف تکثیر و توزیع نوارهای مجاز ویدئو



باارشاد مسئولان درایجاد فضای سالم سینمائی تلاش می‌کنیم

● اسماعیل احمدی، به عنوان آغاز گفتگو، تاریخچه مختصری از بوجود آمدن اتحادیه را چنین مطرح میکند:

ــ اتحادیه کلوب‌داران ویدئو به همت ۹تا ۱۲ نفر ازدست‌اندرکاران وبعداز اعلام تعطیل موقت کلوب‌ها در تاریخ اول شهریورماه سال گذشته در یک نشست خصوصی تشکیل شد. جمع شدیم و از آینده کار حرف‌زدیم ودنبال این راه‌چاره بودیم و یافتن‌پاسخی برای این‌سئوال که چه‌کنیم تا این نهال تازه رشدیافته بعد ازانقلاب بتواند صاحب رسالتی درخور جامعه باشد. راه و هدف سالم و حساب شده‌ای پیدا کند وجلوی ابتذال وتخریب فرهنگ گرفته‌شود. برای اینکار می‌بایست برنامه‌ریزی میکردیم وتشکیلاتی بوجود می‌آمد تا راه‌گشای آینده باشد. ما طبق قانون نظام صنفی که

موردتایید دولت‌جمهوری‌اسلامی ایران نیز هست و بر مبنای آن، چنانچه سی واحد صنفی اعم از خدماتی یا تولیدی دور هم جمع شوند می‌توانند تشکیل اتحادیه بدهند، تصمیم به ایجاداتحادیه تولید وتکثیر وتوزیع نوارهای‌مجازویدئو گرفتیم. هیئت موءسس، رئیس، معاون،و اعضای هیئت را انتخاب کرده روی چهارچوب کار بحث کردیم و نقطه‌نظرهای‌کارسازی رابرای‌تشکیلاتمان‌به‌تصویب رساندیم. بعد طبق قانون به روزنامه‌های کثیرالانتشارآگهی‌دادیم وطبق‌قرار دورهم‌جمع شدیم. درآن جلسه که تمامی‌فعالین وکلوب‌داران ویدئو جمع بودند، هیئت موءسس خودش‌را معرفی‌کرد و درآن انتخابات با اساسنامه‌ای وتصویب وامضاء تمامی اعضاء اعلام موجودیت کرد. بدنبال این اقدامات، طی‌مکاتباتی باتمامی ارگانهای‌انقلابی، کشوری و لشگری، تشکیل اتحادیه و اساسنامه‌ء آن را اعلام داشتیم و از شهربانی جمهوری اسلامی نیز برای هیئت مدیره اتحادیه تقاضای تشخیص صلاحیت کردیم. بدنبال درخواست ما، دادگاه مبارزه با منکرات در چهارچوب قانون اجازه‌ء کار مشروط‌وعدم‌مغایر باشئونات جمهوری اسلامی به ما اجازه‌ء فعالیت داد و تاکنون نیز با رهنمودها و همکاری‌های مستمر این نهاد انقلابی گامهای موءثری برداشته شده‌است.

● دراین زمینه‌دولت چه‌همکاری‌هایی با شما کرده‌است؟

ـ اخیرا ازطرف وزارت ارشاداسلامی کمیته ای به‌اتفاق من ونایب رئیس سندیکا ونماینده‌ء امور تحقیق به ۵۰ کلوب برای آگاهی هرچه بیشتر در جهات مختلف سرکشی کردیم و گزارش کار را به کمیته‌ء تحقیق تسلیم کردیم. گویا قرار است امور پروانه، کنترل واجازه‌ء نمایش‌فیلم‌ها و برنامه‌های ویدئو زیر نظر وزارت ارشاد قرار گیرد.

● این‌کار را فعلا دایره‌ء مبارزه بامنکرات انجام میدهد؟

ـ بله فعلا زیر نظرآنها، فیلم‌ها اجازه‌ء نمایش می‌گیرند. البته ما ضمن اینکه ازرهنمودهای آنها بسیار خوشنودیم ولی گلایه‌ای نیز داریم و آن اینکه بیش از حد در سانسور فیلم‌ها سخت گیری میکنند، طوریکه این مسئله در سینماها و حتی تلویزیون به هیچ‌وجه وجود ندارد. یعنی بعضی از صحنه‌هائی را که ممکن است در تلویزیون به معرض‌نمایش‌درآید درویدئو امکان‌نمایش‌نمیدهند.

● اصولا زیاد شنیده می‌شود که می‌گویند قشر و طبقه‌ء بخصوصی- منظورطبقه مرفه وپولدارجامعه- از ویدئو در منازلشان استفاده می‌کنند و مردم عادی با این پدیده بیگانه‌اند.

ـ خوب شدکه شما این سئوال را مطرح‌کردید، چون من هم از بعضی‌ها این مسئله را شنیده‌ام و فکر هم می‌کنم خیلی‌ها در این زمینه در اشتباه هستند چون‌آمار وارقام‌موجود دراتحادیه که‌برای اطلاع‌مردم درنشریه‌ء‌شما منتشرخواهیم کرد کاملا خلاف این مسئله را ثابت می‌کند:

بعد ازبوجودآمدن تشکیلات اتحادیه، در این زمینه به‌یک بررسی دقیق دست‌زدیم و به مواردی برخوردیم که بسیار جالب‌توجه است. اول اینکه تعداد افرادی که برای گرفتن جواز خودشان را به سندیکا معرفی‌کرده یا میکنند بیشتر کسانی‌هستند که‌کلوب‌هایشان درمناطق جنوب‌شهر یامرکزتهران است درحالیکه کلوب‌داران شمال تهران کاملا در اقلیت هستند. درثانی با مقایسه میزان نوارهائی که دریک کلوب پائین‌شهر (میدان سیداسماعیل، شوش وغیره) به‌فروش یا اجاره میرود با یک‌کلوب که درشمال تهران فعالیت دارد، متوجه می شویم که کلوب‌های‌جنوب‌تهران به‌مراتب فعالترهستند. این مسئله به‌شکل دیگری نیزقابل ذکر است. شما اگر دراین زمینه تحقیق کنید، متوجه میشوید که کلوب‌های ویدئو درجنوب تهران بیشتردر زمینه‌ء فروش نوار کارمی‌کنند درحالیکه در مناطق شمالی مردم فقط‌نوارها را اجاره‌میکنند و خرید و فروش نوار اصلا انجام‌نمی‌شود. این شاید عجیب بنظر برسد اما واقعیت دارد.

برویم سراغ اتحادیه. در شرایط فعلی آیا شما بعنوان یک واحد صنفی قانونی فعالیت دارید یا خیر...؟

ـ عرض شود که چون بیشتر اعضای ما یعنی صاحبان کلوب‌ها رانوار وصفحه‌فروشان سابق تشکیل می‌دهند، این صنف دراتحادیهٔ صفحه و نوارگرام ادغام شده است که تمامی اعضای آن رسمی وشناخته شده هستند و شماره ثبت نیز دارند.

● برای هرچه فعال‌تر شدن اتحادیه، چه واحدهائی در آن فعالیت دارند؟

ـ چندین واحد در اتحادیه فعالیت دارند از جمله واحد مالی و پرسنلی، امور تولید، روابط عمومی، کنترل نمایشات وکمیسیون حل اختلاف.

کلوب‌ها بدون اجازه سندیکا اجازه‌کار دارند یاخیر؟

ـ تکلیف آنها تا یکی دو ماه آینده حتما باید روشن شود.

● وضعیت عضوگیری چگونه است؟ آیا در تهران عضو جدید گرفته میشود یاخیر؟ درشهرستانها چطور؟

ـ فعلا که تحت هیچ شرایطی در تهران عضو نمی‌گیریم، چون تهران به اندازهٔ کافی اشباع شده است. درشهرستانها فعلا ایجاد کلوب آزاد است بجز چند شهر قزوین، مشهد، شیراز، کرج و توابع. در زمینهٔ فیلم‌ها نیز دو دفترچهٔ حاوی اسامی فیلم‌های مجاز منتشر کرده‌ایم.

● اخیرا کلوبها اقدام به‌دوبله ونمایش‌فیلمهایی‌کرده‌اند که برای اولین بار درایران به معرض نمایش گذاشته‌می‌شوند، این فیلم‌ها از کجا وارد می‌شوند؟

ـ بعضی از این فیلم ها را قبلا به زبان اصلی به معرض نمایش می‌گذاشتند که بعدا ممنوع اعلام شد. اخیراتعدادی ازاین فیلم‌ها که درخورشرایط روز هستند، ترجمه ودوبله شده‌اند وبعد ازگرفتن مجوز به نمایش در می‌آیند. برخی دیگر از این فیلم‌ها از انجمن وارد کنندگان فیلم خریداری میشوند ودسته سوم را مسافرهائی که ازخارج‌می‌آیند همراه خود به ایران می‌آورند، از جمله، عمر مختار. این فیلم‌ها، بدون‌آنکه ارزی از کشور خارج شود و بدون حق رویالتی به معرض نمایش درمی‌آید. مثلافیلمی که‌فقط با سی‌پوند واردایران می‌شود اگر از طریق رسمی و قانونی و از طریق کمپانی‌سازنده‌میخواست واردکشور شود می‌بایست مبلغ ۷۰۰هزارتومان حق رویالتی می‌پرداختیم.

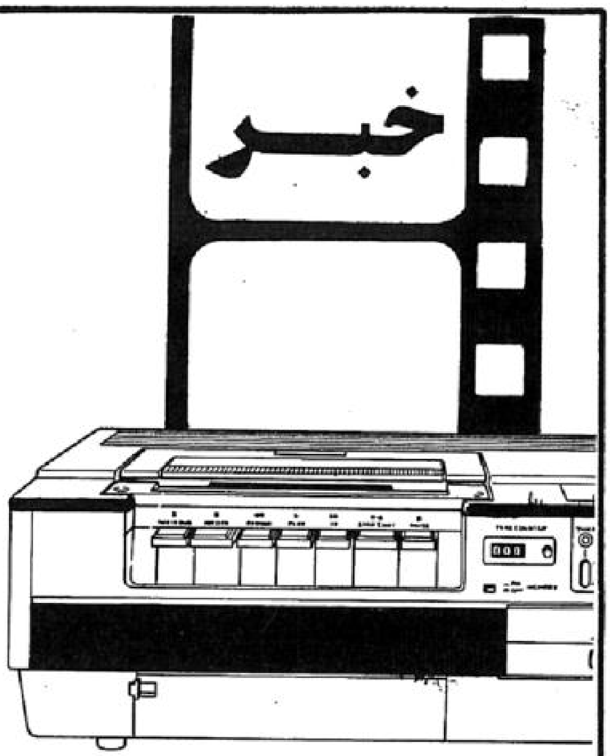
● اخیرا سئوال می‌شود که چرا بعضی از فیلمهای خوب که روی نوارهای ویدئو هست در تلویزیون اجازهٔ نمایش نمی‌یابد؟ نظر شما در این مورد چیست؟

ـ این مسئله را باید درنظر داشته باشید که تنها فیلم‌هائی درتلویزیون قابل نمایش است که علاوه بر دارا بودن موازین مورد نظر مسئولان، حق‌نمایش آن پرداخت‌شده باشد. تلویزیون طبق قوانین بین‌المللی درامورنمایش نمی‌تواند اقدام به نمایش این فیلم‌ها کند. در حالی که ما چون تابع کپی‌رایت نیستیم دستمان ازهرنظر باز است و هر فیلمی را می‌توانیم به نمایش بگذاریم.

● در خاتمه بفرمائید که چه همکاری‌هائی را با ارگانها و نهادها و دولت داشته‌اید..؟

ـ تابحال‌حدود ۱۵فیلم به تلویزیون داده‌ایم و آرشیو تلویزیون هر فیلمی را که از ما بخواهد، دراختیارشان میگذاریم. این همکاری شامل موارد دیگری نیز می‌شود. ما با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته امور جنگ‌زدگان و دادگاه مبارزه با منکرات همکاری‌مستمر داشته‌ایم و امیدواریم که درآینده، این همکاری‌ها بیشتر هم بشود. فقط از مسئولین مملکتی خواهش می‌کنیم که نسبت به مانظر مساعد داشته باشند و برای نظارت هر چه بیشتر، نماینده به‌سندیکا بفرستند. ازکلوب داران نیز می‌خواهیم که درچهارچوب مقررات اتحادیه فعالیت کنند.

ما تلاش می‌کنیم و قول هم می‌دهیم که با همکاری‌های بیشتر مسئولین و ارشاد آنها این اتحادیه در راه ایجاد یک واحد فرهنگی، تربیتی و سینمائی سالم به امید ویاری خدا، لحظه‌ای از تلاش خود باز نایستد.



■ ویدئو کلوب، زیر نظر ارشاد اسلامی

سرانجام پس از گفتگوهائی، ویدئو کلوب‌ها زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی فعالیت خواهند کرد. پیشتر از این دادگاه مبارزه با منکرات چنین نقشی را داشت البته هنوز هم این دادگاه دراجرای دستورالعمل‌هائی که جهت فعالیت ویدئو کلوب‌ها تدوین شده، نظارت خواهد داشت اما خط مشی کلی را وزارت ارشاد اسلامی تعیین خواهد کرد. پیرو مسئولیت تازه، این وزارت خانه در نیمه‌دوم خرداد ماه، اطلاعیه‌ای صادر کرد که در ضمن آن از ویدئو کلوب‌ها خواسته شده بود جهت اخذکارت شناسائی اقدام کنند. چنین بنظر می‌رسد که وزارت ارشاد جهت شکل بخشیدن به نحوه کار ویدئو کلوب‌ها و ایجاد فعالیت سالم آنها به طور جدی عمل خواهد کرد، که این خود امیدوارکننده است.

■ تغییر نام بعضی از فیلمها

اخیرا مشاهده شد تعدادی از فیلمهائی که چند سال پیش یا در سینماها و یا در تلویزیون به نمایش در آمده است، با نامی متفاوت تکثیر و عرضه شده است. این کار، اگر علت نامطلوب بودن نام فیلم با توجه به فضای کنونی جامعه ما را نداشته باشد، تنها یک دلیل دارد و آن‌هم استفاده از فراموشکاری کسانی است که قبلا فیلم را دیده‌اند. امیدواریم اتحادیـــه صنف تکثیر و توزیع نوارهای ویدئو، به این مسئله توجه کند.

■ تغییر نام‌ها

برمنبای اطلاعیه وزارت ارشـاد اسلامـی که ویدئوئی‌ها می‌بایستی نام خارجی خود را به نامهای ایرانی تغییر دهند، هم‌اکنون ویدئو کلوب و مراکز تولید و توزیع ویدئو، درصدد تغییرنام برآمده‌اندکه از آن میان میتوان ویدئوسیتی را نام‌برد که به ویدئو سپید تغییرنام داده‌است، همچنین "گراند" که "جهان نما" شده. دیگران هم درصددندتا هر چه زودتر در این زمینه اقدام کنند. بهرحال تغیر نام‌ها ــ به نظر ما ــ فکر پسندیده‌ای است

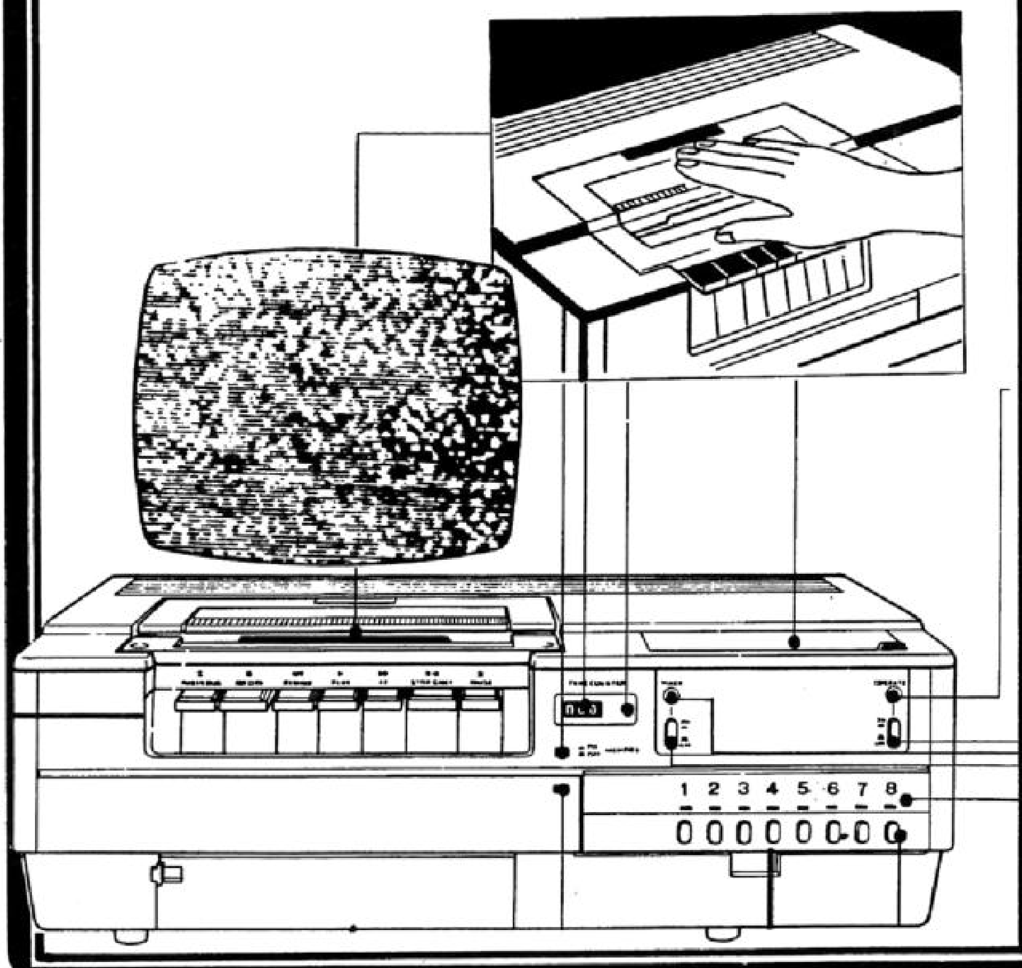
■ عواید فیلم "کوشش" برای ناشنوایان

صنف توزیع و تکثیر نوار **ویدئو** دست به اقدام خوبی زده است؛ فیلم "کوشش" ــ از سینمـای هند ــ که برمبنای فعالیت‌های سازنده ناشنوایان جهت ساختن آینده‌ای بهتر ساخته شده، از سوی‌این صنف روانه‌ی بازارشده که عواید آن به نفع‌ناشنوایان هموطن اختصاص خواهد داشت.

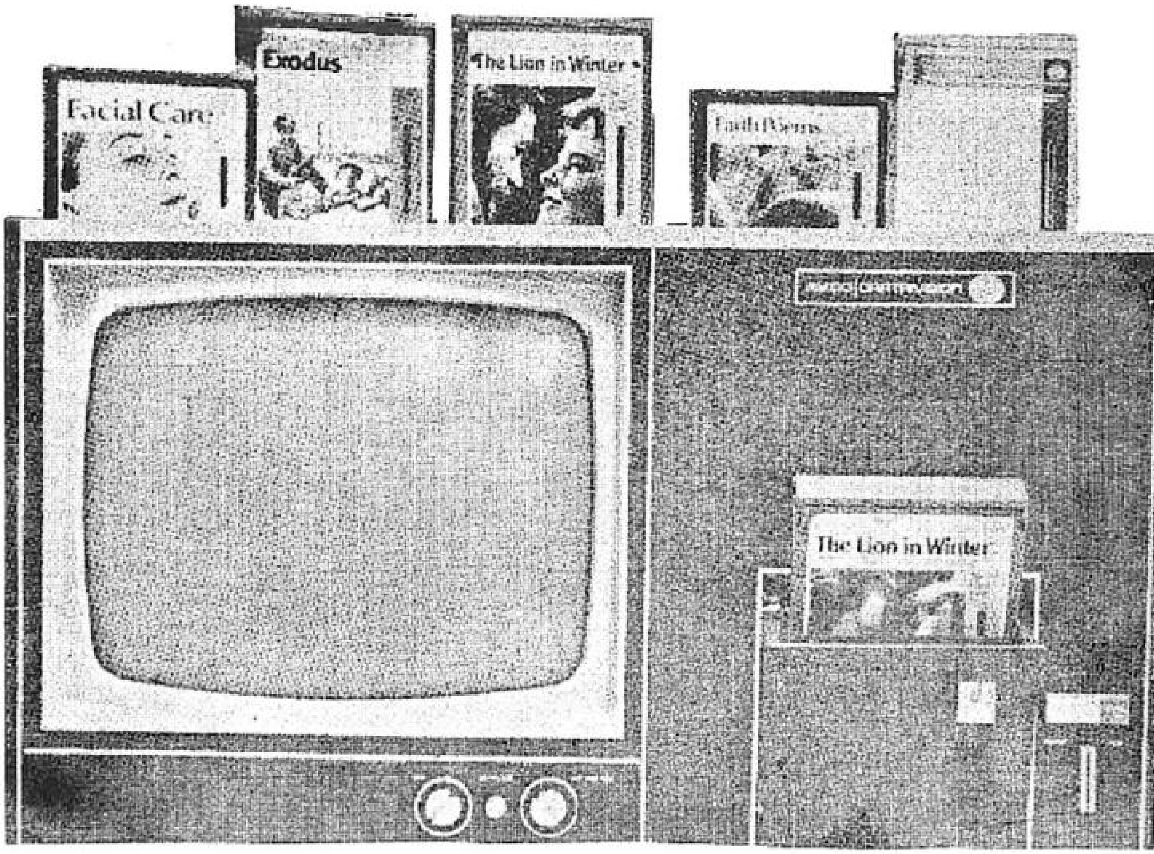
بهرحال امیدواریم در زمینه چنین اقدامی، باز هم شاهد فعالیت این صنف باشیم

بخش چهارم: مباحث تکنیکی

- تاریخچه ویدئو و نوار آن
- آخرین تحولات تکنیکی
- نکاتی درباره تعمیر و نگهداری ویدئو
- گوناگون و تازه
- ویدئو و تبلیغات



• تاریخچه ویدئو و نوار ویدئو



● نخستین تلویزیون کاستی که به‌بازار آمریکا آمد به "ویدئو الکترونیکی" یا "اوکوکارتری‌ویژن" موسوم بود، که به‌صورت ترکیب تلویزیون و دستگاه پخش ارائه شد●

بی‌شک، پس از اختراع تلویزیون، هیچ دستگاه تصویری یا صوتی دیگری به اندازه‌ی ویدئو تمام جنبه‌های ارتباطات، آموزش و سرگرمی‌ها را در بر نگرفته و با استقبال عمومی جهانیان روبرو نشده است. اما "ویدئو" نیز مانند هر پدیده‌ی دیگری مراحل تکاملی مداومی را پشت سر گذاشته است تا به شکل امروز خود به بازار عرضه شده است. بازگو کردن این مراحل ــ از تولد نخستین ویدئو تا به مروز ــ تاریخچه‌ی ویدئو را تشکیل می‌دهد. اگرچه این پدیده، آنقدر جوان و نوپاست که اطلاق "تاریخچه" جهت شناخت سابقه‌ی آن، واقع‌بینانه نخواهد بود.

● نخستین ویدئو

"تلویزیون کاستی"، نخستین ویدئو به شمار می‌آید. این دستگاه مجموعه‌ای ترکیبی از تلویزیون و دستگاه پخش کاست (مجموعا در یک دستگاه) بود. اولین نمونه‌ها که به‌وسیله‌ی شرکت پخش کلمبیا ــ سی بی. اس ــ عرضه شد، "ویدئوالکترونیکی" یا "اوکوــ کارتری ویژن" نام داشت و زائیده‌ی ذهن و نبوغ دکتر "پیتر گلدمارک" بود. وی همان کسی است که در ۲۲ ماه پیش از این اختراع، صفحه‌های بزرگ ۳۳ دور را اختراع کرد. طرز کار سیستم سی. بی. اس به این ترتیب بود: یک اشعه‌ی الکترونیکی روی فیلم خاصی، تصاویر را چاپ می‌کند. یک اشعه‌ی الکترونیکی دیگر در داخل دستگاه پخش، این تصاویر را به‌اصطلاح "می‌خواند" و به علائم تلویزیونی تبدیل می‌کند.

علائم ایجاد شده به وسیله‌ی یک رشته سیم به جعبه‌ی تلویزیون منتقل‌شده و در آنجا دوباره به صورت‌عکس و صوت در می‌آید و روی پرده تلویزیون منعکس‌میشود لازم به تذکر است‌که همین فعل و انفعالات، بتدریج جا افتاده‌تر و تکنیکی‌تر شده و به مرحله امروزی خود رسیده است.

ویدئو به بازار می‌آید

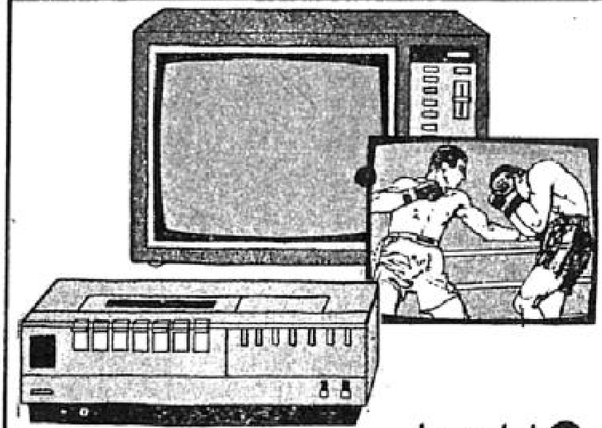
"ویدئو الکترونیکی" که با قیمت ۸۰۰ دلار به بازار عرضه شده به علت قیمت گران آن (با احتساب آن زمان) تنها جهت استفاده‌های آموزشی به‌کار می‌رفت. اما تولیدکنندگان وسائل الکتریکی خانگی‌که می‌دانستند میلیونها فرستنده تلویزیونی در سراسر جهان آماده‌ی استقبال از این پدیده است، به‌رقابت پرداختند تا این دستگاه را به خانواده‌ها عرضه کنند به همین سبب پس از گذشت مدتی، قیمت دستگاه ویدئو به ۲۰۰ دلار رسید. شرکت‌های بزرگی چون سونی، امپکس، اوکو، ماگناوکس، نورکلکو، شرکت‌های ژاپنی نظیر جی. وی. سی، ناسیونال و... در این رقابت شرکت داشتند.

مختصات نوار ویدئو

یک "فریم" تصویر روی نوارویدئو، کمی کوچکتر از یک‌سوم فریم فیلم های ۸ میلیمتری سینمائی بود. با یک رشته نوار فیلم ویدئو به درازای ۲۳۰ متر که در داخل هر حلقه قرار داشت، میشد ۱۸۰/۰۰۰ فریم تصویر گرفت. که این تعداد برای تصویر برداری از تمامی صفحات دائرةالمعارف عظیم بریتکانیکا کفایت می‌کرد.

قیمت سنگین نوار در آغاز

اشکال واقعی در آغاز کار ویدئو، مسئله‌ی قیمت بود. پرداخت ۲۵ دلار (با احتساب زمان) برای یک حلقه فیلم سینمائی، چندان سنگین مینمود که تنها موسسات آموزشی و کودکستان‌ها قادر به خرید آن بودند مخصوصا این که تماشا کردن چند باره یک فیلم کسل کننده می‌شد.



اجاره‌ی نوار

چندین شرکت سازنده‌ی نوار ویدئو، با وقوف به این مطلب که دستگاه پخش نوار (ویدئو) بدون خود نوار هرگز به‌فروش نخواهد رسید بدین نتیجه رسیدند که اجاره دادن نوار علاقلانه‌تر از کوشش برای فروش آنهاست. چنین نظریه‌ای با استقبال دارندگان ویدئو روبرو شد و کرایه‌دادن نوار ویدئو، خود به صورت حرفه‌ای مطرح گردید. در آغاز اجاره‌ی نوار با ۴ دلار شروع شد و به تدریج روبه کاهش رفت

پیش‌بینی ها

مسئله‌ی دیگری که‌می‌بایستی حل می‌شد این‌بود که اگر قیمت نوار عادلانه باشد آیا باز هم مردم بخود زحمت خواهند داد تابرای دریافت نوار به فروشگاه‌های نوار ویدئو، به‌طور مکرر مراجعه کنند؟ به‌همین خاطر بود که چندین شرکت بزرگ، کرایه و فورش نوار ویدئو را به‌طور مکاتبه‌ای، تحویل در محل، آبونمان‌و شیوه‌های دیگر آغاز کردند.

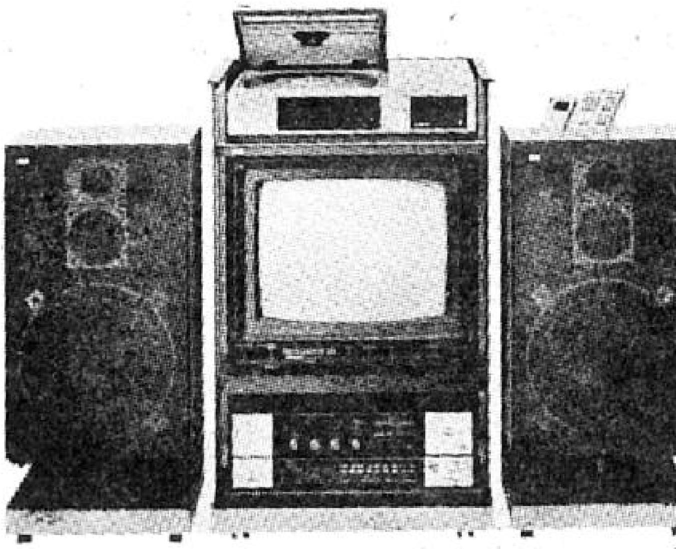
ویدئوی امروز

ویدئو پس از پشت سرگذاشتن گرانی‌قیمت ورفع نقائص آن، روزبه‌روز کامتلر، ظریف‌تر وارزانتر به‌بازار عرضه شده‌است و علاوه بر نمایش فیلم، به عنوان‌یک وسیله درخدمت پزشکی، دانشگاه‌ها، موسسات و... کارساز شده‌است. افزون بر آن، اکنون ویدئو، یکی‌از مطرح‌ترین ابزارها برای ایجاد سرگرمی‌های آموزنده و تفریحی تلقی‌می‌شود و این حرکت، همچنان روبه‌جلو ادامه خواهد داشت (توجه شما را به صفحات "گوناگون و تازه" در همین بخش جلب می‌کنیم).

آخرین تحولات تکنیکی

حالا نوبت ویدئو دیسک است!

با تصویری دقیق‌تر از نوار



بدنبال موفقیت جهانی دستگاههای ویدئوتیپ، شرکت‌های بزرگ صنایع الکترونیک ژاپن در پی‌آنندکه بازارهای جهانی ــ بخصوص در خاورمیانه را ــ با تولید وسائل تفریح خانگی کامل‌تر، قبضه کنند. یکی از فرآورده‌های تازه‌ی آنها، ویدئو دیسک است که از ترکیب دستگاههای ویدئوتیپ و گرامافون بوجودآمده و به کمک صفحه‌هائی شبیه صفحه‌های ۳۳ دور، تصویر و صدائی صاف و روشن و دقیق بدست می‌دهد. این دستگاه نه تنها قادر به پخش فیلمهای سینمائی و تلویزیونی است، بلکه انواع و اقسام اطلاعات وعلائم تصویری را نیز می‌تواند در اختیار بیننده قرار دهد. کار ویدئو دیسک پخش تصویر است و از آن برای‌ضبط نمی‌توان استفاده‌کرد. این دستگاه مختصرا بدردنگاه کردن برنامه‌ها و فیلم‌های از قبل ضبط شده میخورد البته‌تکنولژی توانائی آن را دارد که راه را برای‌ضبط برنامه‌های دلخواه به روی صفحه‌های ویدئو باز کند، اما قیمت دستگاه در چنین وضعی به‌نحو سرسام آوری بالا می‌رود. زیرا باید از تکنیک‌های پیچیده وگران اشعهٔ لیزر برای پاک کردن صفحه و آماده کردن آن جهت ضبط مجدد استفاده کرد.

در مقایسه با نوار ویدئو، صفحهٔ ویدئو سه امتیاز دارد:

ارزانی (یک صفحهٔ پر شده در حال حاضر ۱۵ دلار، حدود ۱۲۰ تومان، به‌فروش می‌رسد و این‌نصف بهای یک نوار ویدئو است)، کیفیت عالی پخش، و سهولت دسترسی به تک‌تک تصاویری که روی صفحه ضبط شده‌است (در ظرف ۸ ثانیه می‌توان تصویرمورد نظر را انتخاب کرد).

دریا در لیوان!

هم‌اکنون یکی از امتیازهای صفحه ویدئو این است که انبوهی برنامه را در یک حجم کوچک جا می‌دهد، به‌گونه‌ای که انگار دریا را در لیوان بریزیم! برای نمونه یک‌کتاب ۵۵ هزار برگی را می‌توان درروی یک صفحه‌ویدئو، که کمی بزرگتر از یک صفحهٔ ۳۳دور معمولی است، ضبط کرده و چه سودها که نمی‌توان از این ویژگی گرفت! برای نمونه، در شهر امریکا، شرکت "سیرز" صفحهٔ ویدئوئی را روانهٔ بازار کرده‌است که کار یک دفتر بزرگ راهنما را می‌کند و دهها هزار نام و نشانی در آن ضبط شده است. در انگلستان کمپانی "تورن ای ام آی" دست به تحقیقات وابتکارهای‌تازه برای استفاده از صفحهٔ ویدئو در زمینهٔ انتشار کتاب زده‌است. و قصد دارد کتابهائی را بصورت صفحه منتشر کند. آر سی ای و اسکولاستیک پروداکشن (یکی از بزرگترین ناشران کتاب و وسائل آموزشی آمریکا) صفحه‌های ویدئوی مخصوص آموزش زبان را به بازار آورده است.

مراکز پلیس و آگاهی، دهها هزار عکس افراد

مظنون وسابقه‌دار را روی یک صفحهٔ ویدئو ضبط کرده‌اند و هرلحظه که بخواهند می‌توانند بی‌درنگ عکس شخص موردنظر را ببینند. تاجرها نیز بیکار ننشسته‌اند. آژانس‌های مسافرتی و مراکز جلب توریست، کلیهٔ اطلاعات مربوط به جاهای دیدنی، هتل‌ها، کازینوها تفریحگاهها و... را به شیوه‌ای جذاب و گیرا روی صفحه‌های ویدئو ضبط کرده و (به صورت اجاره یا فروش) در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. یکی از این آژانس‌ها به مشتریانش می‌گوید که اگر او را برای گشت‌وگذار انتخاب کنند، بعدا می‌توانند پولی را که برای خرید صفحهٔ تبلیغی پرداخته‌اند، پس بگیرند.

حافظهٔ کامپیوتر

سهولت دسترسی به‌تصویرها ومجموعهٔ اطلاعات صفحهٔ ویدئو، باعث شده که بعضی‌ها به فکرترکیب آن با کامپیوترهای شخصی بیفتند. مثلا بعنوان حافظهٔ کامپیوتر، صفحهٔ ویدئو نسبت به صفحه‌های حافظهٔ معمولی که‌درکامپیوترها بکارمی‌رود، توانائی نگهداری اطلاعات بسیار زیادتری را دارد. به این ترتیب استفاده کنندگان از کامپیوترهای شخصی می‌توانند از صفحه ویدئو خبری را بپرسند و صفحه بسرعت جواب می‌دهد. فشردگی اطلاعات در صفحهٔ ویدئو، امکان آن را داده است که بازی‌های تلویزیونی (تی‌وی‌گیم) متنوع‌تر و پیچیده‌تری آفریده شود. دانشگاه نبراسکا، در حال حاضر سرگرم ابداع بازی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای به کمک صفحهٔ ویدئو است.

طرز کار

تولیدکنندگان دستگاههای نمایش ویدئودیسک از نظر روش‌های‌متفاوت گرفتن (پیکاپ) تصویر و صدا از صفحه، به سه گروه تقسیم می‌شوند.

بزرگترین‌گروه ـ ۱۲ کمپانی به سرکردگی کمپانی ماتسوشیتا الکتریک ـ که شرکت‌های صاحب‌نامی چون شارپ، توشیبا، و میتسوبیشی را در خود جا می‌دهد، سیستم پیکاپ وی اچ دی .V.H.D را بکار گرفته است. به این نحو که یک بازوی خودکار مجهز به سوزن (شبیه گرامافون‌های معمولی) صدا و تصویر را از یک صفحهٔ صاف و تخت می‌گیرد. سیستم دیگر شامل یک پیکاپ نوری مجهز به اشعهٔ لیزر است که توسط فیلیپس، هلند، ساخته شده‌و سومی که از روش سی‌ای‌دی.C.I.D (صفحهٔ مجهز به‌حداکثر بازدهی الکترونیک) استفاده می‌کند، محصول کارخانه‌ی آر سی ای امریکا بوده و سوزن آن از الماس درست شده است.

در ژاپن اکثرا روش وی اچ دی بکار گرفته شده است، اما کمپانی "پاینیرر الکتریک" سیستم فیلیپس را برگزیده است، زیرا معتقد است که به علت عدم تماس‌صفحه‌وپیکاپ، تصویروصدای‌بهتری‌بدست‌می‌آید.

نوار ویدئو بیکار نمی‌نشیند!

مساله اما، ماندگاری مزیت‌های صفحهٔ ویدئو است. زیرا پیشرفت‌هائی که‌در زمینهٔ تولید نوارویدئو دارد انجام می‌گیرد، نوید می‌دهد که روز به روز از قیمت ویدئوتیپ کاسته و به کیفیت آن افزوده شود. کارخانهٔ "توشیبا"، ژاپن، به تازگی دست به‌آزمایش طرحی زده است‌که سهولت دسترسی به تصویر صفحهٔ ویدئو را به مبارزه می‌طلبد. توشیبا، بجای نوارهای معمولی ویدئو که بدور قرقره پیچیده می‌شود، یک نوار حلقه‌ای دوساعته را اختراع کرده‌است که صدهاحاشیهٔ مغناطیسی‌دارد. چرخش این حلقه تنها ۳۰ ثانیه‌طول می‌کشد و به دنبال آن ۳۰ ثانیه‌ی دوم و سپس حاشیه های بعدی، بکار می‌افتند.

با این وسیله، می‌توان شمارهٔ تصویر مورد نظر را به دستگاه ویدئو داد و پس از سی ثانیه آنرا دید. البته در مقایسه با هشت ثانیهٔ صفحهٔ ویدئو برای تغییر تصویر، این سی ثانیه هنوز خیلی کند بنظر می‌رسد، اما نتیجهٔ سودمند دیگری دارد. به دلیل مقدار نور اندکی که به کارمی‌رود، قیمت ویدئو کاست ها خیلی پائین خواهدآمد و در این صورت ممکن‌است بازار تولیدکنندگان صفحهٔ ویدئو کمی از رونق بیفتد و صفحه‌شان خط بردارد!

گوناگون و تازه



تب جهانی بازی‌های ویدئو

درابتدافقط "پنگ" بود ــ بازی الکترونیک‌تنیس روی صفحهٔ تلویزیون که جرقهٔ آفرینش صنعت‌جدیدی را در نه سال پیش زد. بازی‌های رنگارنگ ویدئو، از پنگ شروع شد و امروزه دنیای سرگرمی را در سراسر جهان به‌طلسم کشیده است. دهها نوع بازی سحرآمیز تعداد بیشماری از مردم، بویژه نوجوانان، را بسوی خود کشیده است. با فشار تکمه‌ای می‌توانید صفحهٔ تلویزیون را تبدیل به‌میدان جنگ با موجودات عجیب و غریب کرات دیگر کنید و با موشک و راکت به آنها حمله‌ور شوید. با فشار تکمه‌ای دیگر می‌توانید نبردی پرهیجان‌میان خطوط و نقطه‌ها بوجودآورید. به‌نمونه ای از یک بازی که "مدافع" نام دارد نگاهی بیندازیم

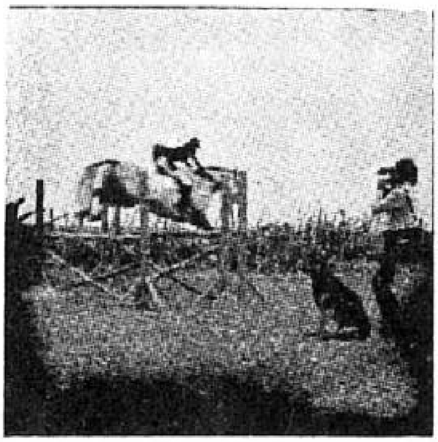
موضوع "مدافع"، "هجوم مخلوقات فضائی" است. این بازی روی یک صفحهٔ ویدئو رنگی و بزرگ انجام می‌شود، و کامپیوتر دستگاه ویدئو شعاع‌های نابودکننده و بمب بطرف‌بازیکن پرتاب میکند. بازیکن "مدافع" یک جت توپدار را زیر هدایت خود دارد. جت در ارتفاع‌های مختلف برفراز یک سیارهٔ فضائی به پرواز در می‌آید. بازیکن باید مخلوقات خبیث جوروا‌جور را به کمک آتش هواپیما از پا در آورد، در این راه از موشکهای‌مختلف استفاده کند، شیرجه‌برود جا خالی بدهد، و سرانجام فضانوردان گمشده و درمانده را به ساحل نجات برساند. بازیکن باید با مهارت بتواند به موقع از میله‌ای که ارتفاع هواپیما را تعیین می‌کند کمک‌بگیرد و پنج تکمه را که باعث‌شلیک توپ می‌شوند، در وقت مناسب بکار اندازد، تغییر مسیربدهد، حرکت‌عمودی را به‌افقی و بالعکس‌تبدیل کند، هواپیما را به اوج برده، بمب‌های ریز و زیبا را بر هدف فرو ریزد و همه چیز را منفجر کند. هر چه درگیری بیشتر ادامه می‌یابد، عملیات سخت‌تر و ظریف‌تر می‌شود. شما با ماشین ویدئو بازی می‌کنید و او با شما.

آمریکا مصرف‌کننده ویدئوی ژاپن

● رونق صادرات‌ژاپن تنها به اتوموبیل و وسائل ظریف الکترونیکی محدودنمی‌شود. در سه سال‌گذشته نزدیک به ۱۲/۵ میلیون دستگاه ویدئو در امریکا به فروش‌رفته است که هیچیک از آنها در امریکا ساخته نشده است و تماما محصول کارخانه‌های ویدئوسازی ژاپن بوده‌اند.

گوناگون و تازه

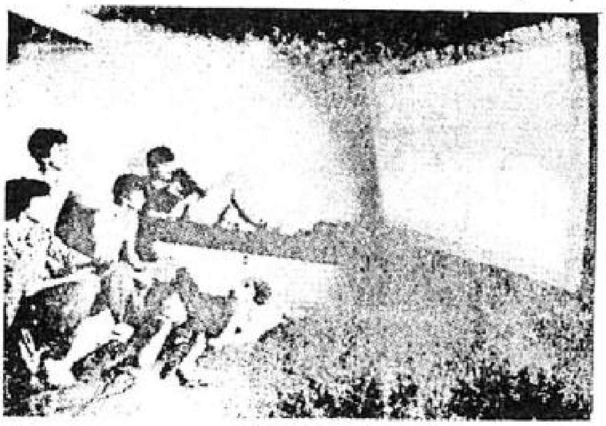
فیلمسازی و امکانات ویدئو



امکانات گوناگون ویدئو، تعدادی از فیلمسازان برجسته را به کار با این وسیلهٔ نوظهور کشانده است. به کمک دستگاهی بنام "میکسرویدئو" می‌توان چندین تصویر، نشانه، علامت و رنگ را در هم آمیخت و به نتایج جالب و کم‌نظیری رسید که مشکل می‌توان با فیلم به آنها دست یافت. یکی از امتیازهای کار با ویدئواینست که فیلمساز می‌تواند رنگهای دلخواه‌خود را تنها با کم و زیادکردن فشار چند تکمه بدست آورد آنتونیونی فیلمسازصاحب‌نام ایتالیائی آخرین‌فیلمش "راز اوبروالد" را روی‌ویدئوتیپ تلویزیونی‌ضبط کرده و از امکانات ویدئو در زمینهٔ رنگ بسیار استفاده‌کرده است. فرانسیس فورد کاپولا، سازندهٔ فیلم‌های "پدر خوانده" و "اپوکالیپس‌نو" در مورد اینکه چراتصمیم گرفته برای ساختن یکی ازفیلمهایش از ویدئو استفاده کند می‌گوید: "با سرعتی که ویدئو در ضبط تصویر و مونتاژ از خود نشان می‌دهد، این وسیله، انقلابی را در صنعت سینمای تجاری بوجودخواهد آورد. درمورد طرحی که درنظر دارم باید بگویم که از امکانات‌ویدئو در زمینهٔ بازی با رنگ و صدا، حداکثر استفاده را خواهم کرد و در این فیلم مایه‌های رنگی، سایه و نیم سایه‌هائی بوجود خواهم آورد که نظیرش را هیچ فیلم رنگی و لابراتواری نمی‌تواند ارائه کند. فیلمسازی با ویدئو در چنین وضعی شبیه بازی با گل برای ساختن شکل‌های عجیب و جالب و تماشائی خواهد بود"

تصویر ویدئو روی دیوار

هنری کلاس، مهندس الکترونیک امریکائی که پیشگام یکی ازآخرین نوآوری‌های‌تلویزیونی ــ تاباندن تصویر تلویزیونی برپرده‌های بزرگ ــ بوده است، برگ تازه‌ای رو کرده و تحولی درنمایش خانگی ویدئوبوجود آورده است. اختراع جدید کلاس، که کمپانی کــلاس ویدئو آنرا تولید می‌کند، به دستگاه ویدئو کاست یــا ویدئو دیسک متصل می‌شود و تصویر دقیق و روشنی را به طول یک‌متر و پهنای ۷۰ سانتی‌متر روی دیوارصاف سفید می‌اندازد. اختراع کلاس‌که "نوابیم مدل ۲" نام دارد، کاملا سبک و قابل‌حمل با دست است.



ویدئو جانشین آپارات‌سینما

* شرکت سونی، ژاپن، یک سیستم ویدئوتیــپ جدید ساخته‌است که ممکن است روزی جانشین‌دستگاه نمایش فیلم سینماها شود. این فرآورده که "اچ‌دی وی اس" نام گرفته، نسبت به ویدئوهای معمولی و حتی آن‌دستگاههای ویدئوحرفه‌ای که مورد استفادهٔ ایستگاههای تلویزیونی است، بسیار پیشرفته‌تر است، پهنای نوار ویدئو در این دستگاه یک اینچ وصفحه‌ی نمایش عظیم آن ۱۱۲۵ خط تشکیل‌دهندهٔ تصویــر دارد ــ حال آنکه صفحه‌های تلویزیون معمولی حاوی ۵۲۵ تا ۶۲۵ خط هستند. بنابراین فیلمهائی که با "اچ دی وی اس" به نمایش در می‌آید، مانند فیلمــ هائیکه با آپارات‌تابانده‌می‌شود، روشن و دقیق‌است.

نکاتی دربارهٔ انواع ویدئو وحفظ و نگهداری آنها

"مانابومینو" یک مهندس صاحب صلاحیت ژاپنی در امر مسائل مربوط به ویدئو و تعمیر آن است. او سلسله مسائل ویژه‌ای را جهت چاپ در "سینما در ویدئو" به‌رشته تحریر درآورده که با حفظ و نگهداری ویدئو ارتباط خواهد داشت. در اهمیت این سلسله مطالب، تعریفی نمی‌نویسیم خواهید خواند و قضاوت خواهید کرد.

این نکات را به خاطر بسپارید تا ویدئو و نوار سالم داشته باشید



● قبل از هر چیز باید گفت: قطعات الکترونیکی کوچک که دردستگاه ویدئوبکاررفته چنان ظریف وحساس است که کوچکترین ضربه یابی توجهی ویادستکاری بیهوده لطمه جبران ناپذیری به آن می‌زند. بنابراین هیچوقت فکرنکنیدکه ویدئوهم مثل بقیه وسایل برقی است که بمحض کوچکترین اشکالی پیچ گوشتی را بردارید و به جانش بیفتید وروی آن تمرین مهندسی کنید! کمی صبر کنید! اگراین مقاله وسایرمطالبی راکه در این زمینه برایتان می‌نویسم بادقت و حوصله مطالعه کنید، متوجه خواهیدشدکه‌جلوی بسیاری از اشکالات احتمالی ویدئوی شما گرفته خواهد شدوتازه چنانچه بامشکل نیز برخوردید، بسادگی می توانید تعمیرکار خود باشید.

بایدتوجه‌داشت‌که صنعت ویدئوبسیارجوان ونوپاست و کمتر از ۵۰ سال ازعمر آن میگذرد. دستگاههای ویدئوی خانگی نیز ظرف ۶ سال اخیر وارد بازار شده است.

● ویدئو چیست؟

شما ویدئوی وی.اچ.اس داریدیابتاماکس... ؟ شایدهم دارای یکی ازانواع ویدئوهای وی.سی.آر (گروندیک یافیلیپس) هستیدبهرحال من دراینجا کمی راجع به انواع ویدئوهابرایتان توضیح میدهم تابه میزان ارزش واحتمالا عیوبی که در ویدئویتان هست بیشترپی ببرید.

● نوع امپکس

این سیستم که امروزه درتلویزیونهای بین‌المللی بکار می‌رودوبه امپکس موسوم است حدود ۵۰ سال پیش توسط شرکت‌آمریکائی امپکس اختراع شده، نواربشکل ریل است و۲ اینچ ضخامت دارد. دراین سیستم، تصویر از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است

● ۳/۴ اینچی یوماتیک

این سیستم که به "سمی پروفشینال" یا "یوماتیک" معروف‌است، نه‌کاملا حرفه‌ای و نه‌آماتوری است، نوارآن۳/۴اینچ ضخامت داردوکیفیت‌تصویری در آن خوب است.

● ویدئوی خانگی

ویدئوی‌های خانگی با انواع مارک‌ها و سیستم‌های جور واجور حدود ۶ سال پیش وارد بازار شده و بخاطر آنکه از نظر اقتصادی برای سازنده و مصرف‌کننده‌باصرفه باشد، پهنای نوار را به نیم‌اینچ‌تقلیل داده‌اند. حرکت نوار را در کاست کند کرده‌اند و در نتیجه برطول مدت‌زمان‌ضبط برنامه‌افزوده‌شده است. همین کند چرخیدن نوار در ویدئو باعث شده که در

این نوع ویدئوها از کیفیت خوب و ایده‌آلی برخوردار نباشد.

این نوع ویدئوهای خانگی برحسب نوع نوار و سیستم کار آن بشرح زیر است:

● V.H.S : بطور تقریب ۷۵ درصد مردم دنیااز این سیستم که توسط مهندسین جی. وی. سی ژاپن اختراع شده استفاده می‌کنند. و در حال حاضر نیز فعالیت اکثر شرکت‌های سازنده ازجمله ناسیونال، هیتاچی، آر.سی.آر، تامپسون و آکائی نیز روی این سیستم معطوف شده است و این شاید یکی از عللی باشدکه V.H.S تااین‌حد در دنیا رواج یافته است. این سیستم دارای یک هد بسیار کوچک و ظریف به‌اندازه ۵۰ میلی‌متر است.

از نظر مکانیزم، بسیار محکم و عمر نوار نیز طولانی‌ترازبتاماکس وگروندیک است. از نظر تصویری می‌توان گفت که کیفیت آنچنان فرقی با سایر سیستم های ویدئوی خانگی ندارد.

در سیتم V.H.S نوار ویدئو بشکل حرف M در دیسک هد با سرعت ۲۵ دور در ثانیه در چرخش است و همانطور که در عکس می‌بینیدحرکت نواربشکل حرف M کاملا مشخص است و بآن M tape Leading نیز اطلاق می‌شود.

دراین‌سیستم موقع استفاده ازویدئو فشاربسیار کمی به‌نواروارد می‌شود، بهمین علت عمرنوار طولانی تر شده ونوار جویده نمی‌شود. از نظر اندازه هد هم همانطور که گفته شد از سایر سیستم ها کوچکتر است و دستگاه را می‌توان سبک‌تر و جمع‌وجورتر ساخت.

یک حسن دیگر V.H.S دارابودن‌دستگاهی بسیار ظریف در پخش است که لرزش نوار را تا حد امکان کمترکرده وتصویر از شفافیت بیشتری برخوردار است.

واماسیستم V.H.S بعلت اینکه بشکل‌حرف در دستگاه حرکت می‌کند. موقع برگشت سریع نوار به جلو و عقب ایجاد اشکالاتی می‌کند. مثلا بسرعت نمی‌توان این عمل را انجام داد. شما بایستی ابتدا دگمه Stop را بزنید و سپس چند لحظه‌ای صبرکنید تا نوار به‌حالت اولش برگردد، در حالیکه کارکردن با دکمه‌های بتاماکس بمراتب راحت‌تر از V.H.S است.

● بتاماکس: حدودا ۲۰ درصد مردم دنیاازاین سیستم ویدئوکه‌توسط شرکت سونی اختراع شده‌استفاده می‌کنند. سایرشرکت‌های ژاپنی وآمریکائی که به‌تولید بتاماکس مشغولند در مقایسه با V.H.S در اقلیت هستند و عبارتند از سانیو، A.C.E و فیش آی آم بکا.

"هد" این ویدئوها نیز بسیار ظریف و حساس است ولی سایز آن از V.H.S بزرگتر بوده و به ۷۰ میلی‌متر می‌رسد. از نظر مکانیزم، همانطورکه‌درعکس مشاهده می‌کنید نوار در یک زاویه تقریبا ۱۸۰ درجه بوسیله میله‌ای کشیده شده و دور هد می‌چرخد. با این حساب فشار و کششی که به‌نوار وارد میشودبمراتب بیشتر از سیستم V.H.S است و باعث خط‌خوردگی و چروکیدگی‌هائی در نوار ویدئو می‌شود.

امتیاز برجسته‌ای که بتاماکس دارد این است‌که از نظر کارکردن بسیار راحت‌تر است و شما مانند یک دستگاه ضبط صوت می‌توانید بسرعت نواررا دردستگاه متوقف کنید وآنرا هر طور که می‌خواهید جلو و عقب ببرید.

● سیستم "وی. سی. آر." (V.C.R): این سیستم چند سال قبل با مشارکت شرکت‌گرندویک و فیلیپس ساخته شده که "هد" ۱۰۵ میلی‌متری آن بمراتب‌ازوی.اچ.اس وبتاماکس بزرگتراست. کارکردن با این دستگاه بسیار روان و ساده است‌وکیفیت‌تصویر نیز خوب است. اشکالاتی که در گرندویک و فیلیپس وجود دارد، از نظر مکانیزم دستگاه بیش از اندازه حساس و ظریف است و بیشتر از دستگاههای‌دیگرنوار را می‌جود و پاره می‌کند! دلیل این مشکل، نبودن تنظیم ترمز در ویدئو است که هنگام جلو وعقب‌بودن سریع نوار ایجاد اشکال می‌کند. نبودن تنظیم کشش نوار نیز یکی دیگر از مشکلات این سیستم است.

باید یادآور شد که در حال حاضر تولید ایـن نوع ویدئوتوسط شرکت‌های‌سازنده‌متوقف شده وشرکت گرندویک ویدئوی جدیدی را راهی بازار کرده بنـام "گروندیک ۲۰۰۰" که کاست آن شبیه‌کاست‌های‌صوتی کوچک و دو لبه است و در هر لبه نیز ۴ ساعت برنامه را می‌توان پخش کرد . یعنی هر کاست ۸ساعت‌برنامه پخش‌می‌کند ! این دستگاه درحال حاضر طولانی‌ترین پخش ویدئوی خانگی است که اخیرا به‌ایران نیز وارد شده .

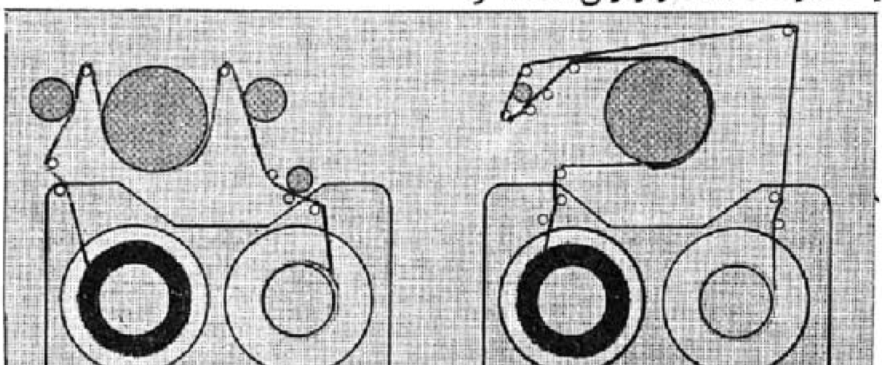
گروندیک ۲۰۰۰ ، تمام اتوماتیک است ، تصویر تراک (پرش) ندارد و به‌نسبت ویدئوهای سابق این شرکت از برتری بیشتری برخوردار می‌باشد .

● **ویدئودیسک :** تازه‌ترین پدیده درعالم‌ویدئو دستگاه جدیدی است که حدود شش ماه قبـل تـوسط شرکت پایونیر اختراع و وارد بازار شد . این پدیـده که به ویدئو دیسک معروف است بجای نوارازیک‌صفحه گرد مانند صفحه گرامافون استفاده می‌شود و تا مدت دو ساعت تصاویر بسیار جالبی در تلویزیون شما بـه نمایش می‌گذارد .

کیفیت تصویری و صوتی در این نوع ویدئوهـا بسیار جالب و در حد برنامه‌های تلویزیونی شفاف و بدون تراک است . صدا بطریقه استریو و Hifi قابل پخش است یعنی در عین حال می‌توانیـد دو بانـد استریو به‌آن وصل کنید و از یک صدای بسیارخوب‌نیز استفاده کنید . چرخش نوار به‌سرعت‌های‌مختلف‌قابل تنظیم‌بوده وعلاوه برتصویر اسلوموشن (حرکت‌آرام) ، از تصاویر سریع و حتی ثابت نیز میتوان‌استفاده‌کرد .

این صفحه دارای کیفیت ساخت بسیار مطلوبی است بطوریکه در شرایط‌طبیعی بهیچ عنوان خـراب نمی‌شود و به ویدئو نیز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد .

باوجودیکه نرخ صفحه در این ویدئوبسیارارزان تمام می‌شود ولی چون امکان تغییـر برنامـه روی آن وجودنداردوتصاویر تلویزیونی رانیزنمی‌توان بوسیله دوربین‌های ویدئو روی آن ضبط‌کرد و از طرف دیگر تولید برنامه‌های تلویزیونی روی این نـوع صفحـات بایستی توسط‌استودیوهای مجهز و گران قیمت صورت پذیرد ، می‌توان نتیجه گرفت که این سیستم ویدئـو لااقل در ایران از اقبال چندانی برخوردار نخواهد شد ، هرچندکه‌شرکت‌های ناسیونال و "جی ، وی ، سی" نیز تا بهار سال‌آینده مدل‌های مختلفی ازاین‌ویدئو را وارد بازار خواهند کرد .



چگونه ازدستگاه ونوار ویدئو نگهداری کنیم

حالا بعد از ذکر تمام این مسائل می‌رسیم به‌اینکه شما اصولا چطور از دستگاه ظریف و گران قیمت ویدئوی خانگی خود استفاده کنید تا به‌میزان بسیار زیادی جلوی خرابی واشکالات احتمالی آن گرفته شود . این که می‌گویم جلوی خرابی را می‌گیرد به‌این علت است که شاید در وهله اول این نکات بنظرتان خیلی ساده بیاید ولی در عین حال بسیار حساس و برای سالم نگاه داشتن ویدئو موثر است .

● محل یا میزی که ویدئو روی آن قرار می‌گیرد باید از همه نظر محکم و حساب شده باشد بقسمی‌که نلرزد و تکان نخورد. چون هر چه این میز محکم‌تر باشد و تکان نخورد، تصویر بهتر خواهد بود و لرزش‌های تصویر کمتر می‌شود.

● حرارت زیادتر از معمول بهمان اندازه برای دستگاه ویدئو خطرناک است که سرما و رطوبت. بنابراین دستگاه ویدئو را هرگز نزدیک سوفاژ و بخاری و یا سایر وسائل گرم‌کننده نگذارید، رطوبت و گردوخاک بلای دیگر ویدئو است. بنابراین بردن ویدئو داخل آشپزخانه و یا در منطقه پر گردوخاک باعث اشکالات زیادی می‌شود.

● چنانچه برای حفاظت از گردوغبار برای دستگاه یک محافظ پلاستیکی یا پارچه‌ای‌تهیه‌کرده‌اید، مواظب مواظب باشیدکه درموقع استفاده حتماً‌آنرا بردارید تا هوای‌آزاد براحتی بتواند از پنجره‌های هواکش برقی در داخل ویدئو جریان پیدا کرده و دستگاه گرم نکند.

● مواظب باشیدکه ویدئو را در جائی که میدان مغناطیسی تولید می‌کندنظیرموتور برق ویا غیره قرار ندهیدچون علاوه بر خراب شدن نوار، دردستگاه ویدئو ایجاداشکال فنی می‌کندکه به تصویروصدا لطمه می‌زند

● ویدئو تلویزیون را هرگز در کنار هم قرار ندهید. بکرات دیده شده که یک دستگاه ویدئو و گیرنده تلویزیون کاملا سالم بوده‌اند ولی در موقع کار تصویر دارای اشکالاتی بوده است، یکی ازاین‌اشکالات بخاطر نزدیکی و تماس ویدئو و گیرنده بوجود آمده، البته چنانچه در روی یک میز شیشه‌ای یا چوبی ویدئو رادرپائین وتلویزیون رادربالا قراردهیداین اشکال رفع خواهد شد.

● چنانچه از ویدئوهای قدیمی نظیر 80 80. استفاده می‌کنیدبایستی حتماسرراه ویدئو یک ترانس‌برق ۲۲۰ بگذاریدچون این دستگاهها برخلاف ویدئوهای جدید، تغییرات برق شهر را نمی‌توانند یکنواخت کنند ودرنتیجه دورموتور مرتب تغییر کرده و دستگاه خراب می‌شود.

● چنانچه شما همه روزه ازویدئویتان استفاده می‌کند، پیشنهادجدی من این است که دستگاه راهر۶ ماه یکبارباید‌گردگیری، روغنکاری‌و تمیز شود تا بخوبی بیش از ده سال بدون هیچگونه عیب و نقصی، سالم و بی‌دردسربرایتان کارکند. بعضی‌هاوقتی برای مدت طولانی ازدستگاهتان استفاده می‌کنند می‌گویند، عجب‌ویدئوی خوبی گیرمان آمده، دو سال است بدون هیچگونه اشکالی کار می‌کند! درحالیکه طی این مدت بوش‌هاومیله‌های ویدئو ساییده شده و برای تعمیر دیر شده‌است!

● بااین‌دستگاه ظریف خیلی باحوصله وآهسته کارکنید. مواظب باشد از جای بلند نیفتد.

● درساختمانهای بزرگ که معمولا دارای فیش‌های برق و آنتن تلویزیون است، مواظب باشید که سیم آنتن را اشتباها به پریز برق نزنید و دستگاهتان را نسوزانید.

● از نظر کاربرد، هد ویدئو که در حقیقت مهمترین دستگاه ویدئوست از دو هزار ساعت بیشتر کارنمی‌کند و بعد از این مدت تصویر با اشکال پخش می‌شود. پس از آن، باید هد را عوض کرد.

● لاستیک و قسمت مکانیزم دستگاه هر ۶ ماه یکبار باید روغنکاری شود.

تسمه‌ها نیز بیشتر از دو هزار ساعت کار نمی‌کند و بعد از این مدت برای بهتر کار کردن بایستی تعویض شود.

● زمستان چنانچه منزل یکی از دوستان و یا آشنایان دعوت دارید و می‌خواهید ویدئوتان را نیز همراه ببرید. مواظب باشید که آنرا از جای گرم به‌فضای سرد نبرید چون در قسمت هد ویدئوایجادبخارمیکندوچنانچه دستگاه را بکار بیندازید نوار کاملا به‌هد می‌چسبد و پاره و چروکیده می‌شود.

در این قبیل موارد لااقل نیمساعت صبر کنید تا دستگاه به‌حرارت عادی برسد.

● در منازلی که از ویدئوهای سانترال استفاده می‌شود "دستگاه پخش‌کننده" نداشته باشید علاوه برآنکه به‌دستگاه ویدئو لطمه می‌زند، تصویر افت پیدا کرده و از کیفیت خوبی نیز برخوردار نخواهد بود. خروجی‌ضعیف می‌شود و تصویر موج می‌اندازد.

● چنانچه قصد دارید تصویر ویدئو را مثلا صدمتر دورتر از دستگاه پخش کنید می‌بایستی‌حتماسر راه دستگاه یک "بوستر" نصب کنید تا تصویر را قوی‌تر و بهتر به‌تلویزیون هدایت کند. معمولا تصاویر از فاصله‌بیش از سی متر چنین اشکالاتی پیدا می‌کند.

● مواظب باشید پریزی را که دو شاخه ویدئو را به‌آن وصل می‌کنید محکم باشد تا در هنگام کار در دستگاه ایجاد جرقه نکند چون بعضی از انواع ویدئوها نظیر T.7 (تی‌سون) در این زمینه بسیار حساسند و کوچکترین جرقه‌ای قسمت برق آن را از کار می‌اندازد.

● موقع استفاده از نوار، درب دستگاه بایستی آهسته باز و بسته شود و نوار نیز با سیستم هیدرولیک از آن بیرون بیاید، بخصوص ویدئوهای ناسیونال، جی.وی.سی و آکائی که در این زمینه بسیار حساسند.

● نگهداری نوار

در زمینه نگهداری نوار نیز موارد مهمی وجود دارد که باید باکمال دقت بآن توجه کرد.

● نوار را تحت هیچ شرایطی در حرارت زیاد و یا جلوی نور خورشید نگهداری نکنید.

● رطوبت و گردوخاک عمر نوار را کم کرده و آنرا بسرعت از کار می‌اندازد.

● نوار در جائی نگهداری کنید که نزدیک میدان مغناطیسی، موتور برق و آهن‌ربا نباشد.

● هرگز نوارها را روی دستگاه ویدئو یا روی بلندگوهای پخش صوت نگذارید چون دستگاه ویدئو میدان مغناطیسی ایجاد می‌کند و نوار ضبط شده را از بین می‌برد!

● چون نوار ویدئو دارای "پودر مگنت" است، بمحض کوچکترین حرارت چسب‌های روی نوار به هدویدئو چسبیده، آنرا کثیف می‌کند و از کار می‌اندازد.

● چنانچه هنگام پخش برنامه بعللی نوار ویدئو پاره شود، بهیچ عنوان سعی نکنید که با چسب‌های‌معمولی آنرا چسبانیده و مجددا در دستگاه قرار دهید. توجه داشته باشید که هد دستگاه ویدئو بسیار حساس است. این هد که از "فلایت" کریستال ساخته شده حتی با یک انگشت می‌شکند، بنابراین چسب زدن شما به نوار ویدئو براحتی هد را خرد کرده و خرج کلانی روی دستتان می‌گذارد!

● در نظر داشته باشید که نوار ویدئو برای خودش چسب مخصوص دارد و چنانچه شما آنرا نزدمتخصص‌ببرید براحتی مشکلتان حل خواهد شد.

● عیب‌شناسی ویدئو

حالا که در زمینه نگهداری و طرز کار ویدئوی منزلتان اطلاعاتی بدست آوردید باید سیستم عیب‌شناسی ویدئو را مورد توجه قرار دهید تا براحتی می‌توانید با مختصر توجه و دقتی بدون آنکه نیازی به متخصص داشته باشید و بدون هیچگونه نگرانی، مشکل را حل کنید. درقسمت بعد، عیب‌شناسی ویدئو بازگو خواهد شد. ■

با همکاری شرکت پم



ویدئو و تبلیغات تلویزیون

● ویدئو و ویدئودیسک میانه‌ای با پخش آگهی‌های تجارتی ندارد ● سازمان‌های تبلیغاتی از ویدئو ضربه خورده‌اند

● ویدئو کاست و ویدئو دیسک ، قرص تلخی است که باید خیلی از تبلیغات‌چی‌ها و بازاریاب‌ها ببلعند ــ این قرص بخصوص در کام کسانی که برای فروش کالاهای مصرفی ارزان تبلیغ می‌کنند ، طعم زهرآگین‌تری دارد . دیگر آن زمانی که تماشاگر تلویزیون ناچار بود برای دیدن فیلم و برنامهٔ مورد علاقه‌ی خود آگهی‌های تجاری‌را نیز اجبارا تماشا کند ، سرآمده است . او به کمک ویدئو ، خود را از شر تبلیغات مزاحم خلاص کرده است .

برخی از کارشناسان معتقدند که صنعت نوپای ویدئو ، سرانجام شیپور مرگ آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیونی را بصدا در خواهد آورد ـ و این به معنای خطری بزرگ برای تولید کنندگانی است که می‌کوشند با تبلیغ فرآورده های نو و کهنه خود بازار مصرف را در چنگ گیرند .

به گفتهٔ دو متخصص آمریکائی ، رابرت ف . هارتلی و تامس ای . مور ، بدترین جنبهٔ دستگاههای ویدئو ، از نظر یک تبلیغاتچی ، اختیار وسیعی است که به بیننده می‌دهد تا چیزی را که می‌خواهد تماشا کند و آزادانه برگزیند . آنها می‌گویند : " خانواده‌ها می‌توانند برنامه‌های دلخواه خود را با ویدئو ضبط و هر آگهی مزاحمی را از لابلای آن پاک کنند . " و این با توجه به تسلط آگهی‌ها بر برنامه‌های تلویزیونی امریکا ، حادثه‌ی مهمی بشمار می‌رود . کمتر فیلم و برنامه‌ای هست که هنگام پخش ، مدام با نمایش آگهی‌های تبلیغاتی قطع نشود و انگشت‌شمار آمریکائیانی هستند که پای تلویزیون ننشینند و حداقل هفته‌ای ده‌بار تبلیغ تکراری (واکثرا ملال‌آور) یک عطر ، شلوار ، یا اتوموبیل بخصوص را نبینند . هارتلی و موی می‌پرسند " آیا حالا وقت آن نرسیده است که کارگزاران تبلیغات در کار خود تجدید نظر کنند ؟ "

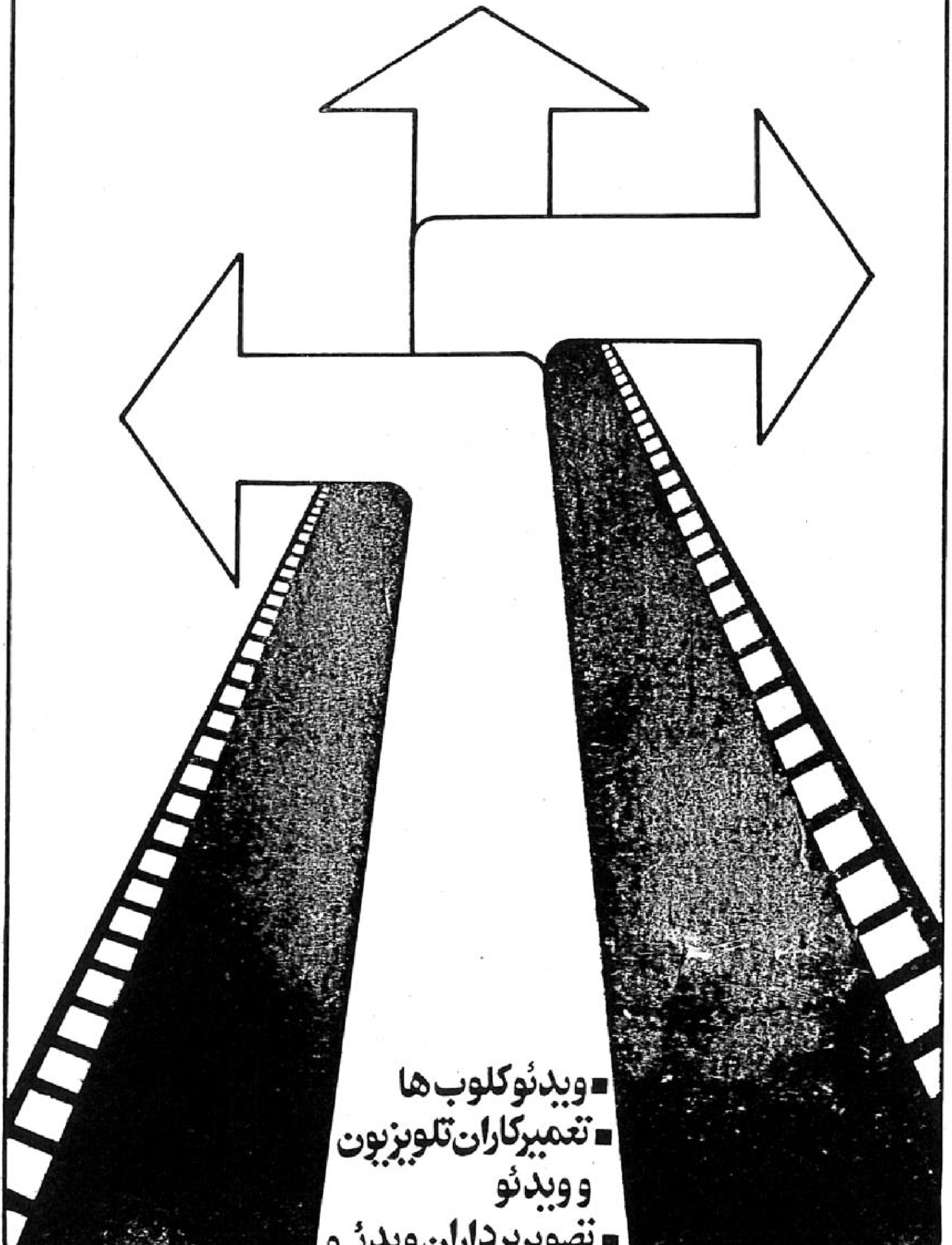
تعداد روزافزون مصرف‌کنندگان ویدئو ، مایه‌ی اصلی نگرانی تبلیغاتچی‌های تلویزیونی است . درحال‌حاضر تقریبا ۳ میلیون خانوادهٔ امریکا دستگاه ویدئوتیپ دارند و تا سال ۱۹۹۰ این رقم احتمالا به ۲۴ میلیون‌خواهد رسید . در انگلستان ، آمارهای موجود گویای آنند که تا پایان سال ۱۹۸۱ شمار خانواده‌هائی که ویدئو خریده‌اند به یک میلیون رسید واین رقم تا سال ۱۹۸۶ خود را به مرز ۵ میلیون می‌رساند . با کاست‌های ویدئو ، بینندگان می‌توانند یا برنامه‌ها را بطور دستی ضبط و آگهی‌ها را پاک کنند ، یا ضبط اتوماتیک را بکار گرفته و هنگام تماشا با فشار دادن تکمه " سرعت زیاد " ، به تندی از آگهی‌ها بگذرند .

ویدئودیسک نیز میانه‌ای با آگهی‌های‌تجاری ندارد و تصور اینکه لابلای فیلم یک ویدئودیسک آگهی‌گذاشته باشند مانند اینست که موسیقی یک صفحه ۳۳ دور ناگهان قطع شود و صدائی برای فلان صابون تبلیغ کند . امروزه ناگهان صدها فیلم و برنامه و شو ، روی صفحه‌های‌ویدئو ضبط شده و کسی که پول بابت خرید آنها می‌دهد ، حاضر نیست تصویر مخل تبلیغاتی را نیز در میان فیلم مورد علاقهٔ خود ببیند . البته تبلیغاتچی‌ها بیکار ننشسته وبه تازگی دست به ابتکار جدیدی زده‌اند . آنها صفحه‌های ویدئوئی را که آگهی تبلیغاتی نیزدارد با قیمت بسیار پائین روانهٔ بازار کرده‌اند ، اما کارشان آنطور که باید نگرفته است .

یکی دیگر از طرحهای خبرگان آگهی ، ساختن برنامه‌های ویدئو تخصصی برای تبلیغ یک کالاست . به این نحو که مثلا دوستداران آشپزی ، ورزش ، گلکاری . . . و کسانی که مبتلا به بیماری‌ها و ناراحتی‌های عمومی هستند می‌توانند با پرداخت پول اندک نوار ویدئوئی را بخرند که راهنمائی‌های لازم را به آنها می‌دهد ، هر چند که‌در همان حال در معرض تبلیغ یک کالای بخصوص قرار می‌گیرند . مثلا در جریان دیدن یک فیلم خوش پرداخت و جذاب دربارهٔ ورزش صبحگاهی به‌آنها گفته می‌شود که حتما از فلان کفش کتانی برای راحتی بیشتر استفاده‌کنند

با اینهمه عده‌ای عقیده دارند که تبلیغاتچی‌ها باید از تلویزیون به مطبوعات و سایر رسانه‌های ارتباطی‌رو آورند . آنها برای نمونه از ماجرای سیگار در امریکا یاد می‌کنند . حدود یازده سال پیش ، تبلیغ سیگار از رادیو و تلویزیون ممنوع اعلام شد و تولیدکنندگان سیگار ناچار شدند ۲۵۰ میلیون دلاری را که هر ساله صرف تبلیغات رادیوئی و تلویزیونی می‌کردند ، در جای دیگر بکار اندازند . مطبوعات و خیابان‌ها واتوبوس‌ها ، پر از تصاویر و پوسترهای سیگار شد و انواع تازهٔ تنباکو و سیگار با تبلیغ وسیع ، مصرف‌کنندگان را ببلعد . اما در مقایسه بایازده سال پیش ، یک‌سئوال مهم وجوددارد : آیا درعصر حکومت روبه‌گسترش ویدئو و انواع و اقسام بازیهای ویدئو ، مطبوعات و آگهی‌های مطبوعاتی هنوز هم اهمیت و کشش پیشین را دارند ؟

بخش چهارم: نشانی و تلفن



- ویدئوکلوب ها
- تعمیرکاران تلویزیون و ویدئو
- تصویربرداران ویدئو

تولید و توزیع کنندگان نوارهای مجاز ویدئو

هایویزیون	بزرگراه آفریقا ـ تقاطع میرداماد ـ شماره ۲۹۹	۲۲۳۳۱۰
راما	مطهری ـ بعد از امیراتابک ـ ساختمان ۱۰۹	۸۳۳۰۹۲
تلسونیک	میرزای شیرازی ـ نرسیده به پل کریمخان ـ شماره ۱۷	۸۳۴۲۶۵ ـ ۸۳۰۹۴۹
حدیث	پیروزی ـ بالاتر از سه‌راه شکوفه ـ شماره ۱۸۷	۳۳۵۸۳۶
تومبا	شریعتی ـ بالاتر از سیدخندان ـ پلاک ۸۷۵	۲۳۱۵۱۲
تی‌ـوی‌ـ تیپ	میرداماد ـ نرسیده به‌میدان‌محسنی ـ ساختمان‌دیسکو ۲۰۰۰ طبقه‌دوم	۲۲۴۶۳ ـ ۲۲۶۴۶۰
روز	سهروردی جنوبی ـ نبش کوچه اسلامی ـ شماره ۲ ـ طبقه اول	۹۳۸۴۵۰
سیما	ملاصدرا ـ خیابان پردیس ـ پلاک ۲۶ ـ طبقه دوم	۶۸۱۷۹۷
تهران	میرداماد ـ میدان محسنی ـ جنب اتومبیل	
کار	پارک ـ خیابان سیزدهم ـ شماره ۲۴	۶۲۵۲۱۹
ویدیوایران (مستر)	بلوار کشاورز ـ جنب فلسطین شمالی ـ خیابان هما ـ روبروی تعمیرگاه بلوار ساختمان شماره ۱/۳۶ ـ طبقه سوم	۶۵۵۷۱۷ ۶۵۴۲۷۱
کامرا	مبارزان ـ مقابل کمپانی ب ـ ام ـ و ـ کوی افشار ـ شماره ۱/۲	۸۳۷۱۷۲ ـ ۸۳۷۱۷۱ ۸۲۰۵۰۰
استارهاوس	دکتر بهشتی ـ بین اندیشه و سهروردی ـ ساختمان ۷۷ ـ طبقه چهارم	۸۴۰۹۰۳
توکی	بزرگراه مدرس ـ تقاطع ولی‌عصر	۲۹۸۸۰۵
فستیوال	ولی‌عصر ـ میدان ونک ـ جنب فروشگاه امیر ـ کوچه لیدا	۶۸۵۳۲۹
گراند (جهان‌نما)	میرداماد ـ میدان محسنی ـ اول فرناز ـ پاساژ میرداماد ـ طبقه ۲ پلاک ۱۴	۲۲۹۴۱۴
ویدئو سپید (سیتی)	میرداماد ـ نرسیده به ولی‌عصر ـ پلاک ۳۴۵ ـ طبقه‌سوم	
ویدئو پیک	ولی‌عصر ـ ابتدای فاطمی ـ ساختمان ۲۹ ـ طبقه‌ششم	
ویدئو سپید (فستیوال)	ولی‌عصر ـ ابتدای فاطمی ـ ساختمان ۲۹ ـ طبقه اول	۶۲۲۶۹۳
ویدئوگاندی (اف. پی. آی)	گاندی ـ نرسیده به‌میدان ونک ـ ساختمان ۷۲ ـ طبقه‌دوم	
ویدئو مرکزی	میرداماد ـ کوچه آزیتا ـ طبقه دوم	
ویدئو ممتاز (مگنت)	میرداماد ـ بعد از شهید زمانی ـ ساختمان ۹۹ ـ طبقه اول	۲۲۷۳۲۰
ویدئو سکام	میرزای شیرزای ـ پلاک ۵۵ ـ ساختمان ۴۷	۸۲۲۸۷۴
ویدئو مایا	دکتر بهشتی ـ میدان تختی ـ روبروی ارشاد اسلامی	۸۴۱۶۶۸ ـ ۸۴۱۷۶۸
بازرگانی ملکی	جمهوری ـ بین جمشیدآباد و پیروز ـ پلاک ۵۰۲	
استریو ۲۰۰۰	میرداماد ـ میدان محسنی	۲۲۶۴۶۹

ویدئوکلوبها	آدرس	تلفن
اودیوویژال	بزرگراه آفریقا ـ بالاتر از بلوار ناهید ـ شماره ۷۴	۲۲۵۵۶۷
ویدئو پدرا	میدان فردوسی ـ اول خیابان فردوسی	۶۷۸۲۵۳ ـ ۶۷۵۶۳۱
ویدئو تایم	مبارزان ـ کوچه اردلان ـ نبش حمید ـ پلاک ۲۱	۸۲۳۹۳۹
ویدئونک	بزرگراه آفریقا ـ نبش گلشهر ـ ساختمان ۱۲۵	۲۲۲۵۴۳
ویدئو تصویر	کرج ـ رجایی‌شهر (گوهردشت سابق) بلوار ورودی	۳۶۰۳
تهران الکترونیک	میرداماد ـ ضلع شمالی ـ ساختمان ۱۴۹ ـ طبقه دوم	۲۶۹۳۳۰
تله‌فیلم	مطهری ـ امیراتابک ـ نبش خیابان نوری اسفندیاری ـ پلاک ۸	۸۳۵۷۷۹
ویدئو جردن	بزرگراه آفریقا ـ نبش گلشهر ـ ساختمان ترژر ـ آسانسور دوم ـ طبقه چهارم	۲۲۲۴۵۸
دنیای ویدئو	ایرانشهر ـ چهارراه سمیه ـ پلاک ۱۰۵	
ویدئو سایت	ایرانشهرشمالی ـ جنب شهرداری‌مرکزی سابق ـ ساختمان ۱۴۰ ـ پلاک۹ طبقه۲	۸۲۳۴۷۹ ۸۲۵۳۹۸ ـ ۸۲۸۷۰۳
سیمای عالی‌قاپو	ولی‌عصر ـ ابتدای بزرگراه مدرس ـ پلاک ۲۰	
ویدئو سامی	خیابان ونک ـ خیابان شیراز ـ شماره ۷۷	
رویال ویدئو	میرداماد ـ نبش مدرس ـ شماره ۲۸۱ ـ طبقه ۴	۲۲۴۲۶۵
ویدئو سلام	حافظ ـ چهارراه یوسف‌آباد ـ پاساژ حافظ ـ شماره ۵۴	۶۷۰۸۷۱
ویدئو شارمان	ابتدای گاندی ـ جنب شبکه ۲ تلویزیون ـ خیابان ۳۹	۶۸۴۹۱۶
ویدئو شقایق	هفتم تیر ـ بهار شیراز ـ جنب دفتر پست‌بین‌المللی ـ ساختمان ۱۸ شماره ۵	۸۳۹۴۹۸
شرکت مهندسی پال‌سکام ایران	مصدق، ابتدای بزرگراه مدرس ـ شماره ۲۰	۲۹۴۵۸۱
ویدئوژوئیل	میرداماد ـ جنب میدان محسنی ـ اول خیابان فرناز ـ ساختمان۵ ـ طبقه‌دوم	۲۹۲۲۱۷ ۲۹۶۶۴۵
گلوبال ویدئو	خیابان پارک ـ کوی هشتم ـ شماره ۱۸	۶۲۱۲۳۲ ـ ۶۲۴۲۴۷
گلوبال‌پان‌ویدئو	خیابان پارک ـ کوی هشتم ـ شماره ۱۸	۶۲۲۱۳۲ ـ ۶۲۴۲۴۷
ویدئو مهر	مطهری ـ روبروی سنایی ـ پلاک ۲۸۱ ـ طبقه ۳	۶۲۰۰۱۹
ویدئو مهرداد	جمهوری اسلامی ـ مقابل شانزه‌لیزه ـ پاساژ جمهوری	۶۶۳۳۷۵
ویدئو هالیوود	ظفر ـ نرسیده به ولی‌عصر ـ شماره ۳۲۶ ـ طبقه دوم	۲۲۰۰۲۶ ـ ۲۲۰۰۲۵
ویدئو هما	گیشا ـ خیابان بلوچستان شماره ۳۴	۶۳۶۹۲۹
ویدئو پریسا	فاطمی ـ روبروی سه‌راه کاج ـ جنب بانک سپه طبقه‌اول	۶۵۱۲۸۳
ویدئو سکام	دکتر بهشتی ـ چهارراه اندیشه ـ شماره ۳۶ ـ طبقه‌دوم	۸۵۱۸۰۵
ویدئو سمیرا	آزادی ـ مابین چهارراه خوش و پپسی‌کولا ـ نبش کوچه مسجد علی پلاک ۵۲	۹۵۷۶۸۰
ویدئو آرارات	میرزای شیرازی ـ پلاک ۵۵ ـ ساختمان ۴۷ ـ طبقه سوم	۸۲۲۸۷۴
ویدئو کلوب فان	پارک (وزراء سابق) ـ خیابان ششم ـ پلاک ۲	۶۲۷۰۴۱ ـ ۶۲۱۰۴۸
ویدئوبتاماکسوی .اچ .اس نیکوران	پارک ـ نرسیده به گاندی ـ نبش خیابان ۳۵ ـ پلاک۱۵۵	۶۸۲۶۸۳

ویدئوکلوبها	آدرس	
ویدئو تاپ ۷۰۰	آفریقا ـ نرسیده به‌سه‌راه‌جهان کودک ـ کوی‌سپهر ـ شماره ۱۱	۶۸۲۴۹۷
ویدئو ساعی	ولی‌عصر ـ انتهای پارک ساعی ـ روبروی داروخانه‌پارس ـ کوچه فرحبد	
ویدئو پارامونت	ولی‌عصر ، نبش چهارراه‌طالقانی ـ پلاک ۵۲۵ ساختمان گلستان	
گالری‌صوتی‌حمید	کارگرشمالی ـ نبش ۴۵متری‌شهیدگمنام ، مقابل‌دانشکده اقتصاد	۶۳۷۸۰۷
ویدئوتب	خردمند شمالی ـ نبش کوچه دی ، ساختمان ۱۱۹	۸۳۹۶۲۱
ویدئو محمد	انقلاب ، روبروی فرصت ، ساختمان آفاق ، طبقه دوم ، پلاک ۷	۳۹۱۰۸۹
ویدئوچشم‌انداز	سهروردی جنوبی ، تقاطع ابرار پلاک ۶	۸۴۴۸۴۵
ویدئوتی ، وی ، سی	فاطمی ، میدان فاطمی ، شماره ۶۴	۶۵۹۳۰۱ ـ ۶۵۹۳۰۲
ویدئو مجید	ظفر بین مدرس و آفریقا ـ پلاک ۲۶۶	۲۲۳۴۰۹
ویدئو پاپ ۲۰۰۰	میدان‌فاطمی ـ روبروی‌بیمارستان‌سجاد ـ ساختمان‌پزشکان طبقه اول	۸۹۵۷۵۶
ویدئو پدرام	خیابان بهار ـ پلاک ۹۳	
ویدئو تماشا	میدان گمرگ ـ نبش خیابان کارگر ـ پلاک ۱۶۴۸	
ویدئو فرشته	افریقا ـ خیابان فرشته ـ خیابان تختی ـ جنب کوچه نصیبی .	
ویدئو تاپ	کریمخان‌زند ـ بین خردمند و ایرانشهر ـ پلاک ۱۵۴	
ویدئو گالری ایران	ولی عصر ـ ایستگاه امامیه ـ سه‌راه هتل استقلال ـ پاساژ طاهر	
ویدئو پویا	میدان توحید ـ اول ستارخان ـ کوچه فروردین ـ پلاک ۱۲	
ویدئو سحر	تهرانپارس ـ خیابان پرستو شمالی ـ نبش خیابان ۱۶۴	
ویدئو گالری تب	خردمند شمالی ـ بنش کوچه دی ـ ساختمان ۱۱۹ ـ طبقه اول	
ویدئو ژرژ	نارمک ـ خیابان پدرثانی ـ پلاک ۲۶	
ویدئو یاد	میدان آفریقا ـ خیابان الوند ـ شماره ۶ ـ طبقه اول	
ویدئو هومن	سی‌متری نارمک ـ ایستگاه بیمه ـ جنب تعمیرگاه پیمان شهره .	
ویدئو کلوب چهره	آپادانا ـ روبروی دراگ‌استور تبریزی ـ پلاک ۱۲۵	
ویدئو کلوب ثابت	خیابان امیراتابک ـ چهارراه دیبا ـ پلاک ۲۹	
ویدئو آپارات کوچاک	میدان گمرگ ـ اول قلمستان ـ پلاک ۳۰	
ویدئو ناصر	میدان گمرگ ـ جنب نمایندگی تویوتا	
ویدئو سرا	نارمک ـ چهارراه تلفنخانه ـ میدان ۴۹ ـ کوچه امید ـ پلاک ۴	
ویدئو کینگز	زیباشهر ـ بلوک ۲۹ ـ شماره ۷۶۷	
ویدئو پروشات	چهارراه‌قصر ـ اول دکتر بهشتی ـ نرسیده به اندیشه ـ پلاک ۳۰	
ویدئو تهرانپارس	اول تهرانپارس ـ خیابان ۱۰۵ ـ نبش ۱۰۸	
ویدئو عرب	میدان انقلاب ـ اول کارگر ـ دست‌چپ ـ پاساژ البرز ـ طبقه دوم ـ شماره ۷۰	
ویدئو تکنیک	تهرانپارس ـ فلکه اول ـ ابتدای خیابان ۱۴۴ غربی	
ویدئو آمیس ۲۰۰۰	جمهوری اسلامی ـ چهارراه پیروز ـ ساختمان‌بهار	
هیدو ویدئو	سه‌راه‌جمهوری اسلامی ـ روبروی سینما آسیا ـ پلاک ۱۴ ـ طبقه‌سوم	

ویدئوکلوبها	آدرس
شهرک ستارگان	شهرک‌غرب ـ فازیک ـ پلاک ۳۲۱
ویدئو کلوب سایه	خیابان ستارخان ـ اول نمازی سوم ـ ساختمان شماره ۵
ویدئو پریسا	بزرگراه مدرس ـ چهارراه زهره ـ پلاک ۲۴
ویدئو شبنم	خیابان فرانسه ـ خیابان رازی ـ چهارراه بیدی ـ ساختمان ۴۵
ویدئو کلوب شهرک	شهرک فرحزاد ـ خیابان ایران زمین ـ بازارچه ـ فروشگاه بزرگ شهرک
ویدئو گیلان	نارمک ـ انتهای خیابان گلستان ـ جنب‌رودخانه ـ پلاک ۷۲ ـ طبقه‌سوم
ویدئو صدا تصویر	آزادی ـ نبش نواب صفوی ـ آپارتمان شماره ۲۴۸ ـ طبقه‌اول
ویدئو کلوب نسیم	میدان دکتر فاطمی ـ خیابان شهید گمنام ـ پلاک ۲۱
ویدئو عظیمی	لاله‌زار ـ جنب تاتر پارس ـ پلاک ۲۲۸
ویدئو کلوب طیف	گاندی ـ ساختمان شماره۷۲ ـ طبقه چهارم ـ پلاک ۱۱
ویدئو غزل	انتهای سهروردی شمالی ـ جنب پل سیدخندان ـ خیابان برازنده ـ شماره۱۲
ویدئو ماندالا	خیابان خواجه‌نصیرطوسی ـ نرسیده به میدان سپاه
ویدئو سالار	میرداماد ـ نبش خیابان کجود ـ شماره۲۲۷
ویدئو ۱۷	کارگر شمالی ـ خیابان ۱۷ ـ پلاک ۷۴ ـ طبقه اول
ویدئو اسکار	بهارستان ـ بالاتر از سه راه شهدا ـ مقابل تالار
ویدئو کلوب آزاده	سیدخندان ـ خواجه عبدالله انصاری ـ خیابان‌بیستون ایران‌مدائن
ونک تصویر	گاندی ـ خیابان ۲۵ ـ طبقه سوم ـ پلاک ۳
ویدئو کلوب ادیووژوال	تهرانپارس ـ زیر فلکه سوم ـ بین خیابان ۱۹۰ شرقی و ۱۹۲
ویدئو کلوب فگا	ستارخان ـ دریان‌نو ـ خیابان نهم ـ پلاک ۱۰
ویدئو کوچک	خیابان فرانسه ـ روبروی بیمارستان امید ـ پلاک ۷۲
ویدئو پیشرو	جمهوری اسلامی ـ خیابان فلسطین جنوبی ـ کوچه سیمرغ ـ پلاک۱/۳۵
ویدئو اطلس	میرداماد ـ خیابان اطلسی ـ شماره ۱۰
ویدئو سامی ۳	نارمک ـ ۴۶ متری شرقی ـ خیابان دردشت جنب خیابان ۵۰
ویدئو چارلی	نارمک ـ خیابان سمنگان ـ پلاک ۲۱ منطقه پستی ۱۶
ویدئو گلستان	پیروزی ـ مقابل خیابان همایونشهر ـ خانه زرد
ویدئو استاد	مطهری ـ خیابان میرعماد ـ کوچه‌ششم پلاک ۱ + ۲
ویدئو حامد	خیابان پیروزی ـ بالاتر از چهارراه کوکاکولا ، ایستگاه بانک ـ غرفه‌کویتی‌ها
ویدئو شهرنمایش	خیابان پیروزی ـ بالاتر از چهارراه کوکاکولا ، ایستگاه بانک ـ غرفه کویتی‌ها
ویدئوکلوب نغمه	نیاوران ـ ایستگاه خوزستان ـ پلاک ۳۰۲
ویدئو پاشا	پاسداران ـ بوستان ۹ ـ چهارراه اول ـ ساختمان شماره ۱۵
ویدئو ارومیه	خیابان نواب جنوبی ـ بین اناری و خاکبار پلاک ۵۵۷
ویدئو کلوب صبا	خیابان رازی شمالی ـ بالاتر از فرانسه ـ ساختمان ۶۹ ـ طبقه‌دوم
ویدئو ناب‌تیک	نارمک ـ سمنگان ـ پائین مسجدجامع ـ مقابل خیابان فردین ـ جنب‌جویبار

ویدئوکلوبها	آدرس
ویدئو نابغه	خیابان پیروزی ـ خیابان همایون ـ بوستان یک
ویدئو پلنگ‌صورتی	خیابان ۱۷شهریور ـ ایستگاه ورزشگاه ـ جنب‌چلوکبابی جوان
کلوب قادری	کارگر شمالی ـ خیابان بیستم ـ پلاک ۱۹ ـ طبقه اول
ویدئو گلبر	سیدخندان ـ پلاک ۳۶
ویدئومان	خیابان باهنر ـ بین خیابان هفتم و هشتم
ویدئو تماشا	خیابان بهجت‌آباد ـ خیابان آبان جنوبی ـ نبش خبیر و رودسر ـ پلاک۹۸
پاپ استریو ۱	ولی عصر ـ مقابل فروشگاه قدس ـ پلاک ۱۴۱۴
سینمویدئو	ایرانشهر شمالی ـ نبش آذرشهر ـ ساختمان ۲۳۴ ـ طبقه۵
آرین ویدئو	جمهوری اسلامی ـ بین‌ولی‌عصر و شیخ‌هادی ـ ساختمان۴۸ طبقه‌چهارم شماره۱۲
ویدئو انوش	کارگرشمالی ـ نبش فاطمی ـ روبروی مهندسی ارتش ـ پلاک ۲۱۹ ـ طبقه دوم
ویدئو نام‌روان	سهروردی شمالی ـ بالاتر از چهارراه بهشتی ـ ساختمان شماره ۳ طبقه دوم
فروشگاه ۱۱۰	بهارستان ـ بالاتر از سه‌راه‌شهدا ـ جنب تالار ستاره
ویدئو سالومه	خواجه‌نصیرطوسی ـ پلاک ۳۱۶
ویدئو اـ وی‌ـا	دکتر مفتح ـ بالاتر از سنما دیاموند ـ نبش بن‌بست رضوی پلاک۵
ویدئو آشیل	نجات‌الهی ـ کوچه سلمان‌پاک ـ ساختمان شماره ۳ ـ طبقه‌چهارم
ویدئو تصویر	پاسداران ـ مقابل موسسه علوم بانکی ـ شماره ۱۷۲
پارس سرویس‌ویدئو	جمهوری اسلامی ـ چهارراه‌یوسف‌آباد ـ مقابل کوچه لاله ـ کوچه رم ـ پلاک۴
ایران‌فیلم	خیابان بهشتی ـ آپادانا ـ خیابان نیلوفر ـ کوچه چهارم ـ پلاک۴۰
ویدئو کلوب‌درویش	خیابان بهبودی ـ نرسیده به ستارخان ـ شماره ۳۲۷
ویدئولانگ‌پیر	خیابان دردشت ـ پلاک ۵۰
ویدئوپالی	خیابان میرداماد ـ شماره ۲۸۲
ویدئو کلوب شیوا	میدان آفریقا ـ خیابان بیهقی ـ کوچه ۱۲شرقی ـ پلاک ۳۸
ویدئو کارین	مطهری ـ بین میرزای شیرازی و سنایی ـ طبقه اول
ویدئو سپیده	بی‌سیم نجف‌آباد ـ نرسیده به ایستگاه مجد ـ پلاک ۱
ویدئو کلوب ساعی	ولی عصر ـ بالاتر از پارک ساعی ـ نبش خیابان ۳۲ ـ پلاک۷
ویدئوگرین‌پارک	پاسداران ـ خیابان اختیاریه ـ خیابان داور.
ویدئو کلوب واریته	خیابان پارک ـ خیابان پنجم ـ شماره ۳۳
ویدئو ۵۵۵	خیابان فاطمی ـ ساختمان تهران ـ شماره ۶۴۰
ویدئو آبان	خیابان آبان‌جنوبی ـ پلاک ۶۰ ـ طبقه‌سوم شماره ۵
ویدئو چشمگیر	سهروردی شمالی ـ خیابان ابن‌یمین ـ شماره ۲۰ ـ طبقه۲
ویدئو نوگرا	میدان تجریش ـ سرپل تجریش ـ اول خیابان شهرداری ـ طبقه‌سوم
سازمان تله‌فیلم	کریمخان‌زند ـ روبروی خیابان مدیری پلاک ۱۱۶
ویدئومایا	خیابان بهشتی ـ چهارراه‌مهناز ـ روبروی ارشاد اسلامی ـ شماره۲۴۸۰

ویدئوکلوبها	آدرس	
ویدئو جاز	خیابان ۱۷شهریور ـ بیست‌متری منصور ـ شماره ۳۸۲	
کلید ویدئو	شریعتی ـ نرسیده به پمپ‌بنزین تجریش ـ خیابان صالح	
استار ویدئو	شریعتی ـ پل رومی ـ مقابل قیطریه ـ پلاک ۱۰۷۷	
ویدئو فیلم‌وارتن	خیابان جمالزاده ـ شماره ۸۷	
ویدئو پایا	ولی‌عصر ـ پائین‌تر از سه‌راه‌جمهوری ـ جنب سینما شهرقشنگ	
ویدئو ناز	خیابان سهروردی شمالی ـ کوچه کورش ـ پلاک ۶۱ ـ طبقه اول	
ویدئو پارس	خیابان پیروزی ـ نبش درمانگاه تهرانپارس ـ خیابان ابوریحان	
ویدئو پورسانت	پاسداران ـ روبروی گلستان هفتم ـ ساختمان ۱۱۰ ـ شماره۵	
ماکروویدئو	بین محمودیه و زعفرانیه ـ ایستگاه پسیان ـ طبقه فوقانی ساختمان ۱۴	
تکنوالکترونیک	بهشتی ـ چهارراه پاشا ـ خیابان میترا ـ شماره ۲۲	
ویدئو کامیاب	نارمک ـ دردشت ـ کامیاب شرقی ـ شماره ۳۱ و ۳۳	
ویدئو امیر	سهروردی جنوبی ـ بالاتر از پمپ‌بنزین ـ ساختمان ۱۱۰	
ویدئو خشایار	آریاشهر ـ فلکه اول ـ گلناز جنوبی ـ پلاک ۵۴	
ویدئو بیدادایران	نیاوران ـ سه‌راه یاسر ـ خیابان روشن ـ خیابان ارغوان ـ خیابان‌کوهستان ۲	
شرکت کوشا	جمهوری اسلامی ـ بین خیابان‌فخررازی و دانشگاه	
ویدئو برگ سبز	مطهری بعد از امیراتابک ـ پلاک ۱۶۰	۸۳۵۳۳۰
هایت‌ویدئو	میدان آرژانتین ـ اول بیهقی ـ پلاک ۷	۶۲۱۰۲۵
ویدئو پارامونت	ولی‌عصر ـ روبروی دو راهی یوسف‌آباد ـ پلاک۸۴۹	۸۹۰۴۹۲
ویدئو بیالیک	گیشا ـ پلاک ۱۶۲	۶۳۶۲۰۴
ویدئو کلوب‌ساقه (سوپراستار)	شریعتی ـ پل رومی ـ جنب رستوران ساقی	۲۶۳۰۰۷
ویدئو پلنگ‌صورتی	خیابان میرزای شیرازی ـ مقابل پمپ‌بنزین ـ شماره ۱۷۶	۸۹۱۶۹۳
ویدئو ویژن	ولی‌عصر ـ بین پارک ساعی و میدان ونک ـ جنب کوچه شیروان ـ پلاک ۱۲۰۸	۶۸۱۴۷۵
ویدئو آبرون	ولی‌عصر ـ خیابان توانیر ـ جنب سالن قصرشیرین ـ شماره ۲۲ طبقه سوم	۶۸۲۴۱۳
ویدئو هاپو	میدان ونک ـ ملاصدرا ـ خیابان شیراز شمالی ـ روبروی چلوکبابی رویال ونک	
ویدئو رولند	خیابان دکتربهشتی ـ جنب سینما آزادی (شهرفرنگ)	۶۳۷۶۵۶
ویدئو داریوش	گاندی ـ خیابان هفتم ـ ساختمان ۲۳	
ویدئو کلوب ۴۳	میدان‌ونک ـ خیابان‌جهان کودک ـ پلاک ۴۳ ـ طبقه همکف	۶۸۱۴۹۰
ویدئو پرنیان	کارگر شمالی ـ نرسیده به پمپ‌بنزین ـ جنب داروخانه امیر آباد ـ شماره ۳۳۴	۹۳۴۱۷۸

فیلمبرداران ویدئو و سوپرهشت

دنیای ویدئو	ایرانشهر ــ چهارراه سمیه ــ پلاک ۱۰۵ ــ طبقه چهارم	۸۲۴۷۱۷ ــ ۸۳۳۷۹۸
ویدئو سامی	ونک ــ ملاصدرا ــ شیراز جنوبی ــ مجتمع سامان ۲	۶۸۸۳۹۰ ــ ۶۸۸۳۹۱
ویدئو پدرا	میدان فردوسی ــ اول خیابان فردوسی ــ پلاک ۱ طبقه آخر	۶۷۸۲۵۳ ــ ۶۷۵۶۳۱
ویدئوژوئل	میرداماد ــ جنوب میدان محسنی ــ اول فرناز ــ ساختمان میرداماد طبقه ۲ ــ شماره ۹	۲۹۶۶۴۵ ــ ۲۹۲۲۱۷
ویدئو اربونی	میدان هفتم تیر ــ کوچه مانی ــ پلاک ۹۸ ــ طبقه اول	۸۳۹۲۰۱
ویدئو پاسارگاد	پاسداران ــ نبش نگارستان ششم	۲۳۳۹۸۱
ویدئو تایم	مبارزان ــ کوچه اردلان ــ نبش حمید ــ پلاک ۲۱	۸۲۳۹۳۹
ویدئوسانی	خیابان ونک ــ خیابان شیراز ــ شماره ۷۷	
استریواودیوویژوال	بزرگراه آفریقا ــ بالاتر از بلوار ناهید ــ شماره ۷۴	۲۲۵۵۶۷
ویدئوتصویر	کرج ــ رجائی شهر (گوهردشت) ــ بلوار ورودی	۳۶۰۳
ویدئو توکی	تقاطع مدرس و ولی عصر ــ مقابل پارکینگ فروشگاه قدس ــ پلاک ۱۸	۲۹۸۸۰۵
ویدئو تک	آفریقا ــ نبش گلشهر ــ ساختمان ۱۲۵	۲۲۲۵۴۳
ویدئو نگاه	کرج ــ خیابان قزوین ــ اول خیابان بیمارستان کمالی	۴۱۱۷
ویدئو سلام	جمهوری ــ چهارراه یوسف آباد ــ پاساژ حافظ ــ شماره ۵۴	۶۷۰۸۷۱
ویدئو خسرو	شریعتی ــ بعد از میرداماد ــ شماره ۱۲۷۰	۲۹۶۶۸۱
ویدئو تله	مطهری ــ امیراتابک ــ نبش خیابان نوری اسفند یاری	۸۳۵۷۷۹
ویدئو پال	میرزای شیرازی ــ ساختمان ۸۳ ــ طبقه سوم	۸۳۲۳۷۰
ویدئو مارکت	ولی عصر ــ ابتدای دکتر فاطمی ــ ساختمان ۲۹	۶۲۷۵۴۱
ویدئو پرنیان	کارگر شمالی ــ جنب داروخانه امیرآباد ــ شماره ۳۳۴	۹۳۴۱۷۸
ویدئو صدا تصویر	آزادی ــ نبش نواب صفوی ــ پلاک ۲۴۸	۹۲۹۱۹۴
ویدئو حامد	پیروزی ــ مقابل خیابان پنجم هوایی ــ خیابان گلستان ــ پلاک ۸	
ویدئو کلوب تب	نبش کوچه دی ــ ساختمان ۱۱۹	۸۳۹۶۲۱

تعمیرکاران وسائل صوتی و تصویری

خیابان آزادی بلوار استاد معین مقابل شرکت ایران سپند
خیابان ۴۶ متری نارمک خیابان بحرین شماره ۲۹۰
خیابان دکترعلی شریعتی قلهک روبروی مسجد شماره ۷۱۸
خیابان عباسی جنوبی خیابان جوادیه نبش جعفری
خیابان منوچهری نرسیده به چهارراه سیدعلی شماره ۹
انتهای خیابان کارگر (امیرآباد) نبش خیابان داور ــ ۲۱۶۹۷۲
انتهای خیابان مبارزان ــ شماره ۴۸۵
خیابان شکوفه جنب داروخانه شماره ۴/۱۴۵
خیابان نیروی هوایی سی‌متری وثوق شماره ۱/۲۷ ــ ۷۹۰۴۱۸
خیابان دکتر علی شریعتی ایستگاه باغ صبا شماره ۸۱۱ ــ ۷۵۴۴۱۹
خیابان ری کوچه آبشار شماره ۴۴/۴۶ ــ ۳۵۴۴۴۲
خیابان شمیران مقصود بیک چهارراه ثقفی ــ ۲۷۰۰۸۵
خیابان دکتر علی شریعتی مقابل دادرسی قصر شماره ۹۵۶
نارمک فلکه پست و تلگراف ضلع شمالی میدان
خیابان جمشیدآباد (جمالزاده) شمالی جنب شیشه صادق ــ ۹۳۵۰۳۶
خیابان امامزاده حسن میدان جلیلی کوی مهناز شماره ۵۲۴ ــ ۵۴۹۳۷۶
خیابان امام خمینی بین خوش و قصرالدشت جنب کوچه احسانی
نازی‌آباد خیابان مداین شماره ۵/۱۳۲
کن خیابان لادن شماره ۱۳۴ ــ ۹۴۵۷۲۰
خیابان ساسان شماره ۱۴۰ ــ ۹۲۳۵۴۴
نارمک ۳۰ متری گلستان شماره ۲۶
خیابان دولت تعمیرگاه دولت ــ ۲۶۳۲۶۲
خیابان خیام شمالی انبار معیر شماره ۷۳
خیابان شاهرخ سمراه اکبرآباد شماره ۴۴ ــ ۹۵۳۱۱۲
خیابان نظام‌آباد جنب خیابان آبان شماره ۶۶۶ ــ ۸۵۴۷۹۴
میدان تجریش جنب شرکت برق ــ ۲۷۳۲۷۷
خیابان جمهوری خیابان پیروز شماره ۱/۵۷ ــ ۹۲۹۷۶۷ ۹۲۹۷۶۷
شهرآرا مقابل درب غربی پارک شهر شماره ۹ ــ ۹۷۲۱۱۰
خیابان ری دو راهی مهندسی شماره ۸۶۱
خیابان نواب صفوی بین گلکار و مرتضوی شماره ۱۰۰۵ ــ ۹۶۵۱۳۸
پشت شهرداری پاساژ مطیعی شماره ۹۹
خیابان آذربایجان بعداز کارون شماره ۱۰۶۰ ــ ۹۶۳۱۰۵
خیابان ولی‌عصر بعد از چهارراه جمهوری کوچه لقمان ادهم ــ ۶۴۶۳۷۹
خیابان سپهبدقرنی نرسیده به بلوار کریمخان شماره ۲۲۵ ــ ۸۲۲۵۴۶
خیابان بهار شیراز روبروی سهروردی شماره ۱۷۸ ــ ۷۵۵۲۵۵
خیابان انقلاب چهارراه کالج کوچه سرشار شماره ۵
خیابان هاشمی بین جیحون و ۱۲ متری شماره ۶۸۰
خیابان آزادی خیابان کاوه شماره ۱۵۱
خیابان اختیاریه جنوبی شماره ۶۳
انتهای ۱۷ شهریور (شهباز) جنوبی خیابان ولی‌عصر شماره ۱۴۳
خیابان دکتر فاطمی خیابان کاج جنب ۱۲ متری شماره ۱۳۲
خیابان تهران‌ویلا شرق پارک خیابان بنفشه از شهرآرا شماره ۱۰ ــ ۹۷۸۲۳۵
نارمک خیابان مدائن نرسیده به جویبار شماره ۳۶
خیابان فلاح شماره ۴۵ پیروزی (فرحآباد ژاله) ۲۴۳۴۸۵
خیابان سلیمانیه انتهای شیر و خورشید شماره ۳۶
خیابان انقلاب میدان فردوسی نبش میدان
خیابان دامپزشکی نرسیده به رودخانه شماره ۸۷۰ ــ ۹۵۷۹۶۰
خیابان کارون بعد از زاویه شماره ۴۵۲ ــ ۹۵۸۴۷۵

۳۰ متری نارمک ایستگاه دفتر شماره ۴۰۳
خیابان صفا بین ایرانمهر و اقبال ــ ۳۴۰۵۲۵
خیابان دکترعلی‌شریعتی چهارراه اسدی خیابان بوعلی حقیقت اول ــ ۸۵۲۳۵۷ ــ ۲۷۲۴۴۰
خیابان مالکاشتر چهارراه گلی شماره ۲/۶۵۴
مهرآباد خیابان نریمان شماره ۷۵ ــ ۳۰۱۴۶۸
پشت شهرداری پاساژ فتوت طبقه سوم رادیو آهنگ
خیابان نواب صفوی چهارراه گلکار شماره ۱۲۲۶
مجیدیه ۱۶متری‌دوم نبش‌کوچه‌ششم شماره۶۹۵ ــ۸۵۴۸۷۲
نارمک خیابان مدائن جنب گرمابه مداین
خیابان‌دیبا چهارراه امیراتابک شماره ۴۷
تجریش اول خیابان ولی‌عصر شماره ۶۴
سی‌متری جی ۱۳ حاجیان مقابل دبستان دخترانه زندی رودکی شمالی شماره ۱۳۰۳
پشت شهرداری پاساژ ناظم‌پور طبقه سوم
امیریه چهارراه امین‌السلطان جنب کوچه حسابی
انتهای قصرالدشت شماره ۶
آذربایجان چهارراه رودکی ــ ۹۵۱۲۶۲
استادمطهری خیابان لارستان شماره۳۳ ــ ۸۹۷۷۰۸
استادنجات‌اللهی شمالی نرسیده به کریم‌خان‌زند شماره ۲۵۰ ــ ۸۹۱۹۸۱
نازی‌آباد خیابان پارس شماره ۱۹۶ ــ ۱/۱۹۶
خیابان‌ایران جنب‌کوچه زارع‌نژاد شماره۱۳۵ ــ۳۶۲۰۲۲
خیابان کمیل سه‌راه جیحون شماره ۶۶۲
خیابان‌دامپزشکی بین ۲۱ متری جی و جاده نظامی‌شماره ۱۲۱۰ ــ ۸۲۷۵۵۵
خیابان نظام‌آباد خیابان کهن شماره ۱۸۷
خیابان جمهوری اسلامی کوچه مسعودسعد شماره ۲۱ ــ ۶۷۶۱۱۳
خیابان هفت‌تیر خیابان نورزاد شماره ۷۴ ــ ۸۳۰۱۰۴
کوی گیشا ۳۰ متری نرسیده به پل بالاتر از بانک شماره ۱۲۶ ــ ۶۳۵۱۲۲
خیابان لاله‌زار نو کوچه یاسمین ساختمان میخک
نارمک خیابان پدرثانی شماره ۱۳۱
خیابان‌جمهوری‌اسلامی شماره۴۴۲ طبقه‌دوم ــ ۳۷۳۱۶۲

خیابان قصرالدشت بین امام خمینی و مالکاشتر شماره ۱۸۶
خیابان دکترعلی‌شریعتی مقابل دادسرای نظامی قصر شماره ۷۶۶ ــ ۸۳۰۵۸۱
خیابان بهار شماره ۲۲۹
خیابان شوش میدان غار جنب بانک ملی بلموند
خیابان جمهوری اسلامی اول اردیبهشت شماره ۱/۸۹ ــ ۶۶۰۶۶۹
خیابان جمهوری اسلامی جنب تولید دارو داخل کوچه شماره ۱۵۷
خیابان نظام‌آباد سه‌راه عظیم‌پور تعمیرگاه رادیو منصور
خیابان جوادیه ۲۰متری ایستگاه برق رادیو کرمانی‌شماره ۱۹۶ ــ ۵۵۸۲۴۰
خیابان شادمان جنب انبار کشاورزی ــ ۹۷۳۵۳۸
خیابان خزانه باغ آذری ۱۰ متری ابتدائی شماره ۷۹
خیابان دکتر شریعتی نرسیده به پیچ شمیران شماره ۳۶ــ ۵۷۵۵۷۹
خیابان‌قصرالدشت چهارراه بوستان سعدی رادیوالکترون ۹۵۴۲۴۰
خیابان پیروزی اول خیابان ۲۱ متری کوکاکولا شماره۳۷۰۰ ۳۱۸۳۸۸
خیابان تهران‌نو مقابل پمپ بنزین شماره ۵۸۴ صبا
خیابان لاله‌زار کوچه رفاهی شماره ۷۰ ــ ۳۹۱۶۲۷
خیابان انقلاب ایستگاه سرآسیاب گارنیک
خیابان سعدی جنب سینما ادئون شماره ۲۷۹ ــ۳۰۵۲۴۸
خیابان ۱۰متری جوادیه نرسیده به صالح‌نیا ۱/۲۷
خیابان‌سهروردی‌جنوبی شماره ۷۶ هاله ــ ۸۳۳۵۵۵
خیابان آشیخ هادی نرسیده به جمهوری پاساژ شهرزاد جهان ــ ۶۷۳۴۶۲
خیابان پشت شهرداری پاساژ فتوت طبقه سوم ۹۶ ــ ۳۱۴۷۱۲
خیابان حنیف‌نژاد چهارراه قوام شماره ۴۰۱
خیابان نواب چهارراه سالار شماره ۵۴۰ رادیو فرید
خیابان جمشیدآباد چهارراه نامدار شماره ۲۹۲
خیابان پشت شهرداری پاساژ فتوت طبقه سوم شماره ۹۱

خیابان دکترشریعتی مقابل انبارشرکت مخابرات قصر ــ شماره ۹۱۸ ــ ۸۴۳۵۹۳
خیابان سی‌متری نارمک بالاتر از فلکه هفت‌حوض ۵۷۳ ــ ۷۰۵۰۹۷
خیابان فرحزاد تقاطع پارک‌وی شماره ۶۱ ــ ۶۳۲۸۴۳
خیابان کارگر نبش حشمت‌الدوله ــ ۶۴۹۱۸۵
خیابان جمهوری بین جمشید و پیروز شماره ۵۰۰ ــ ۹۲۱۵۸۶
خیابان آذربایجان نرسیده به خوش ۹۹۹ ــ ۹۲۴۱۹۵
خیابان ری مقابل آموزشگاه حرفه‌ای ۱۳۸ ــ ۳۵۹۹۱۱
خیابان جوادیه ایستگاه حمام جنب حمام ــ ۷۹۱۳۱۸
خیابان نارمک خیابان مدائن ۱۸۲
خیابان جوادیه ۱۵ متری اول جنب دبستان پرورش ــ ۵۵۸۲۴۷
خیابان جمهوری (نادری) کوچه شاهرخ پاساژ سمیه ــ ۶۷۴۸۶۱
خیابان شوش جنب انبار قند شکر رادیو صبا
خیابان مهرآباد جنوبی ۱۲متری دامپروری شماره ۶۷ ــ ۹۶۱۳۲۸
خیابان انقلاب دبیرستان البرز رادیو راد ــ ۷۷۸۷۷۱
خیابان کریمخان زند مقابل ایرانشهر ــ ۸۲۷۵۸۶
خیابان وحدت اسلامی (حنیف‌نژاد) نرسیده به میدان وحدت اسلامی شماره ۹۵۶ ــ ۵۳۶۹۶۴
انتهای خیابان سهروردی زیر پل سیدخندان شماره ۱۰۸ ۸۳۶۱۱۷
نارمک ایستگاه سیدجنب بانک صادرات ــ کریستال ــ ۷۹۱۴۰۲
پشت شهرداری پاساژ فتوت طبقه هم‌کف شماره ۱۰
خیابان حافظ چهارراه عزیزخان اول جامی شماره ۹ ــ ۶۶۶۶۲۰
خیابان سعدی چهارراه سیدعلی خیابان هدایت نرسیده به صفی‌علیشاه ــ ۲۵۵ ــ ۳۹۱۰۷۱
خیابان خواجه نظام‌الملک شماره ۶۵۳
خیابان گرگاه ایستگاه روشنائی رادیو شرق
خیابان سنائی مقابل اجرائیات شماره ۹۲

خیابان سرباز چهارراه امامی شماره ۱۱۴ ــ ۷۶۸۹۷۱
خیابان گرگان شماره ۵۷ هویک ــ ۷۶۳۴۴۸
امامزاده حسن شهدا جنوبی شماره ۸۱۳
خیابان دکتر علی‌شریعتی دوراهی قلهک کوچه‌پرستان شماره ۳ ــ ۲۶۳۸۵۵
خیابان تهران‌نو ایستگاه مسجد شماره ۹۷۱ ــ ۷۹۳۰۸۰
انتهای زیباشهر ــ پاساژ سعید ــ ۹۴۰۹۹۲
خیابان پیروزی ایستگاه کوکاکولا شماره ۳۹۲ ــ ۳۴۲۴۰۵
خیابان‌وحدت اسلامی (حنیف‌نژاد) ابوسعید جنب بن‌ــ بست افشار شماره ۴۷ ــ ۵۳۰۵۱۲
خیابان توحید میدان توحید کوچه ۸ متری توحید شماره ۱/۱۴۸ ــ ۹۳۶۰۵۵
خیابان وحدت اسلامی بعد از تشکیلات ژاندارمری شماره ۴۵۰
خیابان ۱۷ شهریور ایستگاه خاقانی شاره ۱۳۸۴
خیابان سبلان شمالی بالاتر از شهریار شماره ۵۱۴
خیابان جمهوری نرسیده به میدن جمهوری رادیوپارس
خیابان پیروزی ایستگاه موتورآب شماره ۶۵۴
خیابان سهروردی شمالی ۲۰ متری منصور شماره ۱/۸
خیابان سهروردی جنوبی شماره ۱۷۵ ــ ۱۷۳
خیابان ۲۱ متری جی کارخانجات رادیو شهاب
خیابان ولی‌عصر چهارراه جمهوری پاساژآزاد طبقه سوم شماره ۳۶ ــ ۶۶۷۱۶۱
خیابان جمهوری کوچه نور بهار
خیابان دکتر علی شریعتی سه‌راه تخت‌جمشید (طالقانی) ناسیونال
خیابان شهید دکتر بهشتی خیابان دریای نور
مبارزان ساختمان جم داخل پاساژ شماره ۱ ــ ۸۲۴۴۳۳
سیدجمال‌الدین اسدآبادی ــ خیابان سی‌دوم ژوئن ۳ ــ ۶۲۷۱۷۰
۱۷ شهریور ــ جنب پمپ بنزین ــ آموزشگاه افشاری ۷۶۳۷۴۴ ــ ۷۶۷۷۳۸
مهران (مازندارن) ــ شماره ۳۷۴ ــ ۳۷۲ ــ ۷۶۴۸۹۹
خیابان انقلاب بعد از میدان فردوسی‌خیابان‌مازندران شماره ۳۶ ، ۲ ــ ۸۳۱۰۳۱ ــ ۸۲۰۴۸۶

امیریه روبروی فرهنگ شماره ۹۱۵
خیابان منوچهری چهارراه کنت شماره ۶۹ ـ ۳۰۲۹۷۷
جمهوری اسلامی ـ کوچه شاهرخ ـ پاساژ سعید ـ ۶۷۴۹۹۱
پشت شهرداری پاساژ فتوت طبقه سوم ـ ۳۱۰۷۰۶
سنایی نرسیده به میدان سنایی شماره ۵۲،۵۴ ـ ۸۲۸۲۴۷
خیابان شیروخورشید نرسیده به چهارراه عباسی ـ جنب داروخانه
جمهوری اسلامی بعد از سی تیر شماره ۴۴۲
خیابان آزادی نبش کارخانه شاوب‌لورنس
خیابان دکتر بهشتی ـ چهارراه مهناز شماره ۱۷۹ ـ ۱۷۷
خیابان جمهوری اسلامی ـ خیابان باستان نبش نشاط ـ ۹۲۱۲۳۴
سی‌متری کارگر ـ نرسیده به میدان قزوین شماره ۶۲۵
۱۲ کیلومتری آبعلی ـ کارخانه فیلیپس
خیابان جمهوری اسلامی ـ نبش همایون ـ شماره ۵۰۲ ـ ۶۷۸۵۰۰
نارمک ـ خیابان مهر ایستگاه مدرسه شماره ۲۰۵
نواب ـ چهارراه رضایی جنب کوچه فروردین شماره ۳۷۲
نیروی هوایی ـ صددستگاه ـ ده‌متری مهدیه شماره ۳
۱۶ متری مجیدیه ـ نرسیده به چهل‌وپنج متری شماره ۲۵۲
کارگر، نرسیده به چهارراه نصرت ـ کوچه پناه شماره ۴۴
۱۷ شهریور، خیابان عارف شماره ۱۹
جمهوری اسلامی، مقابل کوچه لاله، کوچه رم، شماره ۴

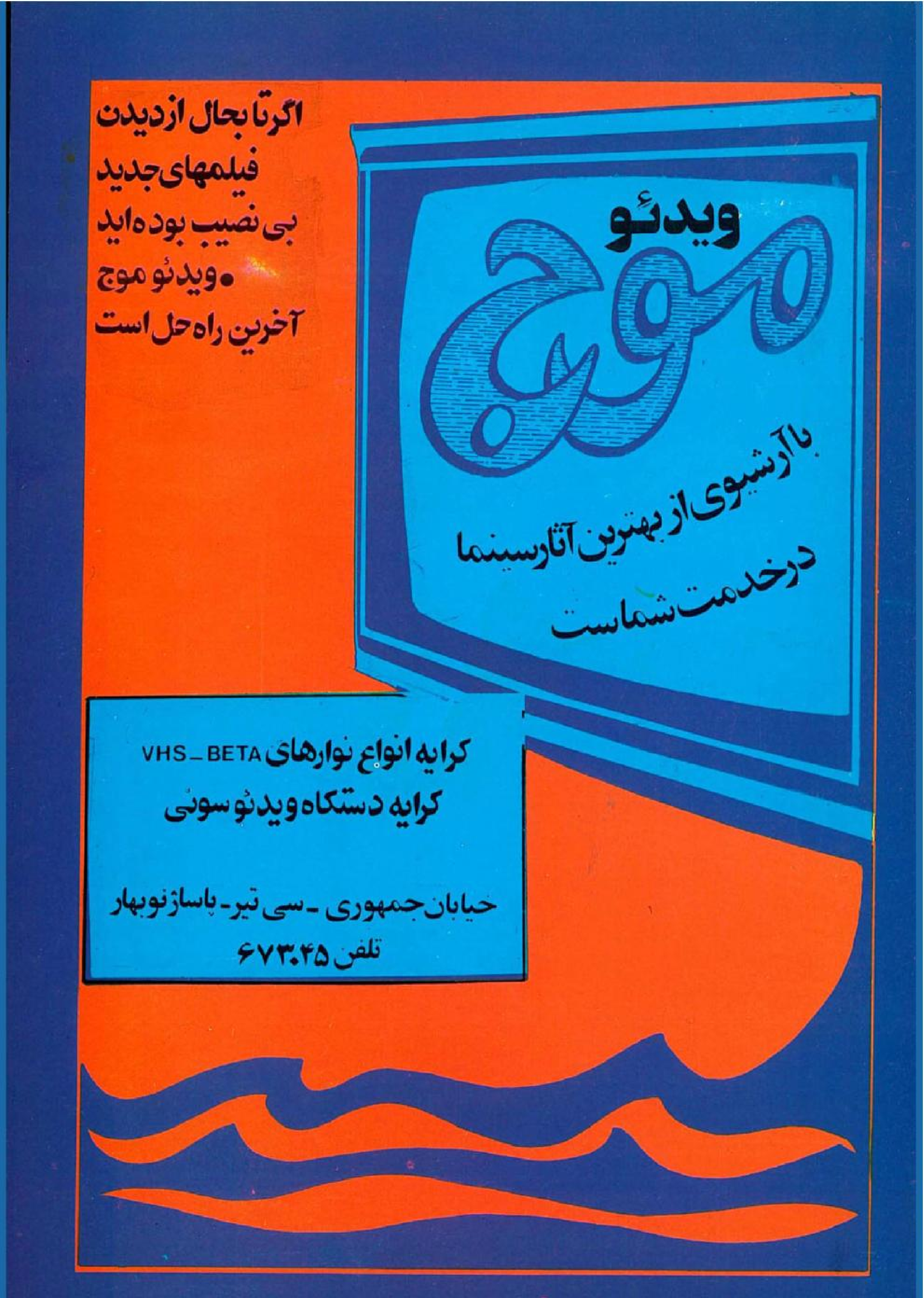
خیابن شریعتی چهارراه حقوقی ـ نرسیده به انقلاب ـ شماره ۱۹۵
جمهوری اسلامی نرسیده به همایون پاساژ گیو ـ طبقه دوم
حافظ بالاتر از شرکت نفت شماره ۵۰۴ ـ ۶۶۲۸۷۴
شریعتی ـ پل رومی خیابان قیطریه خیابان بوعلی شماره ۲۳۰ ـ ۲۷۱۸۳۰
فاطمی مقابل ستارخان شماره ۲۳۲، ۶۵۱۵۵۱ ـ ۶۵۳۰۳۰
نارمک پدر ثانی خیابان دوم شماره ۱۶۶ ـ ۷۳۱۸۹۰
ستارخان جنب کوچه بی‌نظیر شماره ۱۲۲ ـ ۱۲۰ ـ ۹۷۱۵۱۶
امام‌خمینی جنب باستیون رادیو الکترونیک ـ ۶۴۹۸۹۴
جاده مخصوص کرج ـ کیلومتر ۱۷ انتهای رنگین ۹۴۴۵۸۰ ۹۴۱۸۰۰
شهدا نبش حجت شماره ۸۰ ـ ۳۴۱۰۸۳
جمالزاده شمالی چهارراه نصرت شماره ۲۰۴
ستارخان روبروی نمازی سوم ۹۲۲۴۲۶
شهدا ایستگاه چهارصد دستگاه شماره ۱۱۴
۱۷ شهریور جنوبی، ده‌متری ولی‌عصر، چهارراه شقاقی
پشت شهرداری، پاساژ لباف، طبقه سوم شماره ۲۹
نادری، چهارراه سی‌ام تیر ـ پاساژ ایفل
خزانه، بین فلکه ۲ و ۳ شماره ۳۲۳
نازی‌آباد ـ خیابان پارس نرسیده به سرسبز شماره ۴۳۶
سی‌متری نارمک، شماره ۵۶

نشانی وتلفن اتحادیه‌ها

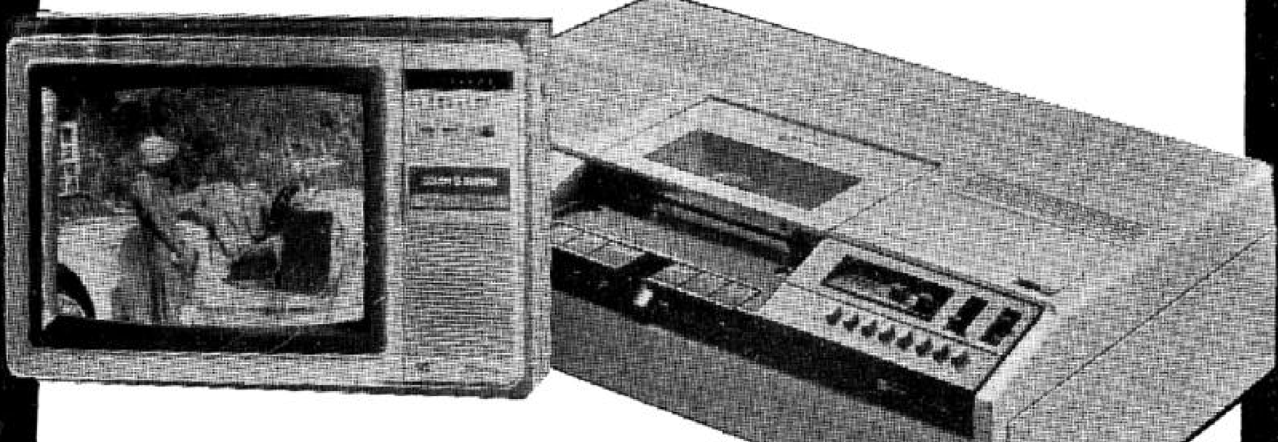
اتحادیه‌صنف تکثیر و توزیع‌کنندگان نوارهای مجاز ویدئو مطهری ـ ابتدای خیابان امیراتابک ـ جنب فروشگاه کودک طبقه دوم ۸۲۴۶۲۷

اتحادیه‌تعمیرکاران وسایل صوتی وتصویری فلسطین ـ نرسیده به بلوار کشاورز ـ ساختمان ۱۱۶ ۶۵۵۹۱۹

اتحادیه عکاسان خیابان ابوریحان، چهارراه مشتاق روبروی انتشارات ابوریحان ۶۶۰۸۲۴



اگر تا بحال از دیدن
فیلمهای جدید
بی نصیب بوده اید
• ویدئو موج
آخرین راه حل است
ویدئو
موج
با آرشیوی از بهترین آثار سینما
در خدمت شماست
کرایه انواع نوارهای VHS _ BETA
کرایه دستگاه ویدئو سونی
خیابان جمهوری - سی تیر - پاساژ نوبهار
تلفن ۶۷۳۰۴۵



نور

ویدئو
ویدئو
ویدئو
ویدئو
ویدئو
ویدئو
ویدئو

تولید و تکثیر نوارهای مجاز ویدئو

نمایش دهنده آثار برتر سینمائی با صدا و تصویر برتر

برنامه آینده ویدئو نور: خاموشی (جیم میچم) ● رئیس (گریگوری پک) ● و رویای مرگ

● خاموشی



● رویای مرگ



توجه: ویدئو کلوب آدینه "نور"، کلیه نوارهای مجاز سینما را در یک آلبوم نفیس تقدیم میدارد

تعمیرات کلیه انواع ویدئو پذیرفته می شود.

تهران ـ میدان ونک ـ خیابان گاندی ـ شماره ۷۲ تلفن: ۶۸۸۳۰۰

ویدئو سپید

(ویدیوسیتی) به پیروی از بخشنامه وزارت ارشاد اسلامی ، به (ویدئو سپید) تغییرنام یافت .





هرماه یک نوار مجانی برای هر ویدئو کلوب

تهران **شهرستان**

● مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ با کادر مجهز از ویزیتوران ورزیده، نوارهای کهنه و کم کار کلوب ـ داران محترم را جمع آوری کرده و جدیدترین فیلمهای کلیه استودیوهای تکثیری در ایران را بعد از ضبط در همان روز پخش همزمان به ویدئو کلوب شما میرسانند.

مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ برای جلب رضایت ویدئو کلوب‌های محترم مزایای زیر را درمقابل کلوب‌های تهران و شهرستانها اعلام میکند.

۱ ـ کلوب‌داران محترم که بطور فعال با این موسسه کار می‌کنند و کلیه فیلمهای جدید را توسط این موسسه تهیه می‌کنند هر ماه ضبط یک نوار مجانی دریافت میدارند (برای بتاماکس یک نوار برای یک نوار)

۲ ـ مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ برای ضبط هر ساعت نوار با سرویس ویزیتور حداقل قیمت را که ارزانتر از سایر مراکز است دریافت می‌کند.

۳ ـ بعلت رقابت ویزیتورهای مراکز پخش که منجر به جمع‌آوری زود هنگام نوار برای فیلم‌هائی که ۲ هفته الی ۲ ماه آینده عرضه خواهد شد، میگردد، استریو ۲۰۰۰ تنها اقدام به جمع آوری نوار برای فیلمهائی مینماید که طی همان هفته عرضه خواهد شد. این امر مسلما ضررناشی از خوابانیدن و بی‌ثمرگذاشتن نوار کلوب‌داران محترم را بهمراه نخواهد داشت.

۴ ـ مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ علاوه بر کلیه فیلمهای جدید که توسط تمام استودیوهای تکثیری درایران ارائه میشود هرماه ۲ فیلم دوبله شده برای اولین بار در ایران را بطور انحصاری فقط در اختیار کلوب‌دارانی که با این مرکز توزیع همکاری دارند میگذارد.

۵ ـ مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ برای تکمیل شدن آرشیو فیلمهای قدیمی کلوب‌داران محترم هر هفته ۲ فیلم قدیمی (تکراری) را که‌قبلا در بازاربوده از محصولات استودیوهای تکثیری مختلف را اعلام کرده و جمع‌آوری می‌کند.

۶ ـ از کلیه‌شهرستانها سفارش ضبط فیلم بر روی نوارهای ویدئو بی‌مصرف‌شان پذیرفته‌شده و با ضبط جدیدترین فیلمهای روز برایشان ارسال میشود.

۷ ـ مرکز توزیع استریو ۲۰۰۰ جدیدترین فیلمهای روز از کلیه استودیوهای تکثیری مختلف رادر روی نوار نو به قیمت‌تجارتی و ارزانترین قیمت بازار جهت کلوب‌داران (مشتری خود) تقدیم می‌کند.

خیابان میرداماد، میدان محسنی

تلفن ۲۲۶۴۶۹

موسسه صدا تصویر

برای اولین بار در ایران، نخستین برنامه ویدئوئی خود را به نمایش می‌گذارد.

بهارانه



با شرکت گروه‌کثیری از دست‌اندرکاران سینما، تلویزیون و تاتر ایران. ما با امکانات محدود و با توجه به ارشادات مسئولین محترم نظارت بر نوارهای مجاز ویدئو برای ساختن برنامه‌های ایرانی بدور از ابتذال نخستین برنامه تفریحی وانتقادی خود را تقدیم می‌کنیم.

بهارانه

با هنرنمائی : مهین دیهیم، شیده، روحی مهتدی، معصومه تقی‌پور، سوگند رحمانی، محسن فرید، نعمت‌گرجی منوچهر حامدی، محسن یوسف‌بیک، محمد ابهری، مهدی بهنام، ابوالفضل مطلق، هوشنگ صمدی، داود حیدری، محمدتقی شریفی، ضیاء قریشی، حافظ محمدی و... سرود ویژه بهارانه. تنظیم و اجرا حیدری

کار گروهی موسسه صدا تصویر

تکثیر و پخش از ویدئو سپید

خدمات ویدیو

سکام

Secam Video Services

عرضه کنندهٔ بهترین آثار سینمائی مجاز

- فیلمبرداری از مجالس به طریقه ویدیو
- تبدیل سوپر ۸ به نوار ویدیو
- تعمیر ویدیو و تلویزیون رنگی
- اجاره نوارهای مجاز ویدیو

با کیفیت عالی و سهلترین شرایط



ایران جام

عرضه کننده آثار برتر سینمائی، برگزیده ای از آثار سینمائی را تقدیم می کند.

Iran Jam

ایران جام

معرف بهترین ها در سینما



آنها به کوردوا می روند



مرد ۲ چهره



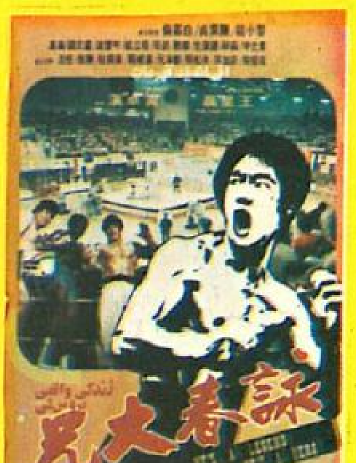
جائیکه عقابها می نشینند



انتقام کاپیتان بلاد



الماسهای یخ زده



افسانه یك قهرمان

تلفن دفتر مرکزی ۸۴۳۵۷۷

ویدئو

پیک

Peik

نمایش دهنده
آثار برجسته سینمائی جهان
گلچینی از بهترین آثار سینمائی را
تقدیم میکند



واسیلین وجادوگر

مخصوص کودکان



شاخ طلائی

مخصوص کودکان

ولی عصر، ابتدای فاطمی ساختمان ۲۹ طبقه ۶



سلطان و من
یول برینر ـ دبورا کر
برنده ۳ جایزه اسکار



بر باد رفته
کلارک گیبل ـ ویویان لی ـ لسلی ها وارد
برنده ۱۰ جایزه اسکار

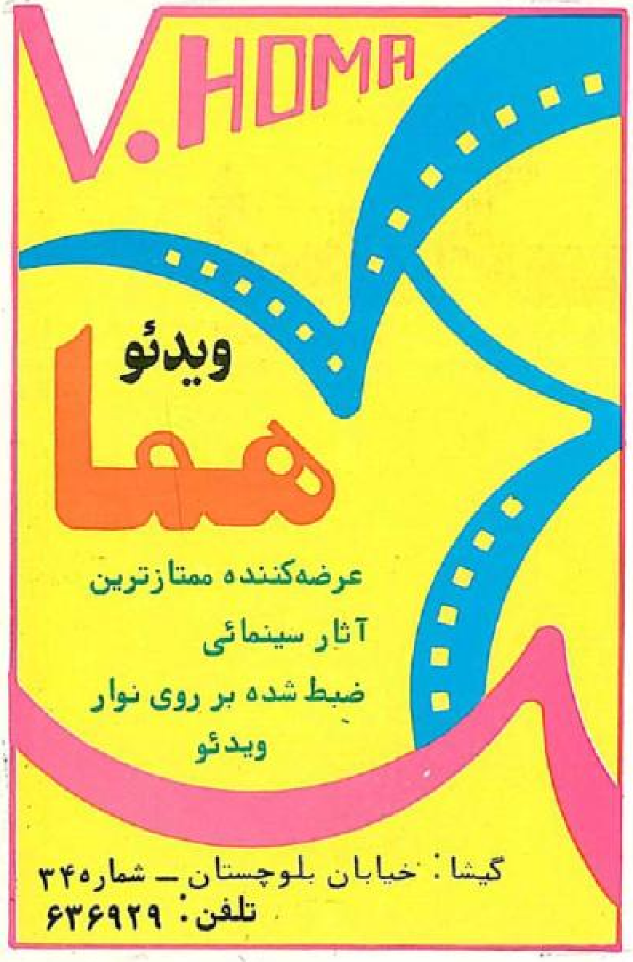
ویدئو
پیک

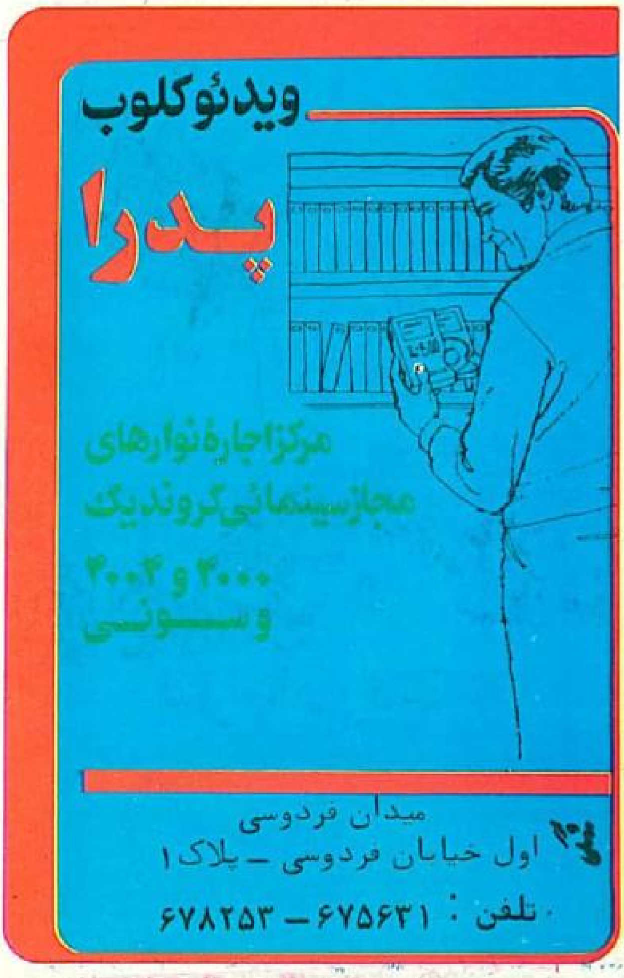
بعد از نمایش فیلمهائی چون :
تلفن ، دزدیکه برای شام آمد ،
مغز متفکر ، سقوط امپراطوری
همه مردان رئیس جمهور و ...
بزودی!

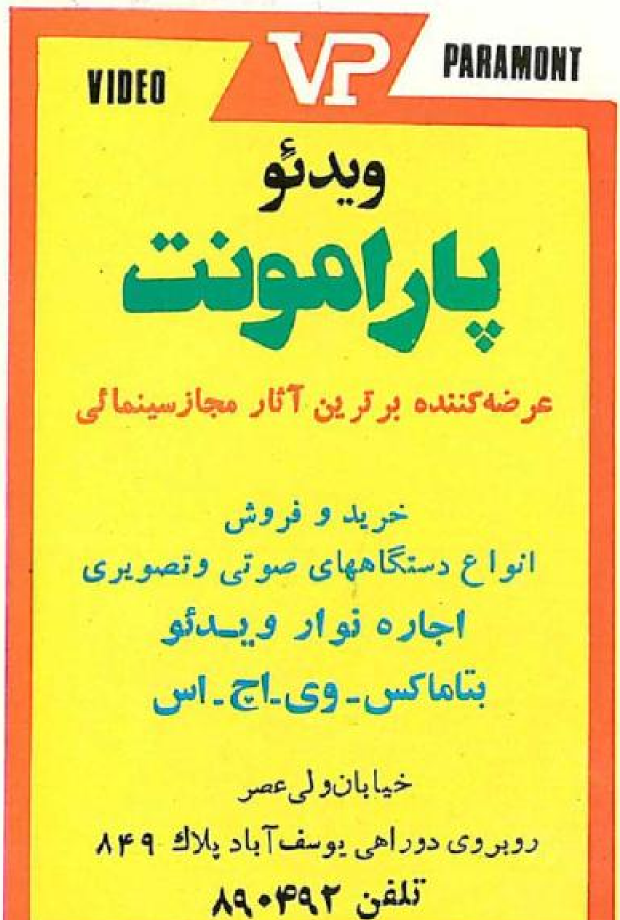
دیکتاتور کبیر
چارلی چاپلین (فیلم ناطق)
برنده یک جایزه اسکار

یوز پلنگ
آلن دلون ـ برت لنکستر
کلودیا کاردیناله
جولیانو جما


VIDEO PARISA
ویدئوکلوپ پریسا تلفن ۶۵۱۲۸۳
پریسا
اجاره و فروش فیلمهای مجاز ویدئو
تعمیرات ویدئو و تلویزیون رنگی
دکتر فاطمی – روبروی سه راه کاج جنب بانک سپه
طبقه اول
تلفن ۶۵۱۲۸۳


V.HOMA
ویدئو
هما
عرضه‌کننده ممتازترین
آثار سینمائی
ضبط شده بر روی نوار
ویدئو
گیشا: خیابان بلوچستان – شماره ۳۴۰
تلفن: ۶۳۶۹۲۹


ویدئوکلوپ
پدرا
مرکز اجاره نوارهای
مجاز سینمائی گروندیک
۲۰۰۰ و ۲۰۰۴
و سونی
میدان فردوسی
اول خیابان فردوسی – پلاک ۱
تلفن: ۶۷۵۶۳۱ – ۶۷۸۲۵۳


VIDEO
VP
PARAMONT
ویدئو
پارامونت
عرضه‌کننده برترین آثار مجاز سینمائی
خرید و فروش
انواع دستگاههای صوتی وتصویری
اجاره نوار ویدئو
بتاماکس - وی.اج.اس
خیابان ولی عصر
روبروی دوراهی یوسف آباد پلاک ۸۴۹
تلفن ۸۹۰۴۹۲


فرودگاه
برت لنکستر، دین مارتین
AIRPORT
BURT LANCASTER · DEAN MARTIN


THE MARSEILLE CONTRACT
توطئه در مارسی
مایکل کین، آنتونی کوئین، جیمز میسون


BRONSON BREAKOUT
تله مرگ: چارلز برونسون، جیل آیرلند، رابرت دووال


RANSOM
سه ثانیه به جهنم


ROLLERBALL
رولربال
جیمز کان



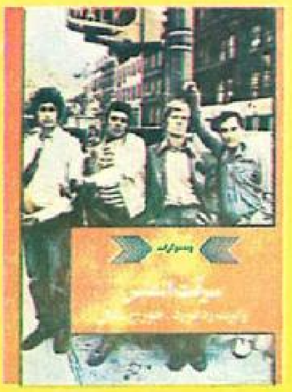

THE CHAMP
چمپ


LAWRENCE D'ARABIE

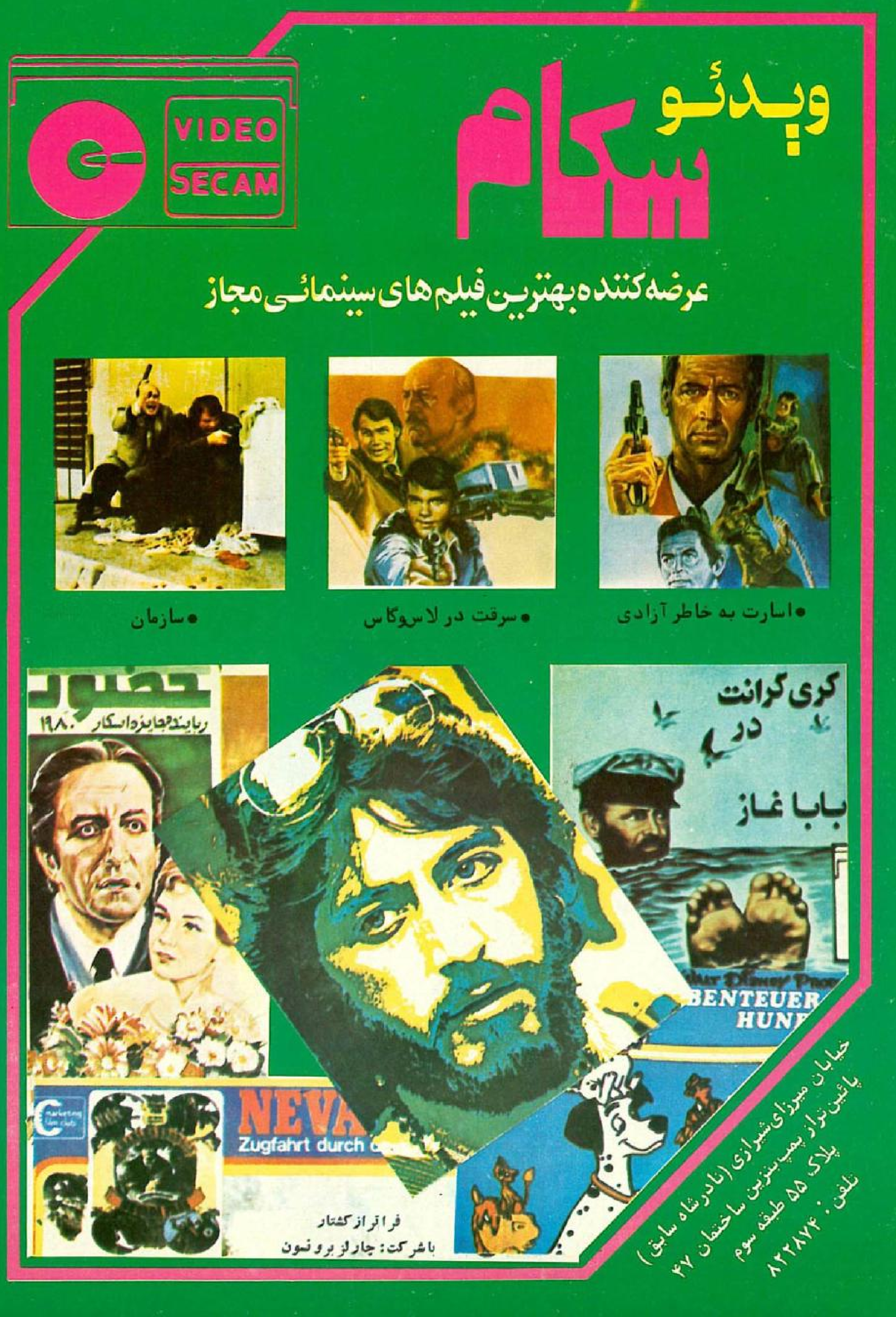

AGATHA CHRISTIE'S
MURDER ON THE ORIENT EXPRESS


OMAR MUKHTAR
LION OF THE DESERT


BURT LANCASTER-AUDREY HEPBURN
نابخشوده
برت لنکستر، ادری هپبورن



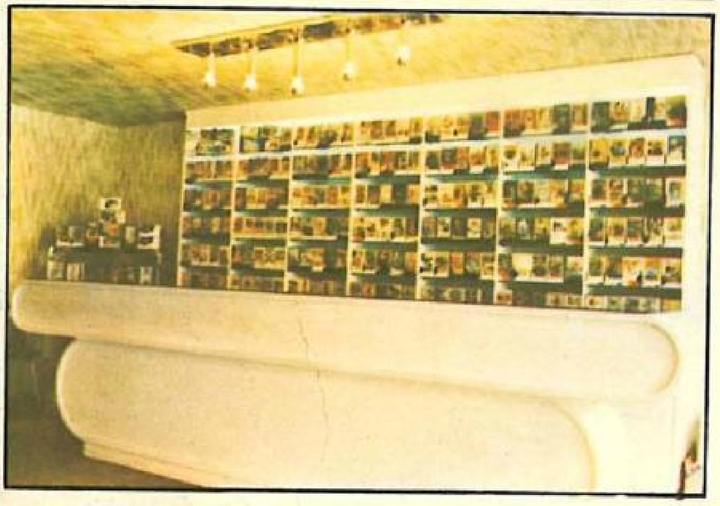

حادثه توماس کراون


VIDEO
SECAM
ویدئو
سکام
عرضه کننده بهترین فیلم های سینمائی مجاز
• اسارت به خاطر آزادی
• سرقت در لاس وگاس
• سازمان
ربایندهٔ جایزه اسکار ۱۹۸۰
کری گرانت
در
بابا غاز
BENTEUER
HUN
NEVA
Zugfahrt durch d
فرار از کشتار
با شرکت: چارلز برونسون
خیابان میرزای شیرازی (نادرشاه سابق)
پائین تر از پمپ بنزین ساختمان ۴۷
پلاک ۵۵ طبقه سوم
تلفن: ۸۲۲۸۷۴

Telesonic

• تلسونیک







• مرکز پخش و فروش
نوارهای مجاز ویدئو

17 NADER SHAH AVE. TEHRAN 15 IRAN
TELEPHONE: 830949 - 834265 CABLE. 453

میرزای شیرازی (نادرشاه سابق) — شماره ۱۷
تلفن ۸۳۰۹۴۹ و ۸۳۴۲۶۵

